

اتاق تبریز

نشریه اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تبریز
ویژه نامه بیست و هفتمین همایش ملی صادرات غیرنفتی ایران - آذر ۱۴۰۲



بیست و هفتمین همایش ملی
توسعه صادرات غیرنفتی ایران

۲۷

نجات صادرات غیرنفتی با نرخ ارز واقعی

The 27th

۲ آذر ۱۴۰۲ . تبریز . آمفی تئاتر پتروشیمی تبریز

Iran . Tabriz . 23 November 2023

IRAN National Conference on
Non-Oil Export Development

با آثار و گفتاری از:

یونس ژائله، مسعود بنابیان، رضا جعفری، قاسم قویدل، سید باقر شریفزاده، احد عظیمزاده، یونس اکبریور پایدار، بشیر جعفری، مهدی امینی، سید یوسف حسینی، امید اسمعیل ظفر، محمود نجفی عرب، صمد یوسفی اصل، محمد جواد امانی، علی عبداللهیان باروق، خورشید گزدرازی، قاسم رضائیان، بهرام آدرنگی، جواد علی پور، محمد ابراهیم نوشیروانزاده، ساسان نیکرفتار خیابانی، ساناز شهابی، سیده الهام سلامی، محمدسعید کریمزاده، منصور حیدری، یاشار آقاجانی رفاه، امین قاسمزاده، سهند شهبازی، سید ضیاء رضوی، افشین مهدی زاده، جعفر ساعی نیا، جواد باغبانپور




WhatsApp



اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تبریز
TZCCIM

روابط عمومی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تبریز

TZCCIM.IR
TZCCIM
041-35264113
041-35264115



بسم الله الرحمن الرحيم



اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تبریز
Tehran Chamber of Commerce, Industries, Mines and Agriculture

اتاق تبریز

نشریه اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تبریز

ویژه نامه بیست و هفتمین همایش ملی توسعه صادرات غیرنفتی - آذر ۱۴۰۲

صاحب امتیاز:

اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تبریز

مدیر مسئول:

مسعود بنابیان

سردبیر:

ساسان نیکرفتار خیابانی

همکاران:

ساناز شهابی، سیده الهام سلامی، سهند شهبازی،

محمدسعید گرمزاده، منصور حیدری، یاشار آقاجانی رفاه،

فرانک نوروزی، هادی ناصری، جعفر ساعی نیا، امین طبقی،

اولدوز اقدام ارسی، پری اشتری

عکس:

مریم یوسفی، مینا نوعی، بهزاد عزیزپور

نشانی:

تبریز، خیابان ارتش شمالی، شماره ۶۵، اتاق بازرگانی، صنایع،

معادن و کشاورزی تبریز

تلفن:

۳۵۲۶۴۱۱۱ (۰۴۱)

تلفن سفارش آگهی:

۳۵۲۶۴۱۱۳ - ۳۵۲۶۴۱۰۱ (۰۴۱)

وب سایت: www.tzccim.ir

تلگرام: @tzccim

اینستاگرام: @tzccim

توضیحات مجله:

نشریه اتاق تبریز از تمامی صاحبان اندیشه، و قلم در حوزه‌های

مربوطه مقاله می‌پذیرد. از ارسال کنندگان مطالب درخواست

می‌شود شرح کوتاهی از مشخصات فردی، سوابق علمی و

تحصیلی، سوابق اجرایی، تالیفات و ترجمه‌های خود را به

همراه عکس به نشانی ایمیل news@tzccim.ir ارسال کنند.

آراء و نظرات چاپ شده در نشریه لزوماً بیانگر دیدگاه نشریه

اتاق تبریز نیست.

نشریه اتاق تبریز در ویرایش مطالب دریافتی آزاد است.

سخن مدیرمسئول

سرکوب نرخ ارز تأثیری در کنترل تورم یا رفاه آحاد مردم داشته است؟

سخن سردبیر

لازمه‌های توسع صادرات غیرنفتی؛ تک‌نرخ شدن ارز، تعامل با دنیا و بهره‌مندی از کریدورها

یادداشت رئیس اتاق بازرگانی تبریز

اکنون وقت قوی شدن است

دیدگاه اتاق‌های بازرگانی سراسر کشور

رئیس اتاق بازرگانی تهران

رئیس اتاق بازرگانی زنجان

رئیس اتاق بازرگانی اهواز

رئیس اتاق بازرگانی اردبیل

رئیس اتاق بازرگانی بوشهر

رئیس اتاق بازرگانی رشت

دبیر اتاق بازرگانی خرم‌آباد

گزارش مرکز پژوهش‌های اتاق بازرگانی تبریز

پایش عوامل موثر بر صادرات غیر نفتی

چرا ارز باید تک‌نرخ باشد!؟

پیمان سپاری ارزی از نگاه هیئت نمایندگان اتاق بازرگانی تبریز

موانع و مشکلات ارزی از نگاه صادرکنندگان آذربایجان شرقی

گفتگو با صادرکنندگان نمونه

شرکت ارس تارلا امیر

شرکت شکوه بناب

میزگرد چالش‌ها، موانع و راهکارهای توسعه صادراتی

گفتگو و مقالات

اعمال نرخ ارز واقعی، لازمه افزایش حجم تجارت خارجی

گفتگو با مدیر گروه علوم سیاسی دانشگاه تبریز

گفتگو با استاد اقتصاد دانشگاه پرلند آمریکا

پیمان سپاری ارزی

جنبه سوداگری ارز در ایران بسیار قوی است

تأثیر نرخ ارز واقعی در افزایش میزان صادرات غیرنفتی

پیامدها و عوارض ارز چندنرخ در حوزه صادرات کشور

۱۲ راهکار نجات صادرات غیرنفتی در کشور با نرخ ارز واقعی

تأثیر رشد صادرات بر اقتصاد کشورهای در حال توسعه

اتاق تبریز در گذر روزگار

فلاکت و بدبختی حاصل دخالت دولت در تجارت

معرفی مرکز آنلاین شتاب کسب‌وکارهای صادراتی

کریدور شمال جنوب

جایگاه ترانزیتی و لجستیکی استان آذربایجان شرقی

تبریز-آذربایجان، مرکز هاب لجستیکی منطقه

کارگو هوایی، پیوند جهانی تجارت

گزارش میزهای تجاری استان آذربایجان شرقی

۲۶ دوره همایش ملی توسعه صادرات غیرنفتی

یادبود مرحوم دکتر محمد باقر صدیقی

دکتر محمدباقر صدیقی که بود؟

تبریز را داووس ایران خواهیم کرد

محصولات کیفی، صادرات و مالیات سکوی توسعه ایران

۲

۳

۴

۷

۱۱

۱۵

۱۷

۱۹

۲۰

۲۲

۲۴

۳۱

۳۴

۴۲

۴۵

۴۶

۴۷

۵۱

۵۴

۵۸

۶۰

۶۴

۶۶

۶۷

۶۹

۷۰

۷۵

۷۷

۸۰

۸۳

۸۵

۸۷

۹۱

۹۹

۱۰۰

۱۰۱

" سخن مدیر مسئول "



مسعود بنابیان
نائب رئیس اتاق بازرگانی تبریز

رفع تعهد ارزی با نرخ واقعی یا نرخ دستوری؟

صادرات را از بین می‌برد و در عمل صادرکنندگان شناسنامه‌دار و صاحب هویت از صحنه صادرات حذف می‌شوند. حتی افراد غیر شناسنامه‌دار که فاقد دفاتر و صورت‌های مالی حسابرسی شده هستند هم، مجبورند برای رفع تعهد ارزی مبلغی بین ۳ تا ۵ هزار تومان برای رفع تعهد ارزی به واردکنندگان طلا پرداخت کنند.

سیاست‌ها و دستورالعمل‌های غیرواقع‌بینانه بانک مرکزی و مرکز توسعه تجارت در مورد نحوه رفع تعهد ارزی موجب پیدایش یک چرخه اقتصادی و مالی غیر شفاف و تا حدودی زیرزمینی شده است که خود در زمینه نگهداری دفاتر رسمی و دستورالعمل‌های پولشویی، موجب به‌وجود آمدن مشکلات عدیده حقوقی و حسابداری شده و در نهایت موجب می‌شود فعالان اقتصادی عطای صادرات را به لقایش بخشیده و وارد حوزه غیر شفاف و بازار سیاه خطرناک نشوند.

اگر نیت سیاستگذار را در سرکوب نرخ ارز و غیر واقعی نگه داشتن آن در راستای حمایت از آحاد مردم، قشر مصرف‌کننده یا کنترل تورم بدانیم، باید دید بعد از گذشت سال‌ها، آیا این سیاست‌ها کمکی به کنترل نرخ تورم یا رفاه آحاد ملت کرده است؟! اکنون که چندین سال از اقتصاد چندنرخ‌ی ارز در ایران گذشته است، چیزی جز تورم، درآمد سرانه پایین، GDP غیر قابل قبول حاصل شده است؟ پس می‌توان نتیجه گرفت، تثبیت نرخ ارز، راهی برای قرار گرفتن در سیر رفاه نسبی نیست و این امر از طریق ارتباط با اقتصاد دنیا و به‌مرور زمان ممکن است.

در طول سال‌های متمادی که جلسات مختلف و پرتعداد در خصوص مشکلات اقتصادی اعضای اتاق و فعالان اقتصادی، در اتاق بازرگانی حضور داشتیم، یک فصل مشترک تقریباً در تمامی مشکلات مطرح شده وجود دارد که ریشه و عامل اصلی آن «اقتصاد دستوری» است و در تمام موارد در ریشه‌یابی اکثر موانع تولید، تجارت و صادرات به فصل مشترک «اقتصاد دستوری» می‌رسیم که چندین دهه است که علی‌رغم تغییر انواع دولت‌ها و وزرا با بینش‌های سیاسی متفاوت، در صحنه سیاست‌های اقتصادی، در بر همان پاشنه معیوب اقتصاد دستوری چرخیده است. اینک می‌توان با اطمینان گفت که تا زمانی که در کلان اقتصاد، تغییر نگرش و استراتژی اتفاق نیفتد، با تغییر دولت‌ها وزرا و رؤسای بانک مرکزی، اتفاق خاصی در اقتصاد کشور نخواهد افتاد.

موثرترین مولفه اقتصاد دستوری کشور، در تثبیت دستوری نرخ ارز نمود پیدا می‌کند. در حال حاضر عمده مشکلات صادرات کشور بنا به اظهار صادرکنندگان شناسنامه‌دار و واقعی بخش خصوصی، پیمان‌سپاری ارزی و رفع تعهد ارزی است که با واکاوی، مشخص می‌شود، مشکل در برگشت ارز یا پیمان‌سپاری ارزی نیست، بلکه مشکل واقعی در «نرخ ارز» برگشتی است که صادرکننده را موظف می‌کند، ارز را ۲۰ تا ۳۰ درصد زیر قیمت بازار به سامانه‌های مختلف واردکنندگان واگذار کند. ۲۰ تا ۳۰ درصد تفاوت نرخ ارز بین واقعیت بازار و حوزه تأمین مواد اولیه، با نرخ دستوری بانک مرکزی برای رفع تعهد ارزی، توجیه اقتصادی برای



ساسان نیک‌رفتار خیابانی

لازمه‌های توسعه صادرات غیرنفتی؛ تک‌نرخی شدن ارز، تعامل با دنیا و بهره‌مندی از کریدورها

کشورهای پیرامون و جهان، در تمامی عرصه‌ها دست به تعامل بزنیم. نرخ ارز را از چند نرخ به تک‌نرخ تبدیل کنیم و به تدریج این نرخ را از حالت سرکوب خارج سازیم و همپا با جهان و برای رونق چرخ‌های اقتصادی کشور به پیمان‌های بزرگ جهانی همچون FATF بپیونددیم.

باید با استفاده از ظرفیت‌های ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک کشور و منطقه - که کم هم نیستند - در کریدورهای بین‌المللی نقشی فعال ایفا کنیم. تبریز و آذربایجان در این میان به دلیل قرار گرفتن در موقعیت ویژه‌ی سوق الجیشی و قرار گرفتن در مسیر جاده ابریشم از گذشته نقش مهمی در حوزه تجارت داشته است و اینک نیز می‌تواند به مرکز هاب کشور تبدیل شود، چراکه جزو معدود نقاطی است که در چهارراه کریدورهای شمال - جنوب و شرق - غرب قرار گرفته است. ما باید از اهمیت کریدورها نهایت استفاده را بکنیم و از تحولات منطقه از جمله درگیری‌های منطقه‌ی شام و مسدود شدن بندر حیفا و جنگ روسیه و اوکراین استفاده کنیم.

همچنین تحریم‌های روسیه، بهترین فرصت است برای اینکه نیض حمل و نقل بزرگترین انبار غله‌ی دنیا را به دست بگیریم و به جای ترکیه، بتوانیم به مجری انتقال غلات روسیه به دریاهای آزاد در جنوب و اروپا و آفریقا تبدیل شویم و در کنار بهره‌مندی از امتیازات حمل و نقل و کلیدداری انتقال غلات روسیه، امنیت غذایی کشور را نیز از این نظر تامین کنیم.

لذا لازمه‌ی توسعه‌ی صادرات غیرنفتی کشور، ارتباط و تعامل سازنده با دنیا است. نمی‌توان با کشورهای دیگر قطع ارتباط کرد، اما از آنها خواست تا در راستای تامین منافع کشور ما حرکت کنند. با واقعی شدن نرخ ارز، هم سرمایه‌گذار و هم ارز به سهولت وارد کشور می‌شوند. برای این مهم، باید بتوانیم به سیستم‌های بانکی بین‌المللی وصل شویم. همچنین برای نقش آفرینی در تجارت جهانی و گشایش بازارهای منطقه‌ای و جهانی باید در کریدورهای بین‌المللی حضور جدی پیدا کنیم. در این صورت کریدورها نیز می‌توانند در حوزه بین‌المللی ایفای نقش کنند و با بهبود شرایط می‌توان امنیت غذایی کشور را فراهم کرد. همچنین با ایجاد رونق و اعتماد و اطمینان در میان بازار و جامعه، می‌توان از تک‌نرخ شدن ارز به سمت نرخ ارز واقعی گام برداشت.

مطابق نظام کارکردگرایی ساختاری پارسونزی، جامعه متشکل از ۴ نظام اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است. هر جامعه‌ای برای استمرار کارکرد و حفظ نظام، نیازمند ایجاد تعادل بین اجزای خود است. توجه بیش از حد به یکی از اجزای نظام یا بی‌توجهی و سرکوب یکی از آنها، می‌تواند تعادل نظام را بهم بزند.

متأسفانه یکی از آسیب‌های مدیریت کشور، بی‌توجهی به حفظ تعادل چهار نظام مزبور است. این چهار نظام به عنوان اعضای اصلی ساختارمند یک جامعه یا به‌مثابه اعضای اصلی یک خانواده هستند که توجه زیاد، یا بی‌توجهی به این اعضا، پیکربندی کل نظام را با مخاطره مواجه می‌کند.

تخصیص نظام یارانه‌ای در حوزه‌ی انرژی، نان و ... یا پرداخت یارانه‌ی مستقیم به مردم، یا اجرای پیمان‌سپاری ارزی به روش فعلی و چند نرخ بودن ارز، در حالی که کشور انجام می‌شود که در صورت تخصیص یافتن این مبالغ به مباحث زیرساختی چون نوسازی ناوگان حمل و نقل عمومی، تکمیل و تصحیح مسیرهای حمل و نقل ریلی و جاده‌ای می‌توانست مایه‌ی ثمرات درازمدت و اصولی برای کشور باشد.

اختراع دوباره‌ی چرخ در زمانه‌ای که به مدد انقلاب‌های گوتنبرگی و صنعتی و عصر اطلاعات، شاهد انباشت علم و اطلاعات هستیم، کاری عبث است. امروز به مدد همین اطلاعات، از تجربه‌ی شکست‌خورده‌ی بسیاری از کشورها در اجرای روش فعلی تخصیص یارانه‌ها و پیمان‌سپاری ارزی به روش چندنرخ بودن ارز آگاه هستیم.

فشار شدید به نظام اقتصادی، از ترس آشفتگی در نظام اجتماعی، تنها، راه‌حلی کوتاه‌مدت است که به مثابه‌ی سوپایی عمل می‌کند که سوپاپ اطمینان و پایداری نیست. دیر یا زود این روش، دیگر پاسخگو نخواهد بود و فشار مجموعه‌ی روش‌های مدیریتی غلط، در حوزه‌ی اقتصاد خود را نشان خواهد داد.

بنابراین بیش از هر زمان دیگر باید به علم‌باوری بهاء دهیم و با واقعیت‌های دنیای امروز مواجه شویم. در قرن بیست و یکم، و در روزگار موسوم به دهکده‌ی جهانی، خط‌کشی‌ها، مرزبندی‌ها و تحریم‌ها و ... معنا ندارد. باید با



اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تبریز
AMUL CHAMBER OF COMMERCE, INDUSTRY, MINES AND AGRICULTURE



یونس ژائله رئیس اتاق تبریز:

اکنون وقت قوی شدن است

حقیقت چیز دیگریست، ما نباید سیاه‌نمایی کنیم. نباید فراموش کنیم که اکنون در حال جنگ اقتصادی هستیم. واقعیت این است که دشمن در هیچ زمینه‌ای شوخی ندارد. بلایی که رژیم اشغالگر قدس سر مردم غزه آورد، خود بیانگر این قضیه است.

با این حال قانون طبیعت در این دنیا می‌گوید که باید قوی باشی و لازمه‌ی قوی بودن توانمندی است. البته اقتصاد ایران قدرتمند است ولی باید بیش از این قوی شود. به‌همین منظور باید برنامه و نقشه‌ی راه داشته باشیم. این نقشه‌ی راه می‌تواند شامل تاکتیک‌ها، تکنیک‌ها، روش‌ها، دستورالعمل‌ها و برنامه‌های آموزشی باشد. خوشبختانه دولت سیزدهم نیز نگرش مثبتی

همایش صادرات غیر نفتی از سال ۱۳۷۴ با محوریت اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تبریز برگزار شده است. طی ۲۶ دوره برگزاری این رویداد، توجه و اهمیت به صادرات غیرنفتی در میان مسئولان دولتی و فعالان بخش خصوصی افزایش یافته است. یک زمانی اگر کسی به ارزش یک میلیون دلار صادرات انجام می‌داد، رقم بزرگی به نظر می‌رسید اما اکنون ۶۰ میلیارد دلار صادرات انجام می‌دهیم و در ظاهر کار خاصی هم انجام نداده‌ایم، این نشان می‌دهد اقتصاد ما بزرگ شده است و صادرات ما روند رو به رشد داشته است. مهم این است که وضعیت شرکت‌های تولیدی ما نسبت به گذشته از لحاظ درآمدی بهتر شده است، ما به گلابه کردن عادت کرده‌ایم، اما

نسبت به فعالان اقتصادی دارد و برعکس سایر دولت‌ها به دنبال کاهش وابستگی به غرب است و به نظر من این اقدام خوبی است. چندین سال دنبال برجام رفتیم و نتیجه‌ای نگرفتیم، اکنون بهتر است، قدرتمند و محکم کار خودمان را انجام دهیم تا آنها دنبال ما بیفتند. اکنون وقت قوی شدن است، ما باید ببینیم صادرات چگونه می‌تواند قوی شود، در این زمینه باید نقاط ضعف را شناسایی و موانع را برطرف کنیم. در دهه‌های قبل درآمدهای نفتی باعث شد که اقتصاد ایران با افزایش و کاهش آن دچار نوسان شود و به همین دلیل نیز اهمیت چندان‌ی به صادرات غیر نفتی و تولید و تجارت در ایران در راس سیاستگذاری داده نشده است. از نظر خیلی از سیاستگذاران، اقتصاد ایران یعنی نفت و لاغیر. به همین علت نیز برجام نتوانست برای کشور موفقیت‌آمیز باشد. هدف اصلی این بود از طریق برجام، نفت کشور به فروش برسد و درست به همین علت نیز دشمنان کشور، نفت ایران را تحریم کرده‌اند و با توجه به نیازهای خودشان اجازه تحریم و رفع تحریم به اقتصاد ایران را صادر می‌کنند. این تفکر باید تغییر یابد، مزیت ایران تنها نفت نیست و باید به سایر مزیت‌های اقتصادی خود نیز توجه کنیم. اگر نقشه راه صحیحی برای صادرات و تجارت ایران ترسیم شود، ما به راحتی قادر خواهیم بود که اقتصاد متنوع داشته و بتوانیم از پس مشکلات عظیمی که دشمنان بر ما وارد می‌کند، برآییم. کشور ما از لحاظ اقتصادی به شدت مستعد سرمایه‌گذاری است و اگر فرصت و بستر لازم فراهم شود، مطمئناً همگی از آثار مثبت سرمایه‌گذاری برخوردار خواهیم شد. مسئله امنیت سرمایه‌گذاری در کشور یکی از پاشنه آشیل‌های اقتصاد است و باید امنیت آن تضمین شود. در راستای تضمین سرمایه‌گذاری باید تعاملات بین‌المللی کشور افزایش یابد و از هر فرصت کوچکی برای بهره‌مند کردن اقتصاد استفاده شود.

حلقه‌ی گمشده‌ی اقتصاد ایران، لجستیک قوی است

همانگونه که اشاره شد، اقتصاد ایران مزیت‌های قابل توجهی دارد که یکی از این برتری‌ها، قرارگیری در یکی از بهترین موقعیت‌های جغرافیایی جهان است و تقریباً همه قاره‌ها و مسیرهای تجارت را به هم‌دیگر پیوند می‌دهد. همین مزیت نیز به دلیل عدم برنامه‌ریزی دقیق و نبود نقشه راه مناسب

● ● ●
به جرات می‌توان گفت که حلقه‌ی گمشده‌ی اقتصاد ایران، بحث لجستیک قوی است. ما در این زمینه دارای مشکل اساسی هستیم، در صورت نبود شرکت‌های بزرگ حمل و نقل، ما هر چقدر محصولات خوبی تولید کنیم، نمی‌تواند خوب و مناسب به بازار مقصد برسد.

تجارت نتوانسته است، برای کشور مفید باشد. به جرات می‌توان گفت که حلقه‌ی گمشده‌ی اقتصاد ایران، بحث لجستیک قوی است. ما در این زمینه دارای مشکل اساسی هستیم، در صورت نبود شرکت‌های بزرگ حمل و نقل، ما هر چقدر محصولات با کیفیت تولید کنیم، نمی‌تواند خوب و مناسب به بازار مقصد برسد. این در حالی است که ما در مرکز منطقه‌ی قفقاز واقع شده‌ایم. کریدور شمال به جنوب قفقاز در طول تاریخ از موقعیت استراتژیکی برخوردار بوده و تبریز به عنوان والی قفقاز و مرکز ولایت قفقاز؛ به‌عنوان مرکز تجارت و نقل منطقه بوده است. قفقاز پتانسیل‌های زیادی از جمله؛ دامداری سبک، دامداری سنگین، هاب غلات و... دارد.

ما باید دنبال وصل حلقه‌های لجستیک زمینی، دریایی و هوایی باشیم و این مهم باید از استراتژی‌های اصلی توسعه‌ی سال آینده کشور باشد. پیشنهاد ما به دولت ساخت کشتی‌سازی در بنادر شمال کشور و تقویت آن با همراهی بخش خصوصی است. دولت باید خط کشتیرانی مخصوص حمل کالا از بنادر ایران به سمت کشورهای آفریقای تاسیس کند. همچنین در کنار تقویت کریدور زمینی، می‌توانیم از طریق راه‌آهن جلفا محصولات سایر کشورها را فرآوری کرده و به کشورهای نظیر عراق، عربستان، دبی، کویت و... صادر کنیم.

همواره قرار نیست ما خودمان محصولی را تولید کنیم، بلکه می‌توانیم به دلیل قرار گرفتن در موقعیت تجاری ویژه محصولات تولیدی سایر کشورها را فرآوری کرده و به نقاط دیگر ارسال کنیم. تولید بدون سرمایه یا کارخانه، در حال حاضر از برنامه‌های روز دنیا است و نوعی بی‌زینس به‌شمار می‌رود.

همچنین لازم است در شیوه‌ی تولید و تجارت محصولات کشاورزی تجدید نظر کنیم. نیاز است شرکت‌های جهانی بسازیم که برای اقتصاد کشور توسعه‌آفرینی کنند، ثروت بزرگی در دنیا وجود دارد و ما نیز ظرفیت خوبی داریم. با این حال وضعیت سرمایه‌گذاری ما در دنیا به شدت ناچیز است و اصلاً قابل توجه حتی نسبت به همسایگان هم نیست. ما می‌توانیم حداقل چندین زنجیره تولید کنیم که زمینه را برای توسعه و بزرگ کردن اقتصاد ایران فراهم کنند. پس از این مرحله و دیدن نتیجه می‌توان بقیه‌ی مراحل را پیش برد. در اینجا لزوم ایجاد شرکت‌های بزرگ کاملاً ضروری است،

تا کشاورزان بتوانند تحت نظارت آنها به صورت قراردادی محصولات مورد نیاز را تولید کنند. در این صورت شاهد تشکیل زنجیره‌ی تولید و توزیع در حوزه‌ی محصولات کشاورزی خواهیم بود.

ما باید با ایجاد فضای امید، دولت را کنار واحدهای تولیدی و صادراتی بکشیم تا سال آینده سالی پررونق داشته باشیم.

گمرک از ظرفیت بخش خصوصی استفاده کند

موضوع بعدی کارگوی هوایی هست که در این زمینه نیز شاهد هستیم که اقدامات خوبی انجام شده است، تبریز و آذربایجان باید به مرکز هاب کشور تبدیل شود اما هوپیمایی نداریم که بتواند محصولات با ارزش یا محصولات فسادپذیر را در اسرع وقت به کشورهای مقصد برساند.

نبود زیرساخت‌های گمرکی از دیگر مشکلات ما است، در این زمینه باید مشکلات ناشی از نبود زیرساخت در گمرکات استان از جمله صف‌های طولانی رفع شود. کجای دنیا کامیون حمل بار ۱۸ روز در صف گمرک و پشت مرزها منتظر می‌ماند؟ این یک جنایت است نه تجارت!

در این زمینه با امضای توافق‌نامه‌های مرزی با کشورهای همسایه، نوبت‌دهی آنلاین، اصلاح سیستم رسیدگی، نصب تجهیزات پیشرفته‌تر و جذب نیروی انسانی ماهرتر می‌توان تا حدودی فرایندها را تسریع کرد. همچنین گمرک می‌تواند از ظرفیت بخش خصوصی برای افزایش کیفیت خدمات‌رسانی استفاده کند.

منابع را در جهت حضور بازرگانان در بازار جهانی تخصیص دهیم

در بُعد تامین مالی، صندوق ضمانت صادرات، بانک توسعه صادرات و بانک مرکزی باید گزارش بدهند که چه تسهیلاتی به صادرکنندگان اعطا کرده‌اند. زمانی که می‌خواهیم صادرات رشد کند، باید منابع را طوری ترتیب بدهیم که صادرکنندگان قوی‌تر شده و برای حضور در بازارهای جهانی آماده شوند.

این بحث به شدت برای کشور ما ضروری است. شاید به دلیل وجود ضعف در سیستم مالی است که وضعیت مناسبی در حوزه تولید و صادرات به چشم نمی‌خورد. اگر منابع به سمت فعالیت‌های غیرمولد سرازیر شود، تورم به وجود آمده و کارهای انجام شده در زمینه‌ی تولید و تجارت و صادرات جلوه نخواهد کرد. امروزه در جهان مشخص کردن اولویت‌بندی تسهیلات برای اعتبار، کار چندان

سختی نیست. اگر بانک‌های تجاری بر اساس تشکیلات تولیدی کارآفرینان اقدام به تخصیص اعتبار کنند، نه تنها بستر برای کنترل تورم فراهم می‌شود، بلکه تولید تقویت شده و سایر مشکلات کشور نیز حل می‌شود. رفع این چالش در سیستم مالی اقتصاد ایران ضروری است و لازم است برای این کار اقدام مناسبی صورت پذیرد.

دغدغه‌ی اصلی ما، نحوه‌ی اجرای پیمان سپاری ارزی است

الان در کشور ترکیه دولت از افرادی که از هر طریقی ارز به کشور وارد کنند، حمایت می‌کند، اما این کار در کشور ما نوعی قاچاق محسوب می‌شود. امروز منابع ارزی ما به دلیل عدم امنیت سرمایه‌گذاری به وفور در سایر کشورها پراکنده شده است، اما اگر سرمایه‌گذاران اطمینان حاصل کنند که هیچ مانع و تهدیدی در کشور برای سرمایه‌هایشان وجود ندارد، دوباره دارایی‌های خود را به ایران بازمی‌گردانند. خوشبختانه مشکلات رفع تعهد ارزی در حال حل شدن است. البته ما با بحث پیمان‌سپاری مشکلی نداریم، بلکه دغدغه‌ی اصلی ما نحوه‌ی اجرا و بازگرداندن آن به کشور است. ما با نرخ دستوری مخالفیم.

بطور کلی بحث پیمان‌سپاری ایده‌ی خوبی است که از جانب دولت مطرح شده است. با این حال، با اشکالاتی همراه است که اگر رفع شوند بسیاری از مشکلات تجارت کشور حل خواهد شد. مشکل اصلی در بحث پیمان‌سپاری ارزی، اعلام نرخ ارز توسط دولت است. مطرح کردن نرخ که به شدت رقابت‌پذیری صادرکنندگان را تضعیف می‌کند، منجر به چالش‌آفرین شدن پیمان‌سپاری ارزی می‌شود. همه صادرکنندگان خود را موظف می‌دانند که ارز صادراتی را به کشور وارد کنند، منتهمی وقتی که نرخ بازگشت ارز سبب می‌شود تا میزان سودآوری آن‌ها کاهش یابد، صادرات جذابیت خود را از دست می‌دهد. اگر اجازه داده شود که نرخ ارز بازار آزاد به عنوان نرخ پیمان‌سپاری تعیین شود، میزان ارزآوری توسط صادرکنندگان افزایش یافته و می‌توان برای ایجاد ثبات در بازار ارز بهره برد. از سوی دیگر اگر نرخ پیمان‌سپاری کمتر از مقدار واقعی خود تعیین شود، تقاضا برای واردات افزایش یافته و بعد از چند دوره فشار مضاعف برای افزایش نرخ ارز وارد می‌کند. این کار مشکلات ارزی کشور را بیشتر کرده و تجارت را با چالش‌های اساسی مواجه می‌کند.

● ● ●

نبود زیرساخت‌های گمرکی از دیگر مشکلات ما است، در این زمینه باید مشکلات ناشی از نبود زیرساخت در گمرکات استان از جمله صف‌های طولانی رفع شود. کجای دنیا کامیون حمل بار ۱۸ روز در صف گمرک و پشت مرزها منتظر می‌ماند؟ این یک جنایت است نه تجارت!



اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران

TEHRAN CHAMBER OF COMMERCE,
INDUSTRIES, MINES AND AGRICULTURE



محمود نجفی عرب؛ رئیس اتاق بازرگانی تهران:

سوء مدیریت ارزی

مشکلات صادرکنندگان را بیش از پیش کرده است



مطابق نمودار ۱، درصد صادرات غیرنفتی ایران از کل صادرات از ۴۷/۴٪ در سال ۲۰۱۸ به ۷۷/۱٪ افزایش پیدا کرده است. این مهم نشان می‌دهد که علیرغم اینکه

• تحریم‌های اقتصادی اعمال شده علیه اقتصاد ایران، چه تأثیر مخربی بر رشد صادرات غیر نفتی ایران داشته است؟

پس از پیروزی انقلاب با شکوه اسلامی، جمهوری اسلامی ایران همواره آماج تحریم‌های ظالمانه از سمت دُول غربی بوده است. این تحریم‌ها هر ساله نسبت به سال قبل افزایش یافته و اثرات سوء خود را بر اقتصاد و معیشت ملت ایران گذاشته است. با این وجود آمارهای به دست آمده از پایگاه داده TradeMap^۱ نشان می‌دهد که طی سالیان اخیر، آمار صادرات غیرنفتی ایران افزایش یافته است. نمودار زیر این موضوع را نشان داده است.

۱. با توجه به اینکه آمار رسمی صادرات نفت جمهوری اسلامی ایران محرمانه و غیرقابل دسترس است، آمار واردات کشورهایی که از ایران نفت خام (کد تعرفه ۲۷۰۹) خریداری نموده‌اند از آمار کل صادرات ایران کسر شد تا حدود آمار صادرات غیرنفتی کشور مشخص شود.

● وجود چند نوع نرخ ارز چه تأثیری بر رشد صادرات غیرنفتی دارد؟

نرخ ارز عامل مؤثری در تجارت خارجی است. به طوری که بر اساس آمار تغییرات نرخ ارز در بازارهای غیررسمی و تغییرات در میزان صادرات غیر نفتی، ارتباط معنادار $0.76+$ وجود دارد. این تغییرات برای چندسال اخیر (با تکیه بر داده‌های موجود در پایگاه Trade Map و وبسایت طلاچارت) در نمودار ذیل، نمایش داده شده است. نمودار ۳ نشان می‌دهد که افزایش نرخ ارز، با افزایش صادرات غیرنفتی همراه بوده است. بنابراین، دستکاری در این نرخ می‌تواند اثرات قابل توجهی بر روند صادراتی داشته باشد. از طرف دیگر چنانچه فعال اقتصادی اعم از تولیدکننده، واردکننده و صادرکننده، نتوانند نسبت به پیش‌بینی وقایع آینده، نگاه درست و مبتنی بر تحلیل بر اساس داده‌های مستند داشته باشند، روند افزایشی صادرات می‌تواند با مشکلات همراه شود. به طور مثال اگر یک واردکننده مواد اولیه در اثر تعدد بخشنامه‌های تأمین ارز و تفاوت‌های چشمگیر میان انواع نرخ‌های ارز رسمی و غیررسمی نتواند در خصوص قیمت‌گذاری کالای وارداتی خود تصمیم بگیرد، تولیدکننده استفاده کننده از این مواد اولیه نیز در برنامه تولید و قیمت‌گذاری خود دچار مشکل می‌شوند. این زنجیره باعث می‌شود تا در نهایت هر دوی این افراد بالاترین قیمت ممکن را به منظور پوشش ریسک‌های ناشی از تغییرات در نرخ‌های متفاوت ارز در نظر بگیرند. در نتیجه، قیمت کالای تمام شده برای صادرکننده با افزایش ناگهانی مواجه خواهد شد. این افزایش ناگهانی می‌تواند منجر به وارد شدن شوک به بازار هدف صادراتی و در نتیجه کاهش تمایل مشتری خارجی به خرید از صادرکننده ایرانی یا کاهش رغبت این مشتری به عقد قرارداد بلندمدت با این صادرکننده شود.

فلذا شرایط قابل پیش‌بینی ناشی از تک‌نرخ بودن ارز حتی در صورتی که با افزایش نرخ ارز همراه باشد، صدمات کمتری به نسبت تعیین انواع نرخ ارز و ایجاد اشکال‌های ساختاری در شیوه تأمین آن دارد.



تحریم‌ها اثرات قابل توجهی بر کیفیت زندگی شهروندان داشته‌اند، اما موجب شده‌اند که توجه حاکمیت و بخش خصوصی، به صادرات غیر نفتی بیشتر از پیش شود. از آنجایی که یکی از اهداف اصلی تحریم‌کنندگان، کاهش دسترسی ایران به بازارهای نفتی است، این تغییر استراتژیک نشان می‌دهد که وابستگی به این نوع از صادرات کاسته شده و در نتیجه تنوع بازارهای هدف صادراتی (از حیث تنوع در محصولات صادراتی) برای کشور، بیشتر شده است.

● نرخ ارز چه تأثیری بر رشد صادرات غیرنفتی ایران دارد؟

در برخی مواقع، کاهش عمده ارزش پول ملی توسط سیاست‌گذاران (به ویژه بانک مرکزی) می‌تواند به عنوان مشوق صادرات برای تولیدکنندگان داخلی شود. از آنجایی که ارزش پول ملی ایران در طی سالیان اخیر در قیاس با دلار به نسبت کشورهای همسایه پایین‌تر بوده است، لذا اطلاعات آماری مبین افزایش صادرات غیرنفتی به تناسب افزایش قیمت دلار بوده است. نمودار زیر نشان دهنده‌ی حدود تغییرات قیمت ارز و حدود تغییرات صادرات غیرنفتی ایران به نسبت سال پایه ۲۰۱۸ است.



نمودار ۲ نشان می‌دهد که افزایش نرخ ارز با افزایش صادرات همراه بوده است. حتی پس از شیوع بیماری کووید-۱۹ در اوایل سال ۲۰۱۹ که ایران با کاهش تولیدات داخلی (و جهانی) و به طبع آن کاهش صادرات مواجه شد، افزایش نرخ ارز به عنوان یک محرک توانست همچنان باعث افزایش صادرات غیرنفتی شود. نکته حائز اهمیت این است که افزایش نرخ ارز چنانچه به عنوان یک سیاست حاکمیتی به منظور تشویق صادرات باشد، می‌بایست در مدت محدود اعمال شود و همچنین با ایجاد سایر بسترهای مشوق فعالیت اقتصادی و صادراتی، به صورت پیوسته به سمت نرخ تعادلی و آزاد، هدایت شود تا از صدمات آتی آن بر کل اقتصاد و معیشت مردم، جلوگیری شود.

این مهم مبین این است که چه در ایران و چه در سایر نقاط جهان، چنانچه ارزش پول ملی نسبت به ارز مرجع یعنی دلار آمریکا کاهش پیدا کند، می‌تواند در صورت وجود بسترهای تولیدی و صادراتی مناسب، منجر به افزایش صادرات شود. اما چنانچه این کاهش ارزش پول ملی، با زیرساخت‌های فنی، ملموس و ناملموس مناسب همراه نباشد، نه تنها موجب تقویت چشم‌گیر صادرات نمی‌شود، بلکه می‌تواند موجبات مشکلات اقتصادی داخلی برای یک کشور را نیز، به همراه داشته باشد.

• نبود سیستم بانکداری کارآمد (تعاملات محدود با سیستم بانکداری جهانی)، چه تأثیری بر صادرات غیرنفتی ایران دارد؟

بدیهی است که لازمه‌ی تجارت چه از نوع وارداتی و چه از نوع صادراتی، دسترسی به شبکه مناسب بانکی بین‌المللی است. نبود چنین دسترسی منجر به ۱- افزایش هزینه مبادلات بازرگانی، ۲- کاهش دسترسی به منابع مالی، ۳- افزایش ریسک طرف خارجی برای معامله با طرف ایرانی، ۴- افول قدرت چانه‌زنی تاجر ایرانی در بازارهای جهانی، ۵- کاهش مزیت قیمتی محصولات ایرانی در بازارهای جهانی و امثالهم شده و به تدریج صادرات ایران با کاهش در ارزش، مواجه می‌سازد. با مقایسه آمار موجود میان دو کشور ایران و ترکیه در IMF بین سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۲۱، نمودار ذیل به دست می‌آید. در این نمودار ارزش صادراتی سال ۲۰۰۵ ایران به عنوان مبنای مقایسه تعیین شده است.

همانطور که در نمودار ۵ پیداست، ترکیه به عنوان یک اقتصاد باز و آزاد (به نسبت ایران) که دسترسی مناسبی به شبکه جهانی بانکی دارد، در سال ۲۰۰۵ به میزان ۳۱ درصد بیشتر از ایران صادرات داشته است. ایران در سال ۲۰۲۱ به نسبت سال ۲۰۰۵ خود، تنها ۲۷ درصد رشد در صادرات را تجربه کرده است. این در حالی است که در همین بازه زمانی، صادرات ترکیه به نسبت ایران در سال ۲۰۰۵، به میزان ۵ برابر بیشتر شده است. این نمودار به خوبی مبین تأثیرات سیاستگذاری صحیح اقتصادی و صادراتی در رشد



• کاهش ارزش پول ملی چه تأثیری بر رشد صادرات غیرنفتی دارد؟

همانطور که در سؤال شماره (۲) بدان اشاره شد، چنانچه کاهش ارزش پول ملی یک سیاست حمایتی در خصوص صادرات باشد، می‌تواند در یک بازه زمانی محدود، موجبات رشد آن را فراهم آورد. اما چنانچه این کاهش ارزش پول تبدیل به یک بیماری اقتصادی شود، می‌تواند موجب عواقب ناگواری شود. برخی از این عواقب عبارتند از: ۱- کاهش پیش‌بینی‌پذیری فضای اقتصادی برای فعالان اقتصادی، ۲- افزایش قاچاق معکوس، ۳- کاهش سرمایه‌گذاری جدید به علت افزایش هزینه سرمایه‌گذاری، ۴- افزایش قیمت مواد اولیه وارداتی صنایع و ۵- احتمال افزایش تورم داخلی برای مصرف‌کننده نهایی. در این خصوص تجربیات جهانی نیز وجود دارد. به طور مثال با مقایسه آمار موجود در پایگاه‌های OECD^۲ و IMF^۳ میان دو کشور ترکیه و آرژانتین در خصوص ارزش صادراتی کالاهای دو کشور که هر دو با کاهش ارزش پول در برابر دلار آمریکا مواجه بودند، نمودار زیر به دست می‌آید.



نمودار ۴ نشان می‌دهد که در سال ۲۰۰۵ میلادی اختلاف میان نرخ ارز (یک دلار آمریکا) در میان دو کشور ترکیه و آرژانتین، تفاوت زیادی نداشته است. به صورت پیوسته به خصوص از سال ۲۰۱۶ اختلاف میان این دو نرخ ارز در تبدیل به یک دلار آمریکا افزایش چشمگیر یافت. در همین نمودار مشخص است که کاهش ارزش لیر ترکیه در مقابل دلار آمریکا، تأثیر بسزایی در ارزش کالاهای صادراتی این کشور داشته است. همچنین در این نمودار مشخص است که نرخ لیر ترکیه در سال ۲۰۲۱ حدود ۶/۶ برابر این نرخ در سال ۲۰۰۵ شده و نظیر آن صادرات ترکیه در سال ۲۰۲۱ به نسبت سال ۲۰۰۵ میلادی حدود ۳/۱ برابر شده است. در همین بازه زمانی نرخ پسونی آرژانتین حدود ۸/۳۲ برابر و ارزش صادرات آن تنها حدود ۱/۹۳ برابر شده است.

2. Organisation for Economic Co-operation and Development
3. International Monetary Fund



پول‌ها برای افزایش سرمایه‌گذاری شوند. کشورهای اطراف نه تنها مشوق‌های خوبی برای تولید و بازرگانی در اختیار سرمایه‌گذاران قرار می‌دهند، بلکه با فراهم آوردن شرایط اقتصادی قابل پیش‌بینی، به رغبت سرمایه‌گذاران برای ورود به این بازارها، دامن می‌زنند.

با مراجعه به بخش ارزی و بسایت وزارت خزانه‌داری و مالی ترکیه و ورود به قسمت "قانون در مورد حمایت از ارزش پول ترکیه (Law Regarding the Protection of the Value of Turkish Currency)" ذیل بند ۹ آن مشاهده می‌شود که قانون گذار گفته است: "درآمد حاصل از صادرات باید آزادانه ترتیب داده شود. وزارتخانه مجاز است در صورت لزوم مقررات مربوط به بازگرداندن عواید صادراتی را وضع کند". در همین خصوص در تاریخ ۴ سپتامبر ۲۰۱۸ این وزارتخانه یک مقرر به منظور مدیریت بازگشت ارز حاصل از صادرات تدوین نمود که بازه اجرایی آن را برای ۶ ماه پس از تصویب آن تعیین کرد. ضمن آن تعیین مهلت ۱۸۰ روزه (۶ ماهه) برای بازگرداندن ارز حاصل از صادرات، اختیارات مناسبی برای صادرکنندگان دیده شده بود. مهم‌ترین این اختیارات عبارتند از: ۱- امکان بازگرداندن ارز به شکل لیر یا سایر ارزها، ۲- بازگرداندن ارز به شکل نقد، ۳- بازگرداندن ارز به شکل اعتبارات اسنادی، ۴- بازگرداندن ارز در مقابل کالا، ۵- وجود فرصت ۲۴ ماهه برای انجام شدن صادرات‌هایی که با پیش‌پرداخت همراه است و ۶- فروش ارز به بانک‌های ترکیه و بستن حساب صادراتی. این مقرر به شفاف و با بیانی شفاف و کوتاه، تکلیف قانونی مربوط به صادرکنندگان در این بازه زمانی محدود را تعیین نموده و در آن برای هیچ صادرکننده‌ای شرایط خاص در نظر نگرفته است. چنین مواردی را می‌توان به عنوان یکی از بسته‌های لازم برای توسعه صادراتی یک کشور، در نظر گرفت.

صادراتی دو کشور را نشان می‌دهد. در نمودارهای قبلی نشان داده شد که ترکیه، ایران و آرژانتین، هر ۳ با کاهش ارزش پول ملی در مقابل دلار مواجه بودند؛ اما، ترکیه در این میان با داشتن زیرساخت مناسب توسعه‌ی تولید و بازارهای جهانی (بر خلاف آرژانتین) و دسترسی مناسب به شبکه بانکی جهانی (برخلاف ایران) برنده‌ی میدان صادراتی بود.

● پیمان‌سپاری ارزی به شکل کنونی چه تأثیری بر وضعیت صادراتی کشور داشته است؟

این شیوه از مدیریت ارز حاصل از صادرات گرچه در ظاهر به نفع اقتصاد کشور و رشد صادرات است اما در باطن خود اشکالاتی دارد. یکی از مهم‌ترین این اشکالات کاهش میل صادرکنندگان به صادرات به علت تعدد در بخشنامه‌ها و تبعیض‌های موجود در این زمینه است. صادرکنندگان بسیاری هستند که همچنان در زمینه رفع تعهدات ارزی مرتبط به سال‌های قبل خود دچار اشکال هستند. از آنجایی که فشارهای ناشی از تحریم‌های ظالمانه و نبود دسترسی مناسب به شبکه بانکی جهانی نیز، گریبانگیر صادرکنندگان به عنوان سربازان جبهه اقتصادی و ارزی کشور است، لذا مشکلات داخلی ناشی از سوءمدیریت ارزی از جمله مبحث پیچیده‌ی پیمان‌سپاری ارزی نیز، مزید بر علت شده و مشکلات را بیش از پیش می‌کند.

یکی دیگر از تبعات این شیوه مدیریت ارز، خروج سرمایه از کشور است. در برخی موارد ممکن است برخی با تعیین ارزش محصول وارداتی خود بیش از مقدار واقعی و نیز برخی دیگر با تعیین ارزش کالای صادراتی خود کمتر از ارزش واقعی آن، به نحوی بخشنامه‌ها را دور زده و ارز را از کشور خارج نمایند. گفتنی است که در همین هنگام اقتصادهای آزادتر در اطراف ایران، می‌توانند مقصد این



رئیس اتاق بازرگانی زنجان:

چند نرخ بودن ارز

نارضایتی تولیدکنندگان و تجار را به همراه داشته است



صمد یوسفی اصل؛ رئیس اتاق بازرگانی زنجان، پاسخگوی سوالات ویژه‌نامه اتاق تبریز با محوریت «واقعی شدن نرخ ارز» بوده است. در ادامه این گفتگو را می‌خوانید:

• تحریم‌های اقتصادی اعمال شده علیه اقتصاد ایران چه تأثیر مخربی بر رشد صادرات غیر نفتی ایران داشته است؟

به طور کلی شدت تحریم‌ها تأثیر منفی و معنی‌داری بر صادرات غیرنفتی داشته و افزایش شدت تحریم‌ها از طریق تحریم مبادلات پولی و بانکی، تحریم بیمه‌ی کشتیرانی، تحریم کالاها و... موجب اختلال در امر صادرات می‌شود و می‌تواند موارد ذیل را به همراه داشته باشد:

کاهش دسترسی به بازارها: تحریم‌ها ممکن است باعث محدود شدن دسترسی به بازارهای جهانی شود و این می‌تواند رشد صادرات غیر نفتی را کاهش دهد.

افزایش هزینه‌ها: به دلیل تحریم‌ها، هزینه‌های صادرات ممکن است افزایش یابد، از جمله هزینه‌های

حمل و نقل و بیمه. این مسئله می‌تواند رقابت‌پذیری کالاهای ایرانی را کاهش دهد.

مشکلات مالی و بانکی: تحریم‌ها ممکن است باعث بروز مشکلات مالی و بانکی شوند و تبادلات مالی بین کشورها را کم کنند، که می‌تواند تأثیرات منفی بر رشد صادرات داشته باشد.

تتش‌های سیاسی: تحریم‌ها ممکن است منجر به بروز تنش‌های سیاسی شود که تجارت بین‌المللی را تحت تأثیر قرار داده و به عوامل ریسک‌زایی اضافی منجر شود.

تحریم‌ها با ایجاد موانع بر سر راه ارتباطات مالی ایران با کشورهای که مقصد صادراتی هستند و در حوزه‌های غیرنفتی مانند صادرات محصولات کشاورزی، صنعتی، معدنی، فنی مهندسی، انتقال دانش فنی و بهبود تکنولوژی

و... ریسک تجاری را برای کشورهایی که با ایران مبادله دارند، افزایش داده و بر اقتصاد و صادرات ایران تأثیر گذاشته است.

از دیگر تحریم‌هایی که تأثیر بر رشد صادرات محصولات غیر نفتی دارد، تحریم دانش فنی است که سبب کاهش قدرت رقابت با رقیب شده و از لحاظ کیفیت، تکنولوژی و رعایت استانداردهای روز و... تولیدکنندگان از سایر رقبای عقب افتاده و در نتیجه بازار جهانی محصول را صادرکننده از دست داده و سبب رشد صادرات می‌شود.

• نوسانات نرخ ارز چه تأثیری بر رشد صادرات غیر نفتی ایران دارد؟

تأثیرات نوسانات نرخ ارز بر رشد صادرات شامل موارد زیر است:

(الف) ارتباط معکوس با نرخ ارز: عموماً وقتی نرخ ارز (ریال ایران) ارزش کمتری نسبت به ارزهای خارجی پیدا می‌کند، کالاهای ایرانی برای خارج از کشور جذاب‌تر و ارزان‌تر می‌شوند، که می‌تواند رشد صادرات غیرنفتی را تشویق کند.

(ب) افزایش درآمد از صادرات: نرخ ارز پایین‌تر می‌تواند باعث افزایش درآمد از صادرات شود، زیرا درآمدهای دریافتی از فروش کالاها در ارزهای خارجی به ارز ملی تبدیل می‌شود.

(ج) رقابت‌پذیری صادرات: نرخ ارز پایین‌تر می‌تواند به تولیدکنندگان ایرانی کمک کند تا در بازار جهانی رقابتی‌تر باشند و بیشترین سهم از بازارها را به خود اختصاص دهند.

(د) تعادل نرخ ارز: تعادل مناسب در نرخ ارز می‌تواند به ترقی صادرات غیر نفتی کمک کند و از تخریب ارزش ریال جلوگیری کند. همچنین باید توجه داشت که نرخ ارز تحت تأثیر عوامل مختلفی نظیر سیاست‌های پولی و مالی دولت، تقاضای جهانی برای کالاها، تحریم‌ها و شرایط اقتصادی عمومی قرار دارد. بنابراین، تأثیرات نرخ ارز بر رشد صادرات غیر نفتی ایران با توجه به شرایط فعلی متغیر و پیچیده است.

• وجود چند نوع نرخ ارز در یک اقتصاد چه تأثیری در فرایند صادراتی آن کشور دارد؟

چند نوعی بودن نرخ ارز در کشور، موجب نارضایتی تولیدکنندگان و تجار شده است. تولیدکنندگان اذعان دارند که بیش از نیمی از هزینه‌های تولید از طریق نرخ ارز بازار آزاد تأمین می‌شود. این در حالی است که تولیدکنندگان کالاهای صادراتی باید نرخ حاصل از صادرات خود را در سامانه‌ی نیما به فروش برسانند و یا از طریق واردات در مقابل صادرات، تعهدات ارزی خود را ایفا نمایند. نرخ پایین فروش ارز در سامانه‌ی نیما موجب عدم رغبت تولیدکنندگان به صادرات شده است؛ و فروش ارز حاصل از صادرات در سامانه‌ی نیما

که تفاوت فاحشی با نرخ بازار آزاد دارد، برای تولیدکنندگان صرفه‌ی اقتصادی ندارد. نرخ پایین ارز در سامانه‌ی نیما و همچنین روال پیچیده و سختگیرانه واردات در مقابل صادرات، موجب کاهش انگیزه‌ی صادرات در کشور شده است. اکثر فعالان این حوزه چه خصوصی‌ها و چه حتی دولتی‌ها معتقدند در صورت وجود یک نرخ برای ارز، تمام این مشکلات رفع می‌شود. نه نیاز به سازوکارهای پیچیده برای رفع تعهدات ارزی است و نه اقتصاد کلان در نهایت با مشکل مواجه خواهد بود.

تأثیرات مهم ویژگی‌های نرخ‌های ارز مختلف بر فرایند صادراتی در ذیل آورده شده است:

(الف) تفاوت نرخ ارز رسمی و نرخ ارز غیررسمی: این تفاوت می‌تواند کسب و کارهای غیررسمی را تشویق به فعالیت در بازار سیاه کند و در نتیجه، صادرات غیر قانونی و عدم شفافیت در فعالیت‌های صادراتی را افزایش دهد.

(ب) نرخ ارز تثبیت شده: وجود نرخ ارز تثبیت شده توسط دولت ممکن است باعث ایجاد تفاوت بین قیمت داخلی و قیمت خارجی محصولات شود. این موضوع می‌تواند به کاهش رقابت‌پذیری محصولات صادراتی و کاهش تقاضا برای آنها منجر شود.

(ج) نرخ ارز پالنگ: در برخی اقتصادها، نرخ ارز پالنگ (نرخ ارز ثابت برای خرید و فروش بخشی از ارز) وجود دارد. این تدابیر ممکن است برای حفظ استحکام و تعادل نظام اقتصادی به کار گرفته شود، اما ممکن است باعث محدود شدن دسترسی به ارز خارجی و کاهش توان رقابتی در بازارهای جهانی شود.

(د) نرخ ارز رسمی: نرخ ارز رسمی ممکن است توسط دولت تعیین شده و معمولاً توسط کمیته‌های مربوط به نرخ ارز کنترل می‌شود. این نرخ معمولاً برای کالاهای اساسی و نیازهای اساسی کشور استفاده می‌شود و معمولاً پایدار است. تأثیرات آن بر فرایند صادراتی به توقف و تنظیم ارتباط می‌یابد.

(ه) نرخ ارز آزاد یا بازاری: این نرخ توسط بازار تعیین می‌شود و به عنوان نرخ ارز خارجی اشاره می‌شود. نرخ ارز بازاری ممکن است متغیر و نسبت به تقاضا و عرضه تغییر کند. این نرخ ممکن است برای صادرات غیر نفتی جذاب‌تر باشد، زیرا کمک به افزایش رقابت‌پذیری کالاها کند.

(ن) نرخ ارز آزاد تعاملی: این نوع نرخ ارز توسط بازار تعیین می‌شود، اما ممکن است تحت تأثیر مداخلات محدود دولت باشد. این نوع نرخ ارز تنظیماتی را تحت عنوان مکمل‌هایی برای تنظیم نرخ ارز رسمی ارائه می‌دهد. این نوع نرخ می‌تواند برای کالاهای غیر نفتی تجاری جذاب باشد. تأثیرات این نوع نرخ‌ها بستگی به شرایط مختلف اقتصادی و تجاری دارند و می‌تواند به تعادل فرایند صادراتی

کشور کمک کنند یا در برخی موارد موجب تفاوت‌های نوعی در معاملات تجاری شوند. به علاوه، مهم است که این نرخ‌ها تطابقی با اهداف و سیاست‌های اقتصادی کشور باشند و در معاملات تجاری با دیگر کشورها قابلیت پذیرش داشته باشند.

● کاهش ارزش پول ملی چه تاثیری بر رشد صادرات غیر نفتی دارد؟

بر اساس مباحث تئوریک، کاهش ارزش پول ملی یک کشور و افزایش نرخ ارزهای خارجی منجر به ارزانی نسبی کالاها داخلی در بازارهای بین‌المللی و گرانی نسبی کالاها خارجی در بازارهای داخلی و در نتیجه افزایش صادرات و کاهش واردات می‌شود. اما در اقتصاد ایران، این موضوع چندان مصداق ندارد. عمده‌ی از کالاها و وارداتی در کشور ما کالاها واسطه‌ای و کالاها سرمایه‌ای است لذا افزایش نرخ ارز منجر به کاهش تقاضا برای آن کالاها نمی‌شود، در حالیکه در کشورهای پیشرفته بیشتر واردات آنها کالاها مصرفی است و تقاضا برای آن کالاها بالا است. به عبارت دیگر، چون سهم کالاها واسطه‌ای و سرمایه‌ای در کالاها وارداتی بالا است، افزایش نرخ ارز منجر به افزایش هزینه‌ی تولید در کشور شده و تورم و رکود پیامد افزایش نرخ ارز در کشور خواهد بود. افزایش هزینه‌های تولید در کشور، عملاً موجب کاهش قدرت رقابت در بازارهای بین‌المللی شده است. به طور کلی عواملی که می‌تواند در نتیجه کاهش ارزش پول ملی اتفاق بیفتد:

(الف) افزایش رقابت‌پذیری: کاهش ارزش پول ملی می‌تواند باعث کاهش قیمت محصولات صادراتی شود. این امر می‌تواند رقابت‌پذیری محصولات در بازار جهانی را افزایش دهد و تقاضا برای آنها را افزایش دهد.

(ب) افزایش تقاضا: با کاهش ارزش پول ملی، محصولات صادراتی برای خریداران خارجی ارزانتر می‌شوند. این موضوع می‌تواند تقاضا برای آنها را افزایش داده و در نتیجه، رشد صادرات غیر نفتی را تحریک کند.

(ج) تنوع صادرات: کاهش ارزش پول ملی ممکن است کشور را به سمت تنوع صادرات هدایت کند. با تغییر قیمت‌ها، بخش‌های دیگر اقتصاد ممکن است به عنوان جایگزین صادرات نفت در نظر گرفته شوند.

(د) چالش‌ها در واردات: این موضوع ممکن است به مشکلات در واردات کالاها و مواد اولیه برای تولید کمک کند. ارزش پول ملی کمتر می‌تواند تأثیرات منفی بر واردات داشته باشد و در برخی موارد به افزایش قیمت‌ها و کمبودهای کالاها منجر شود.

(ه) ریسک نقدینگی: کاهش ارزش پول ملی ممکن است به ایجاد ریسک‌های نقدینگی و افزایش نرخ تورم منجر شود، که ممکن است به تورم و افت معیارهای

اقتصادی منجر شود. به طور کلی، کاهش ارزش پول ملی می‌تواند به رشد صادرات غیر نفتی کمک کند اما نیاز به مدیریت دقیق و سیاست‌های اقتصادی موثر دارد تا تأثیرات منفی احتمالی نیز کاهش یابد.

● نبود سیستم بانکداری کارآمد (تعاملات محدود با سیستم بانکداری جهانی) چه تاثیری بر صادرات غیر نفتی ایران دارد؟

نبود سیستم نقل و انتقال مالی به دلیل اعمال تحریم‌های اقتصادی و بین‌المللی علیه ایران، موجب بالا رفتن ریسک‌های صادرات غیرنفتی شده است. نبود سیستم کارآمد در این حوزه، موجب افزایش نااطمینانی برای بازگشت ارز حاصل از صادرات شده است. در برخی از موارد مشاهده شده است که صرافی‌های خارجی از این موضوع، سواستفاده نموده و با دریافت هزینه‌های بالا، نقل و انتقالات مالی را انجام داده‌اند. تحمیل هزینه‌های بالای نقل و انتقالات مالی به صادرکنندگان، موجب کاهش انگیزه برای ادامه روند صادرات شده است. از سوی دیگر، حتی صادرکنندگانی که به دلیل نبود سیستم نقل و انتقال مالی به صورت ریالی به عراق و افغانستان صادرات داشته‌اند نیز در رفع تعهدات ارزی خود دچار مشکل شده‌اند و علیرغم اینکه ارزی به کشور وارد نکرده‌اند اما ملزم به ایفای تعهدات ارزی شده‌اند و این رویه مشکلات فراوانی را برای صادرکنندگان به وجود آورده است و به طور کلی تعاملات محدود با سیستم بانکداری جهانی تأثیرات ذیل را به همراه دارد.

(الف) محدودیت در تجارت بین‌الملل: بانکها اساسی‌ترین ابزار برای تسهیل ترتیب و انجام معاملات بین‌المللی هستند. در صورت محدودیت در دسترسی به سیستم بانکداری جهانی، انجام معاملات و تسویه حساب‌های مربوط به صادرات و واردات دشوار می‌شود و ممکن است به تأخیرها و تداخل‌ها در فرآیند صادراتی منجر شود. نبود سیستم بانکداری کارآمد ممکن است باعث محدودیت در تجارت بین‌الملل شود. شرکتهای خارجی ممکن است نتوانند با شرکت‌های داخلی تعامل داشته باشند و این موضوع می‌تواند باعث کاهش رشد صادرات غیر نفتی شود.

(ب) کاهش اعتماد سرمایه‌گذاران خارجی: نبود سیستم بانکداری کارآمد ممکن است باعث کاهش اعتماد سرمایه‌گذاران خارجی به بازار ایران شود. این موضوع می‌تواند باعث کاهش سرمایه‌گذاری خارجی و کاهش رشد صادرات غیر نفتی شود.

(ج) کاهش تنوع محصولات صادراتی: نبود سیستم بانکداری کارآمد ممکن است باعث کاهش تنوع محصولات صادراتی شود. این موضوع ممکن است باعث کاهش رقابت‌پذیری محصولات صادراتی و کاهش رشد صادرات غیرنفتی شود.

ذیل را می‌تواند به همراه داشته باشد:

الف) کاهش تقاضا برای محصولات داخلی:

با تأخیر در پرداخت هزینه‌های پیمان‌سپاری، تقاضا برای محصولات داخلی کاهش می‌یابد. این امر ممکن است باعث کاهش فعالیت‌های تولیدی و کاهش رشد صادرات غیرنفتی شود.

ب) کاهش اعتماد سرمایه‌گذاران خارجی:

تأخیر در پرداخت هزینه‌های پیمان‌سپاری ممکن است باعث کاهش اعتماد سرمایه‌گذاران خارجی به بازار ایران شود. این امر می‌تواند باعث کاهش سرمایه‌گذاری خارجی و کاهش رشد صادرات غیرنفتی شود.

ج) کاهش قدرت خرید: با تأخیر در پرداخت

هزینه‌های پیمان‌سپاری، شرکت‌های داخلی ممکن است نتوانند به‌روزرآوری تجهیزات و مواد اولیه بپردازند. این موضوع می‌تواند باعث کاهش کیفیت محصولات و کاهش رقابت‌پذیری آنها در بازار جهانی شود.

د) افزایش هزینه‌های تولید: تأخیر در پرداخت

هزینه‌های پیمان‌سپاری ممکن است باعث افزایش هزینه‌های تولید شود. این موضوع می‌تواند باعث کاهش سودآوری شرکت‌های صادرکننده و کاهش رشد صادرات غیرنفتی شود.

ه) شرایط پیمان‌سپاری ارزی: شرایط اینگونه

پیمان‌ها، اعتبار و تسهیلات مالی مربوط به آنها می‌تواند تأثیرات مهمی بر توانایی کشور در صادرات داشته باشد. در صورت شرایط ملایم و میزان اعتبار مناسب، این پیمان‌ها می‌توانند توسعه‌ی صادرات را تسهیل کنند.

ن) تعهدات صادرکنندگان: تعهدات و توانایی

تولیدکنندگان و صادرکنندگان به تأمین کالاها و خدمات مورد نیاز در چارچوب پیمان‌سپاری ارزی نقش دارد. تأخیرها یا عدم ارائه محصولات مطابق با تعهدات ممکن است تأثیر منفی بر صادرات داشته باشد.

و) تأثیرات نرخ تبادل ارز: تغییرات در نرخ تبادل

ارز ممکن است به عنوان یک عامل مهم در تأثیرات پیمان‌سپاری ارزی در صادرات کشور ایفا کند. افزایش یا کاهش ارزش ارز ملی ممکن است به توانایی کالاهای کشور در بازارهای جهانی تأثیر بگذارد.

ی) تأثیرات اقتصاد جهانی: شرایط اقتصادی

جهانی، تقاضا برای کالاها و خدمات، و تأثیرات عوامل خارجی ممکن است تأثیرات مهمی بر وضعیت صادراتی کشور داشته باشند. برای دقیق‌ترین تحلیل در مورد تأثیرات یک پیمان‌سپاری ارزی خاص بر وضعیت صادراتی ایران، نیاز به مطالعه تحلیل‌ها و گزارش‌های اقتصادی جاری است. تأثیرات اینگونه پیمان‌ها باید تحت شرایط فعلی و متغیرهای اقتصادی دقیق‌تر مورد بررسی قرار گیرند.

د) دشواری در پرداخت و دریافت وجه: با

تعاملات محدود با سیستم بانکداری جهانی، فعالیت‌های پرداخت و دریافت وجه بین‌المللی دچار دشواری می‌شود. این موضوع ممکن است باعث کاهش اعتماد خریداران خارجی به صادرات غیرنفتی ایران شود.

ه) محدودیت در انتقال وجه: نبود سیستم بانکداری

کارآمد ممکن است باعث محدودیت در انتقال وجه بین کشورها شود. این موضوع ممکن است باعث کاهش قابلیت دسترسی به منابع مالی برای توسعه صادرات غیرنفتی شود.

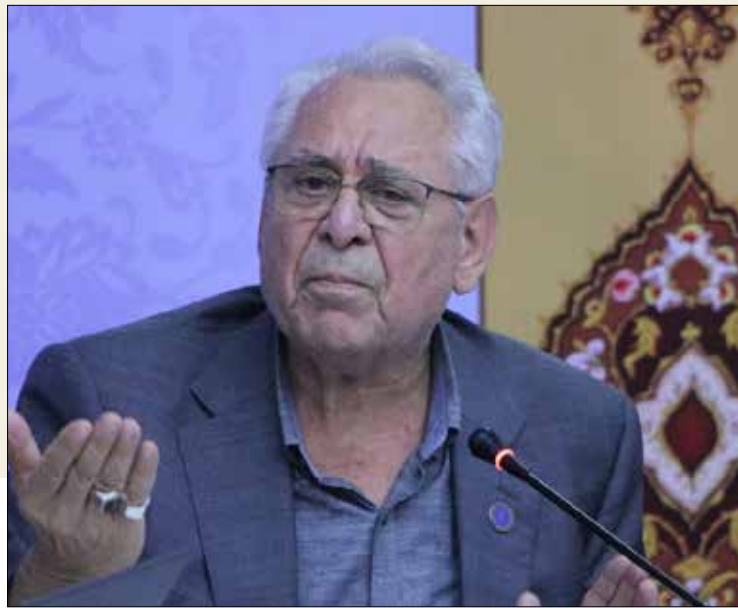
ن) کاهش انعطاف‌پذیری در مذاکرات تجاری:

انعطاف‌پذیری در مذاکرات تجاری ممکن است به تحلیل سیاست‌ها و تدابیر تحریمی بین‌المللی مربوط به سیستم بانکداری کشور منحصر شود و کشور را در مذاکرات تجاری به معرض تضعیف قرار دهد. به طور کلی، نبود سیستم بانکداری کارآمد و تعاملات محدود با سیستم بانکداری جهانی می‌تواند به صادرات غیر نفتی ایران ضربه بزند و تداخل‌ها و مشکلاتی را در معاملات تجاری ایجاد کند. این مسائل نشان‌دهنده‌ی اهمیت دسترسی به سیستم بانکداری جهانی و ایجاد اعتماد در تعاملات بین‌المللی هستند.

• پیمان‌سپاری ارزی به شکل کنونی چه

تأثیری بر وضعیت صادراتی کشور داشته است؟

تولیدکنندگان در شرایط دشوار اقتصادی که امروزه کشور با آن مواجه است، به دلیل چالش‌های عمده در بخش پیمان‌سپاری ارزی، انگیزه خود را برای ادامه صادرات از دست داده‌اند. ابلاغ دستورالعمل‌های پیچیده و سختگیرانه پیرامون پیمان‌سپاری ارزی که هر روز هم به تعداد آنها افزوده می‌شود، شرایط را برای صادرکنندگان سخت نموده است. تعداد بیشماری از صادرکنندگان به ویژه صادرکنندگانی که از محل ورود موقت، صادرات نموده‌اند هنوز نتوانسته‌اند تعهدات ارزی خود را به دلیل عدم سیستمی بودن رویه مربوطه، انجام دهند؛ عدم سیستمی بودن رویه‌ها و تعلل بانک مرکزی در ثبت اطلاعات ایفای تعهدات ارزی صادرات از محل ورود موقت موجب بروز مشکلات فراوان از جمله تعلیق کارت‌های بازرگانی برای صادرکنندگان شده است. بازگرداندن ارز حاصل از صادرات و فروش آن به بانک‌های داخلی زمانبر بوده و برای تولید و صادرکننده زمان بازگشت ارز حاصل از صادرات مهم می‌باشد زیرا سود و درآمد حاصل هر چه سریعتر باید صرف هزینه‌ی تولید شود ولی علاوه بر زمان‌بر بودن این موضوع و ایجاد وقفه در صادرات مجدد محصول، خرید مواد اولیه وارداتی نیز به تعویق افتاده و موجب افزایش قیمت تمام شده کالای صادراتی می‌شود که در نهایت قیمت تمام شده افزایش و علاوه بر کاهش صادرات اعتبار و قراردادهای تجاری نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرد. به طور کلی با پیمان‌سپاری ارزی مواردی به شرح



محمد جواد امانی،
رئیس اتاق بازرگانی اهواز:

پیمان سپاری ارزی، روح فعالیت و رقابت را می‌گیرد

محمد جواد امانی، رئیس اتاق بازرگانی اهواز پاسخگوی سوالات ویژه نامه اتاق تبریز با محوریت «نجات صادرات غیرنفتی با نرخ ارز واقعی» بوده است که در ادامه، این گفتگو را می‌خوانید:

تحریم، فرصت انتخاب کالا، مواد و تجهیزات با کیفیت همچنین انتخاب قیمت کمتر برای کالاهای وارداتی را از واردکنندگان سلب می‌کند، بنابراین و بر اساس معیارهای اقتصادی هرگونه محدودیت در تجارت خارجی اعم از واردات و صادرات کالاهای غیرنفتی اتفاقی نامطلوب تلقی می‌شود که آثار زیانباری نیز بر کسب و کارهای مختلف بویژه بر تولید و اشتغال و تحصیل ارز و ارزش پول ملی و حتی تورم برجای می‌گذارد.

محصولات صنعتی و دستی کشاورزی و... کشورمان بعضاً شهرت و مقبولیت منطقه‌ای و جهانی دارند که در سایه تحریم‌ها گاهی توسط تجار کشورهای همسایه خریداری و از طریق آنها به نقاط مختلف جهان صادر می‌شوند که در این بین منافع زیادی به جای اینکه به جیب تولیدکنندگان ما برود، متأسفانه سر از جیب دیگران در می‌آورد. امیدواریم با سیاست‌های اتخاذ شده از طرف دولت آقای رئیسی در آینده نزدیک شاهد رفع تحریم‌های اقتصادی بویژه در زمینه‌های پولی و بانکی، بیمه‌ای، حمل و نقل و سایر محدودیت‌هایی که بر صادرات و واردات اثر منفی می‌گذارند، باشیم.

● نرخ ارز چه تاثیری بر رشد صادرات کالاهای غیرنفتی ایران دارد؟

عواملی مثل وضعیت ارز از جهت ثبات قیمتی و واقعی بودن ارزش آن به شکل مثبت بر صادرات اثر می‌گذارد. یک تولیدکننده کالای صادراتی در سایه ثبات ارز قادر

● ● ●
تولید که اصل و اساس توسعه و رشد صادرات غیرنفتی به آن گره خورده است، دچار افت می‌شود. به بیان دیگر تولید و اشتغال و صادرات همگی از میزان نرخ ارز و ارزش پولی متاثر می‌شوند و هر چه ارزش ریال ثابت‌تر باقی بماند، به همان نسبت تولید و صادرات نیز به رونق می‌رسد.

● تحریم‌های تحمیل شده بر اقتصاد ایران چه اثر مخربی بر رشد صادرات غیرنفتی گذاشته است؟

تحریم‌های تحمیلی بسته به شدت و ضعف آنها در طول چند دهه اخیر بوده و فعالان عرصه تولید صادرات و واردات همواره با آنها دست و پنجه نرم می‌کنند.

در خصوص سیاست‌های تحریمی مربوط به صادرات کالاهای غیرنفتی، بیشترین فشار را بخش تولید متحمل می‌شود. شرایط مطلوب برای یک تولیدکننده زمانی است که بتواند در یک جریان آزاد محصولات با کیفیت خود را در معرض دید جهانیان قرار بدهد و از میان بهترین پیشنهادات خریدار محصولات خود را انتخاب و به سود واقعی که شایستگی آن را دارد نیز برسد. واحدهای تولیدی در چنین جریانی همواره مجهز به تجهیزات روز و کارآمد باقی می‌مانند و می‌توانند با همپرازان خود در سایر کشورها رقابت کنند. به بیانی دیگر تحریم صادرات غیرنفتی و اکتفا به چند کشور همسایه جهت تجارت به هیچ عنوان مطلوب چرخه عظیم تولید کشور نیست و حرکت مستمر و منظم این چرخه به افقی بسیار وسیع و روشن از ارتباط با کشورهای مختلف نیاز دارد. در مفهوم صادرات هرچه عرصه جغرافیایی برای عرضه کالا و خدمات کوچکتر بشود، حجم نهایی کالاهای صادراتی و سود نهایی تولید کننده و صادر کننده نیز کمتر می‌شود و بر سایر اجزای اقتصادی کشور اثر منفی می‌گذارد.

در مقوله واردات هم این وضعیت حاکم است و شرایط

به برنامه‌ریزی در زمینه‌های مختلف از جمله تامین مواد و تجهیزات و... خواهد بود. از طرف دیگر همان تولیدکننده، اگر صادرکننده باشد، در مقابل کالای صادراتی، خود معادل ارزی با ارزش واقعی و نه قیمت سرکوب شده و تکلیفی را دریافت نکند قطعاً این امر منجر به رشد تولید و صادرات و تقویت اقتصادی فعالان این عرصه خواهد شد.

امروزه بر هیچ فعال اقتصادی پوشیده نیست که میان تورم و ارزش پول ملی رابطه مستقیم وجود دارد. کاهش ارزش پول ملی به تورم منتهی می‌شود و این وضع قیمت تمام شده محصولات صادراتی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به‌عنوان مثال کاهش ارزش پول ملی و تورم سبب افزایش پی در پی دستمزد حمل و نقل مواد اولیه انرژی می‌شود که در نهایت این وضعیت به افزایش محصولات تولیدی ختم شده و در چنین حالتی میدان و عرصه رقابت برای صادرکننده ایرانی نسبت به رقیبان خارجی تنگتر و محدودتر خواهد شد. به بیان ساده‌تر ارزش پول ملی کشورها با شاخص ارزهای معتبر سنجیده می‌شود و چنانچه ارزش پول ملی کاهش پیدا نکند، این کاهش بر عرصه‌های مختلف اقتصادی از جمله تولید و صادرات کالاهای غیرنفتی اثر می‌گذارد و منجر به کاهش آنها نیز می‌شود. بنابراین ثبات ارزش ارز به معنای ثبات ارزش پول ملی بوده و در سایه این ثبات یک تولیدکننده می‌تواند با آرامش برنامه‌ریزی و اقدام به تولید محصولات با کیفیت کرده و راه رشد صادرات را باز کند.

● وجود چند نوع نرخ ارز در یک اقتصاد چه تاثیری در فرایند صادراتی آن کشور دارد؟

پول و ارز، ابزار و وسائلی هستند که روابط و فعالیت‌های اقتصادی به‌وسیله آنها تنظیم می‌شود و البته وجود چند نوع قیمت برای یک ارز مانند آن می‌ماند که برای یک کالای کاملاً مشخص و معین، بخواهیم چند قیمت تعیین کنیم. هرچند که اتخاذ شیوه‌های چند نرخ کردن، ارز زائیده شرایط و با اهداف مختلف صورت گرفته اما همه می‌دانند که در خوشبینانه‌ترین حالات، این چند نرخ و این تخصیص‌های ارزی، منجر به نوعی امتیاز برای عده‌ای و فشار به عده‌ای دیگر خواهد شد. بر اساس آنچه از علم اقتصاد درک می‌کنیم و در عمل هم آن را تجربه کرده‌ایم، ارز همچون یک کالا قیمت خاص و مخصوص بخود را دارد و باید با همان ارزش واقعی خود وارد چرخه اقتصادی کشور بشود. اینکه بطور مستمر میلیون‌ها دلار به بازار ارز تزریق شود تا قیمت آن را تثبیت کرد و از طرف دیگر برای جبران برخی خلاءها دست به تعیین قیمت‌هایی پایین‌تر از ارز آزاد زد. چنین چیزی در قالب علم اقتصاد نمی‌گنجد.

اشکال بزرگ جایی است که صادرکننده مجبور است بخشی از ارز ناشی از فروش خود را به بهایی کمتر از قیمت آزاد دریافت کند. نظر شخصی من مضر بودن این روند و این نحوه از تعامل با مقوله ارز است و بدون شک این امر تولید و صادرات را بشکل نامناسبی تحت تأثیر قرار می‌دهد.

وقتی یک تولیدکننده محصول خود را صادر می‌کند، انتظار دارد به معادل واقعی ارزی که به خریدار خارجی فروخته دست

● ● ●
بر اساس آنچه از علم اقتصاد درک می‌کنیم و در عمل هم آن را تجربه کرده‌ایم، ارز همچون یک کالا قیمت خاص و مخصوص بخود را دارد و باید با همان ارزش واقعی خود وارد چرخه اقتصادی کشور بشود. اینکه بطور مستمر میلیون‌ها دلار به بازار ارز تزریق شود تا قیمت آن را تثبیت کرد و از طرف دیگر برای جبران برخی خلاءها دست به تعیین قیمت‌هایی پایین‌تر از ارز آزاد زد. چنین چیزی در قالب علم اقتصاد نمی‌گنجد.

پیدا بکنند، تا بتوانند به تولید خود ادامه بدهند.

● کاهش ارزش پول ملی چه تاثیری بر رشد صادرات غیر نفتی دارد؟

در پاسخ به این سوال بطور اجمالی عرض می‌کنم که کاهش پول ملی به معنای تورم و افزایش قیمت ارزهای معتبر است که در چنین شرایطی، قیمت‌ها در روند افزایشی بی‌حساب قرار می‌گیرند و عوامل تولید به همان نسبت افزایش پیدا می‌کند و سرمایه‌ها بجای تولید به سمت دلالتی و معاملات با بازده فوری همچون ارز و طلا و منزل و اتومبیل سوق پیدا می‌کند، لذا تولید که اصل و اساس توسعه و رشد صادرات غیرنفتی به آن گره خورده است، دچار افت می‌شود. به بیان دیگر تولید و اشتغال و صادرات همگی از میزان نرخ ارز و ارزش پولی متأثر می‌شوند و هر چه ارزش ریال ثابت‌تر باقی بماند، به همان نسبت تولید و صادرات نیز به رونق می‌رسد.

● نبود سیستم بانکداری کارآمد تعاملات محدود با سیستم بانکداری جهانی چه تاثیری بر صادرات غیر نفتی دارد؟

امروزه تجارت خارجی مشخصه‌های مخصوص و ویژه خود را دارد و در دو موضوع صادرات و واردات از آن مشخصه‌ها تبعیت می‌کند، به‌عنوان مثال بدون بیمه محموله‌های تجاری، به‌ویژه در کشتی‌ها میل و رغبت فعالان اقتصادی برای صادرات و واردات به کمترین حد خود می‌رسد. بنابراین یکی از الزامات تجارت خارجی بیمه‌های معتبر هستند. در همین راستا وجود بانک‌ها برای نقل و انتقالات مالی بسیار حائز اهمیت است و حذف این ابزار قطعاً اصل تجارت خارجی را تحت تأثیر شدید خود قرار می‌دهد. چه بخواهیم یا نخواهیم بانکداری در عرصه صادرات ابزاری بسیار مهم و فقدان آن فعالان اقتصادی را با مشکل مواجه می‌کند. چه بسا یک فعال صادراتی به سختی مشتری برای محصول خود در یک کشور را پیدا کند، اما نبود یک سیستم بانکی، همه زحمات وی را از بین می‌برد و مانع از انجام آن معامله می‌شود.

در هر حال امیدوار هستیم با تدبیر مسئولان محدودیت‌های بانکی که بر علیه کشورمان وضع شده، هر چه سریعتر برطرف و روند طبیعی فعالیت با سیستم بانکی کشورهای مختلف مجدداً برقرار شود.

● پیمان‌سپاری ارزی به شکل کنونی چه تاثیری بر وضعیت صادراتی کشور داشته است؟

پیمان‌سپاری ارزی به معنای تکلیفی بودن و استرداد ارز ناشی از صادرات از سوی صادرکنندگان و عرضه آن به قیمتی که دولت تعیین می‌کند، است. فقط این را می‌گوییم که این شیوه، انگیزه و روح فعالیت و رقابت در عرصه تجارت خارجی را از فعالان ما می‌گیرد. فعالان اقتصادی کشور در اتاق ایران و اتاق‌های شهرستان و سایر کارشناسان بسیار از مضرات پیمان‌سپاری گفته‌اند که به نظر می‌رسد، لزومی برای تکرار آن موارد نیست.

علی عبداللهیان باروق، رئیس اتاق بازرگانی اردبیل: نرخ واقعی ارز، بهبود صادرات را در پی دارد



علی عبداللهیان باروق، رئیس اتاق بازرگانی اردبیل پاسخگوی سؤالات ویژه نامه اتاق تبریز با محوریت «نجات صادرات غیرنفتی با نرخ ارز واقعی» بوده است که در ادامه، این گفتگو را می‌خوانید:

● تحریم‌های اقتصادی اعمال شده علیه اقتصاد ایران چه تأثیر مخربی بر رشد صادرات غیرنفتی ایران داشته است؟

تحریم‌ها تأثیری منفی و معنی‌دار بر صادرات غیر نفتی کشور داشته است. همچنین تولید ناخالص داخلی واقعی، درجه باز بودن و نرخ واقعی ارز تأثیر مثبت و معنی‌داری بر صادرات غیرنفتی کشور داشته‌اند و رابطه مبادله یا همان نسبت شاخص قیمت کالای صادراتی به وارداتی تأثیری منفی و معنی‌دار بر صادرات غیر نفتی داشته است. همچنین نتایج نشان داده است سطح و شیب روند ضمنی، تأثیری معنی‌دار بر صادرات غیر نفتی داشته است که نشان‌دهنده تأثیر معنی‌دار عوامل غیر قابل مشاهده بر روند صادرات غیرنفتی است. بر گرفته از نتایج پژوهش، ضرورت در پیش گرفتن سیاست‌های اقتصادی مبتنی بر گسترش توسعه صادرات غیر نفتی و مقابله با شرایط تحریمی پیشنهاد می‌شود.

● نرخ ارز چه تأثیری بر رشد صادرات غیرنفتی ایران دارد؟

صادرات غیر نفتی از نرخ ارز واقعی تأثیر مثبت پذیرفته است و به عبارت دیگر افزایش نرخ واقعی ارز سبب بهبود صادرات می‌شود؛ بنابراین نتیجه، فرضیه

● ● ●
تولید که اصل و اساس توسعه و رشد صادرات غیرنفتی به آن گره خورده است، دچار افت می‌شود. به بیان دیگر تولید و اشتغال و صادرات همگی از میزان نرخ ارز و ارزش پولی متأثر می‌شوند و هر چه ارزش ریال ثابت‌تر باقی بماند، به همان نسبت تولید و صادرات نیز به رونق می‌رسد.

تحقیق مبنی بر بی‌اثر بودن اثر نرخ ارز واقعی بر صادرات غیر نفتی پذیرفته نمی‌شود. تولید ناخالص داخلی نیز تأثیر مثبت بر صادرات غیر نفتی داشته است. افزایش ظرفیت تولیدی کشور سبب رشد تولید در صنایع مختلف از جمله بخش‌های صادراتی می‌شود. پس افزایش تولید علاوه بر تأمین تقاضای داخلی افزایش عرضه صادرات را نیز به دنبال خواهد داشت. افزایش درآمد جهانی هم سبب افزایش تقاضای صادرات غیر نفتی از جانب کشورهای عمده طرف صادرات شده است. افزایش در رابطه مبادله و بهره‌وری نیروی کار نیز سبب افزایش انگیزه تولیدکنندگان در تولید کالاهای صادراتی شده و در نتیجه صادرات غیر نفتی افزایش می‌یابد.

● وجود چند نوع نرخ ارز در یک اقتصاد چه تأثیری در فرایند صادراتی آن کشور دارد؟

موارد ذیل حاصل تأثیرات چند نوع نرخ ارز بر فرایند صادراتی است:
- مازاد تقاضا بر بازار ارز
- عدم تعادل‌های پیوسته اقتصاد کلان
- اختلال در ساز و کار پایش مبادلات مالی - تجاری
- مضیقه اعتباری
- عدم دسترسی به شبکه‌های پرداخت و تسویه‌ی بین‌المللی

- تضعیف مولفه‌های سلامت مالی تراز پرداخت‌ها
- عدم شکل‌گیری بازارهای برون مرزی مشتقه‌ی ارزی و
تداوم رژیم چند نرخ‌ی ارزی
- مضیفه اعتباری و ناپایداری تراز پرداخت‌ها در رژیم چند
نرخ‌ی ارز

● کاهش ارزش پول ملی چه تاثیری بر رشد صادرات غیرنفتی دارد؟

نکته‌ای که باعث می‌شود کاهش ارزش پول ملی در اقتصادی شبیه اقتصاد ایران منجر به افزایش صادرات نشود کاهش قدرت رقابت کالای داخلی با کالای خارجی به واسطه‌ی افزایش بهای تمام شده است. به بیانی دیگر وقتی نرخ ارز در اقتصاد ایران افزایش پیدا می‌کند به دلیل اینکه تولید (بخصوص تولید صنعتی) وابستگی بالایی به واردات مواد اولیه و کالای واسطه‌ای و سرمایه‌ای داشته باشد (ارزبری تولید در اقتصاد ایران بالا است) افزایش نرخ ارز (افت ارزش پول ملی) منجر به افزایش قیمت تمام شده محصول و نهایتاً کاهش توان رقابتی آن در بازارهای صادراتی خواهد شد.

● نبود سیستم بانکداری کارآمد (تعاملات محدود با سیستم بانکداری جهانی)، چه تاثیری بر صادرات غیرنفتی ایران دارد؟

بانک‌ها به عنوان منابع اصلی تأمین‌کننده‌ی نقدینگی بنگاه‌های تولیدی و خدماتی نقش بسیار مهمی در رشد و توسعه اقتصادی یک کشور دارند علاوه بر این،



پیمان‌سپاری ارزی و تعهدات ارزی با شرایط و مقررات موجود برای توسعه‌ی صادرات کالاهای غیر نفتی مضر تشخیص داده می‌شود، لذا حذف یکباره و سریع پیمان‌سپاری ارزی پیشنهاد می‌شود. در این باره هر نوع برنامه‌ی اصلاحی از جمله اصلاح در مقررات پیمان‌سپاری ارزی باید مدبرانه و با توجه به جمیع جهات انجام گیرد.

وجود بازارهای رقابتی نیز اهمیت این موضوع را افزایش می‌دهد. یکی از راه‌های به دست آوردن مزیت رقابتی در راستای توسعه‌ی صادرات، بین‌المللی شدن است که بسیاری از بانک‌ها در سطح جهانی در این راه گام برداشته‌اند. بین‌المللی شدن بانک‌ها، پدیده‌ی جدیدی نیست. در طول تاریخ بانکداری، بین‌المللی شدن همواره با بانکداری گره خورده است. امروزه، خدمات بانک‌ها چنان متنوع شده‌اند که بسیاری از بانک‌ها ترجیح می‌دهند کلمه قدیمی بانک را از برنامه‌های تبلیغاتی خود حذف کرده و بر نقش پررنگ‌تر بنگاه‌های خدمات مالی - بنگاه‌های خدماتی نوآور، پویا و مشتری‌مدار - تأکید کنند.

● پیمان‌سپاری ارزی به شکل کنونی چه تاثیری بر وضعیت صادراتی کشور داشته است؟

پیمان‌سپاری ارزی و تعهدات ارزی با شرایط و مقررات موجود برای توسعه‌ی صادرات کالاهای غیر نفتی مضر تشخیص داده می‌شود، لذا حذف یکباره و سریع پیمان‌سپاری ارزی پیشنهاد می‌شود. در این باره هر نوع برنامه‌ی اصلاحی از جمله اصلاح در مقررات پیمان‌سپاری ارزی باید مدبرانه و با توجه به جمیع جهات انجام گیرد. چنانچه حذف یکپارچه‌ی پیمان‌سپاری مقدور نباشد انتخاب حوزه‌های مزیت‌دار صادراتی (تولیدات دانش بنیان، فرش و صنایع دستی کشاورزی و ...) به عنوان بخش‌های اولویت‌دار نیز می‌تواند آغازی بر یک تصمیم بنیادی باشد.





خورشید گذراری،
رئیس اتاق بازرگانی بوشهر:

آثار مخرب تحریم‌های اقتصادی اعمال شده علیه اقتصاد ایران بر رشد صادرات غیرنفتی ایران

از یک سو صادرات به تعبیر صاحب‌نظران و کارشناسان اقتصادی، تنها مسیر موفق به توسعه اقتصادی یک کشور است که از طریق آن می‌توان به اندازه و مقیاس ارزش و جایگاه تجاری خود در مبادلات بین‌المللی افزود و از دیگر سو، ذات تحریم محروم ساختن کشوری از پاره‌ای مواهب یا انجام مبادلات یا وادار کردن آنها به پذیرش قواعد و روالی خاص است که تمامی واژگان کلیدی در تعریف یاد شده، حاکی از ایجاد اختلال و هرج و مرج در مبادلات اقتصادی کشور تحریم شده دارد و کشور یا کشورهای متخاصم برای نیل به اهداف خود از تمامی ابزارهای ممکن بهره‌می‌برند.

پیش فرض ضروری انجام این مهم، حضور کشور در زنجیره ارزش جهانی و مبادلات آزادانه تجاری با کشورهای مختلف است که تحریم‌ها به‌عنوان عامل اساسی اختلال در این فرآیند، قادر به پُرهنه کردن این استراتژی و سلب مزیت‌های نسبی و رقابتی محصولات یک کشور، در بازار بین‌المللی بوده و آثار مخربی را در اقتصاد کشور مورد نظر خواهد گذاشت و اقتصاد آنها را با هزینه‌های توان فرسایی مواجه می‌کند که متأسفانه کشور ما به غیر از وقفه کوتاهی میان سال ۱۳۹۴ الی ۱۳۹۶، همواره درگیر و دچار آن بوده است.

تحریم‌های اقتصادی اعمال شده علیه کشورمان، باعث افزایش هزینه‌های فرآیند تولید کالا، صادرات و فروش شده است که نمود آن را در محدودیت‌های فراوان مالی و بانکی، افزایش سرسام‌آور هزینه‌های حمل و نقل و لجستیک و بیمه، کاهش ارزش پول ملی و به تبع آن گرانتر شدن تولید کالا و سلب قدرت رقابت محصولات کشور در بازارهای هدف در تقابل با کشورهای رقیب و همچنین ازدیاد ریسک مبادله‌های تجاری کشورهای جهان با ایران و صفر شدن تقریبی سرمایه‌گذاری خارجی، به‌عنوان ضرورتی انکارناپذیر برای توسعه اقتصاد و رونق بخشی مضاعف به صادرات غیر نفتی کشورمان می‌بینیم.

ذکر این نکته لازم است که کشورهای توسعه‌یافته یا در حال توسعه، بیش از دو سوم تولیدات خود را مبرهون سرمایه‌گذاری خارجی هستند

که کشور ما به‌دلیل تحریم‌های مستمر از این مهم محروم است. تداوم تحریم‌ها سبب شده که پروژه‌های بزرگ کشور که غالباً پروژه‌هایی زیرساختی هستند، رها شده و محصولات کشورمان به همین دلیل از تکنولوژی و فناوری‌های برتر جهان عقب مانده و عملاً قادر به حفظ بازارهای هدف خود که با مشقت فراوانی به‌دست آورده‌ایم، نبوده و سالانه شاهد کوچکتر شدن سهم ایران در عرصه تجارت بین‌الملل باشیم!

گرچه می‌توانستیم با اجرای سیاست‌های صحیح، توجه به واقعیت‌های دنیای تجارت و رعایت استانداردها و مکانیزم‌هایی که مورد پذیرش تمامی کشورها از جمله شرکای تجاری ما مانند چین و روسیه هم قرار دارد، از تأثیرات تحریم‌ها بر اقتصاد خود کاسته و اثرات بحران‌هایی را که امروز شاهد آن هستیم را به کمترین مقدار ممکن کاهش دهیم.

برای مثال با سیاسی کردن موضوعی کاملاً فنی به نام (FATF) هزینه‌های پُرشماری بر کشور تحمیل شد که همین مهم باعث کاهش شدید حجم مبادلات و در نتیجه کوچکتر شدن اندازه اقتصاد ما در گستره تجارت جهانی و ظهور آبر چالش‌هایی شد که امروزه در حوزه‌های مختلف با آن روبرو هستیم.

اما برای خروج از بحران و شرایط خطیر کنونی علاوه بر تصمیم‌گیری‌های فنی و انسجام تفکر در سیاست خارجی و چابک کردن دیپلماسی اقتصادی خود بر اساس منافع ملی، ضرورت دارد که به‌بخش خصوصی به‌عنوان بازیگری فعال و واقعی در اتخاذ تصمیمات کلان اقتصادی توجه و اعتماد کرده و با توجه به بهرموری بالای این بخش در مدیریت بحران‌ها، نسبت به اصلاح رویه‌های کنونی و در نهایت کم‌اثر کردن تحریم‌ها، گام‌هایی اساسی برداشت.

در پایان تأکید می‌شود، ما نباید منتظر معجزه‌ای باشیم، معجزه همان تصمیم‌گیری‌های منطقی و اصلاح رویکردها با استفاده از تمامی ظرفیت‌های خود، از جمله نیروی انسانی متخصص و متعهد است.



قاسم رضائیان، رئیس اتاق بازرگانی رشت:

پیمان سپاری

موجب کاهش صادرات کالاهای کشاورزی می شود



قاسم رضائیان، رئیس اتاق بازرگانی رشت پاسخگوی سوالات ویژه نامه اتاق تبریز با محوریت «نجات صادرات غیرنفتی با نرخ ارز واقعی» بوده است که در ادامه، این گفتگو را می خوانید:

آسیا از ضرورت‌های حضور موفق در بازارهای جهانی است و بدون در نظر گرفتن این سه حوزه نمی‌توان چشم‌انداز روشنی را برای حضور در بازارهای بین‌المللی ترسیم کرد. شرکت‌های بزرگ و معتبر جهانی یا در این سه حوزه فعال‌اند یا با شرکت‌های فعال در این سه حوزه ارتباط تنگاتنگ دارند و هرگونه برقراری ارتباط این شرکت‌ها با طرف‌های ایرانی به دلیل تحریم‌های اعمال شده بر اقتصاد ایران برای آنها تبعاتی را در پی

• تحریم‌های اقتصادی اعمال شده علیه اقتصاد ایران چه تأثیر مخربی بر رشد صادرات غیرنفتی ایران داشته است؟

تحریم‌های اقتصادی اعمال شده علیه اقتصاد ایران، نقش اساسی و انکارناپذیری بر عدم رشد صادرات نفتی ایران بر جای گذاشته است. بر اساس مباحث علمی در حوزه‌ی بازرگانی بین‌الملل، ارتباط با سه حوزه‌ی مهم اقتصادی دنیا یعنی آمریکا، اروپا و شرق

خواهد داشت و این موضوع را باید به عنوان یک مانع مهم در توسعه صادرات غیر نفتی بشمار آورد.

● نرخ ارز چه تاثیری بر رشد صادرات غیرنفتی ایران دارد؟

نرخ ارز به عنوان مبنای تمام محاسبات اقتصادی در حوزه‌ی بین‌المللی نقش می‌کند. عدم ثبات در نرخ ارز از یک سو باعث می‌شود شرکت‌ها نتوانند محاسبات سود و زیان خود را به‌درستی انجام دهند و از سوی دیگر نیز توان و قدرت برنامه‌ریزی بلندمدت را از آنها سلب می‌نماید و آنها را به سمت قراردادهای کوچک و مقطعی سوق می‌دهد. موضوع مهم دیگر اثر تورمی نرخ ارز بر کالاهای تولیدی است. تورم حاکم بر اقتصاد کشور سبب می‌شود که کالاهای تولید داخلی، توان رقابتی خود را در بازارهای جهانی از دست بدهند و در گذر زمان بازارهای هدف که با زحمات بسیار ایجاد شده‌اند، از دست بروند.

● وجود چند نوع نرخ ارز در یک اقتصاد چه تاثیری در فرایند صادراتی آن کشور دارد؟

شاید بتوان ادعا کرد که عامل بسیاری از آشفتگی‌های موجود در اقتصاد کشور سیاست چند نرخ بودن ارز است. چند نرخ بودن ارز، سیاستی است که به ضرر صادرکنندگان و به کام واردکنندگان و گروه‌های بهره‌مند از رانت شده و باید پذیرفت که در اقتصاد کشور تمامی محاسبات بر اساس نرخ ارز آزاد صورت می‌گیرد. در واقع مبنای عمل صادرکننده، نرخ ارز آزاد است اما مجبور می‌شود ارز حاصل از صادرات خود را به نرخ ارز نیمایی به سیستم بانکی کشور بازگرداند. حال آنکه سیستم بانکی، ارز نیمایی را در اختیار واردکنندگان قرار می‌دهد و واردکنندگان محاسبات قیمت خود را بر اساس نرخ ارز آزاد انجام داده و کالاهای وارد شده را بر این مبنا به بازار عرضه می‌کنند. به عبارت دیگر صادرکننده، ارزهای صادراتی خود را که با زحمات و تلاش فراوان تهیه کرده است باید با قیمت پایین‌تر از نرخ بازار در اختیار واردکنندگان قرار دهد تا این گروه از منافع آن بهره‌مند شوند.

● کاهش ارزش پول ملی چه تاثیری بر رشد صادرات غیرنفتی دارد؟

اثر کاهش ارزش پول ملی بر صادرات یک موضوع پیچیده اقتصادی است و نظر اقتصاددانان در این حوزه موجود است. اما مورد مهمی که باید به آن پرداخته شود این است که سیاست‌های ارزی کشور به گونه‌ای است که باعث کاهش ارزش پول ملی شده است. هنگامی

که ما صادر کننده را وادار می‌نماییم که حاصل فعالیت تجاری خود را در قالب دلار و یورو به سیستم بانکی بازگرداند در واقع تقاضا را برای سایر ارزها افزایش و برای پول ملی کاهش داده‌ایم و این خود منجر به کاهش ارزش پول ملی می‌شود. در این زمینه بانک مرکزی فدراسیون روسیه دقیقاً برعکس عمل نمود و تمام معاملات را بر مبنای روبل قرار داد (حتی در برخی موارد عنوان شد که معاملات نفتی نیز باید بر مبنای روبل صورت بگیرد) همین امر سبب شد علیرغم جنگ و تحریم، ارزش پول ملی خود را حفظ کند. این موضوعی است که حتی دولت طالبان نیز از آن بهره برده است و مانع افت ارزش پول ملی خود شده است.

● نبود سیستم بانکداری کارآمد (تعاملات محدود با سیستم بانکداری جهانی)، چه تاثیری بر صادرات غیرنفتی ایران دارد؟

وجود سیستم کارآمد بانکی لازمه فعالیت تجاری است و نبود آن به عنوان یک مانع مهم در این حوزه شناخته می‌شود. این موضوع مهمی است که باید به آن پرداخته شود. جمهوری اسلامی ایران در سال‌های اخیر در حوزه‌های اقتصادی مهمی مانند اوراسیا و بریکس قرار گرفته است اما متأسفانه توانسته از پتانسیل موجود در حوزه‌ی بانکی آنها بهره‌مند شود و همچنان تحریم‌های بانکی معضل مهم بازرگانان است.

● پیمان سپاری ارزی به شکل کنونی چه تاثیری بر وضعیت صادراتی کشور داشته است؟

پیمان سپاری ارزی به شکل کنونی همانگونه که در بالا نیز اشاره شد سیاستی است که به ضرر صادرات و در جهت تامین منافع واردکنندگان است. سیستم دولتی که با بهره‌گیری از تمام پتانسیل‌های خود، به‌سختی و بعد از مدت‌ها (آن هم یک میلیارد دلار کمتر از مبلغ عنوان شده) توانست طلب ارزی خود را از کشور کره دریافت کند، چگونه می‌تواند انتظار داشته باشد که فعالان بخش خصوصی به سادگی از پس این کار برآیند. از طرفی دیگر فشار بی‌امان به برخی از حوزه‌ها وارد می‌آید که نه منطقی است و نه قابل درک. به عنوان مثال صادرات محصولات کشاورزی از کل صادرات نفتی و غیر نفتی کشور زیر ۵ درصد است. اما از طرف دیگر بخش کشاورزی بخش مهم و تاثیرگذاری بر اقتصاد و اشتغال کشور است. پافشاری بر روی سیاست پیمان سپاری ارزی منجر به کاهش صادرات محصولات کشاورزی می‌شود که به طور حتم اثر خود را بر حوزه‌ی کشاورزی برجای خواهد گذاشت و فعالان این بخش حساس اقتصاد کشور را دچار ضرر و زیان خواهد کرد.



فخرالدین مالزیری؛ دبیر اتاق خرم‌آباد:

هیچگاه سیاست چندنرخ‌نی نتوانسته است به حمایت از اقشار ضعیف بینجامد



می‌آورند، اما از سال ۱۳۹۷ که ارزش ریال ایران کاهش یافته، به دلیل تحریم‌ها و قطع ارتباطات بانکی بین‌المللی سوخت، قادر به استفاده از فرصت پیش آمده نبودیم و با وجود صرفه‌ی بهتر، نتوانستیم بازارهای جدیدی برای محصولات ایرانی و استان لرستان بدست آوریم و موفقیت‌های ما بسیار اندک است.

• وجود چند نوع نرخ ارز در یک اقتصاد چه تاثیری در فرایند صادراتی آن کشور دارد؟

هیچگاه سیاست چندنرخ‌نی نتوانسته است به حمایت از اقشار ضعیف بینجامد و در نهایت کالا با قیمت ارز آزاد به مصرف کننده واقعی تحویل داده شده است. مکرراً از طرف بخش خصوصی اعلام شد که نتیجه این سیاست توزیع رانت است و حتماً باید سیاست تغییر کند تا هم از ایجاد تورم‌های متعدد جلوگیری شود و هم منابع ارزی کشور در شرایط تحریم بهتر مدیریت شود، در حال حاضر واردکنندگان، ارز ارزان را از دولت می‌گیرند و کالای خود را به ارزش ارز بازار، به مصرف‌کنندگان می‌فروشند و از طرفی

• تحریم‌های اقتصادی اعمال شده علیه اقتصاد ایران چه تأثیر مخربی بر رشد صادرات غیر نفتی ایران داشته است؟

در این سال‌ها با توجه به فشار دولت آمریکا به همسایگان ایران، ما به‌مرور بازارهای صادراتی را از دست داده‌ایم و با نام و نشان شرکت‌های صوری و حتی با تغییر بسته‌بندی کالا در کشور مقصد در حال صادرات هستیم و تعداد کثیری از بازرگانان و تولیدکنندگان به اجبار نمی‌توانند به همه کشورهای صادرات داشته باشند و به‌جای توسعه صادرات، کالای ایرانی جایگاه خود را از دست داده است و ادامه این روند جز حذف شدن در بازارهای جهانی هیچ نتیجه دیگری نخواهد داشت.

• نرخ ارز چه تأثیری بر رشد صادرات غیرنفتی ایران دارد؟

زمانی که ارزش پول ملی در مقابل ارزهای خارجی کاهش پیدا می‌کند، صادرکنندگان فرصت بهتری برای رقابت و ارسال کالای خود در بازار جهانی به‌دست

دریافت کنند و همین امر باعث کاهش صادرات گردیده است، از طرفی انتقال پول به وسیله صرافی‌ها حدوداً ۲۰ درصد هزینه را افزایش داده و باعث بالا رفتن قیمت تمام شده کالا و از دست دادن بازارهای رقابتی نسبت به دیگر کشورها و کاهش صادرات کالاهای غیر نفتی شده است.

● **پیمان سپاری ارزی به شکل کنونی چه تاثیری بر وضعیت صادراتی کشور داشته است؟**

همه تولیدکنندگان و صادرکنندگان عمده، سالهاست دارای دفاتر قانونی و صورت‌های مالی حسابرسی شده و اظهارنامه مالیاتی هستند و برگشت ارز حاصل از صادرات کالاهای خود را از راه‌های مختلفی توسط واسطه‌ها انجام می‌دهند، در بسیاری از موارد ریال تحویل می‌گیرند (مانند صادرات به کشورهای عراق و افغانستان) یا ارز به نام شخص ثالثی انتقال می‌یابد که در نهایت در حساب‌های شرکت، رهگیری انتقال پول قابل مشاهده است، چراکه واحدهای تولیدی، نیاز به سرمایه در گردش دارند و درآمد در حساب‌های شرکت قابل شناسایی است، با اجرای پیمان سپاری ارزی، صادرات بسیاری از افراد صاحب نام و با سابقه متوقف شده و کارت‌های بازرگانی آنها تعلیق و صدمات زیادی به واحدهای تولیدی و صادراتی زده شده که باعث تعطیلی و یا کاهش اشتغال گردیده است، نرخ ارز در پیمان سپاری ارزی به نفع دولت و به ضرر صادرکنندگان است، یک نوع مالیات غیر مستقیم به حساب می‌آید و ادامه این نوع پیمان سپاری ارزی، منجر به کاهش صادرات و اشتغال در کشور خواهد شد. پیشنهاد می‌شود، نرخ ارز تک‌نرخ شده و نرخ همه تعهدات ارزی با بازار یکسان شود تا رأفت خاصی برای گروهی در اقتصاد ایجاد نشود و صادرات کالا به جایگاه خود برگردد.

صادرکنندگان می‌بایست پایین‌تر از قیمت بازار ارز خود را به دولت تحویل دهند و در نتیجه صادرات، از صرفه اقتصادی افتاده و همه تجار به دنبال واردات کالا و دریافت ارز ارزان هستند و واردکنندگان برای رفع تعهدات ارزی صادرکنندگان، به ازای هر دلار حدود ۴۵۰۰ تومان تا ۶۰۰۰ تومان اخذ می‌کنند، پس بازار با پرداخت این پول‌ها خود در حال تنظیم نرخ ارز است و سیاست چندنرخه، تنها بروکراسی و فرآیند تجاری کشور را با چالش مواجهه ساخته است.

● **کاهش ارزش پول ملی چه تاثیری بر رشد صادرات غیر نفتی دارد؟**

باید توجه داشت کاهش ارزش پول ملی و ایجاد چند نرخ ارز، همزمان باعث شد تعدادی از این فرصت سوء استفاده کنند و کالاهایی که برای حمایت از اقشار ضعیف با ارز ارزان وارد کشور شده بودند را باز صادر کنند. کاهش ارزش پول ملی باعث شده کالاهای اساسی و مورد نیاز جامعه که صادرات آنها اکثراً ممنوع است، از مرزها به صورت قاچاق و غیر قانونی خارج شوند، از طرفی عدم تامین نیازهای ارزی دولت و کاهش ارزش پول ملی نیز باعث شد که دولت برای تامین منابع مالی بودجه‌ای، اقدام به انتشار پول و ایجاد تورم بی‌سابقه در بازار داخلی کند که در نتیجه تامین سرمایه در گردش واحدهای تولیدی با مشکل جدی مواجه شده است.

هیچگاه سیاست چند نرخ نتوانسته است به حمایت از اقشار ضعیف بینجامد و در نهایت کالا با قیمت ارز آزاد به مصرف کننده واقعی تحویل داده شده است.

● **نبود سیستم بانکداری کارآمد تعاملات محدود با سیستم بانکداری جهانی چه تاثیری بر صادرات غیر نفتی ایران دارد؟**

قطع بودن سیستم بانکی بین‌المللی باعث شده بسیاری از صادرکنندگان، نتوانند ضمانت برگشت پول را





گزارش مرکز پژوهش‌های اتاق بازرگانی تبریز

پایش عوامل موثر بر صادرات غیر نفتی



این هزینه‌ها شامل افزایش در استخدام بی‌رویه و افزایش بودجه نهادهای دولتی بدون توجه به کارکرد و بهره‌وری آنها است.

بنابراین، اگر سهم درآمدهای نفتی از بودجه اقتصادی دولت کم‌رنگ شود، بروز دو رخداد بسیار محتمل خواهد بود؛ اتفاق اول، کاهش درآمدهای دولت و ثابت ماندن هزینه‌های صورت گرفته شده در دوران رونق درآمدهای نفتی است. این عمل منجر به ایجاد کسری بودجه شدید در ساختار اقتصادی دولت شده و مشکلات زیادی مانند استفاده از منابع بانک‌های تجاری و بانک مرکزی می‌شود. ثمره‌ی چنین اقدامی، ناترازی شدید در بانک‌ها است که زمینه ورود بانک‌های تجاری به فعالیت‌های غیر مولد، به‌منظور کاهش ناترازی بانک‌های استان شده است و به‌دنبال آن منجر به افزایش خلق نقدینگی و تورم شده است. در رویکرد دوم، ارزهای موجود نیز در پوشش هزینه‌های جاری دولت مورد استفاده قرار گرفته و ارزی برای تولیدکنندگان و صادرکنندگان باقی نمی‌ماند و از آنجایی که اقتصاد ایران به محصولات واسطه‌ای و سرمایه‌ای وابسته است، بحران ارزی زمینه‌ساز رکود در کشور می‌شود. برآیند این دو رویکرد نتیجه‌ای جز تورم-

مهمترین ویژگی اقتصاد ایران وابسته بودن آن به درآمدهای ارزی ناشی از نفت است. این ویژگی سبب شده است تا با افزایش درآمدهای نفتی، رشد کل اقتصاد ایران افزایش یافته و با کاهش درآمدهای نفتی رشد کل اقتصاد کاهش یابد. اگر رویه وابسته بودن اقتصاد ایران به درآمدهای نفتی در بلند مدت مورد بررسی قرار گیرد، ملاحظه خواهد شد که درآمدهای نفتی دو رویکرد منفی را در ایران تقویت کرده است. در رویکرد اول؛ تبدیل دلارهای نفتی به ریال منجر به افزایش سیاست پولی در کشور شده است. از آنجایی که تورم همیشه پدیده پولی است، درآمدهای نفتی، منجر به بروز تورم در کشور شده است. در رویکرد دوم؛ افزایش درآمدهای نفتی سبب شده است تا این فرضیه در ذهن سیاستگذاران شکل بگیرد که درآمدهای ارزی همواره پایدار بوده و دولت می‌تواند با استفاده از این درآمدها هزینه‌های خود را پوشش دهد. در رویکرد اول به محض ایجاد تورم که ناشی از تبدیل ارزهای نفتی به ریال است، واردات در کشور افزایش یافته و بعد از چند سال «بیماری هلندی» یا همان رکود در بیشتر بخش‌های اقتصادی شده است. تحت رویکرد دوم، دولت اقدام به افزایش هزینه‌های خود کرده است.

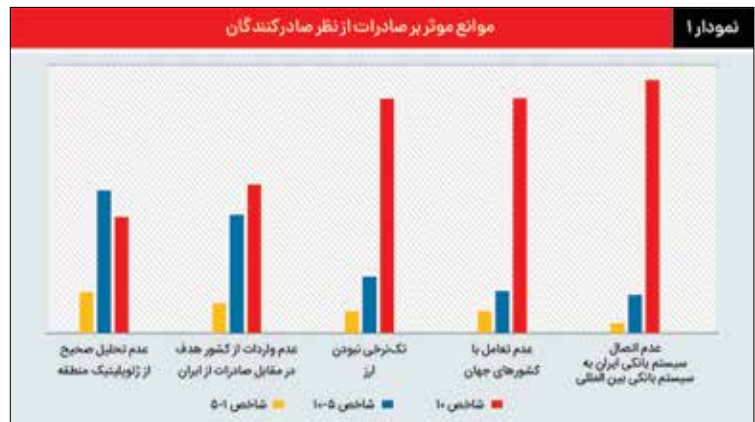
رکودی در نبود منابع درآمدهای نفتی در کشور نداشته است. اینکه چرا درآمدهای ارزی دولت کاهش می‌یابد، بستگی به بسیاری از عوامل داخلی و خارجی دارد. عوامل داخلی می‌تواند ناشی از روحیه استکبارستیزانه سیاست‌گذاران جمهوری اسلامی باشد که چندان مورد استقبال قدرت‌های حاکم بر جهان نبوده و با استفاده از استراتژی‌های گوناگون سعی در کاهش درآمدهای نفتی دولت و کنترل نقش ایران در سیاست‌های حاکم بر جهان دارند. عوامل خارجی نیز ناشی از کاهش قیمت نفت و گذر از انرژی‌های فسیلی به سمت انرژی‌های پاک است. به همین دلیل، اقتصاد ایران نیازمند آن است که سید صادراتی خود را از منابع نفتی به سمت منابع غیر نفتی متنوع سوق دهد. اگر اقتصاد ایران بتواند به این سمت حرکت کند، نه تنها تورم در کشور کنترل می‌شود، بلکه رشد اقتصادی نیز تقویت شده و می‌توانیم شاهد یک اقتصاد سالم رقابتی باشیم.

دومین مانع مهم در توسعه صادرات غیر نفتی، عدم تعامل همه جانبه با کشورهای جهان است. آمارها حاکی از آن است که ۷۸ درصد مصاحبه‌شوندگان، این فاکتور را مهمترین مانع محسوب می‌کنند، این در حالی است که ۱۴ درصد صادرکنندگان این فاکتور را جز موانع مهم قلمداد نکرده‌اند. سومین مانع موثر بر صادرات غیر نفتی از منظر تولیدکنندگان، به عدم تک‌نرخ‌ی بودن ارز اشاره دارد. آمارها نشان می‌دهد که ۱۱۰ نفر از صادرکنندگان، عدم تک‌نرخ‌ی بودن ارز را مهمترین مانع قلمداد کرده‌اند.

چهارمین مانع موثر در کاهش توسعه صادرات غیر نفتی، میزان تأثیر دیدگاه نادرست در خصوص تجارت (صادرات از ایران و عدم واردات از هدف) است. آمارها حاکی از آن است که ۵۰ درصد مصاحبه‌شوندگان، این عامل را در صادرات غیرنفتی موثر ندانسته‌اند.

در ادامه تحلیل نتایج، آمارها حاکی از آن است که میزان تأثیر عدم تحلیل صحیح از ژئوپلیتیک منطقه و تأثیر آن بر آینده‌ی تجارت، پنجمین عامل موثر بر صادرات غیر نفتی است.

آمار مصاحبه‌شونده‌ها نشان می‌دهد که میزان تأثیر عدم آشنایی با دیجیتال مارکتینگ و روش‌های تجاری نوین در رتبه ششم موانع موثر بر توسعه صادرات غیر نفتی جای دارد. رتبه هفتم به میزان تأثیر عدم وجود کنسرسیوم‌های صادراتی و رتبه هشتم به زیر ساخت‌های حمل و نقل تعلق دارند. میزان تأثیر عدم توانمند بودن شرکت‌های کوچک و متوسط در خصوص صادرات محور بودن از نظر اهمیت در رتبه نهم و مشکلات گمرکی کم‌اهمیت‌ترین مانع از نظر صادرکنندگان محسوب شده است. شایان ذکر است برای رتبه‌بندی موانع از میانگین نمرات اعمال شده برای هر سوال استفاده شده و میانگین موانع به شرح نمودارهای ۲ و ۳ است.



وجود صادرات غیر نفتی سبب می‌شود تا اقتصاد ایران در تولید محصولات گوناگون مزیت نسبی به دست آورده و با در دست گرفتن بازارهای مختلف جهان، علاوه بر ایجاد زمینه همکاری‌های مختلف در تمامی حوزه‌ها، نقاط ضعف اقتصاد کشور را نیز با چنین همکاری‌هایی پوشش دهد. از سوی دیگر، وجود سبد متنوع صادراتی، این امکان را به اقتصاد می‌دهد که دولت همواره منابع پایدار درآمدی داشته و بتواند با اطمینان بیشتر بودجه ریزی داشته و اهداف کلان کشور پیش ببرد.

با توجه به موارد بیان شده، اتاق بازرگانی تبریز به بررسی و رصد عوامل موثر بر صادرات غیر نفتی پرداخته است. بررسی مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که میزان تأثیر عدم اتصال سیستم بانکی کشور به سیستم بانکی بین‌المللی، مهمترین عامل تأثیرگذار در توسعه صادرات غیر نفتی است. بررسی آمارها حاکی از آن است که از ۱۴۹ صادرکننده استان، ۱۲۶ صادرکننده این عامل را مهمترین مانع توسعه صادرات غیرنفتی عنوان کرده‌اند.

آمارهای به‌دست‌آمده از مصاحبه‌شونده‌ها در اهمیت اتصال سیستم بانکی کشور به سیستم بانکی بین‌المللی به شرح نمودار ۱ است.



در ادامه این گزارش دلایل فنی و علمی پنج مانع موثر بر صادرات غیر نفتی تشریح می‌شود:

تحریم بانک‌های ایران و عدم همکاری سیستم بانکداری جهان با سیستم بانکی ایران

رونق سرمایه‌گذاری و تولید این بخش بیش از هر چیز نیازمند فضای امن و با ثبات است. تحریم اقتصادی و تحریم بانک‌ها، ریسک کشوری و هزینه‌های تحمیل شده را افزایش می‌دهد. به علاوه، اِعمال تحریم‌های متوالی در حوزه‌های مختلف، امنیت و آرامش را از اقتصاد کشور سلب کرده و زمینه را برای خروج سرمایه‌ها از کشور فراهم می‌کند. در میان تحریم‌هایی که از سالیان گذشته فضای اقتصاد کشور را ملتهب کرده، تحریم بانک‌ها بیش از دیگر عوامل، فعالیت‌های اقتصادی به‌ویژه بخش خصوصی را تحت شعاع قرار می‌دهد. همچنین تحریم علیه بانک‌های ایرانی، به دلیل ایجاد نگرانی از بابت امنیت صادرات، ریسک اعتباری مرادوات با ایران بالا رفته و نرخ پوشش بیمه صادرات کالا رو به افزایش است و این مورد منجر به افزایش هزینه‌ها و قیمت نهایی کالاهای صادراتی به ایران می‌شود. اعمال تحریم علیه بانک‌ها نیز باعث شده است شرکت‌های ایرانی فعال در زمینه خرید و فروش کالا با کشورهای خارجی ناگزیر شوند در فقدان پشتوانه بانکی، مشکلات را دور زده و از طریق واسطه‌ها و دلان کشورهای ثالث گشایش اعتبار کنند.

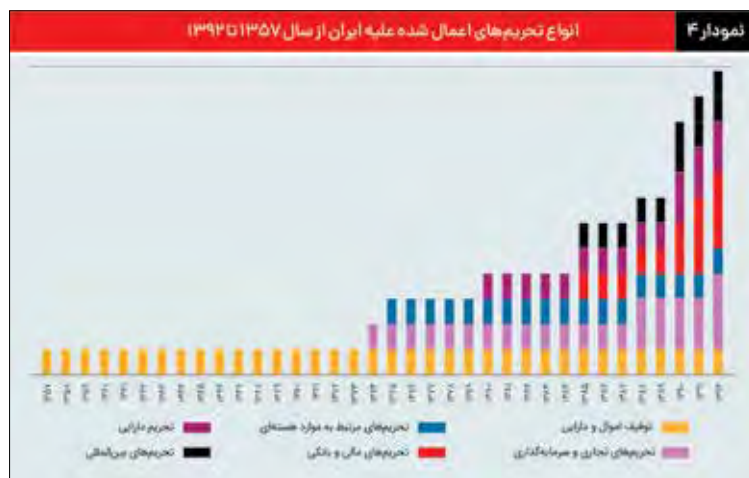
مستقیم‌ترین پیامد چنین کاری، بالا رفتن هزینه معامله و صرف زمان طولانی برای رسیدن به اهداف و تأثیر منفی بر کیفیت و زمانبندی آنها است. بنابراین واضح است که بخش بزرگی از انرژی مفید تولیدکننده‌ها و شرکت‌های داخلی، به جای جریان‌یافتن در روند تولید و توسعه، به فرسایش زمانی می‌گذرد. این وضعیت، علاوه بر ایجاد تورمی، تولیدکنندگان را تحت فشار قرار می‌دهد و از حاشیه سود آنها می‌کاهد و حتی چه بسا هزینه‌های تمام‌شده برای آنها بیش از قیمت فروش باشد. طبیعی است که در چنین شرایطی، تولیدکنندگان نتوانند طبق انتظارات قبلی به تعهدات مالی خود در برابر بانک‌ها عمل کنند و بازپرداخت تسهیلات دریافتی با تأخیر مواجه شود.

شایان ذکر است اعمال تحریم، شرکت‌ها را در تأمین منابع ارزی مورد نیاز خود از بانک‌ها و تأمین‌کنندگان سرمایه داخلی دچار مشکل می‌کند. لذا تولیدکنندگانی که منابع مورد نیاز خود را از طریق فاینانس و بیوزانس تأمین می‌کنند، با تنگنا مواجه می‌شوند و به دلیل مکمل بودن تسهیلات ارزی و ریالی در فرایند تولید، نمی‌توانند محصولات خود را طبق زمان‌بندی پیش‌بینی شده تولید کنند. از اینرو، احتمال می‌رود که به دلیل عدم تحقق منابع مالی لازم و عدم تحقق درآمدهای انتظاری، قادر به بازپرداخت تسهیلات بانکی در موعد مقرر نخواهند بود و پرداخت تسهیلات ریالی آنها نیز با تعلل مواجه می‌شود.

در راستای بررسی اهمیت تحریم‌های بانکی بر میزان صادرات، لازم است ضمن توجه به تئوری‌های بحث شده،

اترگذاری آن از حیث تجربی نیز مورد توجه قرار گیرد. طبق گزارش وزارت خزانه‌داری آمریکا پنج نوع تحریم بعد از انقلاب اسلامی بر کشور اعمال شده است. این پنج تحریم عبارتند از: تحریم دارایی‌ها، تحریم تجاری و سرمایه‌گذاری، موارد مربوط به انرژی هسته‌ای، توقیف اموال و دارایی‌ها و تحریم مالی و بانکی.

شایان ذکر است این تحریم‌ها توسط سازمان ملل و اتحادیه اروپا در بازه زمانی مختلف تشدید شده است. تحریم‌های اقتصادی ایران تا سال ۱۳۹۲ ادامه‌دار بوده و پس از انجام مذاکرات هسته‌ای و توافق برجام، این روند تا سال ۱۳۹۷ متوقف می‌شود ولی پس از سال ۱۳۹۷ تحریم علیه ایران از سر گرفته می‌شود.



طبق نمودار ۴ بازه زمانی تحریم به شرح زیر است:

توقیف اموال و دارایی: از سال ۱۳۵۷ تا به الان

تحریم تجاری و سرمایه‌گذاری: از سال ۱۳۷۴ تا به الان

تحریم‌های مرتبط به موارد هسته‌ای: از سال ۱۳۷۵ تا به الان

تحریم‌های مالی و بانکی: از سال ۱۳۸۵ تا به الان

تحریم دارایی: از سال ۱۳۸۰ تا به الان

بین تمامی تحریم‌ها دو مورد بسیار حائز اهمیت است: تحریم مالی - بانکی و تحریم تجاری و سرمایه‌گذاری. این دو تحریم در سه بازه زمانی تشدید شده‌اند. تحریم مالی و بانکی ابتدا سال ۱۳۸۵ و سپس در سال ۱۳۹۰ تشدید و در سال ۱۳۹۱ با شدت فراوانی اعمال شده است. همچنین تحریم سرمایه‌گذاری از سال ۱۳۷۴ شروع و از سال ۱۳۹۰ همانند تحریم بانکی با شدت بیشتری تداوم یافته است.

طبق روند تورم چندین سال در کشور مشاهده می‌شود که به‌طور مستقیم با تحریم‌های اقتصادی مرتبط است. سال ۱۳۷۴ برای اولین بار تحریم‌های تجاری و سرمایه‌گذاری علیه ایران اعمال شده است. همچنین سال ۱۳۸۶ روند تورم به شدت افزایش داشته است. با دقت در روند تحریم‌ها مشاهده می‌شود که در اواخر سال ۱۳۸۵ تحریم‌های بانکی علیه ایران اعمال شده است و این عمل منجر به افزایش هزینه و تورم در کشور شده است.

بوده است.

تعامل با جهان و توسعه صادرات

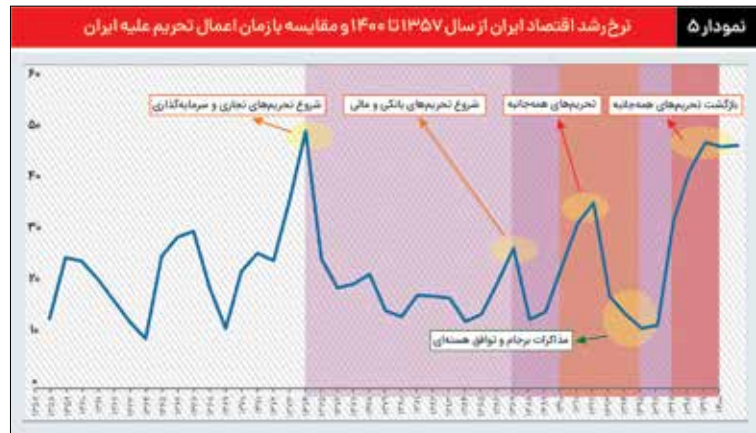
در جهان امروز مزیت نسبی یکی از مهمترین مؤلفه‌های موثر در تقویت تولید داخلی و صادرات است. این مفهوم بدین معنی است که کشورها باید در تولید محصولاتی که رقابت‌پذیری و مزیت فراوانی دارند، اهتمام ویژه‌ای به خرج دهند. مبرهن است که کمتر کشوری در جهان پیدا می‌شود که بتواند و بخواهد همه محصولات مورد نیاز خود را در داخل کشور تولید کند. از سوی دیگر احتمال تولید همه محصولات در هر کشور امری ناشدنی بوده و برای تولید محصولات مورد نیاز، تمامی کشورها باید یکدیگر تعامل مناسبی داشته باشند. امروزه بیش از ۵۰ کشور در تولید قطعات مورد نیاز یک محصول نقش دارند و حذف هر یک از این کشورها، منجر به عدم کارایی در تولید آن محصول خواهد شد.

اقتصاد ایران با دارا بودن ظرفیت‌های بالقوه در اقتصاد، معایب فراوانی نیز دارد و بنابراین لازم است تا از تکنولوژی و فرایند تولید سایر کشورها نیز بهره‌برداری تا تولیدات داخلی رقابت‌پذیری خود را افزایش دهند. به عنوان مثال اقتصاد امروز ایران در تولید محصولات کشاورزی، صنایع غذایی و تولید انرژی پاک، نیازمند واردات تکنولوژی‌هایی است که کشور در خلق آنها با مشکل روبرو است. بنابراین با فراهم آوردن بستر مناسب در راستای تعامل با جهان و ترغیب کردن دنیا به همکاری با اقتصاد ایران، می‌توان پتانسیل‌های اقتصاد کشور را آشکار کرده و به آن فعالیت بخشید. از سوی دیگر، مباحث برندینگ، بازاریابی و افزایش سهم بازاری محصولات صادراتی نیازمند تعامل با دنیا است. این امر به وضوح آشکار است که برخی از محصولات ایران دارای مزیت رقابتی بسیار بالایی نسبت به محصولات خارجی هستند، ولی به دلیل مهیا نبودن و عدم اجازه برخی از کشورها به حضور ایران در بازار آنها، فرصت‌های صادراتی از بین می‌رود.

در آمارهای قسمت قبل ملاحظه شد که تحریم‌های بانکی و تجاری که توسط ایالات متحده آمریکا، سازمان ملل و اتحادیه اروپا اتخاذ شده، چگونه به تخریب اقتصاد ایران انجامیده است. در این راستا، تعامل با جهان کاملاً در ارتباط مستقیم با تحریم‌های اقتصادی است. با این حال می‌توان از یک زاویه دیگر این مورد را تجزیه و تحلیل کرد. بنابراین در راستای تعامل با جهان، لازم است لیست کشورها و سازمان‌هایی که ایران را تحریم کرده‌اند، مورد بررسی قرار گیرد. طبق گزارش‌های رسمی، کشورها و سازمان‌های تحریم‌کننده، به شرح جدول ۱ هستند.

با محاسبه مجموع تولید ناخالص داخلی کشورهای تحریم‌کننده ایران، طبق نمودارهای ۷ و ۸ ملاحظه می‌شود که بیش از ۵۰ درصد تولیدات جهان توسط این کشورها صورت می‌گیرد و حتی این میزان در برخی از بازه‌های زمانی بیشتر از ۷۰ درصد بوده است.

همچنین افزایش شدید تورم در سال ۱۳۹۰، ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ کاملاً مشهود است و دلیل عمده این امر، تشدید تمامی موارد تحریمی علیه اقتصاد ایران است. شایان ذکر است تحریم‌های سال ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ بعد از سال ۱۳۹۷ مجدداً اعمال شده است و تورم‌های شدید بعد از این سال بر تحریم شدن ایران دلالت دارد. یکی از تفاوت‌های واضح تورم با رشد اقتصادی آن



است که رشد اقتصادی فرآیندی بلندمدت است و هر اندازه اقتصاد یک کشور قدرتمند باشد، تضعیف آن اقتصاد نیازمند زمان بیشتری است. ملاحظه می‌شود تحریم تجاری سال ۱۳۷۴، طی سال‌های ۱۳۷۶ و ۱۳۷۷ نیز نمایان شده است. همچنین تحریم بانکی سال ۱۳۸۵ در سال ۱۳۸۶ نمایان شده و تحریم سال ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ و سال ۱۳۹۲ فوراً رشد اقتصادی را کاهش داده است. این آمارها دلالت بر آن دارد که تحریم‌های بانکی و تجاری در طول زمان، فرصت سرمایه‌گذاری بلندمدت از کشور را گرفته و رونق اقتصادی در کشور از بلندمدت به کوتاه‌مدت تبدیل شده است.



طبق روند رشد اقتصادی از سال ۱۳۷۴ تا سال ۱۳۸۶ تولید همواره روند مثبتی را طی کرده است و این امر نشانگر تقویت اندازه اقتصادی کشور بوده است. با این حال، این روند در دهه ۱۳۹۰ کاملاً متفاوت بوده است و رشد اقتصادی مثبت معمولاً با یک رشد اقتصادی منفی همراه

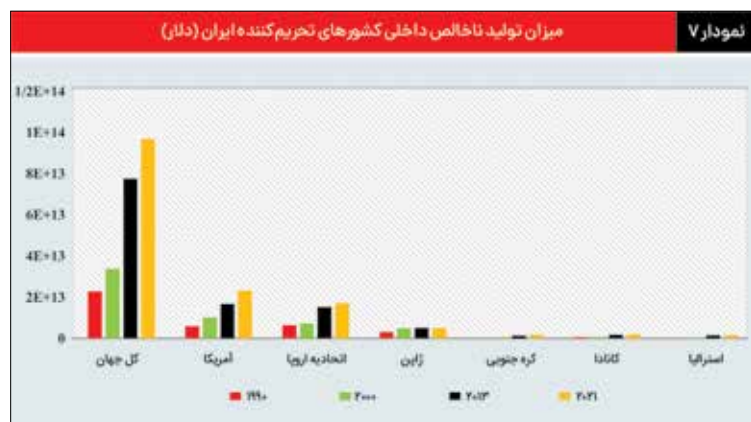
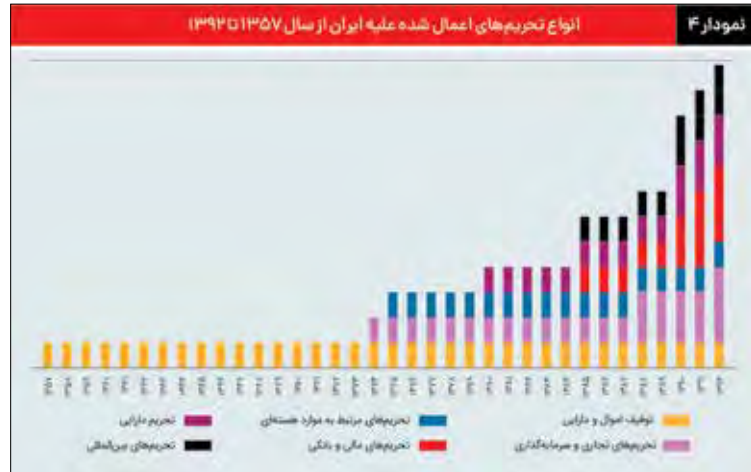
تجاری داشته باشند. (برای مشاهده میزان باز بودن کشورها به سایت wdi مراجعه کرده و داده‌های trade openness را مشاهده کنید). در این راستا توصیه سیاستی برای افزایش ظرفیت اقتصادی ایران، تعامل همه جانبه با کشورهای تحریم‌کننده و آماده‌سازی بستر لازم برای همکاری اقتصادی با کل جهان است.

میزان تأثیر دیدگاه نادرست عدم واردات از کشور هدف در مقابل صادرات از ایران

استراتژی توسعه جایگزینی واردات اساساً یک استراتژی حمایتی است و این موضوع سبب می‌شود تا با حمایت از برخی صنایع داخلی که این حمایت‌ها در دوره طولانی مدت صورت گرفته و صنعت به آن عادت می‌کند، توان رقابتی به شدت کاهش یافته و عملاً امکان نوآوری و ابداع در صنعت مذکور از بین برود. یکی از ابزار مورد عمل در کاربرد استراتژی مذکور، اعمال محدودیت‌های وارداتی از طریق افزایش تعرفه‌ها است و از آنجایی که تعرفه‌ها برای دولت درآمدزا هستند، به تدریج دولت به این درآمدها وابسته شده و در نتیجه در مراحل بعدی توسعه که کاهش تعرفه ضروری است، صرفنظر کردن دولت از این درآمدها بسیار مشکل خواهد بود، به همین دلیل گاهی حمایت‌ها افراطی و فاقد ساختار منطقی است. از دیگر دلایل نامطلوب بودن استراتژی جایگزینی واردات، می‌توان به پرهزینه بودن این روش و عدم استفاده بهینه از منابع تولید اشاره کرد.

در واقع حمایت از یک صنعت با توجه به اینکه تولید در مقیاس بزرگی صورت نمی‌گیرد، هزینه سرانه تولید را بالا برده و این امر توجه‌پذیری تولید کالا را در ابعاد بین‌المللی از بین می‌برد. استراتژی جایگزینی واردات چنانچه در صنایع وسیعی بکار گرفته شود، نتایج مطلوبی نخواهد داشت و یکی از دلایل عدم موفقیت آن، کاربرد سیاست‌های حمایتی عام و بدون تبعیض بوده است، در حالیکه باید میان صنایع بالغ و صنایع نوزاد تفکیک قائل شد. از دلایل مهم دیگری که به‌عنوان عامل شکست این استراتژی توسعه محسوب می‌شود، غفلت از صادرات است، زیرا این استراتژی یک برنامه درون‌نگر است و چنانچه تولیدات و صنایع مورد حمایت، معطوف به بازار داخلی باشند، هیچ موفقیتی را برای کشور به ارمغان نخواهند آورد. ضمن اینکه انگیزه‌ای برای رقابت با کالاهای مشابه داخلی وجود نخواهد داشت. در حالی که اگر الزام به فروش و عرضه کالاها در بازارهای بین‌المللی وجود داشته باشد و از صنایع صادرات‌گرا حمایت شود، می‌توان به بهبود کیفیت، کاهش قیمت و افزایش توان رقابتی در صنعت مورد نظر امیدوار بود. یکی دیگر از مسائلی که در بکارگیری این استراتژی به‌وجود می‌آید، وجود رانت‌های فراوانی است که عملاً باعث انحراف سبدهای حمایتی به نفع گروه‌های فشار می‌شود.

روند حجم تجارت خارجی ایران در بازه زمانی ۱۹۶۰ تا ۲۰۲۱ نشان می‌دهد که افزایش صادرات (به دلیل افزایش درآمد نفتی) با افزایش واردات همراه بوده است. طبق نمودار

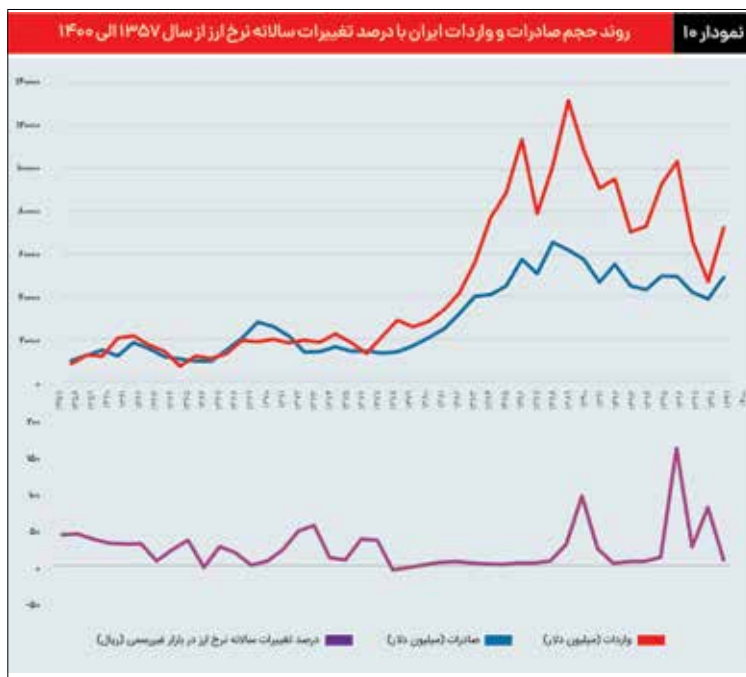


بنابراین اگر فرض بر آن باشد که سایر کشورهای جهان با کشورهای تحریم‌کننده ایران همکاری نداشته و همچنین کشور ما نیز با آنها مبادله تجاری دارند، اقتصاد ایران با ۴۸ درصد ظرفیت اقتصاد همکاری خواهد داشت و این به منزله از دست دادن سهم بازاری بسیار بالایی است که می‌تواند در شکوفایی و متنوع کردن سبد صادراتی ایران مفید واقع شود. از سوی دیگر آمارها حکایت از آن دارند که کشورهای تحریم‌کننده ایران به شدت کشورهای باز بوده و سهم تجارت بالایی با تمامی کشورهای دنیا دارند و این به منزله آن است که قدرت چانه‌زنی کشورهای اروپایی و آمریکایی برای عدم تجارت با کشورهای علاقه‌مند به تجارت با ایران، به‌شدت بالا است و به‌طور قطع سایر کشورها نیز سعی می‌کنند با کشورهایی که از نظر اقتصادی قدرتمند هستند، همکاری

می‌کند، بطوریکه رژیم نرخ ارز انعطاف‌پذیر می‌تواند به‌عنوان یک جاذب شوک خارجی، عمل کند. در مورد بهبود ویژگی جذب شوک‌های خارجی رژیم‌های ارز انعطاف‌پذیر باید گفت، زمانی که نرخ واقعی ارز یا قیمت‌های نسبی، با شوک خارجی تغییر پیدا می‌کنند، تغییرات اتوماتیک در نرخ ارز اسمی و رژیم‌های انعطاف‌پذیر، تغییرات لازم را در نرخ ارز واقعی ایجاد خواهد کرد.

بنابراین می‌توان بیان کرد که اثرات شوک‌های ناشی از بالا بودن حجم تجارت خارجی، می‌تواند توسط یک رژیم انعطاف‌پذیر کاهش یابد (برودا ۲۰۰۴). تحت اعمال رژیم‌های انعطاف‌پذیر شوک منفی سبب می‌شود که تقاضای داخلی و فروش بنگاه‌ها در بازار داخلی، به دلیل افزایش نرخ ارز کاهش یابد. با این حال یک کاهش واقعی در ارزش پول ملی، رقابت‌پذیری شرکت‌ها را در بازارهای خارجی افزایش می‌دهد. در یک اقتصاد باز که تعداد زیادی از تولیدکنندگان با کالاهای قابل فروش فعالیت می‌کنند، این رقابت‌پذیری افزایش یافته و منجر به جبران تقریبی اثر کاهش تقاضای داخلی کشور می‌شود. بنابراین در یک اقتصاد نسبتاً باز، رژیم‌های انعطاف‌پذیر شوک بیشتری را نسبت به رژیم‌های ثابت جذب می‌کنند. در مقابل در یک اقتصاد بسته که در آن کالاهای غیر قابل فروش غالب می‌شود، رژیم نرخ ارز ثابت بهتر است، چرا که آنها اجازه کاهش بهای واقعی را نمی‌دهند. این مفاهیم نشان می‌دهند که در کشورهای نسبتاً باز رژیم‌های انعطاف‌پذیر، به‌عنوان یک جذب شوک، بهتر عمل کرده و ثبات اقتصادی بهتری را ایجاد می‌کنند و زمانی که درجه حجم تجارت اندک است، رژیم ارزی ثابت منجر به ثبات مالی و اقتصادی بیشتر می‌شود.

با توجه به موارد مطرح شده، می‌توان گفت که در دوره‌ای که حجم تجارت، تأثیر مثبت بر رشد اقتصادی و تأثیر منفی بر تورم داشته، نرخ ارز از تعدیلات مناسبی برخوردار بوده است.



مشخص است که میزان حجم تجارت خارجی در شرایط مختلف دچار تغییر شده است. به‌عنوان مثال در سال‌های ۱۳۸۹، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ بالاترین حجم صادرات و واردات به دلیل افزایش درآمدهای نفتی ثبت شده است. در حالیکه بعد از اعمال تحریم علیه کشور ایران، این میزان به شدت کاهش یافته و از مقدار ۱۳۲ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۱ به ۷۰ میلیارد دلار صادرات در سال ۱۳۹۵ رسیده است. این شرایط سپس به دلیل توافق برجام بهبود یافته و به مقدار ۱۰۳ میلیارد دلار صادرات در سال ۱۳۹۸ رسیده است، ولی به دلیل نقض توافق و اعمال تحریم، مجدداً کاهش یافته است.



رشد حجم تجارت گویای این است که همواره شوک‌های مختلفی بر اقتصاد تحمیل شده است. این شوک‌ها از دو نظر قابل توجه هستند. اولین مورد آن است که کیفیت شوک‌های تجاری مشابه نبوده است، بطوریکه در بعضی مواقع به دلیل افزایش درآمدهای نفتی، شوک مثبت به اقتصاد وارد شده، این در حالی است که اقتصاد ایران به دلیل تحریم‌های متعدد، شوک منفی را تجربه کرده است. دومین مورد مهم، این است که شدت شوک‌های تجاری در بازه زمانی مختلف، یکسان نبوده است. بطوریکه در خصوص درآمدهای نفتی طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ آمار قابل توجهی ثبت شده است. از سوی دیگر، ایران به دلیل تحریم‌های اقتصادی، شوک منفی را تجربه کرده است. تحریم‌های اقتصادی از لحاظ شدت به سه بازه ۱۹۷۹-۲۰۰۵، در مرحله دوم ۲۰۰۵-۲۰۰۹ و تحریم‌های همه‌جانبه که بعد از سال ۲۰۰۹ اعمال شده، تقسیم بندی شده است. با توجه به توضیحات مختصر در مورد اثرات شوک‌های تجاری بر اقتصاد، لازم است تا ابزاری معرفی شود که توانایی مدیریت این شوک‌ها را داشته باشد و از این طریق ضمن تقویت آثار مثبت آن، آثار منفی را خنثی کند.

در ادبیات اقتصاد کلان اشاره شده است که نرخ ارز، ارتباط‌دهنده اقتصاد بیرون با اقتصاد داخلی است و نحوه تعیین نرخ ارز تأثیر غیر قابل انکاری در اقتصاد دارد. مهمترین ویژگی نرخ ارز در ارتباط با باز بودن تجارت و متغیرهای کلان اقتصادی، مدیریت شوک‌های خارجی است. تأثیر تجارت خارجی در اقتصاد عمدتاً از طریق کانال‌های شوک خارجی کار

میزان تأثیر عدم تحلیل صحیح از ژئوپلیتیک منطقه و تأثیر آن بر آینده‌ی تجارت

امروزه کشورهای دنیا در روابط خارجی خود با توجه به منافع ملی و ارزیابی‌هایی که از قدرت‌های پیرامونی و رقیب خود دارند، تلاش می‌کنند با بهره‌گیری از عوامل ژئوپلیتیکی و سایر عوامل مؤثر بر قدرت ملی، نسبت به اتخاذ سیاست‌های مناسب در راستای راهبرد دفاع ملی خود اقدام کنند. در واقع درک صحیح از نقش عوامل ژئوپلیتیکی می‌تواند تأثیر به‌سزایی در شکل‌گیری راهبرد دفاعی یک کشور بگذارد. با توجه به اینکه بخش اعظم منابع، ابزار و مؤلفه‌های قدرت ملی یک کشور، عوامل ژئوپلیتیکی هستند، طراحی راهبرد دفاعی مطلوب برای هر کشور، بدون توجه به عوامل ژئوپلیتیکی، به خصوص عوامل اقتصادی امکان‌پذیر نخواهد بود.

رویکردهای نوین در روابط و تعاملات بین‌المللی بیانگر نقش‌آفرینی ویژه مؤلفه‌های قدرت نرم، به خصوص عوامل اقتصادی و میزان تسلط بر گلوگاه‌های آن و تعیین حوزه‌های نفوذ در سطح بین‌المللی است. عوامل و بسترهای مناسب ژئوپلیتیک اقتصادی می‌تواند باعث به وجود آمدن ارزش‌های مشترک و همگرایی و ایجاد مناسبات حسنه و توسعه همکاری‌های منطقه‌ای شود و کشورها نیز می‌توانند با بسترسازی، مدیریت مناسب و به‌موقع و بکارگیری دیپلماسی اقتصادی فعال، فرصت‌های خوبی را برای خود، در آن منطقه مهیا کنند. با این حال عدم بهره‌مندی از این ظرفیت‌ها نیز می‌تواند باعث واگرایی در سیستم روابط و مناسبات کشورها شود. در این بین استفاده از مزیت‌های ژئوپلیتیک ایران در توسعه اقتصادی و فراهم کردن بستر برای توسعه صادرات غیرنفتی می‌تواند اثر بخش باشد.

یکی از مهمترین مزیت‌های منطقه اقتصادی ایران، همسایگی با کشورهایی است که مقصد و بازار هدف صادراتی خوبی به‌شمار می‌روند. قرار گرفتن در مجاورت کشورهای نفتی که درآمد سرشار ارزی دارند، همچنین نزدیکی به کشورهایی مانند پاکستان و هند که دارای جمعیت بالایی هستند نیز می‌تواند درآمدهای ارزی کشور را تقویت کند.

اوپیک بسیار قابل توجه است. در جدول زیر میزان عایدات حاصل از درآمدهای نفتی کشورهای عضو اوپیک ترسیم شده است. طبق برآورد صورت گرفته از سال ۱۳۸۴ الی ۱۳۹۹، مجموعاً ۱۰ هزار میلیارد دلار درآمدهای حاصل از عایدات نفتی بوده است. در مقابل چنین درآمدی که نشانگر قدرت خرید بسیار بالایی کشورهای عضو اوپیک بوده و بازار بسیار مهمی برای صادرات محسوب می‌شود، کشورهای کمتری از این گروه جزو شرکای تجاری ایران هستند. از سال ۱۳۸۵ الی ۱۳۹۹، ۱۰ شریک اصلی تجارت ایران به شرح زیر است.



شریک اول تجاری ایران، کشور چین است. آمارهای صادرات و واردات به این کشورها حکایت از آن دارد که میزان واردات بیشتر از صادرات بوده است. بین این کشورها، عراق تنها کشور نفتی است که میزان صادرات به آن کشور بالا بوده و نشانه‌ای از فعال بودن اقدامات تجاری بین سایر کشورهای عضو اوپیک وجود ندارد. در بین ۱۰ شریک تجاری اصلی ایران، کشور آلمان و کشور عراق تنها کشورهایی هستند که میزان صادرات بیشتر از واردات بوده است. در مقابل چنین آماری، شواهد حاکی از آن است که عمده شرکای اصلی ایران از نظر تولیدات ناخالص داخلی وضعیت مناسبی دارند. همچنین، از آنجایی که بیشتر تولیدات این کشورها در مقابل صادرات نفت وارد کشور می‌شود و برای دولت مهم است که این محصولات را در بازار داخلی به فروش برساند، تولیدکنندگان داخلی در معرض تهدید تولیدات شرکای تجاری ایران قرار دارد و هرگونه سیاستگذاری اشتباه در مسائل اقتصادی و به خصوص نرخ ارز، علیه تولید و صادرات غیر نفتی کشور خواهد بود.



طبق نمودار ۱۱ ملاحظه می‌شود که شرکای اصلی تجاری ایران، کشورهای عضو اسکاپ، اِکو، اوپیک و اتحادیه پایایی آسیا هستند. در بین این کشورها، میزان تجارت با کشورهای عضو



منصور حیدری
کارشناس مرکز پژوهش‌های
اتاق بازرگانی تبریز

مرکز پژوهش‌های اتاق بازرگانی تبریز

چرا ارز باید تک‌نرخی باشد؟!

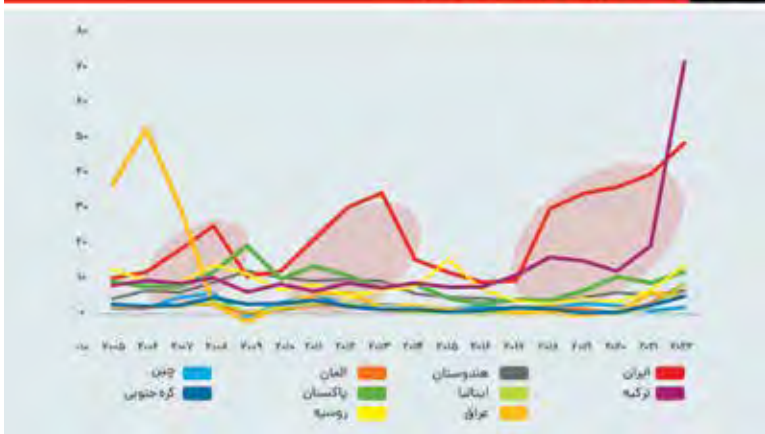


در ایران همواره بالاتر از شرکای اصلی بوده است. از سال ۱۳۸۴ تاکنون، تورم ایران همواره بالاتر از تورم شرکای تجاری خود بوده است. در سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۸۷ تنها کشور عراق، تورمی بالاتر از ایران را تجربه کرده است. از سال ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۴ ایران با اختلاف بسیار زیادی تورم بالایی نسبت به شرکای اصلی و از سال ۱۳۹۷ تا الان کشور ترکیه متوسط تورمی نزدیک به ایران داشته است. این موارد نشانگر تضعیف رقابت‌پذیری تولیدکنندگان داخلی در مقابل تولیدات خارجی است و با ثابت نگه داشتن نرخ ارز این وضعیت تشدید می‌شود.

تک‌نرخی بودن ارز و حرکت به سمت سیستم ارزی شناور، از آنجایی با اهمیت است که اگر تورم در کشوری کمتر از نقاط دیگر باشد، در این صورت صادرات در آن کشور رقابتی‌تر شده و باعث افزایش ارزش پول آن کشور می‌شود. با توجه به اینکه در بیشتر سال‌ها، کشور ایران در مقایسه با کشورهای دیگر تورم بالایی داشته است، اتخاذ سیستم‌های ارزی ثابت منجر به این می‌شود که قیمت کالاهای خارجی برای چندین سال در کشور ایران ثابت مانده و اجازه ندهد که تورم کشورهای خارجی بر کشور وارد شود، در حالی که قیمت محصولات داخلی با توجه به تورم داخلی هر سال افزایش می‌یابد. سیستم ارزی ثابت سبب شده است تا تورم داخلی، میزان رقابت‌پذیری تولید داخلی را کاهش داده و با اعمال این سیاست طی سال‌های متوالی، قدرت رقابتی تولید داخلی کاهش یافته، عملاً از صحنه رقابت جهانی خارج شده و جای خود را به محصولات وارداتی ارزان قیمت بدهد.

در این راستا دولت می‌تواند با اعمال رژیم ارزی شناور و با تعدیل شدن نرخ ارز با توجه به تورم داخلی، میزان قدرت رقابت‌پذیری تولیدات داخلی را در مقابل محصولات خارجی تقویت کرده و میزان تولید و رشد اقتصادی را افزایش دهد. در نمودار ۱ مقایسه‌ای از تورم ایران و شرکای اصلی ایران در حوزه تجارت خارجی به عمل آمده است. طبق این نمودار ملاحظه می‌شود که تورم

نمودار ۱ مقایسه نرخ تورم ایران با شرکای تجاری



ثابت نگه داشتن نرخ ارز و بسترسازی برای ایجاد تورم و رکود

در اقتصاد ایران بزرگترین عرضه کننده ارز در بازار کشور، بخش دولتی است؛ به طوری که در مواقع کاهش درآمدهای نفتی، استقراض از بانک مرکزی یکی از منابع عمده افزایش نقدینگی است. در مواقع افزایش درآمدهای نفتی با توجه به اینکه معمولاً به اندازه ارز حاصل شده در نرخ‌های رایج ارز، مشتری در بازار وجود ندارد، نرخ‌های ارز تمایل به کاهش دارند (مازاد عرضه در نرخ‌های ثابت). از سوی دیگر، دولت به دلیل نیازهای بودجه‌ای، ارز حاصل از درآمدهای نفت را به بازار عرضه کرده و با دخالت بانک مرکزی در بازار ارز، از کاهش نرخ ارز (عمدتاً نرخ دلار در برابر ریال) جلوگیری می‌کند. این کار به معنی افزایش پایه پولی و تورم است. اگر بانک مرکزی به نرخ‌های ارز اجازه دهد که انعطاف‌پذیری بیشتری داشته باشند و در مقابل کنترل خود را بر روی پایه پولی افزایش دهد، شوک‌های بازار نفت به صورت افزایش پایه پولی و تورم به اقتصاد ایران منتقل نمی‌شوند.

در مقابل، افزایش نرخ ارز سبب می‌شود تا بانک مرکزی در بازار ورود کرده و با تزریق دلار و جمع آوری نقدینگی، مشکلات تامین نقدینگی را فراهم آورد. سپردن نرخ ارز به بازار آزاد، استقلال پولی زیادی به بانک مرکزی می‌دهد و بانک مرکزی را در رسیدن به اهداف اقتصادی مانند کنترل تورم و افزایش رشد اقتصادی یاری می‌کند.

طبق نمودار ۲ بعد از سال ۱۳۷۹، ارزهای حاصل از منابع مختلف توسط دولت و بانک مرکزی به ریال تبدیل شده است. از آنجایی که منابع ارزی در کشور زیاد است، ارزی که سبب خلق پول شده و زمینه تورم را فراهم ساخته است، باعث می‌شود تا تقاضای افزایش یافته برای واردات تورم را سرکوب کند. در این رویکرد، ثابت نگه داشتن نرخ ارز موجب ایجاد سه مرحله شده است: اول باعث چاپ پول شده و سپس منجر به ایجاد تورم شده، تعدیل نشدن ارز بر اساس تورم واردات را افزایش داده و قدرت رقابت‌پذیری تولید کنندگان کاهش یافته است.

کنترل نرخ ارز توسط دولت و بانک مرکزی اثرات خود را با

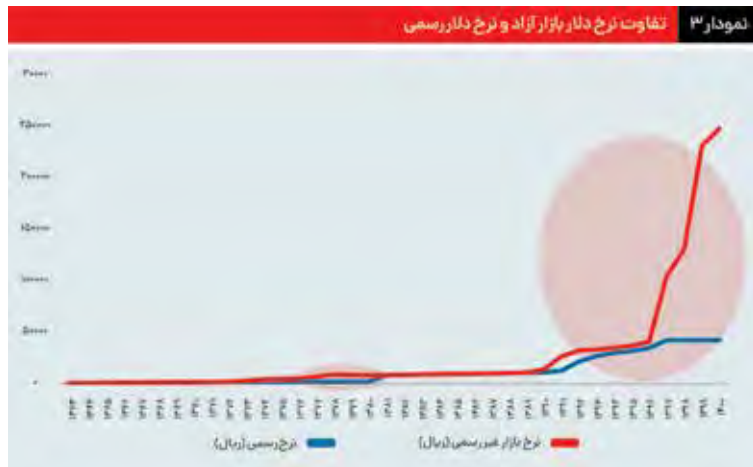
نه تنها تقاضا برای واردات به دلیل ارزان بودن دلار به وجود می‌آید، بلکه به عنوان یک دارایی مطمئن در پوشش تورم نیز تقاضا افزایش می‌یابد و نرخ ارز ثابت نگه داشته شده در دوره‌های قبل، به دلیل بازدهی بالا به شدت جهش پیدا می‌کند. این جهش در سال ۹۲ منجر به ایجاد تورم رکودی در کشور شده است.

این مسئله نشان می‌دهد که دولت باید به محض افزایش تقاضا برای واردات اجازه تعدیل شدن نرخ ارز را داده و ضمن کاهش واردات ارزان، از تضعیف رقابت‌پذیری تولیدات داخلی نیز جلوگیری به عمل آورد.

ثابت نگه داشتن نرخ ارز و بسترسازی برای ایجاد فساد

قبل از پرداختن به این مسئله که نرخ ارز چگونه باعث ایجاد رانت و فساد می‌شود، لازم است روند سری زمانی نرخ ارز در ایران ترسیم شود.

طبق روند سری زمانی (نمودار ۳) مشاهده می‌شود که



در دو بازه زمانی اختلاف بین ارزش نرخ رسمی و نرخ بازار غیررسمی وجود داشته است و در بقیه سال‌ها ارز تک نرخی در کشور حاکم بوده است. در دهه ۹۰ دو سیاست در قبال نرخ ارز رسمی و غیر رسمی به وجود آمده است.

اولین سیاست بعد از سال ۱۳۹۷ به وجود آمد که دولت وقت به تخصیص ارز ۴۲۰۰ تومانی اقدام کرد. این ارز سبب شد تا دولت در مواقعی با خرید ارز نیمایی و عرضه آن با نرخ دولتی، ضمن کاهش قدرت خرید دولت، رانتی را برای واردکنندگانی که با استفاده از ارز دولتی به واردات پرداخته و کالای وارداتی را با قیمت بالاتر از ارز دریافتی عرضه کرده‌اند، فراهم شود. این رویکرد عرضه مخرب دیگری نیز دارد؛ زمانی که دولت نتواند از عهده تامین عرضه ارز دولتی برآید، اقدام به حذف نرخ ارز می‌کند. در این راستا، کالاهایی که قبلاً با ارز دولتی وارد می‌شدند، به بهانه افزایش ارز، قیمت کالا را بیشتر از قیمت حقیقی آن بالا برده و زمینه‌ساز فساد و رانت در اقتصاد می‌شود.

دومین سیاست مربوط به تعهدات ارزی است. در قسمت قبلی اشاره شد که تورم موجود در ایران تهدیدی اساسی



وقفه نشان داده و در سال‌های انتهایی دهه ۸۰ و ابتدایی سال ۹۰ رکودی اقتصادی را در کشور رقم زده است. مسئله کنترل نرخ ارز به اینجا ختم نمی‌شود، بلکه با اعمال تحریم‌ها

ویژه‌نامه بیست و هفتمین همایش ملی توسعه صادرات غیرنفتی - آذر ۱۴۰۲
نشریه اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تبریز

کمتری بابت دریافت ارز کرده و بستر لازم برای خروج ارز از کشور را فراهم می‌سازند. این مسئله از آنجایی می‌تواند پدیده فرار سرمایه را تقویت کند که اعطایکنندگان رانت ارزی به واردکنندگان، می‌تواند شناسایی شده و واردکنندگان مورد بازخواست قرار گیرند و همین امر سبب می‌شود تا انگیزه خروج ارز از کشور با انگیزه بیشتر تقویت شود. این در حالی است که هیچ رانتی در صادرات وجود ندارد.

جمع‌بندی

اقتصاد کشور نزدیک به یک دهه است که با مشکلات رشد اقتصادی و تورم‌های شدید روبرو شده است. بررسی ساختار رشد اقتصادی و تورم در ایران حاکی از آن است که درآمدهای صادرات نفت و عدم مدیریت آن منجر به ایجاد چنین فضایی در اقتصاد کشور شده است. درآمدهای نفتی سبب شده است تا میزان هزینه‌های دولت و عرضه پول در کشور افزایش یافته و زمینه لازم برای افزایش تورم فراهم شود.

از سوی دیگر، دلارهای نفتی زمینه لازم برای سرکوب نرخ ارز و افزایش واردات را فراهم کرده و بیماری هلندی یا همان رکود اقتصادی ناشی از درآمدهای نفتی را منجر شده است. از سوی دیگر، بیماری هلندی در اقتصاد با تحریم‌های شدید همراه شده و موجب شده است تا نرخ ارز، مسیر چند ساله خود را طی کرده و با افزایش شدید نرخ ارز، تورم نیز به شدت افزایش یابد و رکود تورمی در کشور به وجود بیاید.

شواهد آماری نشان می‌دهد میانگین رشد نرخ ارز در بلندمدت همواره نزدیک به رشد نقدینگی است و نرخ ارز هنگامی به شدت تعدیل می‌شود که فضای ناطمینانی در کشور حاکم شده باشد. نرخ ارز در سال‌های ۱۳۷۴، ۱۳۸۶، ۱۳۹۱، ۱۳۹۲ و سال‌های بعد از ۱۳۹۷ تعدیل شده است. در تمامی موارد تحریم‌های اقتصادی سبب شده است تا چنین وضعیتی در اقتصاد به وجود بیاید. این امر نشان می‌دهد که نقدینگی در فضای ناطمینانی با ضریب بسیار بالایی تورم را افزایش می‌دهد. از سوی دیگر نقدینگی‌هایی که در فضای ثبات سیاسی خلق شده و منجر به تقاضا نشده، به محض وارد شدن شوک سیاسی تبدیل به تقاضا شده و تورم را تشدید کرده است.

از سوی دیگر اشاره شد که حدی از تورم وجود دارد که سبب می‌شود تا رشد اقتصادی در حد اکثر مقدار خود قرار بگیرد. دستکاری نرخ ارز سبب می‌شود تا تورم در این حد آستانه‌ای قرار نگرفته و رشد اقتصادی وضعیت مطلوبی نداشته باشد. در وضعیت ثبات، سرکوب نرخ ارز سبب کاهش تورم از مقدار تعادلی خود شده و با واردات ارزان رشد اقتصادی کاهش می‌یابد. در مقابل در اثر شوک‌های سیاسی، نرخ ارز جهش داشته و احتمال تورم رکودی را به سبب افزایش بیش از حد هزینه‌های تولید بالا می‌برد. در این راستا، عدم دستکاری نرخ ارز و عدم ورود دولت و بانک مرکزی به بازار ارز و تعیین آن طبق مکانیسم بازار یکی از مهمترین سیاست‌گذاری‌هایی است که می‌تواند با فراهم آوردن و کارآمد کردن سیاست پولی در کنترل تورم و همچنین تقویت رقابت‌پذیری در تقویت رشد اقتصادی موثر واقع شود.



برای صادرکنندگان و تولیدکنندگان است. تورم از آنجایی برای صادرکنندگان مهم است که سبب می‌شود، هزینه‌های تولید بالا رفته و آنها مجبور به اعمال تعدیل در قیمت تولیدات خودشان باشند.

در این راستا افزایش قیمت محصولات منجر به کاهش قدرت رقابت‌پذیری آن‌ها در برابر رقبای خارجی می‌شود. از سوی دیگر، عدم افزایش قیمت محصولات، حاشیه سود تولیدات داخلی را پایین آورده و منجر به ورشکستگی بنگاه‌های داخلی و تولیدکنندگان می‌شود.

در چنین فضایی از اقتصاد، چند نرخ می‌شود تا صادرکنندگان برای تولید، اقدام به تهیه ارز با نرخ دلار بازار آزاد کنند و از سوی دیگر بعد از فروش و صادرات، ارز حاصله را با نرخ کمتر از مقدار حقیقی آن تحویل بانک مرکزی دهد. این رویکرد دقیقاً مشابه تورم بوده و هزینه مضاعف بر صادرکنندگان تحمیل می‌کند. این وضعیت موجب می‌شود تا واردکننده بیشترین سود را به دست آورده و صادرکنندگان تمایلی به تجارت نداشته باشند. برای داشتن دید واضح از معایب تعهدات ارزی، موارد تشریح شده در ادامه نشان می‌دهد که چرا باید این سیاست‌گذاری حذف شود و چرا نیازی به مداخله در بازار ارز و سیاست‌های صادراتی نیست.

کاهش انگیزه صادرات

بخشی از هزینه‌های تولید و صادرات اعم از خرید نهاده‌ها و حمل و نقل براساس قیمت بازار آزاد محاسبه می‌شود و فروش ارز حاصل از صادرات به نرخ نیما به معنی ضرر صادرکننده است.

تبدیل صادرات در خدمات واردات به جای واردات در خدمت صادرات

بسیاری از صادرکنندگان برای تقویت رقابت‌پذیری نیازمند آن هستند که هر چند سال یکبار تکنولوژی‌های تولید خود را ارتقاء دهند. در این راستا، نگه داشتن مقداری از ارز برای سال‌های آتی و سرمایه‌گذاری بلندمدت طبیعی است. تعهدات ارزی سبب می‌شود تا این امر مهم و تغییرات تکنولوژی تولید که بیشتر مختص صادرکنندگان است با چالش جدی مواجه شود. صادرکنندگان، ارز خود را به واردکنندگان داده و با توجه به سودآوری بالای واردات، ارز را خرج کرده و از چرخه اقتصاد خارج می‌کنند. این در حالی است که واردات باید به نحوی باشد که تقویت صادرات را منجر شود.

تعهد ارزی بیشتر تقویت کننده فرار سرمایه است تا تضعیف آن (رانت ارزی در واردات است)
هدف از ایجاد تعهد ارزی جلوگیری از هدررفت ارز کشور و با گرداندن آن به چرخه اقتصاد است. با این حال، صادرکنندگان تنها به درآمدهای ارزی خودشان دسترسی دارند و با فروش محصولات خود در خارج کسب درآمد می‌کنند. این در حالی است که واردکنندگان نه تنها به درآمدهای ارزی صادرکنندگان غیر نفتی دسترسی دارند، بلکه به درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفتی نیز دسترسی دارند. هر چقدر مقدار ارز با نرخ کمتر در اختیار واردکنندگان قرار گیرد، آنها هزینه

سپردن نرخ ارز به بازار آزاد، استقلال پولی زیادی به بانک مرکزی می‌دهد و بانک مرکزی را در رسیدن به اهداف اقتصادی مانند کنترل تورم و افزایش رشد اقتصادی یاری می‌کند.

پیمان سپاری ارزی

از نگاه هیئت نمایندگان اتاق بازرگانی تبریز



دغدغه‌ی اصلی ما، نحوه‌ی اجرای پیمان سپاری ارزی است



یونس ژائله؛
رئیس اتاق تبریز

عنوان نرخ پیمان سپاری تعیین شود، میزان ارزآوری توسط صادرکنندگان افزایش یافته و می‌توان برای ایجاد ثبات در بازار ارز بهره برد. از سوی دیگر اگر نرخ پیمان سپاری کمتر از مقدار واقعی خود تعیین شود، تقاضا برای واردات افزایش یافته و بعد از چند دوره فشار مضاعف برای افزایش نرخ ارز وارد می‌کند. اینکه صادرکننده موظف باشد ارز را به قیمت آزاد از بازار خریده و در مقابل با نرخ نیمایی به بانک‌های داخلی عودت دهد، قطعاً تمایل به صادرات را کاهش خواهد داد. این کار مشکلات ارزی کشور را بیشتر کرده و تجارت را با چالش‌های اساسی مواجه می‌کند. از سویی به علت تحریم‌ها، عملاً امکان جابجایی پول از طریق سیستم بانکی وجود ندارد و باید این کار از طریق صرافی‌ها انجام شود که این امر نیز برای بسیاری از صادرکنندگان مشکل‌آفرین شده است. واقعیت این است که تا زمانی که در کشور ما ارز تک نرخ نباشد، مشکل صادرات حل نخواهد شد.

ما با بحث پیمان سپاری مشکلی نداریم، بلکه دغدغه‌ی اصلی ما نحوه‌ی اجرا و بازگرداندن آن به کشور است. مشکل ما قیمت‌گذاری دستوری در این زمینه است.

بطور کلی بحث پیمان سپاری ایده‌ی خوبی است که از جانب دولت مطرح شده است. با این حال، با اشکالاتی همراه است که اگر رفع شوند بسیاری از مشکلات تجارت کشور حل خواهد شد. مشکل اصلی در بحث پیمان سپاری ارزی، اعلام نرخ ارز توسط دولت است. مطرح کردن نرخ‌ی که به شدت رقابت‌پذیری صادرکنندگان را تضعیف می‌کند، منجر به چالش‌آفرین شدن پیمان سپاری ارزی می‌شود. همه صادرکنندگان خود را موظف می‌دانند که ارز صادراتی را به کشور وارد کنند، منتهی وقتی که نرخ بازگشت ارز سبب می‌شود تا میزان سودآوری آن‌ها کاهش یابد، صادرات جذابیت خود را از دست می‌دهد. اگر اجازه داده شود که نرخ ارز بازار آزاد به

تعیین قیمت دستوری، مشکل اصلی بحث پیمان سپاری ارزی

قرار دهد، اسمش را نمی‌توان حمایت از صادرات دانست، بلکه دقیقاً در راستای حمایت از واردات است. با شرایط فعلی کمتر کسی رغبت به صادرات پیدا می‌کند، چرا که اگر قرار باشد، صادرکننده‌ای ارز را ۲۰ تا ۳۰ درصد زیر قیمت بازار بفروشد و وارد کننده، ارز را ۲۰ تا ۳۰ درصد زیر قیمت بازار بخرد، آیا طبق منطق اقتصادی کسی سراغ صادرات می‌آید؟! تبعات دیگر اعمال نرخ پایین برای ارز وارداتی، کاهش قدرت رقابت تولیدکننده داخلی در مقابل واردات است چرا که عملاً تولیدکننده داخلی، با ارز نرخ بازار، مواد اولیه را از داخل تامین می‌کند و قیمت تمام‌شده آن بالاتر از کالای وارداتی است که با ارز ارزانتر خریداری شده است. از سوی دیگر مشخص نیست این رانت ۲۰ تا ۳۰ درصدی که صادرکننده در اختیار واردکننده قرار می‌دهد، دقیقاً به جیب چه کسی می‌رود! چرا که در کف بازار تمام اقلام وارداتی با ارز آزاد محاسبه می‌شود و عملاً هیچ‌گونه امکان کنترل قیمت با توجه به وسعت بازار ممکن نیست.

پیمان سپاری ارزی سدی محکم برای صادرکنندگان محسوب می‌شود و در حال حاضر یکی از مشکلات بزرگ صادرکنندگان شناسنامه‌دار، همین موضوع است، البته مشکل در برگشت ارز یا پیمان سپاری ارزی نیست، بلکه مسئله واقعی در تعیین قیمت دستوری برای ارز برگشتی است که صادرکننده را موظف می‌کند، ارز را ۲۰ درصد زیر قیمت بازار به سامانه‌های مختلف واردکنندگان واگذار کند. این امر علاوه بر ایجاد چرخه معیوب اقتصادی، موجب ایجاد دلسردی بین فعالان اقتصادی و در نهایت بی‌رغبتی به صادرات شده است. اگر نیت سیاستگذار را از غیرواقعی نگه‌داشتن نرخ ارز، حمایت از آحاد مردم، مصرف‌کنندگان و کنترل تورم بدانیم، این سوال مطرح می‌شود که باید دید بعد از گذشت سال‌ها، آیا این سیاست‌ها کمکی به کنترل نرخ تورم یا رفاه آحاد ملت کرده است؟!



مسعود بناپیان؛
نایب رئیس اتاق تبریز

اینکه صادرکننده، ارز حاصل از صادرات خود را که با صدها مشکل ناشی از تحریم‌ها انجام می‌دهد، با ۲۰ تا ۳۰ درصد زیر قیمت بازار در اختیار واردکننده

وجود سیستم بانکی کارآمد، لازمه توسعه فعالیت‌های اقتصادی



قاسم خلیل نژاد قوبیل؛
عضو هیئت‌رئیس و خزانه‌دار اتاق تبریز

محور تحریم‌ها اقتصاد است، نه مسائل فرهنگی، اجتماعی یا حتی سیاسی. در حوزه اقتصاد نیز صادرات اعم از نفتی و غیر نفتی، یکی از هسته‌های اصلی توسعه اقتصادی است.

در کشور ما می‌شود گفت که تمرکز تحریم‌ها بطور مستقیم بر روی صادرات نفتی است ولی عوارض و پیامدهای آن بطور غیر مستقیم بر صادرات غیر نفتی نیز آثار زیانباری داشته است که به اختصار به شرح زیر است:

الف- تحریم مبادلات پولی و بانکی، تحریم بیمه‌های کشتیرانی و افزایش درجه ریسک و نااطمینانی و تحریم‌های اقتصادی و انتقال تکنولوژی و نیز موانع مربوط به تامین قطعات و مواد، باعث کاهش صادرات غیر نفتی می‌شود.

ب- صادرات غیر نفتی با توان و ظرفیت اقتصاد ملی (تولید ناخالص داخلی GDP) رابطه مستقیم دارد و با توجه به اینکه تحریم‌ها مانع رشد اقتصادی و افزایش ظرفیت شده است، بنابراین از این طریق بر صادرات غیر نفتی تاثیر منفی دارد.

ج- یکی از عوامل مهم موثر بر تجارت خارجی (رابطه مبادله) یا شاخص نسبت قیمت کالاهای صادراتی به وارداتی است، از آنجا که تحریم‌ها باعث بروز تورم‌های ساختاری و مزمن در اقتصاد شده‌اند، لذا موجب می‌شود قیمت تمام شده کالای صادراتی، تحت تاثیر فشار هزینه‌ها افزایش یابد و قدرت رقابت‌پذیری در بازارهای جهانی را کاهش داده و به محدود شدن صادرات غیر نفتی منجر می‌شود.

د- یکی از شاخص‌های مهم دیگر، درجه باز بودن تجارت است. طبیعتاً هر قدر دسترسی باز به فعالیت‌های اقتصادی بیشتر شود، یا به عبارتی بازارها فضای رقابتی بازتری داشته باشند، در صادرات اثر مثبت می‌گذارد. در شرایطی که سهم کشور در تجارت جهانی کمتر از نیم درصد است و اقتصاد به سمت یک اقتصاد بسته نیل می‌کند، طبیعی است که تجارت غیر نفتی محدودتر می‌شود.

در یک اقتصاد سالم، انعطاف‌پذیر و پویا می‌توان با افزایش قیمت پول‌های خارجی یا به عبارت دیگر تنزیل و کاهش ارزش پولی، به افزایش توان رقابت و توسعه صادرات کمک کرد، ولیکن همانطور که در بالا اشاره شد، ضرورت آن، داشتن اقتصاد سالم، انعطاف‌پذیر و پویاست، یعنی اگر تولید و صادرات موانع دیگری نداشته باشد، کاهش ارزش پولی می‌تواند حداقل در کوتاه‌مدت به توسعه صادرات منجر شود. نکته مهم دیگر علاوه بر خود نرخ ارز، تبعات آن (نه تثبیت آن در یک نرخ) بلکه قاعده‌مند بودن و قابل پیش‌بینی بودن برای فعالان اقتصادی است که در آن، دامنه نوسانات نرخ ارز محدود بوده و مسیر

حرکت بلندمدت قابل پیش‌بینی است، لذا تغییرات مثبت و منفی آن، نباید به صورت جهش‌های ناگهانی و شوک‌آور باشد.

یکی از زمینه‌های انحراف منابع و غیر شفاف و رانتی شدن اقتصاد، وجود شرایط چند نرخ است که هم موجب اتلاف منابع و عدم تخصیص مناسب و بهینه می‌شود و هم موجب ایجاد شرایط غیرشفاف و غیر رقابتی شده و برخی فعالیت‌ها به صورت غیرمنطقی، از منابع سرشار و رانتی بهره‌مند شده و برخی هم به حاشیه رانده می‌شوند، لذا تصمیمات عقلانی و منطقی فعالان اقتصادی مخدوش شده و چراغ راهنمای اقتصاد، نه تنها از کار می‌افتد، بلکه اختلال ایجاد کرده و علائم و سیگنال‌های اشتباه و غلط ارسال می‌کند.

وجود یک سیستم بانکی کارآمد در سطوح اقتصادی، ضرورت توسعه فعالیت‌های اقتصادی از قبیل سرمایه‌گذاری و صادرات است. تمامی شاخص‌های فنی و تخصصی ارزیابی نظام بانکی داخلی، یکی از مشکلات ساختاری مزمن در نظام بانکی کشور دارد که اغلب بانک‌ها در معرض ورشکستگی هستند، یا حداقل ناتراز هستند لذا بطور هم حتم در چنین فضایی نمی‌توانند نقش تسهیل‌گری و حمایت از صادرات را بطور مناسب ایفا کنند. بسته‌های شفاف و قاعده‌مند بانک مرکزی باید نسبت به اصلاح فناوری نظام بانکی و نیز رفع ناترازی اقدام کند. ولیکن این اقدام اساسی و ضروری باید با احتیاط و بطور قاعده‌مند و با اقتدار لازم اجرا شود و البته باید به بروز پدیده بانک هراسی و کاهش اعتماد به بانک‌ها و خروج بی‌رویه منابع از آن‌ها منتج شود، از طرف دیگر حضور فعال و تعامل با نظام پولی، مالی و بانکی دنیا در سطح گسترده از ملزومات و ضروریات توسعه اقتصادی و افزایش تجارت خارجی به‌ویژه توسعه صادرات غیر نفتی است، لذا عضویت در نهادهای بین‌المللی و نیز پذیرش قواعدی مانند FATF از ضرورت‌های توسعه روابط تجاری است و بایستی مسیر نقل و انتقال وجوه تسهیل شده و از تحمیل هرگونه هزینه بالاسری مستقیم و غیر مستقیم اجتناب شود.

برخی برآوردهای کارشناسی هزینه‌های بالاسری ناشی از عدم پذیرش FATF و تحریم‌های بانکی و مسدود شدن سوئیفت ما را حدود ۲۵ درصد اعلام می‌کند. در عالم تجارت این اعداد بسیار تعیین‌کننده بوده و رقابت‌پذیری صادرات را به شدت کاهش می‌دهد و علاوه بر هزینه‌ها، طولانی شدن زمان نقل و انتقالات و همچنین بالا رفتن ریسک و نااطمینانی نیز مزید بر علت است. یکی دیگر از عوامل تاثیرگذار در صادرات کشورمان،

پیمان سپاری ارزی است، بطوریکه تعهد ارزی به‌ویژه در صنایع دستی و فرش دستباف و محصولات بخش کشاورزی، یکی از بزرگترین دغدغه‌ها و مشکلات صادرکنندگان است. البته که تجارت و صادرکنندگان نیز جزو افراد کشورمان هستند و قطع یقین مملکت خود را دوست داشته و آن را درک می‌کنند و وضعیت کنونی ارزی کشور را بیشتر از هر کس دیگری می‌دانند و لیکن تعهد ارزی به

فرم امروزی و به‌خصوص تعلیق کارت‌های بازرگانی، ناشی از عدم ایفای تعهدات ارزی حاصل از صادرات موجب می‌شود که تجار واقعی به حاشیه رانده شوند و قاچاق و استفاده از کارت‌های دیگران رونق پیدا کند و صادرات دچار وقفه شود. لذا پیشنهاد می‌شود که پیمان سپاری ارزی به گونه‌ای تجدید نظر شود که تجار و صادرکنندگان دچار ضرر و زیان نشده و به صادرات راغب شوند.

پیمان سپاری ارزی، عامل قفل صادرات غیر نفتی کشور



رضا جعفری؛

دبیر هیئت رئیسه اتاق تبریز

زیربنای هر اقتصادی مبادله، بیزینس و تجارت است و پشتوانه تمامی این موارد، تعاملات پولی، مالی و بانکی است.

تحریم‌ها متأسفانه کشور ما را با چالش‌های متعددی مواجه کرده است، به‌خصوص در حوزه تبادلات مالی و ارتباطات بانکی، آثار مخربی بر اقتصاد ما داشته است. در حال حاضر ما قادر به گشودن LC نیستیم و این امر باعث شده است، برخلاف دوران قبل از تحریم که ۲۰ تا ۳۰ درصد وجوه را پرداخت کرده و پس از تهیه و حتی فروش کالا، بقیه مبلغ را به طرف خارجی پرداخت می‌کردیم، اکنون نه تنها باید صد در صد هزینه را در ابتدای معامله بدهیم، بلکه این کار از طریق صرافی‌ها صورت می‌گیرد که هزینه تمام شده را افزایش می‌دهد. تحریم‌ها همچنین برخی کالاهای اساسی مثل دارو و سلامت مردم را هدف قرار داده که ناجوانمردانه است.

نکته مهم دیگر اینکه نرخ ارز در توسعه میزان صادرات بسیار تاثیر دارد. نرخ برابری واحد پولی هر کشوری با ارزهای بین‌المللی، می‌تواند در رشد صادرات یا توقف آن تاثیرگذار باشد، اما آنچه امروزه مملکت و فضای بیزینس ما را تحت شعاع قرار می‌دهد، تغییرات نرخ ارز است. اگر ما بدانیم تا پایان سال نرخ برابری ریال مقابل ارزهایی مثل دلار و یورو چقدر خواهد بود، راحت‌تر می‌توانیم برای تولید و صادرات برنامه‌ریزی کنیم.

ما در عرصه‌ای در حال تجارت هستیم که هر لحظه تغییرات وحشتناک و غیر قابل باوری به‌وجود می‌آید که می‌تواند در توقف یا کاهش صادرات غیرنفتی تاثیر بگذارد. در واقع بازار صادراتی ثبات لازم دارد. وقتی نرخ برابری ارز ثبات نداشته باشد، در این صورت یا باید صادرکننده ضرر بدهد که این امر با ماهیت و توان کار اقتصادی مغایر است یا باید به عهده‌ش وفا نکند که هر دو مشکل‌آفرین هستند.

اصولاً در کشورهایی که اقتصاد سالم و درستی دارند، کاهش ارزش پول ملی می‌تواند صادرات

را افزایش دهد، اما این باید در کنار تقویت توان لایه‌های اجتماعی صورت بگیرد که برای جامعه ما توصیه نمی‌شود.

نبود سیستم بانکی کارآمد نیز از جمله چالش‌های صادرکنندگان است. تعاملات ما با بانکداری جهانی تقریباً صفر شده و مثل این است که شما رفته‌اید وسط جنگلی، دور خودتان دیوار کشیده‌اید و زندگی می‌کنید. شما نمی‌توانید تمام کالاهای مورد نیاز را خودتان تولید کنید. این یک اصل است که تجارت با اتصال به سیستم بانکی جهانی میسر است و خروج ما از FATF و داستان‌های پیش آمده پس از آن، عملاً مشکلات صادرات را صد چندان کرده است.

پیمان سپاری ارزی نیز در شرایط کنونی، کارآمد نیست. دولت خودش اعلام می‌کند که حقوق کارمندان خارج از کشور را نمی‌تواند پرداخت کند و از طریق صرافی این کار صورت می‌گیرد و حتی در مواقعی در این بین هزینه‌اش نابود می‌شود. در این شرایط دولت به ما می‌گوید صادرات انجام دهید و ارز به کشور وارد کنید. این در حالی است که ارز صادراتی غیر نفتی شرکت‌های کوچک، متوسط و بزرگ بخش خصوصی، در برابر ارز حاصل از صادرات نفتی که عمدتاً دست دولت است، درصد جزئی و ناچیزی به‌شمار می‌رود.

در این شرایط بهترین راه این است که بعضی از کشورهای همسایه که قادر به پرداخت ریال در ایران هستند را قبول کنیم. در مورد بقیه کشورها هم حداقل نرخ برابری ارز سیستم بانکی را به نرخ برابری ارز آزاد نزدیک کنیم تا صادر کننده راحت‌تر فعالیت خود را ادامه دهد.

این انتظار درستی نیست که کالایی در بیرون به قیمت ۵۱ هزار تومان خریداری شده و سپس به قیمت ۴۲ هزار تومان تحویل سیستم بانکی داده شود، مگر صادرکننده چقدر سود کرده است؟!

من به جرأت می‌گویم اگر این مشکل در آینده نه چندان دور مدیریت نشود، باعث قفل صادرات غیر نفتی کشور خواهد شد.

لزوم ثبات ارزی در تقویت صادرات غیر نفتی



سید باقر شریفزاده؛
عضو هیئت نمایندگان اتاق تبریز

غیرمولد در اقتصاد را تقویت و اقدامات تولیدی را به شدت تضعیف می‌کند.

مهمترین توصیه سیاستی برای افزایش صادرات غیر نفتی و تقویت تولیدات داخلی، کنترل چاپ پول و فراهم ساختن بستر مناسب برای کاهش تورم است. با کنترل تورم، فضای سفته‌بازی در کشور جمع شده و فعالیت‌های مولد مورد توجه قرار می‌گیرد.

بنابراین، کنترل نرخ ارز، عامل کاهش تورم نیست و لازم است به بازار ارز اجازه داده شود که نرخ آن به تدریج به قیمت واقعی خود نزدیک شده و در آینده نرخ آن توسط مکانیسم عرضه و تقاضای آن تعیین شود.

به عبارت دیگر برای ایجاد ثبات در بازار ارز لازم است، تحریم‌های اقتصادی رفع شده و بستر برای تنظیم سیاست پولی بر اساس ظرفیت اقتصادی و کنترل تورم فراهم شود. در این راستا، می‌توان به تقویت تولید داخلی و رشد صادرات غیرنفتی امیدوار بود و تا زمانی که اقتصاد کشور دچار تحریم است، چاپ پول بی‌رویه، انتظارات تورمی بالا و تورم شدید مهمان اقتصاد ایران خواهد بود. در چنین فضایی ضمن آنکه سرکوب نرخ ارز و چند نرخی کردن دلار نمی‌تواند میزان تورم را مهار کند، بلکه صادرات و تولید کشور به دلیل مزیت واردات دچار آسیب شده و محصولات داخلی جای خود را به محصولات خارجی خواهند داد.

اهمیت درآمد و صادرات نفتی از آن جایی برای اقتصاد ایران مهم است که بخش مهمی از منابع درآمدی دولت محسوب شده و تغییرات آن در تراز بودجه دولت تأثیر فراوانی می‌گذارد. تغییرات صادرات نفتی با اثرگذاری مستقیم بر بودجه دولت سبب بروز تغییراتی در همه متغیرهای کلان می‌شود. در کنار اهمیت عواید ارزی در بودجه دولت، بررسی ترازنامه بانک مرکزی حاکی از آن است که تغییرات درآمد ارزی در اقتصاد ایران منجر به تغییرات عرضه پول می‌شود. بنابراین درآمدهای ارزی دولت سبب می‌شود تا نحوه تعیین نرخ ارز نقش قابل توجهی در ثبات اقتصادی ایران داشته باشد.

در تعیین نرخ ارز باید یک سیستم ارزی از جانب دولت و بانک مرکزی اعمال و بر اساس این سیستم، میزان نرخ ارز محاسبه شود. سیستم‌های ارزی ثابت و شناور از شناخته‌شده‌ترین سیستم‌های اجرا شده در دنیا است. موفقیت هر یک از این سیستم‌ها در اقتصاد ایران در گرو توانایی آن در انطباق با باز بودن تجارت و جذب شوک‌های تجاری است.

لازمه تقویت رشد صادرات غیر نفتی و رشد اقتصادی، ایجاد ثبات اقتصادی در کشور است. تا زمانی که موتور چاپ پول در اقتصاد فعال است، تورم نیز مهمان سفره اقتصاد ایران خواهد بود. تورم، منجر به ایجاد بی‌ثباتی اقتصادی شده و فعالیت‌های

نرخ ارز صادراتی، صادرکننده را بی‌انگیزه می‌کند



یونس اکبریور پایداری؛
عضو هیئت نمایندگان اتاق تبریز

۲۰ درصد زیر قیمت واگذار کند، لذا در صورتی که بهای خرید ارز صادراتی، نزدیک به نرخ ارز بازار یا برابر با آن بوده و حتی در راستای تشویق به صادرات این نرخ دو تا سه درصد بالاتر از قیمت رسمی در نظر گرفته شود، تمایل به سمت صادرات را مضاعف کرده و تولیدکننده با به حداقل رساندن کاستی‌های خود، در صدد خواهد بود تا با ارتقای تکنولوژی و جایگاه خود بازارهای جدیدی را به سمت کالاهای خود بگشاید و این امر عملاً هزینه‌ای برای دولت نخواهد داشت. بدین نحو یارانه به سمت تولیدکننده‌ای هدایت خواهد شد که بتواند عمق اهداف صادراتی خود را گام به گام بهبود بخشیده و رونق اقتصادی برای کشور ایجاد کند. از این لحاظ نرخ ارز، تأثیری مستقیم بر رشد صادرات غیر نفتی کشور دارد و لازم است در راستای بهره‌مند شدن صادرکننده از مشوق‌های حمایتی، سیاست‌های مناسبی از طرف دولت و بانک مرکزی اتخاذ شود؛ چرا که در این صورت ارزهای حاصل از صادرات به نحو مقتضی به کشور باز خواهد گشت. مسئله مهم دیگر وجود چند نوع نرخ ارز در یک کشور است. نرخ ارزهای متفاوت درست مانند این

بدون تردید، تحریم‌های اقتصادی علیه ایران، مانع از ورود تکنولوژی از ممالک دیگر به کشور شده است و عدم ورود تکنولوژی به کشور باعث می‌شود که ضمن افت کیفیت محصولات تولیدی، ما برای دوره طولانی با کاهش سهم بازار و عدم امکان رقابت در صحنه جهانی، نتوانیم محصول تولیدی خود را به نحو شایسته در بازارهای جهانی عرضه کنیم. همچنین عدم تمایل مشتریان خارجی به خرید محصولات ایرانی، به دلیل عدم امکان انتقال پول مشتریان و افزایش بهای تمام شده از جمله دیگر آثار مخرب تحریم‌های اقتصادی بر رشد صادرات غیر نفتی کشور است که باعث می‌شود، مشتری خارجی به بازارهای دیگر متمایل شده و خرید از آن بازارها را حتی به قیمت بالاتر به همکاری با ما ترجیح دهد. معمولاً در ایران نرخ ارز صادراتی حدود ۲۰ درصد پایین‌تر از قیمت بازار در نظر گرفته می‌شود و این سیاست باعث شده است که صادرکننده، اشتیاق و انگیزه‌ای نسبت به مقوله تولید نداشته باشد، چرا که بخش عمده مواد اولیه با نرخ رسمی تأمین شده و تولیدکننده نهایتاً مقید است ارز صادراتی خود را عملاً

است که خط استارت دوندگان در پیست مسابقات دو میدانی یکسان نبوده و همه در پشت یک خط واحد قرار نگیرند. در این صورت تولیدکننده اصلی در این رقابت نابرابر، پشت سر همه قرار گرفته و به علت برخورداری عده‌ای خاص از رانتهای اطلاعاتی و منابع (که آنها را در جهت سود شخصی و ضربه به تولید و اقتصاد کشور به بدترین شکل ممکن استفاده می‌کند) همیشه عقب مانده و این امر باعث می‌شود که تولید در کشور به سمت رکود پیش رود و این قضیه از جمله آفت‌های چند نرخ بود ارز است که به سبب شفاف نبودن و تحت عناوین مختلف، سبب بروز فساد می‌شود.

یکی دیگر از عوامل تاثیرگذار بر صادرات غیرنفتی، کاهش ارزش پول ملی است که از جهاتی به علت افزایش میزان صادرات به نفع اقتصاد کشور بوده و می‌تواند صادرات محصولات به بازارهای خارجی، کمک‌کننده و مفید باشد. لذا زیرساخت‌های کشور باید طوری پیش‌بینی شود که با کاهش ارزش پول ملی، همانند برخی از کشورهای مثل ترکیه و چین که با هدف توسعه صادرات عمده ارزش پول ملی خود در سطحی پایین حفظ می‌کنند، بتوانیم وزن صادرات را افزایش داده و سهم بالاتری از بازارهای جهانی را نصیب خود کنیم. اما متأسفانه زیرساخت‌های لازم در کشور مانند لجستیک، حمل و نقل ریلی، کامیون و ... توسط دولت‌ها آماده نشده و محدودیت‌های اقتصادی و تحریم‌ها به شکل مضاعف باعث سرافراز شدن بخش عمده آسیب‌های عدم سرمایه‌گذاری در این حوزه به تولید و صنعت کشور شده و در نتیجه ما رشد قابل توجهی در زمینه صادرات غیر نفتی نداشته‌ایم.

نبود سیستم بانکداری کارآمد و تعاملات محدود با سیستم بانکداری نیز از دیگر موانع صادراتی کشور محسوب می‌شود. واضح است که هرگونه داد و ستد، معامله و خرید و فروش، مستلزم تعامل و برقراری ارتباط با سیستم بانکداری جهانی است؛ اگر نیازمند واردات مواد اولیه یا ماشین آلات هستیم، لازم است بتوانیم پول خود را به فروشنده خارجی انتقال دهیم و خریدار خارجی نیز متقابلاً در زمان خرید از ما بتواند به سهولت

وجوه خود را منتقل کند، لذا در صورت مهیا نبودن این مهم، ضمن بروز فساد و مشکلات، بخشی از هزینه و انرژی واحد تولیدی در صرافیها و یافتن واسطه‌ها هزینه می‌شود.

فارغ از اینکه در فرایند یاد شده، امکان از دست رفتن پول و سرمایه نیز دور از ذهن نیست. در دنیای کنونی تعاملات مناسب با سیستم بانکداری جهانی به طور چشمگیری به تقویت صادرات غیر نفتی کشور کمک خواهد کرد و لازم است، زمینه مطلوبی برای همراهی با سیستم‌های به‌روز و گشایش اعتبارات اسنادی (LC) فراهم شود و در این صورت است که با ضمانت بانک‌ها، امکان ارسال کالا، تبادل اسناد و پرداخت وجه ضمانت شده، میسر می‌شود و این امر جزو شروط حیاتی و از جمله اساسی‌ترین زیر ساخت‌های تقویت صادرات و افزایش سطح GDP (تولید ناخالص داخلی) به‌عنوان مهم‌ترین پارامتر ارزیابی فعالیت‌های اقتصادی کشور خواهد بود.

پیمان‌سپاری ارزی از دیگر ابزارهای سیاست کنترل ارز است، به طوری که صادرکنندگان از طرف دولت موظف می‌شوند ارز حاصل از صادرات خود را به بانک‌های مشخصی که از سوی بانک مرکزی مشخص شده بازگردانند و این موضوع یکی از دغدغه‌های صادرکنندگان است. بنابراین در صورت وجود سیستم کارآمد، اگر دولت با اتخاذ سیاست‌های حمایتی و تشویقی، نرخ مرجع ارز صادرکننده را اندکی بیشتر از رویه جاری مدنظر قرار دهد، صادرکننده به طور خودجوش، ارز خود را مشتاقانه به کشور باز خواهد گرداند.

چه بسا واحدهایی که به واسطه پیمان‌سپاری ارزی توانسته‌اند پول خود را از کشورهای هدف صادرات دریافت کنند و به همین دلیل در داخل کشور مشکلات عدیده‌ای از جمله چالش‌های بانکی، ممنوع‌الخروجی، محکومیت‌های کیفری و امثالهم دامنگیر آنها شده و ناخواسته به بُن‌بست خورده‌اند. به‌عبارت دیگر پیمان‌سپاری ارزی به‌جای گشایش مسیر و کمک به صادرکننده در بازگرداندن داوطلبانه ارز صادراتی و بهبود فضای سرمایه‌گذاری، به‌نوعی آنها را با مشکلات متعدد مواجه کرده است.

ارتباط مستقیم کاهش ارزش پول ملی با میزان روابط بین‌المللی

در توسعه تجارت دارد، چرا که ارز چندنرخه باعث ایجاد سردرگمی بین فعالان اقتصادی می‌شود. دغدغه دیگر تجار و بازرگانان، بحث پیمان‌سپاری است. در این زمینه نیازی به انجام آزمایش نیست و باید از تجربه کشورهای متری از جمله ترکیه الگوبرداری شود.

نکته مهم دیگری که بسیار حائز اهمیت است، نبود اختیارات در حوزه استانی است، تا زمانی که به استان‌ها قدرت تصمیم‌گیری داده‌نشود، بانکداری ما همچنان کارآمد نخواهد بود.

تحریم‌های اقتصادی اعمال شده علیه اقتصاد ایران، تا حد زیادی رشد صادرات غیر نفتی را تحت تاثیر قرار داده است، به همین منظور لازم است تا دیپلماسی جهانی در کشور تقویت شود. واضح است دستیابی به توسعه اقتصادی نیازمند تعامل سازنده با جهان است، به‌طوریکه کاهش ارزش پول ملی ایران ارتباط مستقیمی با روابط بین‌المللی دارد. علاوه بر تحریم‌ها برخی اقدامات نیز باید داخل کشور انجام شود تا شاهد شکوفایی هرچه بیشتر اقتصاد کشور شویم، در این زمینه تک‌نرخ شدن ارز، نقش مهمی



بشیر جعفری؛

عضو هیئت نمایندگان اتاق تبریز

با نحوه برگشت ارز صادراتی مشکل داریم



سید یوسف حسینی؛

عضو هیئت نمایندگان اتاق تبریز

ما نیز مخالف پیمان سپاری نیستیم، اما با نحوه برگشت ارز مشکل داریم.

تمامی ما باور داریم که ارز حاصل از صادرات باید به کشور بازگردانده شود، اما چگونگی و نحوه برگشت آن حائز اهمیت است. این یک واقعیت است که همیشه یک ناترازی بین صادرات و واردات در کشور ما وجود دارد و ما صادرکنندگان در حداقل قرار داریم و تا زمانی که ثبات قیمتی در کشور وجود نداشته باشد، مشکلات نیز همچنان وجود خواهند داشت. اکنون ما در بازار، حجم بالایی از تولید داخلی داریم که به دلیل نوسان قیمت‌ها کسی مایل به فروش آن‌ها نیست و این امر به‌عنوان یک عامل بازدارنده عمل می‌کند.

از سوی دیگر ما فعالان اقتصادی در کشور با دخالت‌های بی‌جای خصولتی‌ها و دولتی‌ها مواجه هستیم که طی سال‌های اخیر شدیدتر شده است و عملاً به دلیل رقابت ناسالم، بخش خصوصی را کنار زده‌اند.

اقتصاد و تجارت دستوری در تضاد با منافع بخش خصوصی و حتی دولت است. تاکید دولت بر دستوری بودن اقتصاد، باعث می‌شود از یکسو دولت قیمت‌ها را کاهش دهد و در مقابل بازار آزاد قیمت‌ها را بالا ببرد. این امر در نهایت نوعی ناهمگونی و ناهم‌صدایی در جامعه ایجاد می‌کند که به ضرر همه تمام می‌شود. این در حالی است که تک نرخی بودن ارز به نفع تولید و صادرات است.

امروز کشورهای از قبیل امارات متحده عربی، ترکیه و فدراسیون روسیه که میزان تجارت بالایی با جهان دارند، به دلیل کاهش قدرت رقابتی صادرکنندگان ایرانی که ناشی از عدم ثبات نرخ ارز است، تجارت را از دست ایرانی‌ها گرفته‌اند. در این بین بحث پیمان‌سپاری ارزی نیز بار مضاعفی بر دوش فعالان اقتصادی گذاشته است. البته پیمان‌سپاری ارزی از زمان دولت آقای رفسنجانی وجود داشته و پدیده جدیدی نیست.

پیمان‌سپاری ارزی از دلایل کاهش صادرات غیر نفتی



احمد عظیم‌زاده؛

عضو هیئت نمایندگان اتاق تبریز

تخصیصی. به طور مثال برای کالاها ارز تخصیصی ارائه می‌شود، اما برای برخی کالاها ممنوع است.

قطع ارتباط نظام پولی و بانکی ما با دنیا و عدم امنیت برگشت پول نیز یکی از موانع توسعه صادرات به‌شمار می‌رود، چرا که به دلیل عدم ارتباط سالم بانکی ناشی از تحریم‌ها، مجبور هستیم نقل و انتقال پول را از طریق صرافی‌ها انجام دهیم که در این صورت امکان عدم برگشت پول بسیار بالاست.

مورد بعدی چند نرخی بودن ارز است. در حال حاضر در سیستم ما سه نوع نرخ ارز وجود دارد که بازار را دچار آشفتگی می‌کند. بنابراین باید ارز کشور تک نرخی شود و ثبات قیمت به‌وجود بیاید. نکته دیگر تاثیرگذار در صادرات غیر نفتی، نوسان قیمت ارز است. برای مثال امروز یک جنس را ۱۰۰ دلار قیمت‌گذاری کرده و به مشتری عرضه می‌کنیم، اما دو روز بعد به دلیل بالا و پایین شدن نرخ ارز، نمی‌توانیم مشتری مداری کنیم و به‌نوعی مشتری برای ادامه مراودات تجاری خود دیگر به ما اعتماد نمی‌کند.

تحریم اقتصادی ایران آثار مخربی بر روی اقتصاد ایران گذاشته است که به نظر من حتی جنگ نمی‌توانست چنین اثر مخرب و عقب‌ماندگی به وجود بیاورد. تحریم باعث شد به واسطه عدم ارتباط بانکی، معاملات بین‌المللی انجام نشده و صادرات غیرنفتی دچار آسیب شود. دلیل دوم کاهش صادرات غیرنفتی، تعهد ارزی و پیمان‌سپاری ارزی است. برای مثال در صنعت فرش، بافنده تمام مواد اولیه را با نرخ ارز بیش از پنجاه هزار تومان تهیه و تولید می‌کند و تجار فرش هنگامی که از بافنده خرید می‌کنند، ارز را به قیمت پنجاه هزار تومان و حتی بیشتر خریداری می‌کنند، اما زمانی که صادرات انجام می‌دهند، دولت به‌زور می‌گوید که ارز حاصل از صادرات را به نرخی که من می‌گویم، باید تحویل دولت بدهید، به‌علاوه باید مالیات و ... هم بپردازید. در چنین شرایطی طبیعی است که تمایلی برای صادرات فرش در تجار وجود نداشته باشد.

مؤلفه‌های مختلفی می‌تواند در صادرات غیرنفتی دخیل باشد؛ از جمله ارز چند نرخی و

نبود سیستم بانکداری کارآمد می‌تواند باعث بروز تنش‌های ارزی و تجاری شود



مهدی امینی؛

عضو هیئت نمایندگان اتاق تبریز

تحریم‌های اقتصادی باعث کاهش دسترسی به بازارهای جهانی برای صادرات محصولات ایرانی شده‌اند. محدودیت‌های مالی و مالیاتی، مشکلات در تسهیل ترانزیت و برقراری ارتباطات مالی بین بانک‌های ایرانی و خارجی، و تحریم‌های حمل و نقل، همه باعث کاهش توانایی صادرکنندگان ایرانی، در رقابت با سایر کشورها و ورود به بازارهای جهانی می‌شوند.

تحریم‌ها باعث افزایش هزینه‌های تجارت خارجی و کاهش سرمایه موجود برای تجارت می‌شوند. مشکلات در تسهیل تراکنش‌های مالی و بانکی، تعلیق خطوط اعتباری و تراکنش‌های بین‌المللی و محدودیت‌های دریافت و انتقال وجوه به عنوان پرداخت برای صادرات، همه به افزایش هزینه‌ها و کاهش سرمایه منجر می‌شوند.

تحریم‌های اقتصادی باعث کاهش قابل توجه تقاضا برای محصولات و خدمات ایرانی می‌شوند. محدودیت‌هایی که بر روی فعالیت‌های مالی و اقتصادی اعمال می‌شوند، اثرات منفی روی رشد اقتصادی و ایجاد اشتغال در ایران دارند و در نتیجه، تقاضا برای محصولات صادراتی کاهش می‌یابد. در مجموع، تحریم‌های اقتصادی علیه ایران تأثیرات منفی و چالش‌های زیادی بر روی رشد صادرات غیرنفتی این کشور داشته‌اند. با این حال، برخی از تغییرات سیاسی و توسعه روابط بین‌المللی می‌توانند در آینده تأثیر مثبتی بر روند صادرات غیرنفتی ایران داشته باشند، به شرطی که تحریم‌ها تخفیف یا لغو شوند و شرایط تجاری بهبود یابد.

اگر ارز ملی نسبت به ارز خارجی قدرت خرید کمتری داشته باشد (نرخ ارز بالا)، محصولات صادراتی ارزان‌تر خواهند شد و به راحتی قابل رقابت با محصولات دیگر در بازارهای جهانی خواهند بود. این می‌تواند رشد صادرات غیرنفتی را تحریک کرده و توان رقابتی کشور را افزایش دهد. اگر ارز ملی نسبت به ارز خارجی قدرت خرید بیشتری داشته باشد (نرخ ارز پایین)، قیمت محصولات صادراتی افزایش می‌یابد و ممکن است رقابت‌پذیری آنها در بازارهای جهانی کاهش یابد. در نتیجه، افزایش نرخ ارز ملی می‌تواند منجر به کاهش صادرات غیرنفتی شود. از سوی دیگر اگر ارز ملی نسبت به ارز خارجی قدرت خرید بیشتری داشته باشد، هزینه تولید محصولات صادراتی، به ویژه در صورت وابستگی به واردات، افزایش خواهد یافت. این می‌تواند تأثیر منفی بر رشد صادرات غیرنفتی داشته باشد. اما در مجموع باید گفت برای بررسی دقیق‌تر تأثیر نرخ ارز بر صادرات غیرنفتی، لازم است

عوامل دیگری مانند سیاست‌های تجاری، تقاضا و عرضه در بازارهای جهانی، قوانین و مقررات داخلی و بین‌المللی و شرایط اقتصادی کلی در نظر گرفته شود. وجود چند نوع نرخ ارز می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر رقابت‌پذیری محصولات صادراتی داشته باشد. در برخی موارد، نرخ ارز رسمی ممکن است برای تعیین قیمت محصولات صادراتی استفاده شود که می‌تواند باعث افزایش رقابت‌پذیری محصولات در بازار جهانی شود. همچنین، در برخی موارد، نرخ ارز نیم‌رسمی یا آزاد می‌تواند برای معاملات تجاری استفاده شود که ممکن است قیمت‌های محصولات صادراتی را تحت تأثیر قرار دهد و رقابت‌پذیری را تحت تأثیر قرار دهد. در صورتی که نرخ ارز رسمی کنترل شده و کمتر از نرخ ارز آزاد باشد، ممکن است قیمت محصولات صادراتی کاهش یابد و بازارهای جهانی را به وجود امکانات مناسبی برای رقابت با دیگر کشورها در خرید محصولات فراهم کند. اما در صورتی که نرخ ارز آزاد باشد و محصولات صادراتی با قیمت‌های بالا مواجه شوند، رقابت‌پذیری آنها در بازارهای جهانی کاهش می‌یابد. تغییرات ناگهانی در نرخ ارزها می‌تواند باعث افزایش عدم اطمینان و ریسک در تجارت خارجی شود. نوسانات قیمتی در نرخ ارز می‌تواند خطراتی را برای تجار و صادرکنندگان ایجاد کند و ممکن است تصمیم‌گیری در باره وقت و قیمت صادرات را دشوار کند.

از سوی دیگر ممکن است کشورها از نرخ ارز رسمی برای تعیین مالیات و عوارض صادرات استفاده کنند و در صورت تغییر نرخ ارز، نرخ مالیات و عوارض نیز تغییر کند. این موضوع می‌تواند تأثیر مستقیمی بر هزینه‌ها و سودآوری صادرات داشته باشد و در نتیجه بر رشد صادرات آن کشور تأثیر گذارد.

سیستم بانکداری کارآمد از طریق فراهم کردن خدمات مالی و ارائه ابزارهای مالی متنوع، معاملات مالی را تسهیل می‌کند. در صورت نبود یک سیستم بانکداری کارآمد، امکاناتی مانند انتقال وجه بین کشوری، اعتبارات اسنادی و ارائه خطوط اعتباری برای صادرکنندگان، کاهش می‌یابد. این می‌تواند باعث مشکلات و تاخیر در معاملات مالی بین صادرکنندگان و خریداران خارجی شود و از رشد صادرات غیرنفتی ایران جلوگیری کند.

یک سیستم بانکداری کارآمد می‌تواند ابزارهای تأمین مالی صادرات را فراهم کند. برای مثال، بانک‌ها می‌توانند خطوط اعتباری صادراتی را ارائه کنند که به کسب و کارها کمک می‌کند تا هزینه‌های صادراتی را تأمین کنند. در صورت نبود یک سیستم بانکداری کارآمد، تأمین مالی صادرات با مشکلات بزرگی مواجه

بانکداری قوی و امن هستند که بتوانند امور مالی و تجاری را به طور موثر و قابل اعتماد انجام دهند. اگر سیستم بانکداری کارآمد وجود نداشته باشد، صادرکنندگان ممکن است نسبت به انجام معاملات با کشورهای دیگر و انتقال پول به ایران مردد شوند، که این می‌تواند منجر به کاهش صادرات غیرنفتی شود. پیمان‌سپاری ارزی در کشور ما برای مقابله با خروج سرمایه شروع شد و بدون توجه به پیامدهایی که داشت، به جای درس گرفتن، بر آن پافشاری کردیم. نتیجه اصلی پیمان‌سپاری ارزی سرکوب قیمت هاست. با وجود پیمان‌سپاری ارزی در وضعیت کنونی بازارهای هدف را در بلندمدت از دست خواهیم داد. در واقع به دلیل پیمان‌سپاری، صادرکننده نمی‌تواند صادرات داشته باشد و ترجیح می‌دهد، محصول خود را ربالی به فروش برساند.

می‌شود و صادرکنندگان ممکن است دسترسی به منابع مالی لازم برای توسعه و گسترش صادرات را نداشته باشند. در مقابل، نبود یک سیستم بانکداری کارآمد می‌تواند باعث بروز تنش‌های ارزی و تجاری شود. در صورتی که بانک‌ها قادر به ارائه خدمات ارزی و تسهیل معاملات بین‌المللی نباشند، صادرکنندگان ممکن است با مشکلاتی مانند نیاز به ارز خارجی برای پرداخت هزینه‌های صادراتی، ناتوانی در تسویه حساب‌های بین‌المللی و ناتوانی در تبادل ارز مواجه شوند. این مسائل می‌تواند باعث کاهش حجم واردات و صادرات غیرنفتی شده و تجارت بین‌المللی را مختل کنند. نبود سیستم بانکداری کارآمد می‌تواند باعث کاهش اعتماد و رضایت صادرکنندگان و خریداران خارجی شود. صادرکنندگان به دنبال یک سیستم

مهمترین چالش و مشکل صادرات کشور پیمان‌سپاری ارزی است

هر چند انتظار می‌رود با کاهش ارزش پول ملی، قیمت نهایی محصولات صادراتی کشور کاهش یافته و این امر باعث افزایش میزان صادرات شود، ولی در اقتصادهایی شبیه ایران، با کاهش ارزش پول ملی و افزایش نرخ ارز، به دلیل اینکه تولید صنعتی وابستگی بالایی به واردات مواد اولیه دارد، سبب افزایش بهای تمام شده محصول و نهایتاً کاهش توان رقابتی در بازارهای صادرات غیر نفتی می‌شود.

از طرف دیگر تعیین دستوری نرخ بهره، مطالبات معوق بانکی و عدم استقلال بانک مرکزی و همچنین عدم توفیق نظام بانکی در اجرای اقداماتی همچون یکسان‌سازی نرخ ارز و برقراری ثبات در بازار ارز، حذف پیمان و به حداقل رساندن کنترل‌های ارزی، تامین مالی صادرات از محل حساب ذخیره و منابع بانک‌ها، مشارکت در اعطای جوایز صادراتی و جلوگیری از افزایش سود بانکی، سبب افزایش مشکلات فعالان عرضه تولید و صادرات کشور و در نتیجه کاهش صادرات غیر نفتی شده است.

از شروع تحریم‌های سال ۹۷ تا امروز دولت برای بازگشت ارزهای صادراتی، سیاست پیمان‌سپاری ارزی را اجرا کرده است، در حالیکه در شرایط تحریم کنونی، برای افزایش درآمدهای ارزی، باید شرایط را برای افزایش صادرات تسهیل کرد. این در حالی است که متأسفانه در همه حوزه‌های صنعت، معدن و کشاورزی با اعمال محدودیت‌های یک‌دفعه‌ای، اعمال عوارض و قوانین خلق‌الساعه و بازدارنده در برابر صادرات و حتی ممنوعیت‌های تجاری مواجه هستیم و می‌توان گفت در شرایط کنونی مهم‌ترین چالش و مشکل صادرات کشور پیمان‌سپاری ارزی است.

تحریم مبادلات پولی و بانکی، تحریم بیمه کشتیرانی، تحریم کالاها و خدمات گوناگون و... هر یک به نحوی موجب ایجاد اختلال در امر صادرات می‌شوند. تحریم‌های تجاری (صادرات و واردات) و سرمایه‌گذاری به صورت مستقیم باعث عدم خرید کالا و خدمات از کشور ما و به صورت غیرمستقیم با ایجاد موانع بر سر راه ارتباطات مالی ایران، انتقال دانش فنی و بهبود تکنولوژی و افزایش ریسک تجاری برای کشورهایی که با ایران مبادلات دارند، بر اقتصاد و صادرات ایران تأثیر گذاشته است.

نرخ ارز معیار دیگری است که وضعیت اقتصادی یک کشور را در مقایسه با شرایط سایر کشورها روشن می‌کند و سیاست ارزی مرتبط با آن، تأثیر بسزایی بر متغیرهای کلان و بخش‌های مختلف اقتصاد دارد. افزایش نرخ ارز سبب ارزان شدن مصرف تولیدات داخلی کشور نسبت به تولیدات شرکای تجاری و در پی آن افزایش صادرات می‌شود، اما اثرات غیرمستقیم حاصل از بالا رفتن نرخ ارز، به دلیل افزایش تورم و کاهش تولید، در نهایت موجب کاهش صادرات غیرنفتی می‌شود.

همچنین وجود ارز چند نرخ، سبب شده تا صادرکنندگان برای تولید، با نرخ دلار آزاد، ارز را تهیه کرده و از سوی دیگر بعد از فروش و صادرات، ارز حاصله را با نرخ کمتر از مقدار حقیقی آن، تحویل بانک مرکزی دهند. این وضعیت و رفع تعهد ارزی برای صادرکنندگان، دقیقاً مشابه تورم بوده و هزینه مضاعفی برای صادرکننده تحمیل می‌کند. در مقابل واردکننده بیشترین سود را به دست آورده و تمایل صادرکنندگان به تجارت کاهش می‌یابد.



امید اسمعیل ظفر؛ عضو هیئت نمایندگان اتاق تبریز

موانع و مشکلات ارزی از نگاه صادرکنندگان آذربایجان شرقی

گفتگوها: فرانک نوروزی - هادی ناصری - اولدوز اقدم ارسی

کاوه خداپرست
شرکت وین تک



صادرات غیر نفتی حوصله و اراده خاصی می‌خواهد

به عنوان واحدی که هفت سال پیش، به‌عنوان واحد نمونه صادراتی شناخته و تقدیر شده بود، تقریباً در حال حاضر صادرات ما متوقف شده است. یکی از دلایل این امر، عدم اتصال ما به شبکه بانکی بین‌المللی است. علاوه بر آن باید گفت، شرایط و ضوابط صادرات در کشور روز به روز در حال تغییر است و ما باید هر روز شرایط جدیدی را به مشتری ارائه کنیم. در نتیجه اکنون صادرات غیر نفتی حوصله و اراده خاصی می‌خواهد. در حالت کلی کشور ایران در شرایط فعلی، برای صادرات غیر نفتی شرایط مناسبی ندارد. کاهش حاشیه سود صادرکنندگان، عدم اتصال به سیستم بانکی بین‌المللی، شرایط نامساعد ناوگان حمل و نقل در کشور، مخصوصاً وضعیت کشتی‌ها در دریای خزر و ... تنها بخشی از موانع صادراتی کشور هستند. در این شرایط پیمان‌سپاری ارزی نیز بر دوش صادرکنندگان سنگینی می‌کند. نظر ما این است که باید پیمان‌سپاری ارزی از میان برداشته شود. به عبارت بهتر ارز تک نرخ شود تا نیازی به پیمان‌سپاری نباشد.

حمید شفاعی نهند

صنایع پلاستیک تک ظرف آذربایجان



خودتحریمی از مشکلات اصلی حوزه صادرات

اگر بخواهیم از مشکلات اصلی حوزه صادرات صحبت کنیم، مورد نخست، «خودتحریمی» است. خرید ارز دولتی و واردات با ارز آزاد نیز نشان‌دهنده آن است که دولت در صدد به‌وجود آوردن رابط است. اخذ ارز نیمایی نیز آنچنان پروسه طولانی و دشواری دارد که می‌توان گفت ارز نیمایی در عمل وجود ندارد.

بحث تعهدات ارزی نیز صادرکنندگان را با چالش‌های زیادی مواجه کرده است. با نگاهی دقیق‌تر کاملاً واضح است که صادرات از ایران به مقصد کشورهایی که با آنها سیستم بانکی مشترکی نداریم، غیرممکن شده است. صادرات ما بیشتر مختص منطقه آسیای میانه (عراق، افغانستان، روسیه و...) است که البته تقاضا هم به مقدار کافی وجود دارد. در حالت کلی اگر بخواهیم مشکلات صادرکنندگان را دسته‌بندی کنیم، باید به چند نرخ بودن ارز، طولانی بودن پروسه اداری دریافت ارز نیمایی و خودتحریمی اشاره کرد.

محمد صبح راست

شرکت تولیدی نخل سبز صبحی



لزوم اتصال سیستم بانکی کشور به سیستم بانکی بین‌المللی

یکی از مشکلات اصلی ما صادرکنندگان، مسئله تعهد ارزی است. البته اگر سیستم بانکی کشور به سیستم بانکی بین‌المللی متصل شود، شرایط بهتر خواهد شد، اما مشکل ما در حوزه صادرات بیشتر در مورد تعهدات ارزی و چند نرخ بودن ارز است. در این بین بی‌ثباتی قیمت ارز هم باعث بروز بسیاری از مشکلات شده است.

عبدالله قاری‌زاده

شرکت سیمکات تبریز



تاثیر بی‌ثباتی در تصمیم‌گیری‌های دولتی بر تجارت

نوسانات بازار داخلی، قدرت چانه‌زنی و رقابت را در حوزه صادرات از بین می‌برد، به‌همین دلیل علیرغم توافق با مشتری در یک قیمت مشخص، شاهد نوسان قیمت‌ها هستیم و این امر علت اصلی به سرانجام نرسیدن بسیاری از معامله‌ها بوده و ثبات معامله را زیر سؤال می‌برد. همچنین تغییرات هر روزه بخشنامه‌های وزارت صمت، بانک مرکزی و سازمان توسعه تجارت ایران باعث بروز مشکلات عدیده‌ای در قراردادهای می‌شود.

از سوی دیگر پیمان‌سپاری ارزی برای صادرکنندگان دردسرافرین شده است. دولت نیز برای حل مشکلات ناشی از تعهدات ارزی، روش‌هایی مشخص کرده است، اما هر از گاهی همان روش‌های خود را نقض می‌کند. درحالی‌که یک صادرکننده با توجه به بخشنامه و روش‌های دولتی، برنامه‌ریزی و حرکت می‌کند، باید اذعان کرد، تغییراتی از این قبیل (که مدیریت همه اینها از توان بخش خصوصی خارج است) تاثیر منفی بر تجارت می‌گذارند.

از طرف دیگر به‌نظر می‌رسد زیرساخت‌های تک نرخ بودن ارز در کشور مهیا نیست، اما اگر این مهم عملی شود، به بهبود وضعیت کمک قابل توجهی خواهد کرد.

در حال حاضر کشورهای همسایه از جمله ترکیه که ۱۸ درصد به صادرکنندگان خود تخفیف صادراتی اختصاص می‌دهد، ما نیز خواهان اعمال اینگونه مشوق‌های صادراتی هستیم.

کریم رحیمی

شرکت فولاد ناب تبریز



رشد صادرات و نرخ ارز رابطه مستقیمی با یکدیگر دارند

دامنه تاثیر تحریم‌ها و عدم توسعه یافتگی مرادفات اقتصادی، آثار سوء زیادی بر تجارت و صادرات داشته است. در این زمینه می‌توان به گند شدن انتقال تکنولوژی و فناوری به کشور و وجود اختلال در انتقال ارز، به‌عنوان مهم‌ترین مشکل ناشی از تحریم‌ها اشاره کرد؛ به طوری که بازگشت ارز حاصل از صادرات از طریق سیستم بانکی امکان‌پذیر نیست و مبالغ حاصل از فروش کالا باید از طریق صرافی‌ها به صورت نقدی دریافت شود.

از طرفی، سیاست‌گذاران با اعمال سیاست‌های نادرست، بی‌ثبات و متغیر، عرصه را بر صادرکننده تنگ‌تر کرده‌اند و در نهایت همه این موارد باعث بالا رفتن هزینه تمام شده محصولات تولیدی شده و قدرت رقابت را بسیار کاهش می‌دهد.

مورد مهم دیگر این است که رشد صادرات و نرخ ارز رابطه مستقیمی با یکدیگر دارند. قیمت ارز برای صادرات جذاب است، اما صادرکنندگان در این بین بالانگلیف هستند. صنعتگران و تولیدکنندگان کشور ظرف سال‌های اخیر با چالش جدی نوسان نرخ ارز و تاثیر آن بر عملکرد فعلی و برنامه‌ریزی برای آینده مواجه هستند. چند نرخ‌ی بودن و قیمت‌گذاری دستوری، صادرات را تحت تاثیر قرار داده و موجب سردرگمی صادرکننده و تولیدکننده شده است. صادرات موفق در کشور ما زمانی رخ می‌دهد که نرخ ارز تثبیت شده باشد.

یکی از سیاست‌های پولی در کشورهای پیشرفته، پایین نگه‌داشتن ارزش پول ملی است که منجر به رشد صادرات می‌شود، اما در ایران اساساً کاهش ارزش پول ملی نمی‌تواند منجر به افزایش حجم صادرات شود، چرا که پایین بودن ارزش پول ملی، در جهت رشد صادرات نیست و تنها باعث کاهش سطح رفاه در جامعه می‌شود.

نبود سیستم بانکی کارآمد، دغدغه مهم دیگر فعالان اقتصادی است. در حال حاضر تقریباً تمام ارتباط ایران با شبکه‌های بانکی جهان قطع است و پول از طریق صرافی‌ها منتقل می‌شود. کشور ما به دلیل قرار گرفتن در لیست سیاه FATF همچنان قادر نیست، مبادلات مالی خود را با کشورهای که با آنها پیمان پولی چند جانبه دارد، انجام دهد و این امر باعث تحمیل هزینه مضاعف به تولیدکننده، افزایش قیمت تمام‌شده محصولات و به دنبال آن، افزایش هزینه و عدم امکان رقابت محصولات ایرانی در بُعد بین‌المللی است.

در این شرایط موظف و متعهد کردن صادرکنندگان به بازگرداندن ارز حاصل از صادرات، انگیزه تولید و صادرات را کاهش می‌دهد. در سایه موانعی همچون تحریم‌ها و عدم استقرار سیاست ارز تک‌نرخ‌ی و افزایش قیمت ارز، نمی‌توان از خروج سرمایه، از کشور جلوگیری کرده و صادرات واقعی غیرنفتی را توسعه داد، بلکه برعکس این عوامل، موجب کاهش صادرات برخی کالاها و کاهش جذابیت سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در کشور شده است، به طوری که برابر آمار رسمی گمرک ایران، در شش ماه نخست سال ۱۴۰۲، شاهد کسری شش میلیارد دلاری در تراز تجاری کشور هستیم.

مجید باری‌گر

صنایع فولاد کاوه تیکمه‌داش



خریداران خارجی تمایل کمتری به خرید از تولیدکنندگان ایرانی دارند

بدون شک اعمال تحریم‌های اقتصادی، اثرات مخربی بر اقتصاد کشور داشته و افزایش تورم در شرایط تحریمی امری اجتناب‌ناپذیر است. با اعمال تحریم‌های اقتصادی، قیمت نرخ ارز افزایش یافته و در نتیجه قیمت کالاهای مصرفی و هزینه‌ها نیز بالا می‌رود. این آسیب عمدتاً باعث کاهش رفاه عمومی می‌شود، چرا که افزایش نرخ ارز سبب افزایش هزینه‌های تولید می‌شود و از آنجایی که تامین مواد اولیه در ایران، یکی از اصلی‌ترین معضله‌های تولیدکنندگان به‌شمار می‌رود، افزایش نرخ ارز، مستقیماً قیمت نهایی محصولات را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

در واقع تولیدکنندگان به دلیل رویارویی با مشکلاتی همچون وارد کردن مواد اولیه و نرخ بالای ارز، مجبور هستند مبلغ قابل توجهی به هزینه تولید محصولات خود بیفزایند. به این ترتیب قیمت انواع کالاهای مصرفی و غیرمصرفی بالا رفته و به دلیل عدم امکان رقابت با سایر تولیدکنندگان، صادرات محصولات به سایر کشورها کاهش می‌یابد.

از سوی دیگر بسیاری از تولیدکنندگان به‌ناچار مواد اولیه خود را از خارج از کشور وارد می‌کنند و افزایش نرخ ارز، تاثیر مستقیمی بر هزینه‌های تولید و بهای تمام شده محصولات دارد. کاهش توان رقابت و افزایش قیمت‌ها، نتیجه افزایش نرخ ارز است.

خرید مواد اولیه به نرخ بازار آزاد و فروش محصولات با نرخ مصوب نیما، از جمله مهم‌ترین مشکلات تولید است. به عبارت دیگر در سیستم چند نرخ‌ی، ارز بهای تمام شده مواد اولیه با نرخ بازار آزاد محاسبه می‌شود، در حالیکه قیمت‌گذاری محصولات و فروش در بازار جهانی (با در نظر گرفتن قوانین مربوط به رفع تعهد ارزی) به‌ناچار با نرخ نیما انجام می‌شود که خود نیز کاهش توان رقابتی در بازار جهانی را به همراه دارد.

نکته دیگر اینکه کاهش ارزش پول ملی در کشور ما سبب افزایش قیمت نرخ ارز شده و در نتیجه قیمت محصول نهایی در خارج از کشور کاهش یافته است، در این شرایط تقاضا برای محصولات صادراتی افزایش می‌یابد، ولی مساله اصلی این است که صادرات محصول با قیمت پایین‌تر از قیمت واقعی به خارج از کشور به معنی صادرات ارزان انرژی، نیروی کار و ... است.

اما از سوی دیگر عدم تعامل سازنده با کشورهای مقصد و عدم امکان جابجایی مبلغ معامله در سیستم بانکی سبب شده تا خریداران خارجی تمایل کمتری به خرید از تولیدکنندگان ایرانی داشته باشند. دریافت نقدی دلار، کارمزد جابجایی پول میان صرافی‌های کشورهای مختلف، ناامنی معاملات نقدی و جابجایی پول، از جمله موانع و مشکلات عدم ارتباط با سیستم بانکداری جهانی است.

در این شرایط تحریمی، اجرای قانون پیمان‌سازی ارزی باعث شده است که قیمت تمام شده کالاهای صادرکنندگان ایرانی بر مبنای نرخ دلار آزاد محاسبه و فروش آن به نرخ دلار نیما انجام شود که عملاً هیچ توجیه اقتصادی ندارد. در نتیجه این امر، امکان رقابت سالم در داخل و رقابت موثر در بازارهای جهانی را از صادرکنندگان سلب کرده است.

ابراهیم نجفی فر
شرکت اطلس فام



پیشرفت صادرات در شرایط نبود رابطه با دیگر کشورها امکان پذیر نیست

نداشتن رابطه سیاسی اقتصادی مناسب با کشورهای مختلف، پیشرفت چشمگیر صادرات را امکان ناپذیر می‌کند. در حال حاضر عمده کشورهای هدف برای صادرات غیرنفتی به کشورهای همسایه مثل ترکیه و کشورهای عربی محدود شده است و اگرچه رمز موفقیت مجموعه خود را تلاش و پشتکار می‌دانم اما در حوزه صادرات فاکتورهای مهم دیگری نیز تأثیرگذار هستند که باید از سوی مسئولان کشوری تأمین شود. در اختیار نداشتن ارز دولتی، گران بودن مواد اولیه و نبود توان خرید این مواد از عمده‌ترین مشکلاتی هستند که بر سر راه صادرات صنایع و تولیدات کشور ما قرار دارند، این در حالی است که ما در تبریز پتانسیل‌های بسیاری برای پیشرفت در حوزه صادرات غیرنفتی داریم، اما در بیشتر مواقع موانع باعث می‌شوند آن چه در شأن محصولات است، اتفاق نیفتد.

عبدالحسین محجل امامی
شرکت فولاد مهر سهند



تغییرات نرخ ارز در کشور، باعث سردرگمی بنگاه‌ها شده است

تغییرات نرخ ارز در کشور ما باعث سردرگمی بنگاه‌ها شده است. یک مجموعه تولیدی کوچک یا متوسط حداکثر می‌تواند تا شش ماه آینده خود را پیش‌بینی کند تا متضرر نشود. در این شرایط، تک نرخ شدن ارز، می‌تواند کمک بزرگی به بخش تولید کند، چرا که نرخ‌های ارز گوناگون در دولت به رانت و فساد منجر می‌شود.

واقعیت این است که ما در ایران صادرات داریم، ولی نه در آن حد مطلوبی که باید باشد. هنگامی که صادرات و واردات با واحد پولی دلار و یورو انجام نمی‌شود، تنظیم قراردادهای خارجی به سختی پیش رفته یا اصلاً امکان‌پذیر نیست. با وجود این همه مشکل در حوزه تولید و صادرات، رفع تعهد ارزی نیز شرایط را برای ما دشوارتر کرده است.

متصل نبودن سیستم بانکی ایران به سیستم بانک بین‌المللی نیز باعث شده است که ما در تنظیم قراردادهای خارجی با استفاده از وجود واسطه یا طرف سوم، پول خود را نقد کنیم. این موضوع نیز مشکلات بسیاری بوجود آورده است، چرا که اگر واسطه به وظیفه خود عمل نکند، ما با هیچ روشی نمی‌توانیم موضوع را پیگیری کنیم.

سوال این است که چرا ما باید در شرایطی قرار بگیریم که برای انجام مبادلات، مبلغ هنگفتی برای واسطه‌ها در نظر بگیریم؟ در حالی که با وجود یک سیستم بانکی متصل به بانک جهانی، می‌توانستیم امور را به‌سهولت پیش برده و اعتماد مشتریان خارجی را بیشتر جلب کنیم.



تکیه بر صادرات نفتی یکی از ویژگی‌های اقتصادی ایران است که نوسانات آن همواره بی‌ثباتی در ارز و اقتصاد را سبب می‌شود. به همین علت تنوع‌بخشی به درآمدهای ارزی از طریق افزایش صادرات غیرنفتی و تجارت بین‌المللی همواره مورد تأکید است. اما در این میان مشکلاتی نیز هستند که بر توسعه و پیشرفت صادرات غیرنفتی اثرات منفی دارند. چندنرخ بودن ارز، نوسانات ارزی، نرخ تورم و... از موانعی هستند که برای تولیدکنندگان و صادرکنندگان داخلی معضلاتی را ایجاد می‌کنند. در همایش صادرات غیرنفتی که در اتاق بازرگانی تبریز برگزار می‌شود، سعی بر آن است که این مشکلات و راهکارهای آن بررسی شود. به بهانه این همایش پای صحبت‌های محمود ابراهیمی؛ مدیر عامل شرکت ارس تارلا امیر، یکی از صادرکنندگان نمونه ملی نشستیم.

گفتگو: پری اشتری



مدیر عامل شرکت ارس تارلا امیر در گفتگو با اتاق تبریز؛

لزوم حذف واسطه‌ها و صادرکنندگان فرصت طلب از صحنه تجارت

● در خصوص حوزه فعالیت خود برای ما توضیح کوتاهی بدهید.

گروه سرمایه‌گذاری آتاویتا به‌دنبال فعالیت‌های بازرگانی برادران ابراهیمی در قالب تولید و صادرات محصولات گلخانه‌ای و میوه در طول سال‌های ۱۳۷۲ تا ۱۳۹۴ چندین عنوان ملی و منطقه‌ای، طی سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۲ کسب کرده است. سابقه تجارت این گروه سرمایه‌گذاری بیش از ۳۰ سال است اما به عنوان بهره‌بردار تخصصی در زمینه گلخانه‌های تک، فعالیت این شرکت از سال ۱۳۹۵ به بهره‌برداری رسیده و هر سال نیز در حال توسعه است.

هدف ما در این مجموعه اقدام به تأسیس گلخانه‌های به‌روز، با فناوری‌های جدید برای رفع خلاء موجود در گلخانه‌های مدرن و باکیفیت کشور است، بر این اساس پروژه‌های جدید احداث و بهره‌برداری از مجتمع‌های گلخانه‌ای به شکل پروژه‌های کلان توسط این گروه سرمایه‌گذاری آغاز شد. در حال حاضر سه مجتمع گلخانه‌ای در استان آذربایجان شرقی و زنجان به عنوان آبر پروژه‌های گلخانه‌ای کشور در حال تولید و بهره‌برداری هستند.

● کشورهای هدف برای صادرات محصولات شما کدام کشورها هستند؟

عمده‌ترین کشور هدف صادراتی این شرکت، کشور روسیه است، ولی با توجه به این که این شرکت استاندارد گلوبال گپ را نیز اخذ کرده است، به دنبال ایجاد شرایط مناسب برای صادرات به کشورهای اروپایی است.

● رمز موفقیت خود را در چه می‌دانید؟

رمز موفقیت این شرکت شناسایی و اجرای پروژه‌ها در زمان مناسب و طبق برنامه زمان‌بندی شده و همچنین صداقت در شناسایی و اجرای پروژه‌ها و استفاده از آخرین دانش فنی در دسترس و به‌کارگیری مشاورین توانمند است.

● در خصوص مشکلات حوزه صادرات برای ما بگویید.

محدودیت‌ها و کمبود امکانات در مبادی خروجی کالا که موجب طولانی شدن مدت ترانسپورت کالا می‌شود. فقدان خطوط ریلی مناسب و ناوگان هوایی (کارگو) برای صادرات محصولات به ویژه محصولات فسادپذیر با سرعت بیشتر و قیمت مناسب‌تر.

● چند نرخ بودن ارز و پیمان‌سپاری ارزی چه تاثیری بر صادرات غیر نفتی داشته است؟

علاوه بر این که چند نرخ بودن ارز مشکلات فراوانی را برای شرکت‌ها ایجاد می‌کند، روش برگشت ارز و مدت زمان برگشت و این که با واردات چگونه می‌توان تعهدات ارزی را تسویه کرد، هر لحظه در حال تغییر بوده و قدرت تصمیم‌گیری را برای شرکت با مشکل مواجه کرده است.

● چه راهکارهایی برای افزایش صادرات غیرنفتی در حوزه کاری خود پیشنهاد می‌دهید؟

حمایت از محصولات سالم و دارای استاندارد و ارائه مشوق برای صادرکنندگان و تجار خوش سابقه، حذف واسطه‌ها و صادرکنندگان فرصت طلب از صحنه تجارت.

سیاست‌های ارزی به عنوان ابزاری قدرتمند در میان سیاست‌های اقتصادی دولت، می‌توانند تأثیرات معناداری بر متغیرهای مختلف اقتصادی از جمله صادرات داشته باشند. در این میان، نرخ ارز متغیری است که چگونگی سیاست‌گذاری در زمینه آن، متغیرهای کلان اقتصادی و به‌ویژه صادرات غیر نفتی را متأثر می‌کند. لذا با توجه به ارتباط تنگاتنگ صادرات با سیاست‌های ارزی و نقش حساسی که سیاست پیمان ارزی و سیاست تک نرخی ارز در توسعه صادرات غیرنفتی کشور دارد؛ واحدهای صنعتی و تولیدی صادرکننده محصولات بیش از هر واحد دیگری تأثیر این موضوع را لمس می‌کنند. در همایش صادرات غیرنفتی که در اتاق بازرگانی تبریز برگزار می‌شود سعی بر آن است که این مشکلات و راهکارهای آن بررسی شود. به بهانه این همایش پای صحبت‌های یکی از صادرکنندگان نمونه ملی نشستیم.

گفتگو: پری اشتری

مدیر عامل شرکت شکوه بناب در گفتگو با اتاق تبریز؛

تصمیم‌های نادرست بیشتر از تحریم صادرکنندگان را اذیت می‌کند



موضوع دستوری بودن نرخ ارز صادرکننده برای رفع تعهد ارزی است.

• چند نرخی بودن ارز و پیمان سپاری ارزی چه تأثیری بر صادرات غیر نفتی داشته است؟

صادرکننده از رفع تعهد ارزی استقبال می‌کند و صادرکننده نمی‌خواهد کالایی را که صادر کرده ارز آن را به داخل کشور برگرداند چون که این عملاً غیر ممکن است. صادر کننده برای ادامه حیات بنگاه خودش هر روز نیاز به سرمایه دارد، بنابراین سرمایه‌اش باید برگردد تا بتواند به کارش ادامه بدهد. آن‌چه به ناحق به صادرکننده تحمیل می‌شود نرخ دستوری ارز است. صادرکننده محصولات کشاورزی باید مواد اولیه خودش را از کف بازار با قیمتی که با نرخ آزاد ارز کشف قیمت می‌شود، خریداری کند و بعد از کلی هزینه روی جنس، آن را به خارج از کشور صادر کند و در نهایت ارز حاصل از صادرات خود را به نرخ دستوری که ده هزار تومان از قیمت بازار پایین‌تر است را در اختیار بانک مرکزی قرار دهد. اما در واقع این غیر ممکن است از طرفی نیز وجود کارت‌های متفرقه و دلال بازی کارت‌های متفرقه مزید بر علت شده و عملاً همین دلال‌ها، صادرکننده واقعی را تقریباً از رده خارج کرده‌اند.

• راهکارهای افزایش صادرات غیرنفتی در حوزه کاری خود را بفرمائید.

این مشکل فقط به دو طریق قابل حل است: دولت نرخ ارز دستوری را بردارد تا با این کار بین صادرکننده واقعی و صادرکننده متفرقه که با کارت اجاره‌ای صادرات انجام می‌دهد فضای رقابت یکسان ایجاد کند و یا این که دولت برای کمک به صادرکنندگانی که از کارت‌های اجاره‌ای استفاده نمی‌کنند، هزینه استفاده از کارت‌های متفرقه را به هر نحو ممکن افزایش دهد تا مانع از رونق کارت‌های متفرقه شود و با این کار، کارت‌های متفرقه و اجاره‌ای از چرخه صادرات حذف شوند.

• در خصوص حوزه فعالیت خود برای ما توضیح کوتاهی بدهید.

محمد رضا طیبی هستم مدیر عامل شرکت شکوه بناب. این شرکت در سال ۱۳۷۴ در زمینه تولید و صادرات انواع کشمش تأسیس شده و از آن زمان تا به امروز توانسته به عنوان یکی از شرکت‌های صادراتی موفق مطرح شود؛ چنان‌که هشت سال به عنوان صادرکننده نمونه و ممتاز ملی برگزیده شده است و از چندین رئیس جمهور لوح تقدیر و تندیس طلایی دریافت کرده است.

• کشورهای هدف برای صادرات محصولات شما کدام کشورها هستند؟

شرکت ما تولیدات خود را به بیش از ۷۳ کشور از جمله کشورهای اروپایی، آفریقایی، آمریکای لاتین، آسیای شرقی، کشورهای عربی و کشورهای آسیای میانه صادر می‌کند.

• رمز موفقیت خود را در چه می‌دانید؟

طبیعتاً یکی از عوامل موثر در موفقیت هر بنگاه اقتصادی علاقه و اراده لازم جهت پیشرفت می‌باشد و این شرکت به دلیل این که یک شرکت خانوادگی است با هم فکری و همکاری شبانه روزی و پشتکار اعضای خانواده و از طرفی با داشتن همکاران و پرسنلی دلسوز و آگاه، توانسته با برنامه‌ریزی و تعیین هدف در راستای فعالیت شرکت به موفقیت‌های خوبی دست پیدا کند.

• در خصوص مشکلات حوزه صادرات برای ما بگویید.

امروزه متأسفانه آن‌چه صادرکننده را اذیت می‌کند و عامل اصلی بازدارندگی و تضعیف روحیه یک صادرکننده می‌باشد، تحریم‌های ظالمانه استکبار جهانی نیست بلکه با تأسف فراوان باید بگویم تصمیم‌های غیر کارشناسی و غیرحرفه‌ای مدیران ارشد اقتصادی کشوری است که یکی از مهم‌ترین آن‌ها



در میزگرد چالش‌ها، موانع و راهکارهای توسعه صادراتی طرح شد؛

بررسی چالش‌های واقعی شدن قیمت ارز و نقش آفرینی آذربایجان شرقی در گریدهای بین‌المللی

گزارش: ساناز شهبابی

وی گفت: بحث دیگری که در زمینه صادرات اهمیت دارد، کریدور شمال- جنوب و شرق- غرب است که یکی دیگر از محورهای فرعی همایش محسوب می‌شود. هدف ما از طرح آن این است که ببینیم آیا استان ما می‌تواند در کریدور شمال- جنوب نقش آفرینی کند یا نه؟ در این رابطه ما با چالش‌هایی از قبیل فرسودگی ناوگان حمل و نقل جاده‌ای، بُن‌بست بودن منطقه در حوزه ریلی، تحریم‌های جدید در حوزه هوایی و... مواجه هستیم، با وجود این شرایط باید دید چطور می‌توانیم علیرغم تمام محدودیت‌ها در این زمینه نقش ایفا کنیم.

دبیر اتاق بازرگانی تبریز، عدم اتصال سیستم بانکی ایران به بانک‌های بین‌المللی را از دیگر موارد مرتبط با حوزه ارز عنوان کرد و گفت: در این زمینه پیوستن به پیمان (FATF) نقش پررنگی بازی می‌کند. وی ابراز امیدواری کرد: ماحصل این میزگرد تجمیع نظرات نمایندگان بخش خصوصی و دولتی در رابطه با نحوه گسترش حضور استان در تجارت بین‌المللی باشد.

● قرن ۲۱ «جنگ کریدورها» است

نوشیروان زاده، کارشناس حمل و نقل و لجستیک در این نشست به بیان چالش‌های استان در حوزه لجستیک و کریدورها پرداخت. وی تأکید کرد: ما در استان نتوانسته‌ایم متناسب

میزگرد بررسی چالش‌ها، موانع و راهکارهای توسعه صادراتی با تأکید بر مسائلی از قبیل واقعی شدن نرخ ارز، پیمان‌سپاری ارزی و نقش آفرینی کشور و استان آذربایجان شرقی در کریدور شمال- جنوب با حضور سید یوسف حسینی؛ رئیس کمیسیون صادرات و مدیریت واردات اتاق تبریز، جعفر محرم‌پور؛ دبیر اتاق بازرگانی تبریز، محمد ابراهیم نوشیروان‌زاده؛ مدیر عامل شرکت انبارهای عمومی و خدمات گمرکی جلفا و کارشناس حمل و نقل و لجستیک، جواد بحری‌پور؛ معاون ارزی بانک ملی استان آذربایجان شرقی و حسین اصغرپور؛ استاد اقتصاد دانشگاه تبریز در اتاق بازرگانی تبریز برگزار شد.

جعفر محرم‌پور؛ دبیر اتاق بازرگانی تبریز در ابتدای این نشست با بیان محور اصلی بیست و هفتمین همایش ملی توسعه صادرات غیر نفتی «نجات صادرات غیر نفتی با نرخ ارز واقعی»، هدف از تشکیل این میزگرد را بررسی محورهای اصلی و فرعی همایش عنوان کرد.

محرم‌پور با اشاره به اولویت‌بندی مشکلات صادراتی استان، بحث نرخ ارز و تعهد ارزی را دغدغه تمامی فعالان اقتصادی دانست و افزود: قیمت‌گذاری دستوری باعث بروز مشکلاتی در حوزه ارز شده است. البته واضح است که با واقعی شدن نرخ ارز در کشور و فاصله گرفتن از سیاست چند نرخ، مسئله رفع تعهد ارزی نیز خود به خود کمرنگ می‌شود.





نوشیروان زاده
موضوع مهم
دیگر را نارسایی
در مولفه‌های
زنجیره تامین
در حوزه
لجستیک عنوان
و تاکید کرد:
قرن ۲۱ به نوعی
قرن «جنگ
کریدورها» است
و هر کشوری
که بتواند با
حضور در کاربست
ترتیبات
منطقه‌ای، در
ارائه خدمات و
اصلاح ضوابط
جاری بهتر
فعالیت کند، بر
جریان‌های عبوری
بار در سطح
منطقه‌ای حاکم
شده و موفق
خواهد بود.



با مزیت‌های نسبی و رقابتی، طرح جامعی برای توسعه حمل و نقل و لجستیک و تجارت تدوین کنیم.

نوشیروان زاده اذعان کرد: کریدورهای ترانزیتی در دنیا نقش خود را به مرور با کریدورهای تجاری و اقتصادی تکمیل می‌کند، یعنی اکثر کریدورهای ترانزیتی از نقش ترابری خود عبور کرده و نقش اقتصادی و بازرگانی را به خود می‌گیرند. لازمه حفظ جایگاه کریدورها منوط به احداث مراکز لجستیکی به‌عنوان مفاصل تجمیع و توزیع کالا برای تجاری‌سازی کریدورها است. در این زمینه براساس سند آمایش لجستیک کشور، بر اساس موقعیت ممتاز جغرافیایی و اقتصادی استان سه پهنه مشخص شده است؛ پهنه تبریز، پهنه مراغه و پهنه ارس، اما متأسفانه حتی نتوانستیم فضای مناسبی برای سرمایه‌گذاری در این نقاط پیدا کنیم. وی گفت: آذربایجان شرقی با توجه به موقعیت ویژه جغرافیایی استان و قرارگیری در محل عبور سه کریدور شمال-جنوب، شرق-غرب و تراسیکا، جایگاه ویژه‌ای در حوزه ترانزیتی و لجستیک دارد. ما می‌توانیم با راه‌اندازی کریدورهای منطقه‌ای با محوریت تبریز به کشورهای ترکیه، ارمنستان، آذربایجان، گرجستان و روسیه، نقش مهمی در حوزه بین‌المللی ایفا کنیم، با این حال به دلیل نارسایی و ضعف در زیرساخت‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری، تاکنون ما نتوانسته‌ایم از این فرصت طلایی بهره ببریم. نوشیروان زاده با بیان اینکه بر اساس پیش‌بینی‌ها، حجم تجارت جهانی تا سال ۲۰۳۵ به ۱۰۰ هزار میلیارد دلار خواهد رسید، بر لزوم تدوین برنامه، برای ایفای نقش بهتر در بازارهای بین‌المللی تاکید کرد.

وی عدم حضور شرکت‌های developer (توسعه‌ای) منطقه‌ای و بین‌المللی در تامین زیرساخت‌های سخت‌افزاری بازرگانی و ترانزیتی را از دیگر چالش‌های استان دانست و اعلام کرد: از ۱۰ شرکت لجستیکی (۳PL) جهانی هر ۱۰ مورد در امارات و ترکیه حضور دارند، ولی هنوز ضوابط ثبت شرکت‌های لجستیکی در ایران مشخص نشده است.

وی افزود: مدتی قبل یک شرکت خارجی برای سرمایه‌گذاری در حوزه حمل و نقل در استان اعلام آمادگی کرده بود اما ما نتوانستیم، حتی یک بسته سرمایه‌گذاری در این حوزه در استان ارائه دهیم.

نوشیروان زاده ادامه داد: جلفا در حوزه گمرک می‌توانست نقش مهمی در اقتصاد استان داشته باشد، اما در حال حاضر از ۳۰۰ هکتار فضای اطراف گمرک، تنها ۳۰ هکتار باقی مانده است. به عبارتی ما عملاً زیرساخت‌های گمرک جلفا را از بین برده‌ایم. نکته مهم دیگر اینکه در حال حاضر به دلیل ترتیبات منطقه‌ای جاری در اطراف کشورهای ایران عملاً کلیه کریدورها بدون حضور ایران در حال شکل‌گیری است و تنها کریدور «ارس» به ایران چسبیده باقی مانده است که در صورت اجرایی‌سازی آن و عدم

هدایت آن به خارج از مسیر تعریف شده، می‌تواند در آینده باعث فعال‌سازی کریدورهای غرب-شرق و شمال-جنوب با محوریت استان شود.

وی ارائه داده‌های اشتباه به مسئولان کشوری را از دیگر مشکلات استان اعلام کرد و افزود: در حالی که راه‌آهن جلفا-تبریز مزیت خوبی برای کشور و استان ما به شمار می‌رود و قابلیت جابجایی ۱۰ میلیون تن بار تجاری را به کشورهای منطقه‌ای دارد، متأسفانه بر اساس آمار اشتباهی که به سازمان‌های ذیربط ملی ارائه می‌شود، ظرفیت حمل و نقل ریلی استان را دو میلیون تن اعلام کرده و عملاً فرصت‌های متعدد تجاری را از استان به مسیرهای دیگر هدایت می‌کنند.

این کارشناس گفت: تا زمانی که سند علمی و عملی در حوزه حمل و نقل، به‌عنوان سند بالادستی تدوین نشود، ما نمی‌توانیم در حوزه کریدور فعالیت جدی داشته باشیم، همچنین اگر نتوانیم حوزه حمل و نقل خود را در تمام عرصه‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری توسعه دهیم، باید پیرو برنامه‌های کشورهای منطقه‌ای باشیم.

وی با اشاره به وجود مشکلات در بنادر کشور نیز گفت: اکثر بنادر ما هم در پهلوگیری کشتی‌های بزرگ مشکل دارند و هم در عرصه‌های پس‌کرانه‌ای ارتباطی. بر این اساس مطالعه و اجرایی‌سازی زیرساخت‌های حمل و نقلی و لجستیکی باید در یک فضای تعاملی و به هم پیوسته مورد توجه سیاستگذاران این عرصه قرار گیرد.

وی با اشاره به اینکه سیر حرکت ۴۵ درصد کالاهایی که از جنوب ایران وارد کشور می‌شوند، به سمت شمال غرب کشور تمایل دارد، گفت: در صورت اجرایی شدن جریان‌های عبوری و احداث زیرساخت‌های ریلی تبریز-چشمه‌تپا و کارص ترکیه و کریدور ارس هر سال میزان بار عبوری به بیش از ۲۰ میلیون تن می‌رسد که در آمدی بیش از سه میلیارد دلار را برای استان ایجاد خواهد کرد. همچنین جریان‌های عبوری بار عملاً باعث ایجاد فعالیت‌های لجستیکی اعم از صادرات مجدد، ایجاد ارزش افزوده و در عین حال پردازش‌های ثانویه کالا در استان می‌شود که سود آن از حوزه‌های ترانزیتی بسیار بیشتر بوده و نقش استان را در عرصه اقتصادی از سطح ملی به منطقه‌ای و حتی بین‌المللی ارتقا می‌دهد.

نوشیروان زاده موضوع مهم دیگر را نارسایی در مولفه‌های زنجیره تامین در حوزه لجستیک عنوان و تاکید کرد: قرن ۲۱ به نوعی قرن «جنگ کریدورها» است و هر کشوری که بتواند با حضور در کاربست ترتیبات منطقه‌ای، در ارائه خدمات و اصلاح ضوابط جاری بهتر فعالیت کند، بر جریان‌های عبوری بار در سطح منطقه‌ای حاکم شده و قطعاً موفق خواهد بود.

وی در پایان در خصوص نقش‌گیری استان در عرصه‌های بازرگانی و ترانزیت منطقه‌ای پیشنهاداتی طرح



**عضو هیئت
نمایندگان اتاق
تبریز با اشاره
به موقعیت
ویژه استان بر
لزوم فعالسازی
بندر جلفا که
بزرگترین بندر
خشک منطقه
است، تاکید
کرد و افزود:
متأسفانه در
حال حاضر این
ظرفیت بزرگ
به حال خود رها
شده است.
تا زمانی که
زیرساخت‌های
ارتباطی کشور از
جمله دریایی،
زمینی و هوایی
فراهم نیست،
نمی‌توان
صادرات انجام
داد.**



درصدی پیش‌بینی شده در برنامه هفتم توسعه با این شرایط ممکن نیست. در این زمینه لازم است ما از دولت به‌عنوان صادرکننده نمونه‌نخبگان و سرمایه‌گذاران قدردانی کنیم. واقعیت این است که صادرکننده و واردکننده، هرکجا که امنیت باشد در آنجا حضور می‌یابند.

عضو هیئت نمایندگان اتاق تبریز با اشاره به موقعیت ویژه استان بر لزوم فعالسازی بندر جلفا که بزرگترین بندر خشک منطقه است، تاکید کرد و افزود: متأسفانه در حال حاضر این ظرفیت بزرگ به‌حال خود رها شده است. وی اذعان کرد: تا زمانی که زیرساخت‌های ارتباطی کشور از جمله دریایی، زمینی و هوایی فراهم نیست، نمی‌توان صادرات انجام داد.

● در مقام مقایسه کفه تک‌نرخی شدن ارز به معایب آن غلبه دارد ●

حسین اصغریپور؛ استاد اقتصاد دانشگاه تبریز در این نشست به مشکلات ناشی از چندنرخه بودن ارز اشاره کرد: محدودیت ارزی و کسری بودجه کشور، باعث شده تا ذخیره صندوق توسعه ملی در حال حاضر ۱۰ میلیارد دلار باشد. ما دیر یا زود برای تحقق منافع اقتصادی کشور، باید ارز را تک‌نرخه کنیم. البته تک‌نرخه شدن ارز توأماً مزایا و معایبی دارد، اما در مقام مقایسه کفه تک‌نرخه شدن ارز به معایب آن غلبه دارد.

وی تشریح کرد: این واقعیت است که در صورت تک‌نرخه شدن ارز، تورم تشدید خواهد شد و علاوه بر مباحث مادی، تبعات روانی نیز به‌همراه خواهد داشت، در مقابل در صورتی که نرخ ارز همانند گذشته کنترل شود، ما مدام با شوک‌های اقتصادی مواجه خواهیم شد که آثار تبعات مخربی بر اقتصاد دارد. واضح است که با تک‌نرخه شدن ارز، قیمت آن نیز بالا خواهد رفت و با افزایش قیمت ارز، تنش‌های اجتماعی بین مردم و دولت چند برابر خواهد شد. در این بین سوداگران و افرادی که توان مالی دارند، با سفته‌بازی تقاضا را زیاد کرده و از تفاوت قیمت ارز برای چند برابر کردن دارایی خود استفاده خواهند کرد، اما مردم عادی در این شرایط آسیب‌پذیرتر می‌شوند. البته همین پدیده هنگام چند نرخی بودن ارز نیز قابل مشاهده است و به‌نوعی به توزیع رانت در کشور منجر شده است که موجب ثروتمند کردن یک گروه و فقیرتر کردن گروهی دیگر و ایجاد شکاف اجتماعی و طبقاتی در جامعه شده است.

اصغریپور خاطر نشان کرد: آزادسازی ارز و تک‌نرخه شدن نیز در ابتدای امر تبعات زیادی خواهد داشت، تولید کاهش یافته و به‌تبع آن رکود به‌وجود خواهد آمد. ارز چند نرخی، خواسته یا ناخواسته، با اقتصاد مقاومتی در تضاد است. با توجه به اینکه با تک‌نرخه شدن ارز، قیمت‌ها به دست بازار سپرده می‌شود، در این شرایط کشور، تک‌نرخه

کرد که عبارتند از:

- زمینه‌سازی جذب شرکت‌های حقوقی، لجستیکی و سرمایه‌گذاری بین‌المللی و منطقه‌ای به استان
- احداث زیرساخت‌های ریلی و جاده‌ای با استانداردهای بین‌المللی به کشورهای منطقه
- نوسازی ناوگان باری جاده‌ای برای تسهیل و تسریع در جریانات عبوری بار
- فعال‌سازی کریدورهای ترانزیتی منطقه‌ای در راستای کریدورهای ترانزیتی بین‌المللی با محوریت استان
- ایجاد مراکز لجستیکی در پهنه‌های تعریف شده در اسناد بالادستی برای تجاری‌سازی کریدورهای ترانزیتی
- استفاده بهینه از مزیت‌های نهادی سازمان‌ها و شرکت‌های تخصصی در عرصه‌های لجستیکی برای حضور در ترتیبات منطقه‌ای

- تدوین چهارچوب‌های اساسی برای توسعه فعالیت‌های لجستیکی و ترانزیتی در قالب تدوین سند راهبردی لجستیک و ترانزیت استان
- شکل‌گیری کمیته‌های لجستیکی با ریاست استاندار و همراهی نمایندگان محترم استان برای تدوین راهبردهای اساسی برای حضور در ترتیبات منطقه‌ای

● نمی‌توانیم به‌شکل سنتی به بیزینس خود در جهان ادامه دهیم ●

سید یوسف حسینی؛ رئیس کمیسیون صادرات و مدیریت واردات اتاق بازرگانی تبریز در این نشست تاکید کرد: یکی از عوامل موثر در حوزه صادرات، در حال حاضر پیوستن ایران به FATF است. دیگر نمی‌توانیم به‌شکل سنتی به بیزینس خود در جهان ادامه دهیم، به همین دلیل باید FATF را قبول کنیم.

وی افزود: تجارت با کشور عراق و اوراسیا از برنامه‌های پیش‌بینی شده برای توسعه صادراتی ایران بود، اما به دلیل نبود تعاملات بانکی با بانک‌های جهانی، عملاً هزینه مضاعفی به کشورهای طرف معامله با ایران تحمیل و تجارت با ایران برای سایر کشورها گرانتر تمام می‌شود. حسینی رفع تعهد ارزی را چالش اساسی تمامی فعالان اقتصادی عنوان کرد و گفت: هنگام اعتراض گفته می‌شود، این یک قانون است و تحت هیچ شرایطی نمی‌توان آن را اصلاح کرد، اما نمونه‌های مشابهی از جمله بحث «نیم درصد آب مجازی» را سراغ داریم که علیرغم اینکه قانون بود، اصلاح شد. این وسط گویا افرادی نمی‌خواهند، ارز تک‌نرخه شود. سوال من این است چطور زمانی که ما برای فعالان اقتصادی ارز نداریم، یک شخص عادی می‌تواند با یک کارت ملی، دو هزار دلار ارز دریافت کند؟! تمامی این مسائل باعث شده است، واردکنندگان شناسنامه‌دار ناپدید شده و ما با واردکنندگان موردی با کارت اجاره‌ای مواجه شویم. تحقق صادرات ۲۳



شدن ناگهانی ارز، باعث بروز تورم شدید و کوچکتر شدن سفره‌های مردم خواهد شد. بهترین راهکار در این زمینه دیپلماسی اقتصادی و ایجاد اطمینان و اعتماد در بازار و بین مردم و ارتباط با بازارهای بین‌المللی است. سپس به‌مرور تبعات ناشی از تک‌نرخی شدن توسط بازار کم می‌شود. در این صورت انتظار سفته‌بازان و دلالان (از نوسان‌گیری از قیمت ارز) فروکش کرده و به‌تدریج شاهد ثبات در بازار ارز می‌شویم.

وی با تأکید بر اینکه تورم ایران ناشی از افزایش تقاضا نیست، بلکه ناشی از کاهش عرضه است، تصریح کرد: تک‌نرخی شدن ارز یک اثر مستقیم دیگر هم دارد، در ابتدای امر به‌دلیل بالا رفتن قیمت ارز، میزان صادرات افزایش می‌یابد، اما به‌مرور زمان همین امر تبدیل به نکته منفی می‌شود. یعنی به‌دلیل افزایش هزینه تمام‌شده، قدرت رقابت صادراتی فعالان اقتصادی کشور کاهش می‌یابد و به‌دنبال آن، ظرفیت تولید کشور کمتر شده و دوباره شاهد افزایش بیکاری و... خواهیم بود.

اصغرپور همچنین قیمت‌گذاری دستوری را از دیگر آفات اقتصادی کشور دانست و گفت: دولت نمی‌تواند به تولیدکننده یا فعال اقتصادی بگوید ارز را به قیمت آزاد بخرد اما به قیمتی که خودش می‌گوید، عرضه کند. این امر باعث می‌شود فعالان اقتصادی انگیزه خود را از دست بدهند یا مجبور به دور زدن قانون شوند.

وی اضافه کرد: عدم اطمینان فعالان اقتصادی به قیمت ارز باعث می‌شود تا تولیدکننده نتواند بر اساس یک قیمت واقعی و ثابت، برای آینده برنامه‌ریزی کند، همین امر اشتیاق تولیدکنندگان را از بین خواهد برد در نتیجه واحد تولیدی کوچکتر شده و به‌تبع آن، شاهد افزایش آمار بیکاری، سرفت، افسردگی و بسیاری از معضلات اجتماعی در کشور خواهیم بود. همچنین قدرت رقابت را در بازارهای خارجی از دست خواهیم رفت.

اصغرپور گفت: در اقتصاد دو مقوله مهم به نام تعهد و مصلحت‌اندیشی وجود دارد، اگر سیاستگذار به آنچه می‌گوید، متعهد باشد، تولید رشد می‌کند و تورم کاهش می‌یابد اما اگر با مصلحت‌اندیشی رفتار کند، عدم ثبات در تصمیم‌گیری دولت، باعث فرار سرمایه‌گذاران داخلی و بی‌ رغبتی سرمایه‌گذاران خارجی در کشور می‌شود.

وی در پایان به بحث ترانزیت و کریدورها نیز اشاره کرد و افزود: اول باید ببینیم ورود به بحث کریدور توجیه اقتصادی دارد یا نه؟! جواب این سوال را اکنون نمی‌توان داد و باید پس از انجام مطالعات علمی در خصوص هزینه-فایده این کار تصمیم گرفت. مورد مهم بعدی این است که باید دید چه کسی می‌خواهد در این زمینه سرمایه‌گذاری کند؟ دولت توان این کار را ندارد و سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی نیز به‌دلیل محدودیت‌ها تمایلی برای این کار ندارد.

همچنان بر تکرار اشتباه خود اصرار داریم

جواد بحری‌پور؛ معاون ارزی بانک ملی استان آذربایجان شرقی در این میزگرد با اذعان بر اینکه ما نمی‌توانیم واقعیت‌ها را عوض کنیم، تصریح کرد: تجربه ۲۰ کشور که از سال ۱۹۸۰ نظام چندنرخه را تجربه کرده بودند، نشان می‌دهد که هیچ‌یک از این کشورها با چندنرخه کردن ارز نتوانسته‌اند موفق شوند و در نهایت با توجه به اثرات شوک‌های اقتصادی ناشی از چندنرخه بودن ارز، تن به تک‌نرخه شدن داده‌اند، با این حال ما در کشور همچنان علیرغم اینکه واقعیت تلخ چندنرخه بودن را لمس می‌کنیم، همچنان بر تکرار اشتباه خود اصرار داریم.

وی با تأکید بر اینکه تا زمانی که ذخایر ارزی کشور کم باشد، نرخ برابری ریال در برابر سایر ارزها کاهش خواهد یافت، گفت: در سال ۱۳۸۵ که با افزایش فروش و بالا رفتن قیمت جهانی نفت توام بود، ذخیره صندوق ارزی کشور افزایش یافته و دولت مازاد درآمدهای خود را در بانک سپه لندن گذاشته بود، به‌دلیل افزایش ذخایر ارزی کشور، قیمت ارز به خودی خود تثبیت شده بود.

بحری‌پور گفت: ارز چندنرخه به ضرر همه است، چرا که با ایجاد نیازها و تقاضاهای کاذب، در جامعه بی‌ثباتی ایجاد کرده و امکان برنامه‌ریزی را سلب می‌کند. با این حال تک‌نرخه شدن ارز هم تبعاتی دارد، اما قطعاً این آثار سوء آن، کمتر از ارز چندنرخه است. در واقع نرخ‌های چندگانه ارز و عدم توزیع مناسب آن، باعث کاهش انگیزه تولید و صادرات در کشور خواهد شد.

وی اظهار کرد: ما نمی‌توانیم مانند یک جزیره عمل کنیم و بدون ارتباط مالی و بانکی با سایر کشورها از رشد صادرات غیر نفتی سخن بگوییم.

جعفر محرم‌پور؛ دبیر اتاق بازرگانی تبریز در پایان این جلسه به جمع‌بندی موارد مطرح‌شده پرداخت و گفت: از این میزگرد چنین می‌توان برداشت کرد که لازمه توسعه ورود ایران به کریدورهای بین‌المللی، ارتباط و تعامل سازنده با دنیا است، نمی‌توان با کشورهای دیگر قطع ارتباط کرد، اما از آنها خواست تا همسو با منافع کشور ما حرکت کنند. از طرف دیگر بحث FATF پیش می‌آید که برای توسعه صادرات، ما ملزم به پذیرش آن هستیم.

وی ادامه داد: باید این امر را قبول کنیم که با واقعی شدن نرخ ارز، هم سرمایه‌گذار و هم ارز به‌سهولت وارد کشور می‌شود، در این صورت کریدورها نیز می‌توانند در حوزه بین‌المللی ایفای نقش کنند و با بهبود شرایط می‌توان به سمت نرخ ارز واقعی گام برداشت.



اعمال نرخ ارز واقعی، لازمه افزایش حجم تجارت خارجی



سید باقر شریفزاده

رئیس شورای راهبردی مرکز پژوهش‌های اتاق بازرگانی تبریز

را به کشورهای در حال توسعه توصیه می‌کنند. مطالعات نشان می‌دهد که اقتصادهای بیرون‌گراتر، نرخ رشد اقتصادی بالاتری را ثبت می‌کنند. علاوه بر این، موفقیت چشمگیر اقتصادهای شرق آسیا تا حدودی به بالا بودن حجم تجارت آنها نسبت داده شده است. تعجب‌آور نیست که در اواخر دهه ۱۹۷۰، بسیاری از کشورهای در حال توسعه اصلاحات آزادسازی تجاری را که شامل کاهش تعرفه‌های واردات و صادرات و موانع غیر تعرفه‌ای بود، اتخاذ کردند.

بر اساس تئوری مزیت نسبی، اگر کشوری بخواهد با کشور دیگری تجارت کند، باید کالایی تولید کند که در آن مزیت نسبی دارد و می‌تواند کالاها را در مقیاس بزرگتر تولید کند. در نتیجه بهره‌وری و صادرات این بخش افزایش یافته و رشد کلی اقتصاد تقویت می‌شود. آزادسازی تجارت، زمینه‌ساز افزایش تخصص در بخش‌هایی که دارای صرفه‌جویی در مقیاس هستند، شده و در نهایت به بهبود کارایی و بهره‌وری در بلندمدت کمک می‌کند.

همچنین در رابطه تجارت-رشد، بحث «هزینه تقلید» دارای اهمیت است. اگر هزینه تقلید نوآوری^۱ در کشورهای فقیرتر از اقتصادهای پیشرفته کمتر باشد، کشورهای فقیرتر سریعتر از کشورهای پیشرفته رشد خواهند کرد و تمایل به همگرایی وجود خواهد داشت. همه این استدلال‌ها نشان می‌دهد که اقتصادهای در حال توسعه، از تجارت بین‌المللی

شواهد نشان می‌دهد کشورهایی که حجم تجارت بالایی دارند، از نظر رشد اقتصادی و کنترل تورم، وضعیت ایده‌آلی را تجربه می‌کنند. افزایش حجم تجارت سبب می‌شود تا وضعیت و رفاه اقتصادی کشورها افزایش یابد. از یکسو صادرات با ایجاد فرصت ارائه تولیدات مازاد به خارج از کشور، علاوه بر درآمدزایی، موجب تقویت رشد اقتصادی نیز می‌شود. همچنین از این طریق در بلندمدت به رشد اقتصادی کمک کرده، درجه اعتبار یک کشور را با خلق پول‌های معتبر بهبود بخشیده و در نتیجه، اخذ وام‌های خارجی را تسهیل می‌کند.

از سوی دیگر، یک کشور از طریق تجارت می‌تواند کالاهایی را وارد کند که خود قادر به تولید آنها نیست. در این صورت منابع و امکانات در مکان‌ها و بخش‌هایی به کار گرفته می‌شوند که از کارایی و بهره‌وری بیشتری برخوردار باشند. در کنار آن روش‌های تولیدی مناسب‌تری نیز باید مورد استفاده قرار گیرد تا بهره‌وری افزایش یابد.

حجم تجارت در بلند مدت با فراهم کردن دسترسی به کالاها و خدمات، دستیابی به کارایی در تخصیص منابع، بهبود بهره‌وری کل عوامل تولید (از طریق اشاعه فناوری و انتشار دانش)، زمینه‌ساز رشد و توسعه اقتصادی فراهم می‌شود. بنابراین انتظار می‌رود کشورهایی که حجم تجارت بالایی دارند، نسبتاً به سایر کشورها عملکرد بهتری داشته باشند. به همین دلیل مؤسسات بین‌المللی و دولت‌های کمک‌کننده به طور معمول، سیاست‌های آزادسازی تجاری



1 cost of imitation

با کشورهای پیشرفته سود زیادی می‌برند.

به نظر می‌رسد حجم تجارت می‌تواند با اثرگذاری بر تقاضا و عرضه کل، تورم را نیز تحت تأثیر قرار دهد. از آنجایی که تجارت بین‌المللی نقشی ضروری در فرآیند تولید و تصمیم‌گیری در مصرف دارد؛ در یک وضعیت اقتصادی بسته، تورم به مازاد تقاضای ایجاد شده در آن اقتصاد نسبت داده می‌شود، اما در مورد اقتصاد باز، صادرات و واردات نیز بر تورم تأثیر می‌گذارد. واردات می‌تواند به طور مستقیم از طریق قیمت کالاهای وارداتی که در شاخص قیمت لحاظ شده‌اند، بر تورم داخلی تأثیرگذار باشد، با این حال واردات همچنین می‌تواند به طور غیرمستقیم از طریق ایجاد فضای رقابتی در میزان تورم تأثیر بگذارد. همانند واردات، صادرات نیز به واسطه اثرگذاری بر الگوی عرضه کالاها و خدمات مصرف‌کنندگان داخلی می‌تواند بر تورم تأثیر بگذارد. بنابراین، تجارت بین‌الملل مانند یک در باز عمل کرده و فشار درون اقتصاد را با ورود و خروج محصولات و خدمات، خنثی کند. در یک اقتصاد، زمانی که تقاضا از سطح تولید داخلی فراتر رود، ناپرابری افزایش یافته و منجر به وضعیت تورمی می‌شود. بنابراین کشور ممکن است، سیاست واردات را برای پاسخگویی به این تقاضای مازاد دنبال کند. برعکس، زمانی که کشور با وضعیت معکوس روبرو می‌شود، تقاضا جوابگوی تولید داخلی نیست، تورم رو به کاهش می‌رود و در این راستا، مازاد تولید می‌تواند به کشورهای دیگر صادر شود، از این رو، صادرات و واردات از عوامل ایجادکننده اثر تورمی در یک اقتصاد هستند. در قسمت قبل اشاره شد که افزایش در تولید از طریق افزایش کارایی، افزایش سرمایه‌گذاری خارجی، تخصیص بهتر منابع و بهبود استفاده از ظرفیت تولید اتفاق می‌افتد؛ در این راستا می‌توان انتظار داشت که این مکانیسم بر تورم اثر منفی داشته باشد.

با وجود اینکه افزایش حجم تجارت خارجی برای یک کشور فرصت لازم برای افزایش رفاه را فراهم می‌آورد؛ عدم مدیریت صحیح آن برای یک اقتصاد می‌تواند، اثرات بسیار مخربی به همراه داشته باشد. اقتصاد ایران جزو اقتصادهای نفت‌محور و تک‌کالایی است که تغییرات صادرات آن، کل اقتصاد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اقتصاد ایران همواره دستخوش تغییرات تجارت خارجی بوده است و این تغییرات در مقطعی به صورت افزایش شدید درآمد نفتی و در پاره‌ای از موارد به صورت تحریم و کاهش نرخ نفت نمایان شده است. اهمیت درآمد و صادرات نفتی از آن جایی برای اقتصاد ایران مهم است که بخش مهمی از منابع درآمدی دولت محسوب شده و تغییرات آن در تراز بودجه دولت تأثیر فراوانی می‌گذارد. تغییرات صادرات نفتی با اثرگذاری مستقیم بر بودجه دولت سبب بروز تغییراتی در همه متغیرهای کلان می‌شود. در کنار اهمیت عواید ارزی در بودجه دولت، بررسی ترانزنامه بانک مرکزی حاکی از آن است که تغییرات درآمد

کشورهایی که دارای سیستم نرخ ارز انعطاف‌پذیر هستند، قادر خواهند بود شوک‌های حقیقی ناشی از اقتصادهای خارجی را مهار کنند. این به نوبه خود به کشورهای دارای نرخ‌های شناور اجازه می‌دهد تا از فرآیندهای تعدیل‌پرهزینه و طولانی اجتناب کنند. در بیشتر مدل‌های اقتصادهای باز، شوک‌های خارجی واقعی از جمله شرایط تجارت و شوک‌های نرخ بهره واقعی، منجر به تغییرات در نرخ ارز واقعی تعادلی می‌شوند.

ارزی در اقتصاد ایران منجر به تغییرات عرضه پول می‌شود. بنابراین درآمدهای ارزی دولت سبب می‌شود تا نحوه تعیین نرخ ارز نقش قابل توجهی در ثبات اقتصادی ایران داشته باشد.

در تعیین نرخ ارز باید یک سیستم ارزی از جانب دولت و بانک مرکزی اعمال و بر اساس این سیستم میزان نرخ ارز محاسبه شود. سیستم‌های ارزی ثابت و شناور از شناخته‌شده‌ترین سیستم‌های اجرا شده در دنیا است. موفقیت هر یک از این سیستم‌ها در اقتصاد ایران در گرو توانایی آن در انطباق با باز بودن تجارت و جذب شوک‌های تجاری است.

طبق نظر اقتصاددانان بین‌الملل مانند جانسون^۲ (۱۹۶۹) رژیم ارزی شناور، بهترین کارایی را در جذب شوک داشته و نقش ضربه‌گیر را ایفا می‌کند. اگر نرخ ارز در واکنش به شوک‌های تقاضا و عرضه واقعی به طور قابل توجهی تغییر کند و اگر بتوان بخش بزرگی از حرکت‌های نرخ ارز را با این شوک‌ها توضیح داد (مقدار زیادی از این شوک‌ها را جذب می‌شوند)، آنگاه نرخ ارز، نقش تثبیت‌کننده در اقتصاد دارد و به عنوان ضربه‌گیر عمل می‌کند. اگر شوک تجاری منجر به تغییرات عرضه و تقاضای کل گردد، تغییرات نرخ ارز توانایی جذب شوک را خواهد داشت.

بر اساس دیدگاه مید^۳ (۱۹۵۱)، کشورهایی که دارای سیستم نرخ ارز انعطاف‌پذیر هستند، قادر خواهند بود شوک‌های حقیقی ناشی از اقتصادهای خارجی را مهار کنند. این به نوبه خود به کشورهای دارای نرخ‌های شناور اجازه می‌دهد تا از فرآیندهای تعدیل‌پرهزینه و طولانی اجتناب کنند. در بیشتر مدل‌های اقتصادهای باز، شوک‌های خارجی واقعی از جمله شرایط تجارت و شوک‌های نرخ بهره واقعی، منجر به تغییرات در نرخ ارز واقعی تعادلی می‌شوند. اگر نرخ ارز اسمی ثابت شود، تعدیل در نرخ ارز واقعی تعادلی باید از طریق تغییر قیمت‌های اسمی داخلی و دستمزدهای داخلی صورت گیرد. این تعدیل در کشورهایی با نرخ ارز ثابت و دستمزدهای پولی غیر قابل انعطاف دشوار از «نرخ ارز متغیر» یا از آنچه امروز به‌عنوان رژیم نرخ ارز شناور می‌شناسیم، سود خواهد برد. طبق گزارش رینهارت و راگوف (۲۰۱۸) اقتصاد ایران در اکثر سال‌ها از تعدیل نرخ ارز بر حسب تورم داخلی جلوگیری کرده است. همچنین به دلیل وابسته بودن بودجه دولت به نرخ ارز، شوک‌های تجاری سبب ایجاد تغییراتی در پایه‌ی پولی ایران شده و از این طریق میزان تورم و رشد اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

در اقتصاد ایران بزرگترین عرضه‌کننده ارز در بازار،

2 Johnson (1969)

3 Meade (1951)

در سال‌های ۱۳۸۹، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ بالاترین حجم صادرات و واردات به دلیل افزایش درآمدهای نفتی ثبت شده است. در حالیکه بعد از اعمال تحریم علیه کشور ایران، این میزان به شدت کاهش یافته و از مقدار ۱۳۲ میلیارد دلار به مقدار ۷۰ میلیارد دلار صادرات در سال ۱۳۹۵ رسیده است. این شرایط سپس به دلیل توافق برجام بهبود یافته و به میزان ۱۰۳ میلیارد دلار صادرات در سال ۱۳۹۸ رسیده است، ولی به دلیل نقض توافق و اعمال تحریم، مجدداً کاهش یافته است.

روند حجم تجارت گویای این است که همواره شوک‌های مختلفی بر اقتصاد تحمیل شده است. این شوک‌ها از دو نظر بسیار قابل توجه هستند. اولین مورد آن است که کیفیت شوک‌های تجاری مشابه نبوده است، بطوریکه در بعضی از مواقع به دلیل افزایش درآمدهای نفتی شوک مثبت بر اقتصاد وارد شده است. در مقابل، اقتصاد ایران به دلیل تحریم‌های متنوع، شوک‌های منفی را نیز تجربه کرده است. دومین مورد مهم آن است که شدت شوک‌های تجاری در بازه زمانی مختلف متفاوت بوده است. درآمدهای نفتی طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ آمار قابل توجهی را ثبت کرده است (شوک مثبت). از سوی دیگر، تحریم‌های اقتصادی سبب وارد شدن شوک منفی بر اقتصاد ایران شده است.

در ادبیات اقتصاد کلان اشاره شده است که نرخ ارز ارتباط‌دهنده اقتصاد بیرون با اقتصاد داخلی است و نحوه تعیین نرخ ارز تأثیر غیر قابل انکاری بر اقتصاد دارد. مهمترین ویژگی نرخ ارز در ارتباط با باز بودن تجارت و متغیرهای کلان اقتصادی، مدیریت شوک‌های خارجی است. تأثیر تجارت خارجی بر اقتصاد عمدتاً از طریق کانال‌های شوک خارجی کار می‌کند، بطوریکه رژیم نرخ ارز انعطاف‌پذیر می‌تواند بعنوان یک جاذب شوک خارجی، کار کند. در مورد بهبود و ویژگی جذب شوک‌های خارجی رژیم‌های ارز انعطاف‌پذیر، وقتی نرخ واقعی ارز یا قیمت‌های نسبی با شوک خارجی تغییر پیدا می‌کنند، تغییرات اتوماتیک در نرخ ارز اسمی و رژیم‌های انعطاف‌پذیر تغییرات لازم را در نرخ ارز واقعی ایجاد می‌کند. بنابراین می‌توان بیان کرد که اثرات شوک‌های خارجی ناشی از بالا بودن حجم تجارت خارجی می‌تواند توسط یک رژیم انعطاف‌پذیر کاهش یابد. تحت رژیم‌های انعطاف‌پذیر شوک منفی سبب می‌شود که تقاضای داخلی و فروش بنگاه‌ها در بازار داخلی به دلیل افزایش نرخ ارز کاهش یابد. با این حال یک کاهش واقعی در ارزش پول ملی، رقابت‌پذیری شرکت‌ها را در بازارهای خارجی افزایش می‌دهد. در یک اقتصاد باز که تعداد زیادی از تولیدکنندگان با کالاهای قابل فروش فعالیت می‌کنند، این رقابت‌پذیری افزایش می‌یابد و منجر به جبران تقریبی اثر کاهش تقاضای داخلی کشور می‌شود. بنابراین در یک اقتصاد نسبتاً باز رژیم‌های انعطاف‌پذیر ارزی شوک بیشتری را نسبت به رژیم‌های ثابت جذب می‌کنند.



بخش دولتی است؛ به طوری که هنگام کاهش درآمدهای نفتی، استقراض از بانک مرکزی یکی از منابع عمده افزایش نقدینگی است، در زمان افزایش درآمدهای نفتی نیز با توجه به اینکه معمولاً میزان عرضه ارز توسط دولت بیشتر از تقاضای بازار است. (مشتری در بازار وجود ندارد و نرخ‌های ارز تمایل به کاهش دارند) از سوی دیگر، دولت به دلیل نیازهای بودجه‌ای، ارز حاصل از درآمدهای نفت را به بازار عرضه کرده و با دخالت بانک مرکزی در بازار، از کاهش نرخ ارز (عمدتاً نرخ دلار در برابر ریال) جلوگیری می‌کند. این کار به معنی افزایش پایه پولی و تورم است.

اگر بانک مرکزی اجازه دهد نرخ ارز انعطاف‌پذیری بیشتری داشته باشند و در مقابل، کنترل خود را بر روی پایه پولی افزایش دهد، شوک‌های بازار نفت به صورت افزایش پایه پولی و تورم به اقتصاد ایران منتقل نمی‌شوند. در نقطه مقابل با افت درآمدهای نفت و کاهش عرضه در بازار داخلی ارز، قیمت ارز تمایل به افزایش خواهد داشت که برای ثابت نگه داشتن آن بانک مرکزی باید از ذخایر خود استفاده کرده و ارز به بازار تزریق کند که با جمع کردن ریال از بازار ممکن خواهد شد و انقباض پولی را به همراه داشته و احتمال رکود اقتصادی را افزایش خواهد داد. در صورتی که اگر اجازه افزایش نرخ ارز در کشور داده شود، بدون اینکه پایه پولی کشور دچار تغییر شود، میزان نرخ ارز تغییر خواهد کرد و این دلیلی است که سبب می‌شود تا نرخ ارز جاذب شوک بهتری در مقابل شوک‌های بیرونی باشد.

موارد گفته شده نشان می‌دهد که اقتصاد ایران برای افزایش رفاه اقتصادی باید حجم تجارت خارجی خود را توسعه دهد. با این وجود، نرخ ارز نقش تعیین‌کننده‌ای در اثرگذاری حجم تجارت خارجی اقتصاد ایران خواهد داشت. از آنجایی که افزایش حجم تجارت، منجر به افزایش مواجهه اقتصاد کشور با شوک‌های خارجی می‌شود، مدیریت این شوک‌ها نیازمند استفاده از سیاست‌های مناسب ارزی است. به عبارت دیگر، یکی از الزامات مهم برای داشتن اقتصاد باثبات، اعمال سیاست‌های مناسب اقتصادی در مقابل بحران‌ها و شوک‌های خارجی است.

حجم تجارت خارجی در اقتصاد ایران به‌عنوان یک کشور صادرکننده نفت و وابستگی زیاد تولیدات داخلی به محصولات واسطه‌ای و وارداتی، نقش قابل توجهی در تغییرات رشد اقتصادی و نرخ تورم دارد. از این رو هر چقدر میزان حجم تجارت خارجی بالا باشد، اقتصاد ایران تحت تأثیر سیاست‌های کشورهای خارجی بوده و بیشتر در معرض شوک‌های خارجی قرار می‌گیرد.

در اقتصاد ایران، افزایش صادرات (به دلیل افزایش درآمد نفتی) با افزایش واردات همراه بوده است. شواهد گویای آن است که میزان حجم تجارت خارجی در شرایط مختلف دچار تغییر شده است. آمارها بیانگر این است که





مدیر گروه علوم سیاسی دانشگاه تبریز؛

چراغ راهنمای سیاست خارجی، منافع ملی است

جواد علی پور؛ مدیر گروه علوم سیاسی دانشگاه تبریز در گفتگو با اتاق بازرگانی تبریز به بررسی تاثیر تحلیل درست از ژئوپلیتیک منطقه در آینده تجارت پرداخت. این استاد دانشگاه، دسترسی به داده‌های واقعی را به‌عنوان پیش‌شرط تحلیل درست و دقیق مطرح کرد. به اذعان وی تنها معیار تاثیرگذار بر رفتار و تصمیم‌گیری کشورهای مختلف، منافع آنهاست و چراغ راهنمای سیاست خارجی، همواره منافع ملی است. در ادامه به‌طور مفصل نظرات این استاد دانشگاه طرح شده است.

در پاسخ به این سؤال ابتدا باید ژئوپلیتیک را تعریف کنیم. در تعریف ژئوپلیتیک که برخی آن را با جغرافیای سیاسی یکسان در نظر می‌گیرند، رفتار بازیگران بین‌المللی، سیاست خارجی دولت‌ها و اقدامات کنشگران مختلف را در سیاست بین‌الملل و روابط بین‌الملل بر اساس عوامل جغرافیایی یا عوامل مبتنی بر زمین تحلیل می‌شود. در این راستا، برای ارائه تحلیل واقعی، نیازمند ارائه تحلیل درست از تحولات ژئوپلیتیکی هستیم. گزاره‌های کهنه و تاریخ مصرف گذشته از ژئوپلیتیک نمی‌تواند پاسخگوی نیازها در دنیای جهانی شده و رسانه‌ای شده کنونی باشد که در آن مفاهیم ژئوپلیتیک و ژئوپلیتیک بودن دگرگون شده است؛ مفهوم «ژئوپلیتیک» دیگر یک مفهوم ذاتی و ابدی نیست، بلکه مفهومی متغیر و پویاست. از این رو، به نظر من برای اینکه در مورد تاثیر ژئوپلیتیک بر تجارت به‌طور کلی در دنیا و به‌طور خاص در مورد ایران نظر بدهیم، بهتر است در مورد درک و برداشت از این مفهوم بازنگری کنیم. همان‌طور که بیان شد، ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیکی بودن دیگر از ویژگی‌های ابدی و جاودانی نیستند و با توجه به تحولات و مقتضیات زمانی و مکانی محتمل است که کشوری ویژگی‌های ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی خود را از دست بدهد و یا برعکس

• از نظر شما میزان تاثیر تحلیل نادرست از ژئوپلیتیک منطقه و تاثیر آن بر آینده تجارت چیست؟

بررسی و تحلیل هر مسئله‌ای به‌طور کلی و مسائل ژئوپلیتیکی و تجاری به‌طور خاص که قرار است در مورد آن تصمیم‌گیری شود، نیازمند داده‌های واقعی است، نه داده‌های واهی و ساختگی؛ متأسفانه داده‌های ساختگی در حوزه علوم انسانی زیاد هستند. به‌همین دلیل من همواره تاکید می‌کنم، زمانی که سخن از تحلیل است؛ یعنی تحلیل درست و دقیق که در گام نخست نیازمند داده‌های واقعی است و در گام بعدی تحلیل‌گر یا تحلیلگرانی باید وجود داشته باشند که از دانش، تجربه و منطق کافی برخوردار بوده و از همه مهمتر به‌هیچ‌وجه سوگیری یا جهت‌گیری خاصی نسبت به موضوعات مطروحه نداشته باشند. یعنی هرگونه جهت‌گیری را به لحاظ ایدئولوژیکی، فرهنگی، قومی، سیاسی و دینی کنار بگذارند تا بتوانند تحلیل دقیق و صحیحی ارائه نمایند.

• تغییر و تحولات ژئوپلیتیکی در ایران و منطقه، چقدر می‌تواند در آینده تجارت ایران نقش‌آفرینی کند؟

گفتگو: اولدوز اقدم ارسی
زینب رضا زاده



شد که خیلی با تغییر و تحولات منطقه‌ای و جهانی همسو نخواهد بود. اما اگر رفتارهای کنشگران متعدد در صحنه بین‌المللی را درست تحلیل کرده و به‌درستی درک کنیم، آن وقت می‌توانیم تشخیص دهیم که با کدام یک از بازیگران، منافع مشترک، موازی یا متضاد داریم و در نهایت بتوانیم بر اساس منافع ملی بهتر تصمیم بگیریم.

به بیان دقیق‌تر، ما مجبور هستیم در مورد تصمیم‌های دیگر بازیگران نیز تحلیل درست داشته باشیم و در سطح کلان و خرد اقدامات و رفتار کشورها و نهادهای مرتبط به نظام و سیاست بین‌الملل را درست درک کنیم. به این دلیل که بخشی از تصمیم‌گیری در دنیای به هم تنیده بر اساس رفتار دیگر بازیگران تدوین می‌شود. همچنین، به این واقعیت مهم در دنیای امروزی و روابط بین‌الملل واقف باشیم که هیچ بازیگری، عاشق بازیگر دیگر نیست و تصورات واهی را کنار بگذاریم. تنها معیار تاثیرگذار بر رفتار و تصمیم‌گیری کشورهای مختلف منافع آنهاست و چراغ راهنمای سیاست‌های خارجی همواره منافع ملی است.

اینکه می‌گوییم ما در موقعیت استراتژیک و ژئوپلیتیک قرار گرفته‌ایم، به این معنی نیست که حتماً کشورهای دیگر منتظر می‌مانند تا زیرساخت‌های کشور ما (مثلاً راه‌آهن از چابهار تا مرز بازرگان یا خانگیران به بهره‌برداری برسد و بنادر یا فرودگاه‌هایی را احداث یا تکمیل کنیم) مهیا شود. در واقع هیچ کدام از کشورهای خودشان را معطل ما نمی‌کنند و به دنبال گزینه‌های دیگری می‌روند. چرا که ماهیت رقابتی حاکم بر نظام بین‌الملل، تعریف موقعیت استراتژیک و ژئوپلیتیک کشورها را تحت تاثیر قرار می‌دهد. برای مثال، در ترانزیت هوایی، ایران زمانی جزو بهترین هوپیمای‌های دنیا بود، حتی رقاباتی چون قطر، امارات، ترکیه و ... امکانات ایران را نداشتند، اما با غفلت از این پتانسیل، از شرایط نظام بین‌المللی عقب ماندیم. در نتیجه فرودگاه‌هایی در ترکیه، قطر و امارات احداث شد که جایگزین فرودگاه‌های ما شدند. هوپیمایی قطر، امارات و ترکیه تبدیل به یکی از بهترین خطوط هوایی دنیا شد و اکنون فرودگاه استانبول یکی از پُرتراфик‌ترین فرودگاه‌های دنیا به‌شمار می‌رود. تا جایی که حتی اگر بخواهیم فرودگاه‌هایی با چنین امکانات احداث کنیم، نمی‌توانیم با آنها رقابت کنیم، زیرا آنها از ما جلو افتاده‌اند. به بیان ساده‌تر، ما مزیت رقابتی خود را در ارتباط با همسایگان از دست داده‌ایم.

با این اوصاف، تصمیم‌گیری‌های کشورهای همسایه از این نظر در تجارت ما حائز اهمیت است

کشوری چنین ویژگی‌ها را به دست بیاورد. برای تشریح آن یک مثال می‌زنم.

فرض کنید بر اساس طرح تفصیلی، شما صاحب ملکی هستید که در صورت تکمیل و اجرایی شدن آن طرح تفصیلی، بخشی از ملک شما به خیابان تبدیل خواهد شد، ولی باقی ملک شما در یک تقاطع خاصی قرار خواهد گرفت که می‌توانید از آن موقعیت مناسب شهری به نحو احسن استفاده کنید. اما شما با شهرداری و دیگر نهادهای متولی همکاری نمی‌کنید و در نهایت شهرداری و سایر نهادها برای حل مشکل خودشان نقشه طرح تفصیلی را عوض می‌کنند و همان خیابان را از مسیر دیگری در نظر گرفته و احداث می‌کنند. بنابراین شما نمی‌توانید ادعا کنید ملک تان در موقعیت ویژه‌ای قرار دارد. در واقع، شما دیگر موقعیت خود را از دست داده‌اید. این مثال در مورد جایگاه ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی کشورها هم صدق می‌کند. اگر از امتیاز و ویژگی‌های خاص کشوری، زمامداران آن نتوانند بهره‌برداری کنند و چنین ویژگی‌هایی را تقویت کنند، رقبای آنها جای آنها را خواهند گرفت. در دنیای امروز، عوامل مختلفی ژئوپلیتیک را تحت تاثیر قرار می‌دهد و باعث می‌شود که نقش ژئوپلیتیکی برخی کشورها و مناطق کم یا پر اهمیت‌تر شود. به‌عنوان مثال، ایران در یکی از تقاطع‌های استراتژیکی مهم دنیا قرار گرفته است و محل اتصال جنوب و شرق آسیا به اروپا و آفریقا است، اما با توجه به تحولات دهه‌های اخیر و سیاست‌هایی که رقبای ایران دارند، این احتمال وجود دارد که اهمیت ژئوپلیتیکی ایران کاهش یابد. اگر امروزه کربدورهای ترانزیتی جاده‌ای، ریلی و دریایی که تاسیس شده یا در حال تاسیس است، از ایران عبور نکنند یا خطوط لوله نفت و گاز به جای ایران از مسیرهای دیگری احداث شود، قطعاً ایران، مزیت و اهمیت خود را از دست خواهد داد. پس می‌بینیم که مفهوم ژئوپلیتیک، یک مفهوم سیال و پویاست، به عبارتی خصلت ذاتی و ابدی ندارد. به‌همین دلیل با تحلیل درست و دقیق از تغییر و تحولات ژئوپلیتیکی می‌توان رفتار بازیگران دخیل در هر امر را به‌درستی درک کرد و آنگاه با چنین بینشی ترسیم واقع‌بینانه‌تر چهارچوب آینده تجارت ایران میسر می‌شود.

در واقع، تحلیل درست از شرایط ژئوپلیتیکی و رفتارهای مبتنی بر ژئوپلیتیک دیگر بازیگران (شامل قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای) در آینده تجارت ایران نقش کلیدی خواهد داشت، چرا که در صورت عدم درک صحیح از رفتار دیگر کشورها و تغییر و تحولات ژئوپلیتیکی، تصمیماتی اتخاذ خواهد

همان طور که بیان شد، ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی بودن دیگر از ویژگی‌های ابدی و جاودانی نیستند و با توجه به تحولات و مقتضیات زمانی و مکانی محتمل است که کشوری و ویژگی‌های ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی خود را از دست بدهد و یا برعکس کشوری چنین ویژگی‌ها را به دست بیاورد.

● ● ●
**اگر امروزه
 کریدورهای
 ترانزیتی
 جاده‌ای، ریلی
 و دریایی که
 تاسیس شده
 یا در حال
 تأسیس است،
 از ایران عبور
 نکند یا خطوط
 لوله نفت و گاز
 به جای ایران
 از مسیرهای
 دیگری احداث
 شود، قطعاً
 ایران، مزیت و
 اهمیت خود
 را از دست
 خواهد داد.**



که ما با آنها در رقابت هستیم و همه در تلاشند در این رقابت و بازی ژئوپلیتیکی پیشی گرفته و از بازیگران منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای بیشتر امتیاز بگیرند، چرا که منطق بازی در روابط بین‌الملل مشخص است و تمامی کشورها با توجه به منافع ملی خود رفتار می‌کنند و بایستی ما رفتار تک تک آنها را بر اساس حوزه‌هایی رقابت و همکاری تحلیل کرده و سپس سیاست خود را تدوین کنیم.

● **تاثیر سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران در آینده تجارت منطقه و کشور را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

در پاسخ به این سؤال بایستی نظر شما را به دو چیز جلب کنم، نخست این که به مفهوم سیاست بیشتر دقت و تمرکز کنیم. آیا منظور از سیاست، سیاست به معنای کلان و معادل politics است یا مقصود سیاست به معنای خرد و یا خط مشی و معادل policy است. حال باید با این افتراق معنایی باید به این سوال پاسخ دهیم که کدام سیاست ایران، آینده تجارت را تحت تأثیر قرار خواهد داد. آنچه آینده تجارت ایران را تحت تأثیر قرار خواهد داد، سیاست کلان جمهوری اسلامی ایران است، نه سیاست خرد (خط مشی) آن. دوم اینکه تجارت در منطقه بدون توجه به ایران به راه خود ادامه می‌دهد و منتظر ایران نیست، ایران بایستی بر اساس آنچه در پاسخ به سؤال اول و دوم عرض کردم، با درک شرایط بین‌المللی و تحولات جدید ژئوپلیتیکی، سیاست کلان خود را بازبینی و به‌روز کند.

این یک اصل است که سیاست هر کشور تجارت آن را در منطقه و جهان تحت تأثیر قرار می‌دهد. یک زمانی این دیدگاه مطرح بود که دولت‌ها مانند توپ‌های بیلیارد هستند که وقتی با هم برخورد می‌کنند، متکی بر توانایی‌ها و قابلیت‌های درونی خود هستند، اما اکنون بحث فراتر از این است و در دنیای وابستگی متقابل زندگی می‌کنیم و کشورهای موفق هستند که در کنار توسل به توانمندی‌های داخلی، از قابلیت‌های دیگر بازیگران بیشترین نفع را می‌برند. در این راستا، در سیاست کلان چند مسئله حائز اهمیت است که یکی از آنها تحریم است. تحریم یکی از موضوعات ما در ارتباط با کل جهان یعنی غرب و شرق است که باید این مسئله را حل کنیم. به عنوان مثال اگر روابط ما با جهان غرب یا شرق، از آمریکا گرفته تا روسیه و چین از حالت تقابلی به حالت عادی سوق داده شود، هم تجارت و صادرات ایران و هم دیگر کشورهای منطقه را تحت تأثیر قرار خواهد داد.

مسئله دیگر ریسک (سرمایه‌گذاری و تجاری)

است که در این بین می‌توان به موضوع FATF اشاره کرد که ایران در لیست سیاه این نهاد فراملی قرار گرفته است و همین امر مناسبات تجاری را تحت شعاع قرار می‌دهد. اگر مناسبات سیاسی عادی شده و یا درست شود و بتوانیم از طریق رفع موانع، وارد سیستم بانک بین‌المللی شویم و از طریق شبکه بانکی بین‌المللی تجارت کنیم، قطعاً ریسک پولشویی و حساسیت نهادها در این مورد کمتر شده و کشور از لیست سیاه خارج می‌شود. در نتیجه، در حوزه تجارت و صادرات در منطقه هم حرفی برای گفتن خواهیم داشت. اما اگر بگوییم اف. ای. تی. اف. را به‌طور کلی به رسمیت نمی‌شناسیم و روند روابط با دنیای غرب به‌صورت تقابلی ادامه یابد، در این صورت به احتمال خیلی زیاد شاهد پیشرفت رقبا و کاهش تجارت و صادرات خواهیم بود.

باید این نکته را در نظر بگیریم که اکثر اوقات تمامی مؤلفه‌های اقتصادی، ریشه در سیاست‌های کلان دارد. پس باید سیاست خودمان را در راستای بهبود روابط در منطقه، همسایگان و سپس با بازیگران جهانی تنظیم کنیم و در راستای برداشتن موانع، تقلیل تنش و عادی‌سازی روابط پیش برویم، در غیر این صورت در دنیای جهانی و رسانه‌های شده که تجارت و ارتباطات کشورها وابسته به یکدیگر هستند، به‌طور قطع متضرر خواهیم شد.

● **مشکل بیشتر صنعتگران استان این است که علیرغم دارا بودن پتانسیل‌های لازم برای صادرات محصولات خود به بازارهای جهانی، به دلیل نبود امکان نقل و انتقالات بانکی با چالش‌های عدیده‌ای مواجه هستند، نظر شما در این زمینه چیست؟**

نظرم را در این مورد با یک خاطره بیان می‌کنم، زمانی که در ایرلند دانشجوی دکترم بودم، کنفرانسی تحت عنوان «دایاسپورا» (گروهی از شهروندان یک کشور که در یک کشور دیگر زندگی می‌کنند) برگزار شد. موضوع کنفرانس این بود که گروه‌های دایاسپورا چه تأثیری در تجارت کشور مادرشان دارند؟ در آن کنفرانس که صاحب نظران و نمایندگان شرکت‌های مختلف حضور داشتند، با فردی ایرلندی آشنا شدم. او بعد از اینکه متوجه شد من ایرانی هستم، گفت که ۱۵ سال است در کشورهای حوزه خلیج فارس، نماینده یک شرکت چند ملیتی است. او گفت که قبلاً به مدت دو هفته در ایران بوده و شرکتشان قصد داشت تا در ایران نمایندگی زده و سرمایه‌گذاری کند، چرا که ایران جای مناسبی برای سرمایه‌گذاری به‌شمار می‌رفت؛ هم مواد خام

و معدنی با کیفیت و قیمت مناسبی داشت، هم نیروی کار ارزان و تحصیل کرده که موجب می‌شد آن شرکت نسبت به دیگر کشورهای حوزه خلیج فارس تقریباً ۲۰ درصد بیشتر سود کسب کند. ظاهراً سال ۲۰۰۵ و قبل از تشدید تحریم‌ها آن شرکت چنین تصمیم داشته است. ولی آن شرکت به رغم وجود چنین مزیت‌هایی در ایران، به دو دلیل از سرمایه‌گذاری شده بود، اولین دلیل انتقال پول بود و دومی انتقال تکنولوژی؛ البته خودش هم گفت که برای انتقال تکنولوژی، راه‌های میانبری وجود داشت و می‌توانستند به کشورهای دیگری تکنولوژی‌شان را بفروشند و مجدداً از آنها خریده از طریق بنادر تحویل بگیرند، اما برای انتقال پول هیچ راهی نبود. در واقع، مزیت‌های اقتصادی فدای مناسبات سیاسی می‌شود، چرا که تولیدکننده به دنبال سود کم‌ریسک‌تر، بدون دردسر و عقابانی است. از این رو، رابطه سیاست کلان و خرد به وضوح مشخص می‌شود. مزیت برخی صنایع در استان و سیاست‌گذاری در آن حوزه‌ها بخشی از سیاست خرد یا خط مشی است که همه اینها دل در گرو سیاست کلان دارند و تا زمانی که سیاست کلان تغییر نکند، همچنان مشکلات صنعت‌گران و تولیدکنندگان تداوم خواهد داشت.

● راهکار و پیشنهاد شما برای از بین رفتن موانع صادرات و افزایش ارتباطات جهانی چیست؟

برای پاسخ به این پرسش، نمی‌خواهم کلیشه‌ای پاسخ دهم. راهکار و پیشنهاد می‌تواند برای دو شرایط متفاوت و با مطالعه عمیق و بدون مطالعه و بی‌حساب کتاب باشد. قبل از هر چیز ارائه راهکار و پیشنهاد باید با مطالعه باشد که عمده معضلات ما ریشه در تصمیم‌گیری بدون مطالعه و بی‌حساب کتاب دارد. اما این ارائه راهکار باید مبتنی بر شرایط باشد. یکی در شرایطی است که ما به دنبال بهبود هستیم و به عبارتی دنبال راهکارها و پیشنهاداتی برای کارآمدتر شدن هستیم. دیگری برای شرایطی است که چالش‌ها و مشکلات عدیده‌ای وجود دارد. لذا ابتدا باید مشخص شود که ما راهکار را برای کدام شرایط می‌خواهیم؟ به نظر می‌رسد اکنون به دنبال راهکار برای حالت دوم هستیم. ببینید، آخر اسفند ۱۳۸۸ با ۲۰۰ هزار تومان گوسفند یک ساله برای قربانی خریده بودم که تقریباً بیست کیلو گوشت داشت. اکنون پس از ۱۴ سال، دو هفته پیش گوشت گوساله را کیلویی ۵۴۰ هزار تومان خریدم، به عبارتی با ۲۰۰ هزار تومان می‌توانم فقط ۴۰۰ گرم گوشت بخرم. قاعدتاً در این شرایط ما باید

احساس اصحاب کهف را داشته باشیم، اما مانند قورباغه‌ای که در یک قابلمه با حرارت کم و به مرور زمان پخته می‌شود، متوجه این روند نشده‌ایم. حال باید این سؤال را پرسید که آقایان سیاستمدار، آقایان اقتصاددان چه بلایی سر ما آمده است؟!

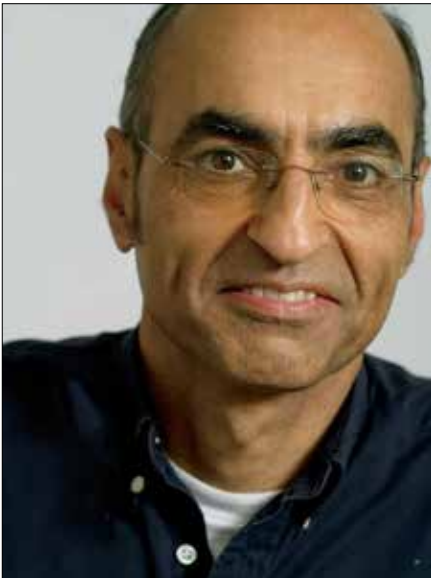
ارزش پول ما در ۱۴ سال گذشته ۵۰ برابر کم شده و اصلاً شرایط خوبی نداریم. البته ممکن است عده‌ای بفرمایند، شب‌ها نون خشک بخوریم و بخوابیم من هم می‌گویم، این اشکالی ندارد، هر چی شما می‌فرمایید. آیا جایگاه ایران در منطقه و جهان قابل چشم‌پوشی است؟ آیا می‌توانیم آن را لحاظ نکنیم و شب با خیال راحت بخوابیم؟ ما به رغم منابع و امکانات خوبی که داریم، روز به روز در حال تبدیل شدن به یک کشور فقیر هستیم، چون تورم بالا و مداوم اقتصاد ما را فلج کرده و موجب انواع فسادها شده است. این وضعیت اصلاً قابل قبول نیست. حتی اگر از شرایط داخلی به لحاظ اقتصادی چشم‌پوشی کنیم، باز نمی‌توانیم سقوط موقعیت خود را در صحنه بین‌المللی نادیده بگیریم. متأسفانه ما در نردبان قدرت بین‌المللی (که یکی از مولفه‌هایش اقتصاد است) از دیگر رقبای عقب افتاده‌ایم. لذا راهکار و پیشنهاد برای شرایطی است که ما دچار چالش هستیم.

پس حالا باید چکار کنیم؟ پیشنهاد من این است که اول باید درک و تحلیل درستی از شرایط و واقعیت بین‌المللی داشته باشیم و این تحلیل زمانی به درد خواهد خورد که آمارها و داده‌های ما درست و شفاف باشند. در گام دوم باید بدانیم دنیا به چه سمتی می‌رود و ملت‌ها در چه سمتی حرکت می‌کنند و سپس با انجام مطالعات آینده‌پژوهی، آینده کشورمان را ترسیم کنیم. در گام سوم، باید یک اجماع و همگرایی ملی شکل بگیرد که هم موجب اعتماد عامه مردم به هرم قدرت شود و هم همه نیروهای داخلی را به یک درک مشترک برساند که برای رسیدن به اهداف مشترک ملی باید نظر همدیگر را به رغم همه تفاوت‌ها بپذیرند. در گام چهارم، باید اتاق‌های فکر با حضور صاحب‌نظران و اندیشمندان و متخصصانی از رشته‌های مختلف که دغدغه مشترکی برای پیشرفت ایران در نردبان قدرت بین‌المللی دارند، تشکیل دهیم، تا با استفاده از اطلاعات و آمار شفاف و بهره‌گیری از تخصص و دانش همدیگر یک استراتژی ملی تدوین نمایند و پس از آن محورهای اصلی سیاست کلان و در نهایت برنامه‌های سیاست خرد به طور کلی و برنامه‌های افزایش تجارت، صادرات و ارتباطات بین‌المللی تنظیم نمایند. چرا که اگر زمانی می‌گفتند که دانش قدرت‌آفرین است، الان می‌گویند که اشتراک دانش، قدرت‌آفرین است.



بهرام آدرنگی؛ استاد اقتصاد دانشگاه پرتلند آمریکا در گفتگو با اتاق تبریز

نبود اعتبار و پشتوانه بین‌المللی مراودات تجاری را محدود می‌کند



بهرام آدرنگی؛ استاد اقتصاد دانشگاه پرتلند آمریکا در گفتگو با اتاق بازرگانی تبریز، به تشریح اثرات منفی تحریم‌ها در اقتصاد کشور ایران و به تبع آن ایجاد محدودیت در مبادلات تجاری و بین‌المللی پرداخت. در ادامه نظرات این استاد دانشگاه در خصوص تأثیر تحریم و چند نرخ بودن ارز بر صادرات غیر نفتی را نظاره‌گر خواهیم بود.

گفتگو: سامان حاتم‌راد؛ دکترای اقتصاد مالی دانشگاه تبریز
تنظیم: ساناز شهبابی

است. به تبع این امر در جامعه تورم ایجاد شده و سنگینی به دوش مصرف‌کنندگان ایرانی می‌افتد. به عبارت دیگر تحریم‌ها همه چیز را نشانه می‌گیرند و دسترسی به بازار سرمایه بین‌المللی را محدود می‌کنند، به خصوص اینکه در کشور ما از یک طرف صرفه‌جویی آنچنانی در حوزه ارز وجود ندارد و از طرف دیگر دسترسی محدود به پول‌های رایج بین‌المللی عملاً سرمایه‌گذاری را کاهش داده است و مشخص است که بدون سرمایه‌گذاری، بیکاری در جامعه به وجود می‌آید. به عبارت دیگر وقتی تولید، کار و صادرات نباشد، جامعه با مشکلات متعدد اجتماعی و اقتصادی مواجه خواهد شد.

محدودیت دسترسی بانک مرکزی به ارزهای قابل قبول بین‌المللی نیز باعث بروز مشکلات متعدد در انجام معاملات بین‌المللی شده است. گرچه دولت ایران برای دور زدن این تحریم‌ها راهکارهایی اندیشیده است، اما در واقع صادرات واردات با شیوه موجود، زمان، انرژی و هزینه زیادی به فعالان اقتصادی تحمیل می‌کند و در

• از دید شما تحریم‌ها چه تأثیری در فرایند صادرات غیر نفتی ایران دارند؟

از نظر کلی تحریم اقتصادی درست در نقطه مخالف اتحاد اقتصادی قرار دارد. به عنوان مثال زمانی که از ایالات متحده آمریکا یا ایالات متحده اروپایی سخن گفته می‌شود، به معنی وجود «اتحاد اقتصادی» و منافع بزرگ از نظر اقتصادی است. از نظر تئوریک تحریم دقیقاً همین نقطه را نشانه گرفته است و تمام منافع اتحاد اقتصادی را از بین می‌برد. اولین ضرر تحریم اقتصادی در حوزه صادرات به خصوص صادرات غیر نفتی این است که امکان صادرات را کوچکتر کرده و در بازار محدودیت به وجود می‌آورد. در مورد ایران عملاً تحریم این اثر را گذاشته است. از سوی دیگر عدم دسترسی به ماشین‌آلات و همچنین اطلاعات به روز صنعتی، که به واسطه تحریم‌ها روی می‌دهد، هم در حوزه تولید و هم صادرات اثر منفی می‌گذارد، این مورد نیز عملاً در مورد اقتصاد ایران اتفاق افتاده و یکی از نتایج آن کاهش ارزش پول ملی در بازارهای بین‌المللی



نتیجه منافع آنها کمتر می‌شود.

● چندین سال است سیستم بانکی ایران به بانک‌های بین‌المللی دسترسی ندارد، از نظر شما تاثیر این امر در صادرات غیر نفتی چگونه بوده است؟

زمانی که دولتی نتواند از هیچ کشوری برای مبادلات خود اعتبار دریافت کند، در عمل تعداد کشورهایی که می‌تواند با آنها وارد تبادلات تجاری شود، محدود خواهد شد، چراکه کشورها در درجه اول برای تجارت با ایران از کشور آمریکا هراس دارند. مشکل دیگر در این زمینه زمانی روی می‌دهد که به دلیل نبود اعتبارهای بین‌المللی، ایران از پشتوانه اقتصادی برخوردار نیست، در نتیجه ورود کالاهای اساسی و تکنولوژی‌های جدید نیز به کشور محدود شده و به دنبال آن کیفیت محصولات تولیدی پایین خواهد آمد و در این شرایط تولیدات کشور ایران توان رقابتی خود را از دست خواهند داد.

● وجود چند نوع نرخ ارز در کشور از نظر شما منطقی است یا نه و چه اثراتی در جامعه و اقتصاد کشور دارد؟

اولین چیزی که به دنبال وجود نرخ‌های مختلف ارز در کشور، به وجود می‌آید، عدم اعتماد به بازار است. در این شرایط هم صادرکننده و هم واردکننده، به دلیل نبود ثبات در بازار نسبت به آینده نگران خواهند شد. حتی ممکن است در مواقعی، تغییرات قیمتی نرخ ارز به نفع صادرکننده و واردکننده باشد، اما این عدم اطمینان به بازار و نبود ثبات، باعث بی‌میلی و بی‌ رغبت فعالان اقتصادی به ادامه فعالیت می‌شود، در نتیجه کشور ایران در رسیدن به اهداف خود از جمله عدم وابستگی به نفت با مشکل مواجه می‌شود. به عبارت ساده‌تر فرصت اینکه همه

اولین چیزی که به دنبال وجود نرخ‌های مختلف ارز در کشور، به وجود می‌آید، عدم اعتماد به بازار است. در این شرایط هم واردکننده و به دلیل نبود ثبات در بازار نسبت به آینده نگران خواهند شد. حتی ممکن است در مواقعی، تغییرات قیمتی نرخ ارز به نفع صادرکننده و واردکننده باشد

تخم مرغ‌ها را در یک سبد نگذارد، از بین می‌رود. در این شرایط سرمایه‌گذار خارجی نیز به دلیل وجود نوسانات قیمتی و چند نرخ بودن ارز، از مبادله با ایران هراس خواهد داشت. همچنین عدم مسلم بودن و ریسک بالا، در داخل کشور نیز فعالیت‌های تولیدی را محدود کرده و مردم و حتی سرمایه‌گذاران ترجیح می‌دهند به جای سرمایه‌گذاری در حوزه تولید، از نوسانات و اختلاف نرخ ارز بهره‌برداری کنند.

● بعد از به وجود آمدن نرخ ارز نیمایی، دولت ارز را با قیمت پایین‌تری در اختیار واردکنندگان قرار می‌دهد، این اختلاف قیمت چه تاثیرات مثبت یا منفی در بازار دارد؟

از نظر تئوری این اقدام دولت منطقی است، چراکه با این کار، واردکنندگان را به واردات محصولات اساسی یا مواد اولیه تشویق می‌کند، اما یک سوی دیگر قضیه، ایجاد فساد اقتصادی است این امر مختص ایران نبوده و در تمام دنیا نیز صادق است. به بیان ساده‌تر زمانی که فرصت به دست آوردن نرخ پایین ارز وجود دارد، نمی‌توان همه مردم را کنترل کرد و قطعاً بخش زیادی از مردم، پس از دستیابی به نرخ ارز پایین‌تر از بازار، به امور دیگری روی می‌آورند که هدف اصلی دولت نبوده است. این سوء استفاده به وضوح در ایران وجود دارد. البته باید گفت، در شرایط تحریمی دولت ایران چاره‌ای جز این ندارد و باید با اعمال سیاست‌های تشویقی فعالان اقتصادی را به واردات ترغیب کند. حال اگر از این امکان در راه درست استفاده شود، اعتماد مردم جلب خواهد شد، اما اگر از این فرصت در مسیر نادرست استفاده شود نه تنها اعتماد مردم به سیستم کاهش خواهد یافت، بلکه این توهم نیز بین مردم به وجود می‌آید که دولت برای یک عده ارفاق ویژه‌ای قائل است.





ترجمه: سیده الهام سلامی

پیمان سپاری ارزی



خارجی حاصله توسط افراد و کسب‌وکارها بوده و فروش تمامی ارزهای به‌دست آمده در بانک مرکزی با نرخ از پیش تعیین شده الزامی است.

محدودیت‌هایی نیز بر مقدار ارز خارجی خریداری شده از بانک مرکزی توسط افراد و کسب‌وکارها وارد می‌شود. همچنین کنترل ارز برای محدود کردن واردات غیرضروری، تشویق واردات کالاهای اولویتی، کنترل خروج سرمایه و مدیریت نرخ ارز کشور مورد استفاده قرار می‌گیرد. به طور کلی، کشورها از کنترل ارز برای مدیریت ارزش واحد پول ملی خود استفاده می‌کنند.

با این حال هر کشوری قادر به اعمال کنترل‌های ارزی به صورت مشروع نیست. طبق مفاد توافق‌نامه صندوق بین‌المللی پول، تنها کشورهای با اقتصاد در حال تحول می‌توانند کنترل ارزی را اعمال کنند. حذف تدریجی کنترل ارزی به دلیل روند جهانی شدن،

کنترل انجام گرفته توسط دولت بر محدودیت‌های معاملات خصوصی با ارز خارجی

کنترل ارزی، محدودیت‌ها و مقرراتی است که توسط دولت بر معاملات خصوصی انجام شده با ارز خارجی اعمال می‌شود. هدف اصلی دولت در اعمال کنترل ارزی، مدیریت کردن یا جلوگیری از وقوع وضعیت مانده منفی در تراز پرداخت‌های خارجی از حساب‌های ملی است که شامل تخصیص تمام یا بخشی از ارز خارجی دریافتی توسط کشور به یک صندوق مشترک تحت نظارت، توسط مقامات بانک مرکزی می‌شود.

مفهوم کنترل ارزی

صندوق ارز خارجی به‌منظور پرداخت‌های برون مرزی به دو بخش «ضروری» یا «اولویتی» تقسیم می‌شود که شامل کنترل تجارت ارز و انتقالات از مرزهای ملی به خارج از کشور است. دولت تعیین‌کننده نحوه بهره‌برداری از ارز

تجارت آزاد و آزادی اقتصادی در دهه ۱۹۹۰ ضروری بود. در این راستا چندین کشور غربی پس از جنگ جهانی دوم سریعاً اقدام به اعمال تدابیر کنترل ارزی کردند، اما همزمان با تقویت اقتصاد در این کشورها تا پیش از دهه ۱۹۸۰ به تدریج این روند را حذف کردند.

در حال حاضر، کنترل ارز به طور عمده توسط کشورهای در حال توسعه با اقتصاد ضعیف و دارای میزان صادرات پایین استفاده می‌شود. شایان ذکر است این کشورها وابسته به واردات بوده و دارای ذخایر کمی از ارز خارجی هستند.

کشورهایی با تجربه اعمال کنترل ارزی

- انگلستان: تا سال ۱۹۷۹

- کره جنوبی: از ۱۹۸۵ تا ۱۹۸۹

- مصر: تا سال ۱۹۹۵

- آرژانتین: از ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵

- فیجی، مکزیک، پرو، فنلاند، شیلی، زیمبابوه، و دیگر کشورها (این کشورها در یک دوره از تاریخ خود از کنترل ارزی استفاده کرده‌اند.)

عوامل موثر بر اعمال کنترل ارزی توسط دولت‌ها

دلیل و انگیزه اعمال کنترل ارزی در کشورهای مختلف نسبت به شرایط اقتصادی آنها متفاوت است. در زیر برخی از دلایل این دلایل آمده‌اند:

- فرار سرمایه در سطوح بی‌سابقه، عمدتاً به دلیل فشار سوداگرانه بر ارز ملی، ترس و سطح بسیار پایین اعتماد.
- کاهش قابل توجه صادرات که منجر به کسری تراز پرداخت‌ها (BOP) می‌شود.
- تغییرات نامطلوب در شرایط تجاری
- بودجه‌بندی جنگ/درگیری. ممکن است BOP به دلیل جنگ، خشکسالی و غیره دچار عدم تعادل شود.
- توسعه اقتصادی و بازسازی

اهداف اعمال کنترل ارزی

۱. برقراری مجدد تعادل در تراز پرداخت‌ها

هدف اصلی اعمال مقررات کنترل ارزی، اصلاح تعادل تراز پرداخت‌ها است. زمانی که تراز پرداخت‌ها به دلیل میزان واردات بیشتر از صادرات به سمت کسری می‌رود، نیاز به اصلاح مجدد خواهد داشت. بنابراین، کنترل‌هایی جهت مدیریت ذخایر کاهش یافته ارز خارجی با محدود کردن واردات کالاها ضروری و تشویق صادرات از طریق کاهش ارزش ارز اعمال می‌شود.

۲. محافظت از ارزش پول ملی

دولت‌ها ممکن است با مشارکت در بازار ارز خارجی، از

کشورهایی با تجربه اعمال کنترل ارزی:

انگلستان
تا سال ۱۹۷۹
کره جنوبی
از ۱۹۸۵ تا ۱۹۸۹

مصر
تا سال ۱۹۹۵
آرژانتین

از ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵
فیجی، مکزیک،
پرو، فنلاند،
شیلی، زیمبابوه،
و دیگر کشورها
(این کشورها
در یک دوره
از تاریخ خود
از کنترل ارزی
استفاده
کرده‌اند.)

ارزش ارز خود در سطح مطلوب و خاصی دفاع کنند. کنترل معاملات ارزی، راه دولت برای مدیریت نرخ ارز در سطح مطلوب بوده و می‌تواند دارای ارزش‌گذاری بالا یا پایین‌تر از حد معمول باشد.

دولت قادر است به منظور دفاع از نوسانات ارزی صندوقی ایجاد کند تا در محدوده دلخواه باقی مانده یا آن را با نرخ مشخصی جهت دستیابی به اهداف خود تثبیت کند. به‌عنوان مثال، یک کشور وابسته به واردات ممکن است تصمیم به حفظ نرخ بیش از حد ارزش‌گذاری شده ارز بگیرد تا واردات را ارزان‌تر کرده و ثبات قیمت را تضمین کند.

۳. پیشگیری از فرار سرمایه

دولت ممکن است شاهد روند افزایشی فرار سرمایه باشد، زیرا ساکنان کشور و افراد غیر مقیم شروع به انتقال ارزهای خارجی به بیرون از مرز می‌کنند. این کار ممکن است به دلیل تغییرات در سیاست‌های اقتصادی و سیاسی کشور باشد، مانند مالیات‌های بالا، نرخ‌های بهره پایین، افزایش خطرات سیاسی، شیوع بیماری‌ها و موارد مشابه. در این شرایط احتمال دارد دولت به استراتژی کنترل ارز متوسل شود که در آن محدودیت‌هایی در پرداخت‌های خارجی به منظور کاهش فرار سرمایه اعمال می‌شود.

۴. حفاظت از صنعت ملی

دولت ممکن است به کنترل ارزی روی آورد تا صنعت داخلی را از رقابت با بازیگران خارجی محافظت کند، زیرا این بازیگران خارجی ممکن است از نظر هزینه و تولید کارآمدتر باشند. به منظور عملیاتی کردن این امر، معمولاً از طریق تشویق صادرات صنعت ملی، جایگزینی واردات و محدود کردن واردات از شرکت‌های خارجی توسط سهمیه‌های وارداتی و گمرکی؛ اقداماتی انجام می‌پذیرد.

۵. ذخیره‌سازی ارز خارجی

شاید دولت قصد داشته باشد در راستای رسیدن به اهدافی متفاوت ذخایر ارز خارجی خود را افزایش دهد؛ از جمله ثبات ارز محلی به هنگام نیاز، پرداخت بدهی‌های خارجی و فراهم کردن پوشش وارداتی.

پیامدهای کنترل ارزی

کنترل ارزی در برخی موارد می‌تواند مؤثر عمل کند، اما همزمان ممکن است پیامدهایی منفی را نیز با خود به همراه آورد که اغلب به پدید آمدن بازارهای سیاه یا بازارهای موازی در مبادلات ارزی منجر می‌شود. بازارهای سیاه به دلیل تقاضای بالاتر برای ارزهای خارجی که بیشتر از عرضه آنها در بازار رسمی است، گسترش می‌یابند. این موضوع منجر به بحران مداوم در کنترل ارزی می‌شود.

قرارداد پیمان سپاری ارزی

۱۵ ژانویه | ۱ پوند = ۱۳۳ دلار



به نرخ روز، ABC مبلغ ۳۷۸،۷۸۸ پوند پرداخت خواهد کرد



۱۵ آوریل | ۱ پوند = ۱۲۵ دلار



ویژه‌نامه بیست و هفتمین همایش ملی توسعه صادرات غیرنفتی - آذر ۱۴۰۲
 نشریه اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تبریز

قرارداد پیمان سپاری ارزی (FEC) چیست؟

قرارداد پیمان سپاری ارزی (FEC) مصداق عبارت «الان خرید کن، بعداً پرداخت کن» است که به شما امکان می‌دهد، نرخ تبادل ارز را در تاریخ مشخصی در آینده (معمولاً ۱۲ تا ۲۴ ماه به آینده) تثبیت کنید.

قرارداد پیمان سپاری ارزی شامل دو طرف است:

- یک طرف که توافق می‌کند طی تاریخ مشخصی در آینده ارز را «خرید» کند (که به آن موقعیت طولانی گفته می‌شود).

- طرف دیگر توافق می‌کند که در همان زمان ارز را «بفروشد» (که به آن موقعیت کوتاه گفته می‌شود).

یک قرارداد پیمان سپاری ارزی، میان یک شریک تجاری جهانی و شرکت ملی انجام می‌شود.

قیمت گذاری - چگونگی محاسبه قرارداد پیمان سپاری ارزی

سیستم در محاسبه نرخ پیمان سپاری، اختلاف بین قیمت ارز در بازار نقدی لحظه‌ای و قیمت ارز در قرارداد پیش‌فروش را تعدیل می‌کند.

تفاوت نرخ بهره بین جفت ارز و زمان سررسید و هنگام تشکیل FEC محاسبه می‌شود. در صنعت، فرمول استاندارد برای محاسبه امتیاز ارزی پیش‌فروش وجود دارد.

پس از جفت شدن ارزها (مجموع مبلغی که کسب و کار مایل به معامله است و نرخ ارز توافق شده) یک قرارداد الزام‌آور به‌طور خودکار بسته می‌شود.

پیمان سپاری ارزی چگونه تحقق می‌یابد؟

مثالی از چگونگی عملکرد یک قرارداد پیمان سپاری ارزی:

کارخانه ABC در ادینبورگ قصد دارد، موتورسیکلت‌هایی را از تایوان خریداری کند. این کسب‌وکار با تامین‌کننده ملاقات کرده و توافق می‌کند که در ۳ ماه آتی، مبلغ ۵۰۰,۰۰۰ دلار آمریکا (USD) را به او پرداخت کند.

نرخ تبادل ارز GBP / USD در زمان توافق GBP ۱٫۰۰ = USD ۱٫۳۲ است. بنابراین، کارخانه ABC انتظار دارد که مبلغ GBP ۳۷۸,۷۸۸ را برای تجهیزات پرداخت کند.

در سه ماه آتی، نرخ تبادل ارز GBP ۱٫۰۰ = USD ۱٫۲۵\$ است.

در اینجا چه اتفاقی ممکن است بیفتد؟

سناریو ۱: اگر کارخانه ABC از یک قرارداد پیمان سپاری ارزی استفاده نکند.

در سه ماه بعدی، زمانی که کسب‌وکار آماده به پرداخت هزینه کالاهای تایوانی می‌شود، نرخ تبادل ارز

به شکل نامساعدی برای کارخانه ABC تغییر کرده و به GBP ۱٫۰۰ = USD ۱٫۲۵ خواهد رسید. این بدان معناست که هزینه کالاها برابر با ۴۰۰,۰۰۰ خواهد بود. کارخانه ABC باید ۲۱,۲۱۲£ بیشتر از اولین پیش‌بینی خود پرداخت کند.

سناریو ۲: کارخانه ABC از یک قرارداد پیمان سپاری ارزی استفاده کند.

پس از سه ماه، کارخانه ABC آماده به خرید تجهیزات از تایوان می‌شود. اگرچه نرخ تبادل ارز به شکل نامساعدی تغییر کرده و GBP ۱٫۰۰ = USD ۱٫۲۵ خواهد بود، اما کارخانه ABC یک قرارداد پیمان سپاری ارزی بسته است.

نتیجه این است که کارخانه ABC با اندیشیدن به آینده و حفاظت از خود با یک قرارداد ارزی، موفق می‌شود مبلغ ۲۱,۲۱۲£ را طی تجارت خود صرفه‌جویی کند.

مزایای قراردادهای پیمان سپاری ارزی

۱. ثبات نرخ تبادل ارزی: قراردادهای پیمان سپاری ارزی به کسب‌وکار امکان تثبیت نرخ تبادل ارز را برای معاملات آتی با نرخ مشخص می‌دهد.
۲. انتخاب نرخ مناسب: کسب‌وکارها می‌توانند نرخ مناسب خودشان را انتخاب کرده و همچنین به آنها اجازه می‌دهد که در آینده با نرخ معلوم خرید و فروش کنند.
۳. مدیریت و برنامه‌ریزی جریان نقدی: قراردادهای پیمان سپاری ارزی به کسب‌وکارها این امکان را می‌دهند که جریان نقدی خود را بدون نگرانی از نوسانات ارزی، مدیریت و برنامه‌ریزی کنند. این قراردادها می‌توانند به‌عنوان ابزارهای محافظتی برای کسب‌وکار استفاده شوند.

معایب و نقاط ضعف قراردادهای پیمان سپاری ارزی

۱. ریسک بالا: اگر نرخ ارز در آینده به شکل نامساعدی تغییر کند، قراردادهای پیمان سپاری ممکن است با ضرر همراه شوند.
۲. نیاز به واریز: معمولاً برای شروع تراکنش، وجوه تضمینی (ودیعه) به مقدار معقول الزامی است.
۳. نرخ تسویه آتی ذکر شده در قرارداد به وثیقه برای تغییرات نرخ روز اعلام می‌شود. همچنین، دسترسی به قراردادهای پیمان سپاری ارزی به میزان تقاضا بستگی داشته و ممکن است در برخی از مواقع محدود باشد.

منابع:

- موسسه مالی - شرکتی
- تامین مالی تجارت جهانی





جواد یغیایپور
دکترای اقتصاد

جنبه سوداگری ارز در ایران بسیار قوی است



می‌دهد.

سوالی که در ذهن به‌وجود می‌آید، این است که رابطه بین صادرات در کل و صادرات غیر نفتی به‌صورت خاص و نرخ ارز واقعی چیست؟ مطالعات انجام گرفته در این زمینه برای کوتاه‌مدت و بلندمدت اقتصاد چه نتایجی را ارائه می‌کنند؟ در ادامه ابتدا وضعیت صادرات غیرنفتی و سهم آن از کل صادرات ایران بررسی می‌شود.

در این رابطه اصولاً صادرات غیر نفتی و به‌خصوص صادرات صنعتی و گسترش آن در مقابل صادرات مواد خام و تک محصولی مطرح می‌شود. عمده‌ترین دلیل تأکید بر صادرات غیر نفتی، ایجاد و افزایش ارزش افزوده، به‌واسطه کالاها و محصولات است که علاوه بر افزایش ارزش افزوده و افزایش درآمدهای اقتصادی، موجب افزایش بهره‌وری عوامل تولید و افزایش تخصص نیروی کار و بدین طریق موجب افزایش رشد اقتصادی خواهد شد.

اصولاً پیش‌نیاز صادرات، داشتن محصولات مازاد نسبت به مصرف داخلی است که مستلزم این است که

نرخ ارز به‌عنوان یکی از متغیرهای مهم در سیاست کلان اقتصادی، در کنار چندین فاکتور مهم دیگر بر صادرات نفتی و غیر نفتی، می‌تواند اثرات مهمی داشته باشد. در یک تعریف کلی، نرخ ارز بیانگر ارزش پول هر کشور بوده و ارتباط میان اقتصاد داخلی با دنیای خارج را نشان می‌دهد. نرخ ارز خود به نرخ‌های اسمی و واقعی تقسیم شده و درحالی‌که نرخ اسمی ارز، یک مفهوم پولی بوده و ارزش نسبی دو پول را نشان می‌دهد؛ نرخ واقعی ارز، یک متغیر حقیقی است که قیمت نسبی کالاهای تجاری و کالاهای غیر تجاری را بررسی می‌کند.

از آنجا که نرخ واقعی ارز، هزینه کالاهای تولید شده در داخل را نشان می‌دهد، لذا برخلاف نرخ ارز اسمی، نرخ حقیقی ارز معیاری از سطح رقابت‌پذیری کالاهای تولید شده در قیاس با کشورهای خارجی را ارائه می‌کند. به‌عنوان مثال، افزایش در نرخ واقعی ارز، تولید کالاهای تجاری را سودآور ساخته و موجب انتقال منابع از بخش غیر تجاری به سمت تجاری شده و قدرت رقابت‌پذیری را بدینوسیله افزایش

اولاً تولید در اقتصاد کشور قوی و بالا باشد، ثانیاً، در طرف تقاضای داخلی صرفه‌جویی رعایت شود. به عبارت دیگر، در هر کشوری عرضه خالص صادرات طبق رابطه زیر عمل می‌کند:

$$NX=Y-A$$

که در آن NX خالص صادرات، Y تولید داخلی و A مقدار جذب و تقاضای داخلی از طریق شهروندان است. بنابراین بر طبق این رابطه ساده، برای ارتقای صادرات باید تولید داخلی افزایش یابد و صرفه‌جویی توسط عوامل اقتصادی رعایت شود.

نکته مهمی که در اینجا باید به آن توجه شود، ترکیب محصول کل به لحاظ کالاهای فناوری بالا، ارزش افزوده بالا و کالاهای خام با پردازش محدود است. متناسبانه ترکیب کالاهای صادراتی در اقتصاد ایران گویای این است که تولید به لحاظ کیفیت، فناوری و رقابت‌پذیری دچار مشکل و محدودیت است و بخش قابل توجهی از کل صادرات کشور را صادرات نفت و گاز تشکیل می‌دهد. صادرات مواد خام، نته‌ها چشم‌انداز صادرات بلندمدت کشور را روشن نمی‌کند، بلکه مجرای وقوع و تشدید بیماری هلندی نیز است.

در چند دهه گذشته، اقتصاددانان و سیاست‌گذاران غالباً درباره عملکردهای واقعی نرخ ارز در کشورهای جهان سوم مطالعات زیادی داشته‌اند و اغلب اعتقاد بر این دارند که اعمال سیاست‌های نامناسب در خصوص نرخ ارز توسط برخی از کشورها، موجب تشدید بحران بدهکاری‌های بین‌المللی، وخامت وضعیت بخش کشاورزی، عدم تعادل تراز تجاری، عدم موفقیت سیاست‌های اصلاحی و تعدیل در رفع مشکلات اقتصادی شده است. اقتصاددانان بر این موضوع توافق نظر دارند که تثبیت نرخ ارز واقعی در سطحی نامناسب و انحراف آن از مسیر تعادلی، سبب کاهش چشمگیر در رفاه ملی از طریق تأثیر نامطلوب بر عملکرد اقتصاد کلان می‌شود.

● ● ●

در اقتصاد ما، جنبه سوداگری ارز بسیار قوی است و به جای حالت تثبیت کننده، جنبه بی‌ثبات‌کننده دارد؛ بطوری که در شرایط ویژه مانند دوره جنگ، دوره تحریم، دوره افت شدید قیمت نفت، اگر قیمت ارز کنترل نشود، ممکن است، محدودیت‌ها را به بحران تبدیل کند.

در علم اقتصاد بین‌الملل و تئوری تجارت جهانی، کاهش ارزش پولی یک کشور موجب می‌شود که قیمت کالاهای صادراتی یک کشور در بازارهای خارجی و بر حسب پول آن کشور کاهش یابد و در نتیجه خریداران و مصرف‌کنندگان مطابق با قانون تقاضا، از آن کالا بیشتر خریداری کنند. البته این نظریه منوط به برقراری شرط مارشال-لرنر است، بدین معنا که بایستی مجموع مقدار مطلق کشش تقاضا و عرضه ارز، بیشتر از یک باشد. در غیر این صورت، کاهش ارزش پول داخلی با فرض وجود کسری تجاری اولیه، باعث کاهش درآمد ملی حقیقی و منجر به کاهش تقاضای کل می‌شود. در اقتصاد ایران، با نگاه جزئی و کوتاه‌مدت، تغییرات نرخ ارز بر ارتقاء صادرات و محدود کردن واردات تأثیرگذار است، اما این تأثیرگذاری کاملاً محدود و گذراست. حامیان نظریه شوک‌درمانی و تغییرات نرخ ارز واقعی، در سالیان گذشته مدام به بهانه ارتقاء صادرات غیر نفتی، افزایش نرخ ارز را توجیه کرده‌اند که این به ظاهر و به لحاظ تحلیل نظری جزئی، حرف صحیحی است، اما به دلیل نبود عوامل بنیادی بسترساز و نبود شرایط، مقدمات فنی، نهادی و ساختاری، عملاً نتوانسته است تغییرات مبنایی در صادرات ایجاد کند. در اقتصاد ما، جنبه سوداگری ارز بسیار قوی است و به جای حالت تثبیت کننده، جنبه بی‌ثبات‌کننده دارد؛ بطوری که در شرایط ویژه مانند دوره جنگ، دوره تحریم، دوره افت شدید قیمت نفت، اگر قیمت ارز کنترل نشود، ممکن است، محدودیت‌ها را به بحران تبدیل کند.

نکته قابل ذکر در اینجا این است که مطالعات تجربی نشان می‌دهد که تغییرات نرخ ارز بر صادرات غیر نفتی چندان مؤثر نیست. این امر اصلاً بدان معنا نیست که تغییرات نرخ ارز بر صادرات مؤثر نیست، بلکه گویای آن است که اقتصاد ایران تولید محور، دانش محور و تکنولوژی محور نیست و باید پس از آماده کردن بسترهای لازم، از تغییرات نرخ ارز استفاده‌ای بهینه کرد.





تأثیر نرخ ارز واقعی در افزایش میزان صادرات غیرنفتی



امین طباطبائی
پژوهشگر اقتصاد سیاسی

راهکارهای نجات صادرات غیرنفتی با تغییر نرخ ارز واقعی

- **تقویت تولیدات داخلی:** افزایش تولید داخلی می‌تواند باعث افزایش صادرات غیرنفتی شود. این موضوع با جلب سرمایه‌گذاری خارجی و کمک به توسعه صنایع داخلی قابل دستیابی است.

- **تنظیم نوسانات نرخ ارز:** برنامه‌ریزی خوب در مدیریت نرخ ارز می‌تواند باعث کاهش نوسانات آن و در نتیجه افزایش پایداری در زمینه صادرات غیرنفتی شود. همچنین در شرایط تحریمی، نرخ ارز واقعی می‌تواند نقش مهمی در نجات صادرات غیرنفتی داشته باشد: به علت کاهش نرخ ارز، قیمت محصولات صادراتی کشور نسبت به رقبای خارجی کاهش می‌یابد و کشور می‌تواند با توجه به هزینه‌های تولید کاهش یافته، در بازارهای جهانی رقابت کند. همچنین، با تنوع آرایش صادرات و کاهش وابستگی به محصولات خاص، کشور، می‌تواند کمتر از قبل تحت تأثیر تحریم‌ها قرار گرفته و بدین ترتیب، امکان افزایش صادرات غیرنفتی را در شرایط تحریمی فراهم کند.

نتیجه‌گیری

نرخ ارز واقعی می‌تواند نقش بسزایی در تقویت و نجات صادرات غیرنفتی یک کشور داشته باشد. افزایش توان رقابتی، کاهش وابستگی به صنعت نفت و تنوع اقتصادی از مزایای این عوامل بر صادرات غیرنفتی هستند. برای دستیابی به این هدف، توجه به مدیریت مناسب نرخ ارز واقعی و ترویج تولیدات داخلی ضروری است.



صادرات غیرنفتی یکی از مهم‌ترین راهکارهای توسعه اقتصادی کشورهاست و در زمینه افزایش صادرات غیرنفتی، عواملی همچون نرخ ارز واقعی، می‌توانند نقش بسزایی ایفا کنند. در این یادداشت کوتاه، اثرات نرخ ارز واقعی بر صادرات غیرنفتی و نقش آن در نجات و تقویت این صادرات بررسی شده است.

تعریف نرخ ارز واقعی

نرخ ارز واقعی، نشان‌دهنده ارزش واقعی یک واحد پول به درآمد یا قدرت خرید آن در یک کشور است. این نرخ توسط عوامل مختلفی از جمله تورم، آهنگ تغییر نرخ ارز و کشورهای رقیب تعیین می‌شود.

اهمیت نرخ ارز واقعی در صادرات غیرنفتی

- **ارتباط عکس‌العمل نرخ ارز واقعی با صادرات غیرنفتی:** نرخ ارز واقعی می‌تواند تأثیر بسزایی در توان رقابتی کشور در بازار بین‌المللی داشته باشد. افزایش نرخ ارز واقعی می‌تواند صادرات را تقویت کند و کشور را قادر به رقابت کند.

- **کاهش وابستگی به صادرات نفت:** صادرات غیرنفتی به عنوان عامل تنوع اقتصادی، به کشورها کمک می‌کند تا وابستگی خود را به صنعت نفت کاهش دهند و در مواجهه با نوسانات قیمت نفت، مقاومت بیشتری داشته باشند.



جعفر ساعی نیا
کارشناسی ارشد توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی
دانشگاه علم و صنعت

پیامدها و عوارض ارز چندنرخه در حوزه صادرات کشور



وجود ارز چند نرخه در یک کشور به وضعیتی اشاره دارد که در آن، برای معاملات ارزی از چندین نرخ رسمی و غیررسمی استفاده می‌شود. این وضعیت معمولاً در کشورهای رخ می‌دهد که با محدودیت‌های ارزی مواجه هستند. در این شرایط دولت یا بانک مرکزی تصمیم بر کنترل شریان پولی گرفته و تلاش می‌کند ارزش ارز ملی را حفظ کند. چند نرخه بودن ارز مشکلاتی به وجود می‌آورد که اثراتش ممکن است تا چندین سال در اقتصاد یک کشور پابرجا بماند. هنگامی که نرخ ارز اصلی تغییر می‌کند، ولی نرخ ثانویه ثابت است، می‌تواند منجر به تشویش در بازار شده و موجب عدم پیش‌بینی‌پذیری و عدم استقرار اقتصادی شود. همچنین چند نرخه بودن ارز، قاچاق راحت‌تر ارزها و تقلب در معاملات ارزی را ممکن می‌سازد. افراد می‌توانند با استفاده از نرخ‌های متفاوت ارز، سود زیادی برده یا همراه با خسارت‌های بزرگی از بازار خارج شوند.

این نوع سیاست پولی معمولاً عوارض منفی بر رشد اقتصادی نیز دارد. نرخ‌های متفاوت ارز ممکن است تورم را افزایش داده و تجارت و سرمایه‌گذاری را مختل کند. علاوه بر آن، چند نرخه بودن ارز می‌تواند منجر به عدم شفافیت در تصمیمات اقتصادی دولت و بانک مرکزی شود که در نهایت باعث کاهش اعتماد عمومی خواهد شد. به طور کلی، نرخ‌های رسمی تعیین شده از سوی دولت برای ارز، نرخ واقعی بازار را مختل می‌کند که این موضوع می‌تواند به نابسامانی در اقتصاد کشور و بازار سیاه منجر شود. همچنین با توجه به اینکه همه افراد و شرکت‌ها قادر به استفاده از نرخ رسمی کشور برای تبادل ارز نیستند، از ارز غیررسمی استفاده می‌کنند و این نقص می‌تواند منجر به ایجاد نابرابری در برخی نقاط اقتصادی شود. داشتن چند نرخ ارز همچنین می‌تواند نشانه‌ای از ناپایداری اقتصادی باشد. کشورهایی که با مشکلات اقتصادی

جدی روبرو هستند، ممکن است با کنترل معاملات ارزی، وضعیت خود را بهبود بخشند، اما در نهایت می‌توان گفت، مشکلات چند نرخ بودن ارز می‌تواند سیستم اقتصادی را نابسامان کرده و موجب عدم پایداری اقتصادی شوند. برای حل این مشکلات، اصلاحات و سیاست‌های موثر در حوزه مالی، پولی و بهبود شفافیت معاملات می‌تواند مفید باشد.

مشکلات چند نرخ بودن ارز در ایران

مشکلات چند نرخ بودن ارز در ایران عوارض و پیامدهای متعددی داشته است. برخی از مشکلات ناشی از این رویه در اقتصاد ایران عبارتند از:

فساد: وجود دو نرخ رسمی و غیر رسمی باعث فرصت‌طلبی و فساد در بازار ارز شده است. اکنون رانت‌خواران قادر هستند با استفاده از نرخ رسمی به صورت غیرقانونی سود کسب کنند.

تورم: چند نرخ بودن ارز باعث تورم و کاهش قابل توجه قدرت خرید و کاهش سطح زندگی مردم شده است. **عقب‌افتادگی و کاهش سطح صادرات:** چند نرخ بودن باعث عقب‌افتادگی و کاهش سطح صادرات کالا و از بین رفتن فرصت‌های صادراتی شده است.

عقب‌افتادگی در حوزه فروش خارجی: چند نرخ بودن باعث عقب‌افتادگی در حوزه فروش خارجی شده است.

اما واقعی شدن ارز در کشور چه منافعی به همراه دارد

واقعی بودن ارز در کشور، به معنای قیمت‌گذاری صحیح برای کالاها و خدمات است. این باعث حفظ تعادل در بازارها می‌شود. در حوزه واردات نیز، واردات محصولات خارجی به قیمت پایین‌تر، باعث ایجاد رقابت بین کالاهای داخلی و خارجی در کشور می‌شود و در نهایت قیمت‌ها را پایین می‌آورد. واقعی بودن ارز، سبب رشد اقتصادی پایدار می‌شود، زیرا به

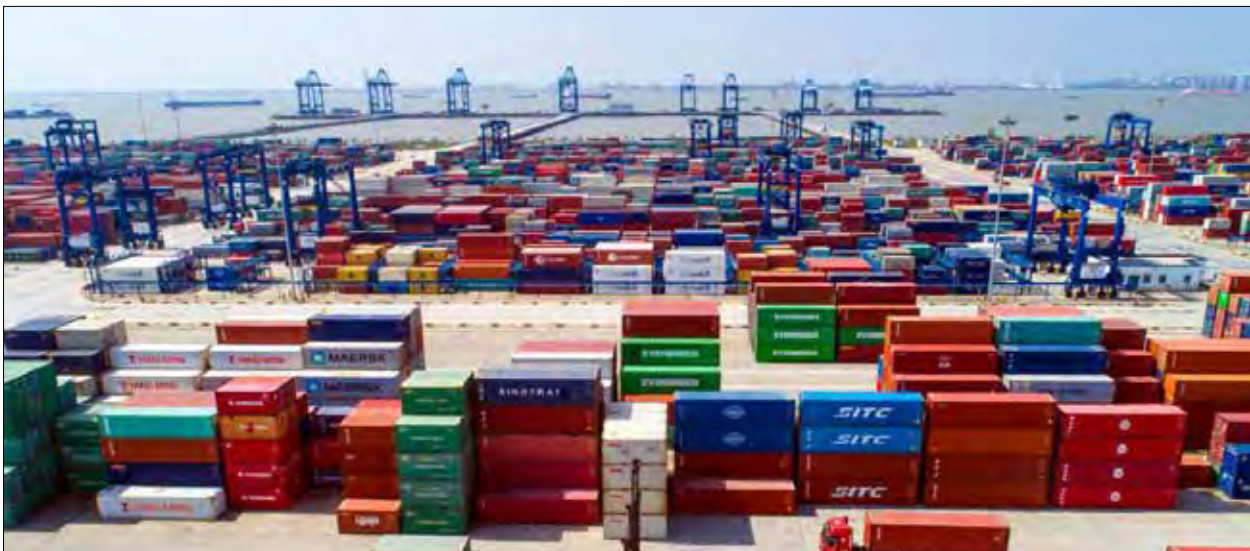
بهبود قابلیت صادرات و واردات، افزایش جذب سرمایه‌گذاران خارجی و ایجاد فرصت‌های جدید برای تجارت و سرمایه‌گذاری منجر می‌شود. همچنین با داشتن ارز واقعی، قدرت خرید مردم حفظ می‌شود و دستمزدها، درآمدها و پس‌اندازهای مردم در شرایط نرمال قرار می‌گیرد. به عبارتی با دستیابی به یک نظام پولی که در آن میزان ریسک پایین باشد، سطح جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی در کشورمان افزایش یافته و در نهایت به رشد پایدار در صنعت کشور کمک خواهد کرد. اما در صورت عدم واقعی بودن ارز، نابسامانی‌های مالی رخ خواهند داد که منجر به بروز نوسانات نامطلوب در بازارهای مالی، کسب‌وکارها و سطح عمومی زندگی خواهد شد.



● ● ●
واقعی بودن ارز، سبب رشد اقتصادی پایدار می‌شود، زیرا به بهبود قابلیت صادرات و واردات، افزایش جذب سرمایه‌گذاران خارجی و ایجاد فرصت‌های جدید برای سرمایه‌گذاری منجر می‌شود.

منافع ارز تک نرخ در حوزه صادرات کشور

ارز تک نرخ در حوزه صادراتی منافع بسیاری برای کشور خواهد داشت که از موارد مهم آن می‌توان به بحث پایداری در اقتصاد اشاره کرد. با استفاده از یک نرخ ثابت، صادرکنندگان مطمئن هستند که قیمت فروش کالاهای خود را در بازار جهانی حفظ خواهند کرد. این پایداری، به صادرکنندگان اطمینان می‌دهد که درآمدهای آینده خود را به خوبی پیش‌بینی و محاسبه کنند. همچنین در صورت وجود نوسانات بزرگ در نرخ ارز، صادرکنندگان ممکن است سود خود را به دلیل تغییرات غیرقابل پیش‌بینی در قیمت‌های وارد شده، از دست بدهند. با استفاده از یک نرخ ثابت، ریسک‌های مالی و تجاری به طرز چشمگیری کاهش می‌یابد. همچنین، با استفاده از چیدمان مناسب سیستم تجاری کشور، قیمت کالاهای صادراتی کشور نسبت به کالاهای همپوشان در بازار جهانی کاسته شده و رقابت قوی در این زمینه ایجاد خواهد شد. استفاده از چیدمان مناسب سیستم تجاری یک کشور و همچنین حضور فعال در بازار جهانی، علاوه بر حفظ وضعیت مناسب در بازارهای قبلی، حضور فعال در بازارهای جدید را نیز رقم خواهد زد.



۱۲ راهکار نجات صادرات غیرنفتی در کشور با نرخ ارز واقعی

جعفر ساعی نیا
کارشناسی ارشد توسعه اقتصادی و برنامه ریزی
دانشگاه علم و صنعت



بخشی در محصولات صادراتی و افزایش تولید محصولات با ارزش افزوده بالا می شود که به کاهش وابستگی به نفت و افزایش درآمد ارزی کمک می کند.

۷ توسعه بازارهای جدید: تنوع بخشیدن به بازارهای صادراتی و گسترش روابط تجاری با کشورهای دیگر می تواند به افزایش صادرات غیرنفتی کمک کند.

۸ افزایش کیفیت محصولات: بهبود کیفیت و استانداردهای محصولات صادراتی می تواند باعث افزایش رضایت مشتریان خارجی شود و در نتیجه صادرات را افزایش دهد.

۹ حمایت از تولیدکنندگان محلی: حمایت از تولیدکنندگان داخلی و ارائه تسهیلات و حمایت های مالی برای بهبود فناوری و فرایندها می تواند به افزایش صادرات غیرنفتی کمک کند.

۱۰ استفاده از توافقات تجاری: استفاده از توافقات تجاری با کشورهای و مناطق دیگر، مانند برجام، NAFTA، CPTPP و ... می تواند به گسترش صادرات غیرنفتی کمک کند.

۱۱ ترویج پرچسب "ساخت در ایران": بالا بردن شناخت عمومی در خصوص کیفیت و قیمت مناسب کالاهای ساخت داخل، به ترویج برند تجاری کالاهای داخلی در سطح جهانی کمک می کند و باعث تقویت خط صادرات کشور می شود.

۱۲ استفاده از تجارب موفق: شرکتها باید از تجارب موفق در صادرات غیر نفتی در دستور کار خود قرار دهند و از آنها برای بهبود عملکردهای خود استفاده کنند.

نرخ ارز واقعی که در بازار تعیین می شود، به عنوان نسبت ارزی که با توجه به نرخ تورم داخلی و نرخ ارز خارجی محاسبه می شود، می تواند برای صادرات کشور ایران منافع بسیاری داشته باشد که در زیر به ۱۲ راهکار مهم برای تقویت آن اشاره می شود:

۱ افزایش تولید و صادرات: نرخ ارز واقعی، باعث افزایش تولید و صادرات کالاهای ایرانی می شود، زیرا باعث کاهش قیمت کالاهای صادراتی در بازار جهانی می شود.

۲ اصلاح ساختار صادرات: دولت می تواند با بستر سازی، بهبود ساختار صادرات را با استفاده از فن آوری های جدید و بهبود فرایندهای تولید و صادرات، افزایش دهد.

۳ نرخ ارز واقعی باعث رقابت پذیری بالاتر: نرخ ارز واقعی مناسب، باعث افزایش رقابت پذیری کالاهای ایران در بازار جهانی می شود و به تولیدکنندگان کمک می کند تا با سایر کشورها رقابت کنند.

۴ نقش نظام تک نرخ در گسترش بازارهای هدف: نظام تک نرخ باعث گسترش بازارهای هدف و جستجو برای بازارهای جدید می شود و به افزایش درآمدهای ارزی کمک می کند.

۵ رونق صنعت داخلی: نرخ ارز مناسب، باعث رونق صنعت داخلی شده و به تولیدکنندگان داخلی در بحث فروش کالایی کمک خواهد کرد.

۶ تنوع بخشی صادرات: نظام تک نرخ، باعث تنوع



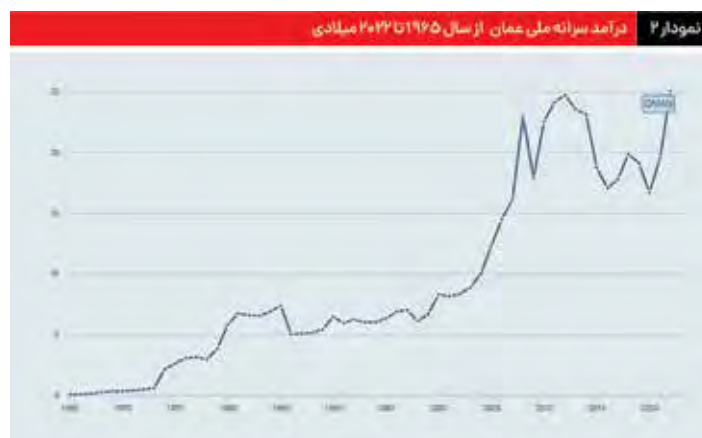
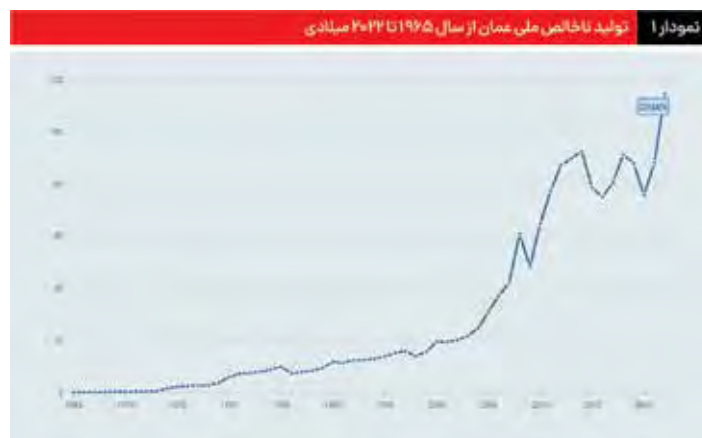
یاشار آقاجانی رفاه

تاثیر رشد صادرات بر اقتصاد کشورهای در حال توسعه صادرات؛ بازیگر اساسی رشد اقتصادی



اقتصادی به تعریف و تبیین ساختارهای اقتصادی کشورهای مختلف همت گماشتند، صادرات یکی از بازیگران اصلی رشد اقتصادی لقب گرفت. آدام اسمیت اقتصاددان معروف اسکاتلندی در قرن ۱۸ جزو اولین کسانی بود که به این موضوع پرداخت. وی معتقد بود تجارت بین‌المللی یکی از ارکان مهم توسعه‌ی اقتصادی است و صادرات کالاها به بازارهای خارجی می‌تواند به افزایش ثروت ملل و افزایش بهره‌وری اقتصادی کمک کند. او تأکید داشت، از طریق تخصص و تجارت، ملت‌ها می‌توانند کالاها و خدماتی را تولید کنند که بهترین کیفیت و قیمت را داشته و این امر به نفع همه است. با گذشت سال‌های متمادی و تولد مکاتب اقتصادی مختلف، صادرات کالا جزو اندک نقاط اشتراک مابین این مکاتب و نظریه است. با این مقدمه، در مقاله‌ی پیش رو به بررسی وضعیت چند کشور با نرخ رشد صادرات چشمگیر در ۵ ساله گذشته و همچنین وضعیت ایران در بین دیگر کشورها خواهیم پرداخت و تاثیر آن را بر درآمد سرانه‌ی ملی ارزیابی خواهیم کرد.

تجارت کالا بین کشورهای جهان، دارای قدمتی به درازای تمدن بشری است. برای اولین بار اجداد مکتب اقتصاد بازار آزاد یعنی مرکانتیلیست‌ها شروع به مطالعه و تقسیم تجارت به دو بخش واردات و صادرات کردند. زمانی که اولین نظریه‌پردازان



اقتصاد دولتی بلوک شرقی یا اقتصاد بازار آزاد و تجارت بین‌المللی؟

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی - ابر قدرت نظامی و هسته‌ای بلوک شرق در سال ۱۹۹۱ میلادی - اکثریت قریب به اتفاق اقتصاددانان، این رویداد بزرگ سیاسی را معلول علت‌ها و ریشه‌های اقتصادی ارزیابی کردند. چنان که موتور محرک اقتصاد دولتی یارای تحمل فشار هزینه‌های آن سیستم عریض و طویل بروکراتیک را نداشت و نهایتاً موجب زمینگیر شدن این اتحادیه شد. یکی از اصلی‌ترین عوامل عدم حرکت به سمت بهره‌وری اقتصادی و افزایش کیفیت محصولات تولیدی،

۲۰۲۲ به میزان ۸۸٫۱۰۷ میلیارد دلار رسیده است. به این ترتیب عمان توانسته است رتبه ۴۵ام جهانی را در بین کشورهای صادرکننده کسب کند. چین، هند، کره جنوبی، عربستان سعودی و ژاپن پنج مقصد اول صادراتی عمان در سال ۲۰۲۲ بوده‌اند. همچنین سوخت‌ها و روغن‌های معدنی، آهن و فولاد، کودها، پلاستیک و مصنوعات آن، مواد شیمیایی آلی بیشترین اقلام صادراتی به کشورهای دیگر را شامل می‌شوند. لازم به ذکر است کشور عمان دارای ۹ قرارداد همکاری کلی با بیش از ۷۰ کشور مختلف جهانی است که بیشتر آنها شامل توافق‌نامه تجارت آزاد می‌باشند.

مصر، رقیب دیرینه منطقه‌ای

کشور مصر یکی از قدیمی‌ترین تمدن‌های جهان و صاحب یکی از مهم‌ترین کانال‌های دریایی دنیا یعنی کانال سوئز همواره از رقیبان سنتی ایران در منطقه به شمار آمده است. دولتمردان مصری همواره تلاش نموده‌اند تا جایگاه خود را به عنوان قدرت سیاسی مستقل در جهان به نمایش بگذارند. حضور در جنبش عدم تعهد به عنوان عضو بنیان‌گذار، ملی‌سازی کانال سوئز و دارا بودن روابط عمیق با هر یک از بلوک‌های شرق و غرب حاکی از این سیاست‌ها بوده است. در نهایت پس از روی کار آمدن انور سادات و حسنی مبارک روسای جمهور سابق مصر سیاست‌های راهبردی این کشور به سمت حفظ

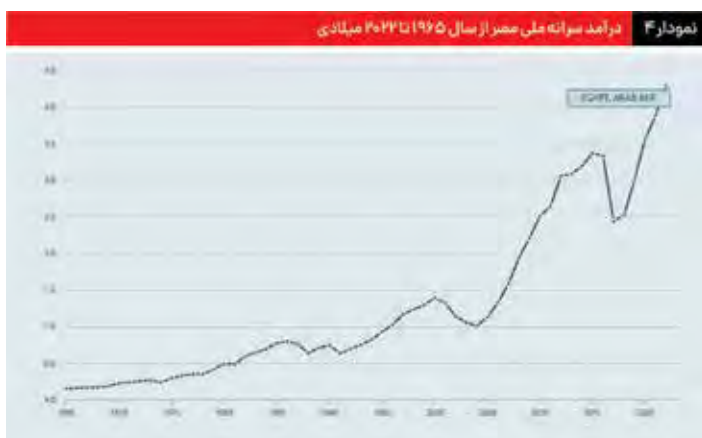
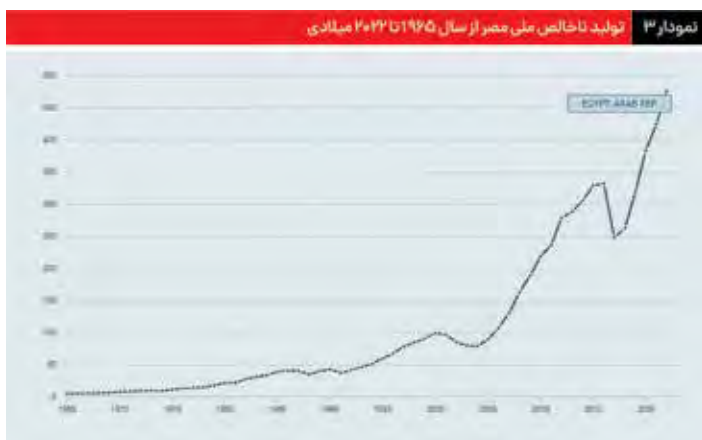
اقتصاد وابسته‌ی دولتی بدون توجه به روابط تجاری بین‌المللی شناخته شد. این موضوع منجر به تغییرات اساسی در کشور دوست و برادر اتحاد جماهیر شوروی یعنی چین کمونیستی شد. دولتمردان چینی با ایجاد تغییرات در ساختار جامعه و اقتصاد، از تکرار رویداد فروپاشی در باره‌ی کشور خود جلوگیری کردند. به نحوی که هم‌اکنون چین نه تنها در رتبه‌ی دوم اقتصاد جهانی جای گرفته است بلکه یکی از بازیگران اصلی در صحنه‌ی رویدادهای جهانی است. توجه چین به دو موضوع جذب سرمایه‌گذاران خارجی و افزایش نرخ صادرات دستیابی به رشد اقتصادی بالا و مستمر را برایش به ارمغان آورد. این مهم در سایه پیروی از قوانین تجارت آزاد با کشورهای مختلف، ایجاد روابط گرم و عمیق با دیگر کشورها و تسهیل شرایط سرمایه‌گذاری و کسب و کار در کشور محقق شد. با بررسی یکی از مهمترین رویدادهای سیاسی اقتصادی جهان یعنی فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و تغییر نگرش راهبردی دولتمردان چینی، درک اهمیت تاثیر صادرات کالا و تجارت بین‌المللی بیش از پیش بر خوانندگان عزیز سهل خواهد شد.

حال در ادامه به بررسی چند مثال از کشورهای در حال توسعه خواهیم پرداخت. کشورهایی که گاه در اثر جنگ به ویرانه‌ای بیش شبیه نبودند اما با گذر زمان و درک اقتضایات سیاسی، اقتصادی و ژئوپولیتیک توانسته‌اند جایگاه قابل قبولی در بین کشورهای با نرخ رشد صادرات بالا برای خود فراهم کنند.

عمان، دوست روزهای سخت ایران

کشور عمان، از دوستان قدیمی ایران در عرصه‌ی سیاست خارجی است. این کشور در دهه‌ی ۷۰ میلادی درگیر جنگ داخلی با شبه نظامیان کمونیست شد. به طوری که پایتخت آن، مسقط در معرض سقوط قرار گرفت. در آن دوران سلطان قابوس حاکم وقت عمان به ناچار از کشورهای منطقه درخواست کمک کرد. ایران جزو کشورهایی بود که به کمک عمان شتافت و از تصرف سواحل جنوبی دریای عمان به دست شورشیان کمونیست جلوگیری کرد. پس از خاتمه‌ی غائله‌ی جنگ داخلی، کشور عمان همواره تلاش کرد تا روابط سیاسی و اقتصادی قوی با کشورهای مختلف دنیا داشته باشد. با مشاهده نمودارهای تولید ناخالص ملی و درآمد سرانه‌ی ملی عمان به راحتی می‌توان به تاثیر افزایش روابط سیاسی و تجاری بر روی رشد اقتصادی این کشور پی برد. عمان با درآمد ناخالص ملی ۶۳/۲۸ میلیون دلار و درآمد سرانه‌ی ملی ۱۰۷ دلار در سال ۱۹۶۵ به درآمد ناخالص ملی ۱۴۴/۶۷ میلیارد دلار و درآمد سرانه ملی ۲۵/۰۵ هزار دلار در سال ۲۰۲۲ دست یافته است که نشانگر رشد چشم‌گیر اقتصادی و افزایش سطح رفاه جامعه در سال‌های گذشته است.

بررسی پایگاه داده مرکز تجارت بین‌المللی (ITC) حاکی از افزایش ۲۰ درصدی میزان صادرات کشور عمان به دیگر کشورها است که ارزش دلاری حجم صادرات کالا در سال



را در میان شرکای تجاری تحکیم بخشد.

ویتنام، ویرانه‌ی دیروز امید اقتصادی امروز

اکثر افراد در دنیای امروز کشور ویتنام را با واژه‌ی جنگ ویتنام به یاد می‌آورند. جنگی سخت و فرسایشی میان کشور آمریکا ابرقدرت بلوک غرب و ویتنام کشوری تازه استقلال یافته از استعمار فرانسه که قصد داشت با نگاه کمونیستی به جهان بنگرد. در انتهای ۲۰ سال پیکار میان دو طرف، آمریکا به دلیل پیامدهای اقتصادی و اجتماعی، مجبور به کناره‌گیری از ادامه‌ی جنگ شد اما در طرف مقابل قطعاً می‌توان گفت ویتنام طرف پیروز داستان نبود چرا که در این مدت تمام زیرساخت‌های کشور از بین رفته بود و همه چیز از ابتدا باید بنا می‌شد. تنها اتفاق مبارک در این بین، عدم تکرار تجربه‌ی تلخ جدایی دو ملت در جنگ کره برای مردم ویتنام بود. اما این پایان کار نبود. حمله‌ی چین به ویتنام موجب شد سایه‌ی جنگ و ویرانی همچنان بر سر این کشور گسترده باشد. نکته‌ی حایز اهمیت این است که پس از پایان تمامی این مناقشات سیاسی با وجود دلایل و بهانه‌های کافی، دولت ویتنام هرگز درهای کشور خود را به روی جهان بخصوص کشورهای متخاصم نیست. ویتنام سعی نمود با استفاده از پتانسیل‌های اقتصادی و اجتماعی خود راهش را از طریق توسعه‌ی روابط تجاری و اقتصادی به سمت رشد و پیشرفت هموار نماید. نتیجه‌ی تمام آن زحمات همینک پیش رو است. ویتنام یکی از اقتصادهای روبه رشد با افقی روشن در جنوب شرق آسیا تلاش می‌کند جایگاه خود را در میان معادلات تجاری کشورهای جنوب شرق آسیا تحکیم بخشد.

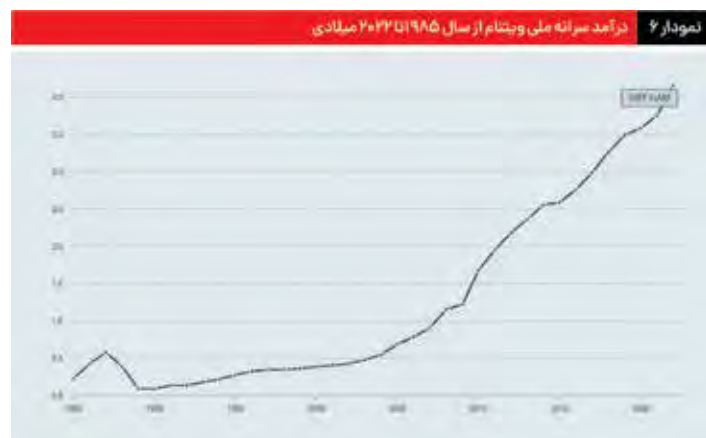
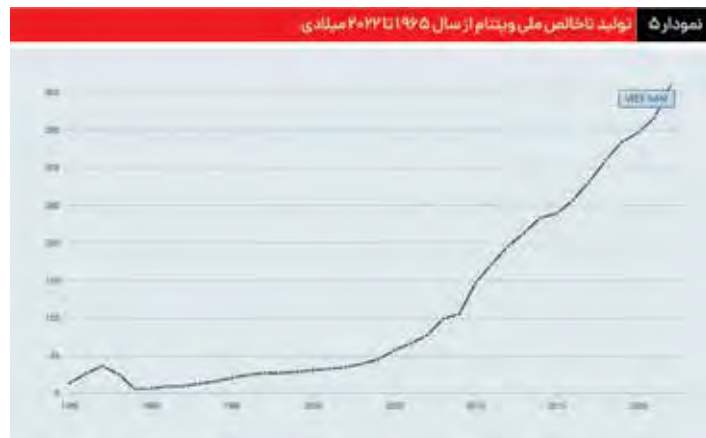
ارزبابی اطلاعات اقتصادی ویتنام در سال‌های متمادی نشانگر رشدی تحسین‌برانگیز طی کمتر از ۴۰ سال است. این کشور در سال ۱۹۸۹ میلادی دارای تولید ناخالص ملی و درآمد سرانه‌ی ملی ۶/۲۹ میلیارد دلار و ۹۶ دلار بود. طی تنها ۳۳ سال توانسته است تولید ناخالص ملی و درآمد سرانه خود را به سطح ۴۰۸/۸ میلیارد دلار و ۴/۱۶۳ هزار دلار در سال ۲۰۲۲ برساند. یقیناً بدون بهره‌گیری از روابط تجاری گسترده و صرفاً تمرکز بر روی اقتصاد دولتی، رسیدن به چنین جایگاهی میسر نبود. از طرف دیگر فراهم‌سازی فضای امن و سالم به ویتنام امکان جذب سرمایه‌گذاران خارجی را داده است. به طوری که یکی از دلایل حصول رشدهای چشمگیر در سال‌های اخیر تحقق همین موضوع است.

در طرف دیگر ماجرا اطلاعات موجود در پایگاه داده مرکز تجارت بین‌الملل نیز بر این موضوع صحنه می‌گذارد. در عرصه‌ی صادرات نیز ویتنام جزو کشورهای با نرخ رشد بالاست. به طوری که در بازه‌ی پنج ساله ۲۰۱۸-۲۰۲۲ میلادی ۱۱ درصد رشد نشان می‌دهد. ارزش کالاهای صادراتی این کشور توانسته است به سطح ۳۷۰/۸۶۴ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۲ برسد. به پشتوانه‌ی این میزان صادرات رتبه ۲۲م در بین کشورهای

امنیت و آرامش منطقه‌ای و همچنین گسترش روابط تجاری با کشورهای مختلف سوق پیدا کرد.

بررسی وضعیت اقتصادی مصر در پایگاه داده بانک جهانی نشانگر رشد فزاینده در هر دو مفهوم تولید ناخالص ملی و درآمد سرانه ملی این کشور است. به این صورت که توانسته است از نرخ تولید ناخالص داخلی ۴/۹۵ میلیارد دلار و درآمد سرانه‌ی ملی ۱۶۰/۵ دلار در سال ۱۹۶۵ میلادی به مقدار ۴۷۶/۷۵ میلیارد دلار برای تولید ناخالص ملی و ۴/۲۹۵ هزار دلار برای درآمد سرانه‌ی ملی دست یابد.

در ادامه داده‌های تجاری این کشور در سایت مرکز تجارت بین‌المللی (ITC) بیانگر رشد ۱۳ درصدی میزان صادرات کالایی مصر در دوره‌ی پنج ساله‌ی ۲۰۱۸-۲۰۲۲ میلادی است که این رقم در انتهای دوره به ارزش ۴۸/۱۴۸ میلیون دلار رسیده است. لذا مصر توانسته است مقام ۶۱ام را در بین کشورهای صادرکننده از آن خود کند. ترکیه، فرانسه، ایتالیا، عربستان سعودی و آمریکا پنج کشور اول مقاصد صادراتی این کشور هستند. همچنین اقلام کالایی سوخت‌ها و روغن‌های معدنی، پلاستیک و مصنوعات آن، ماشین‌آلات و تجهیزات الکتریکی و قطعات آنها، کودها و میوه و آجیل خوراکی بیشترین ارزش صادراتی را به خود اختصاص داده‌اند. مصر نیز توانسته است با عقد بیش از ۲۸ قرارداد دو طرفه و گروهی صادرات خود



و فولاد، پلاستیک و مصنوعات آن و کودها پنج گروه کالایی برتر صادراتی در سال ۲۰۲۲ میلادی بوده‌اند. ایران نیز دارای ۲۰ توافقنامه تجاری با شرکای تجاری خود است که مهمترین آنها معاهده‌ی همکاری تجاری با کشورهای اوراسیا و توافق نامه کنفرانس کشورهای اسلامی است.

در خاتمه، پس از تجزیه و تحلیل عملکرد کشورهای مختلف در عرصه تجارت بین‌المللی می‌توان دریافت کشور عزیزمان ایران همچنان دارای پتانسیل‌های فراوانی در این حوزه است که متاسفانه یا توجهی به آن ننموده و یا امکان بهره‌گیری از آن را نداشته است. افزایش سطح روابط با کشورهای مختلف کمک شایانی به افزایش توانایی ایران در استفاده از ظرفیت‌های بالقوه خود خواهد کرد. مسئله‌ی دیگر قابل توجه در مثال‌های بررسی شده نقش مختصر و مفید دولت‌ها در این معادلات است. چنان‌که مفهومی به نام اقتصاد دولتی به‌ندرت قابل مشاهده است و دولت صرفاً نقش ناظر و تسهیلگر را به عهده دارد. تاکید بر تعمیق روابط سیاسی و ایجاد امنیت منطقه‌ای از یک و حفظ ثبات و آرامش داخلی از سوی دیگر دستیابی به رشد اقتصادی در ابعاد مختلف را برای این کشورها میسر ساخته است. امیدواریم روزی فرا رسد که در آن دولتمردان و سیاستمداران ایرانی نیز به اهمیت این مسائل پی برده و به اجرا و تحقق این اهداف همت گمارند.

صادرکننده به‌ویژه نفت و پتنتام اختصاص یافته است. کشورهای آمریکا، چین، کره جنوبی، ژاپن و هنگ کنگ پنج مقصد برتر صادراتی محصولات ویتنامی بوده‌اند. باید خاطر نشان کرد بیش از ۴۵ درصد صادرات ویتنام به مقصد دو کشور اول لیست یعنی آمریکا و چین صورت می‌پذیرد. حال باید پرسید اگر ویتنام بدون بازسازی روابط سیاسی و اقتصادی خود با دشمنان دیروز به کار خود ادامه می‌داد چگونه می‌توانست قادر به ایفای نقش مهم خود در تامین نیازهای این بازارها باشد؟ چگونه می‌توانست از پتانسیل‌های تجاری این کشورها بهره‌گیری کند؟ ... نکته مهم دیگر در مورد ویتنام تراز تجاری مثبت این کشور در معادلات تجاری بین‌المللی است. تعداد موافقتنامه‌های فی مابین ویتنام و شرکای تجاری‌اش ۲۶ عدد است که شامل تجارت آزاد با بیش از ۳۰ کشور مختلف است.

از هر چه بگذریم سخن دوست خوش‌تر است!

تقریباً می‌توان گفت هر یک از فعالان حوزه‌ی اقتصادی در ایران به مشکلات و چالش‌های اقتصادی داخلی و خارجی واقف هستند. بنابراین صحبت در این باره صرفاً تکرار مکررات خواهد بود. لذا با شناخت نسبی مخاطب از پرداختن به مقدمه می‌پرهیزیم و به سراغ بررسی اطلاعات اصلی می‌رویم.

وضعیت اقتصادی ایران در این سال‌ها همواره دچار فراز و نشیب‌های فراوان بوده است. افزایش و کاهش قیمت جهانی نفت، تحریم‌های اقتصادی، عدم پیوستن به معاهده‌های مالی پالمو و FATF و عدم توجه به توافقنامه‌های تجاری کارآمد با شرکای تجاری از عواملی بودند که پتانسیل تبدیل به فرصت‌های طلایی را داشتند اما همگی به تهدیداتی مهلک بدل شدند. رشد نوسانی و غیر یکنواخت تولید ناخالص ملی و درآمد سرانه‌ی ملی سندی بر این ادعاست. ایران در سال ۱۹۶۰ دارای ۴/۲ میلیارد دلار تولید ناخالص ملی و ۱۹۶/۳ دلار درآمد سرانه‌ی ملی بود. پس از گذشت بیش از ۶۰ سال این دو متغیر اقتصادی به ترتیب به ۳۸۸/۴ میلیارد دلار و ۴/۳۸۷ هزار دلار رسیده‌اند. لازم به ذکر است ارقام اعلامی برگرفته از پایگاه داده بانک جهانی و مبتنی بر آمار رسمی اعلامی از سوی بانک مرکزی ایران است. یکی از دلایل عدم درک رقم درآمد سرانه‌ی ملی در مقایسه با شرایط حاکم بر جامعه، اختلاف فاحش بین نرخ ارز رسمی بانک مرکزی یعنی ۴۲۰۰ تومان و نرخ ارز دلار آمریکا در بازارهای آزاد (بیش از ۵۰،۰۰۰ تومان) است. همچنین وابستگی اقتصاد کشور به قیمت نفت به وضوح در نمودارهای مربوط به این متغیرها قابل مشاهده است.

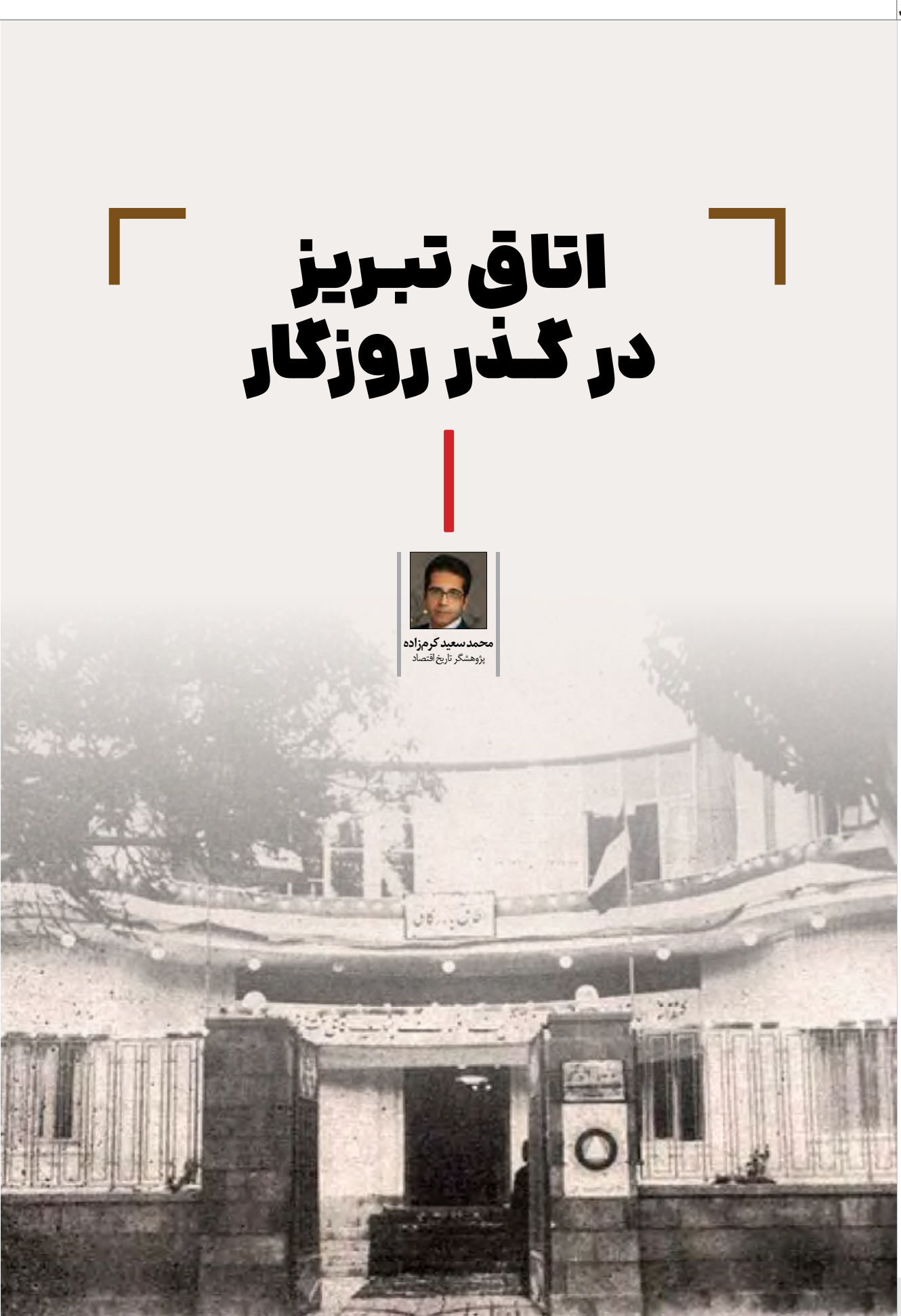
ایران ۴۹ مین کشور صادرکننده جهان در سال ۲۰۲۲ میلادی بوده است. ارزش کل کالاهای صادراتی در این سال مبلغی بالغ بر ۸۰/۹ میلیارد دلار بوده است. بررسی سابقه‌ی پنج ساله صادرات این نشانگر رشد یک درصدی است. چین، کشورهای آسیایی، عراق، امارات و ترکیه برترین مقاصد صادراتی کالاهای ایرانی بوده‌اند. سوخت‌ها و روغن‌های معدنی، آهن



اتاق تبریز در گذر روزگار

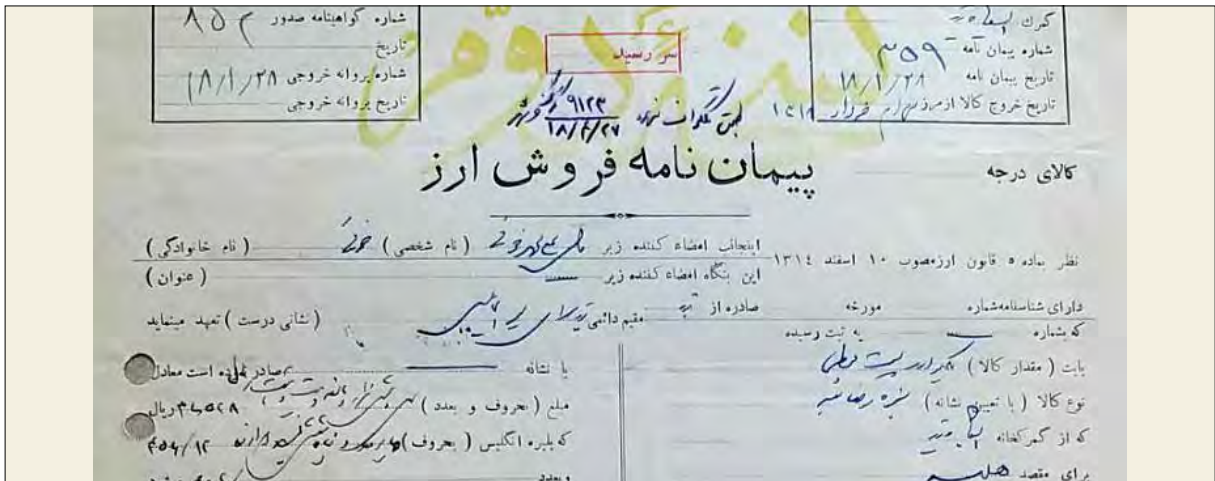


محمد سعید کرمزاده
پژوهشگر تاریخ اقتصاد



اعتراض اتاق بازرگانی تبریز به اخذ تعهدات ارزی از صادرکنندگان

فلاکت و بدبختی حاصل دخالت دولت در تجارت



طولانی دارد. الزام صادرکنندگان به استرداد ارز حاصل از صادرات، هرچند در بسیاری دیگر از کشورها نیز اعمال می‌شود؛ اما شیوه انجام آن در ایران از مسائل مورد بحث همیشگی در میان بازرگانان ایرانی و دولت‌ها در یک‌صد سال گذشته بوده است و همچنان نیز ادامه دارد.

در ایران، نخستین قانونی که در جهت ایجاد محدودیت در معاملات و داد و ستد ارزی تصویب شد، «قانون اجازه تفتیش و نظارت در خرید و فروش اسعار خارجی به‌وسیله کمیسیون نرخ اسعار» بود که در سال ۱۳۰۸ خورشیدی تصویب شد. چند ماه بعد نیز «قانون متمم قانون تفتیش اسعار» تصویب شد. در اولین ماده این قانون کلیه صادرکنندگان مکلف شدند تا نود درصد ارز حاصل از صادرات خود را ظرف مدت ۲۰ روز پس از دریافت، به دولت و یا بانک‌هایی که از طرف دولت مشخص می‌شوند، بفروشند.

این محدودیت ایجاد شده در بازپس دادن ارز صادراتی، به دفعات بسیار تغییر کرد. مهلت فروش ارز به دولت، میزان این ارز دریافت شده و شیوه اجرای آن به فراخور اوضاع اقتصادی کشور و فشارهای بازرگانان درحال تحول و تبدیل بود. شرط واردات در مقابل صادرات و محدودیت‌های اعمال شده بر دریافت ارز برای واردات کالا نیز وجه دیگری از این قانون‌گذاری‌ها بود. هرچند که از ابتدای دهه ۱۳۵۰ و با افزایش چشمگیر درآمد نفتی کشور، تمامی قوانین مربوط به تعهدات ارزی صادرکنندگان لغو شد؛ اما تنها چند ماه پس از پیروزی انقلاب این قوانین به شکلی دیگر برقرار شدند.

بیان صریح و مستقیم اتاق بازرگانی تبریز و پیشنهاد همراه با عتاب و خطاب به وزارت بازرگانی و مجلس شورای ملی در سال ۱۳۲۴ یکی از نمونه‌های تقابل و بحث بخش خصوصی با دولت در زمینه قوانین و مقررات موثر بر تجارت خارجی بازرگانان در تبریز و آذربایجان است.

درست ۷۸ سال پیش و در آبان ماه سال ۱۳۲۴ خورشیدی، نامه‌ای از سوی اتاق بازرگانی تبریز خطاب به وزارت بازرگانی و پیشه و هنر ایران نگاشته شد که در اعتراض به اخذ تعهدات ارزی از صادرکنندگان و شیوه برخورد سلیقه‌ای گمرک آذربایجان، در آن به شدت از سیاست‌های اقتصادی وقت انتقاد شده بود. رونوشتی نیز از این نامه که به امضای میرزا علی اکبر خان صدقیانی رسیده بود، به مجلس شورای ملی ارسال شد تا شاید مورد توجه بیشتری قرار گیرد.

در شرایطی که تنها یک ماه به برقراری حکومت فرقه دموکرات در ایالت آذربایجان مانده بود، این نامه برخلاف روش معمول به‌جای ارسال سریع از طریق تلگراف، با پست به تهران ارسال شد. در توضیح دلیل آن نیز در بالای نامه این عبارت به چشم می‌خورد: «بواسطه نامرتب بودن سیم تهران کتبا معروض شد.» که فضای حاکم بر تبریز را در آن روزها به‌گونه‌ای منعکس می‌کند.

این نامه در واقع با انگیزه پاسخ به اعتراض عده زیادی از بازرگانان صادرکننده قالی آذربایجان منتشر شد که با اظهار شکایت و تظلم به اتاق بازرگانی تبریز، خواستار اجرای صحیح مصوبات دولتی در این زمینه بودند. اتاق تبریز نیز اجرای قانون ارز و اخذ تعهدات ارزی را کاری بی‌هوده و بی‌حاصل خوانده و گفته که جز فلاکت و بدبختی نتیجه دیگری برای کشور نداشته است. همچنین دخالت دولت را در امور بازرگانی تنها موجب خسران دانسته و هیچ فایده‌ای در این اعمال محدودیت‌ها و دخالت‌ها ندیده است.

در ادامه این نامه، اتاق بازرگانی تبریز پیشنهاد می‌کند تا تمام انحصارات دولتی و قوانین ارزی فوراً لغو شود، بازرگانان آزادی عمل کامل داشته باشند و بدون قید و شرط کالاهای صادراتی را خریداری و به کشورهای خارجی ارسال کنند. موضوع اعمال محدودیت‌های ارزی در ایران سابقه‌ای

متن این نامه بدین شرح است:

وزارت بازرگانی و پیشه و هنر

محترما معروض میدارد بامضاء عده کثیری از بازرگانان صادرکننده قالی و غیره نسبت بسختگیری گمرک تبریز در تقویم کالاهای صادراتی مخصوصا قالی و تعیین قیمتهای گزاف و اخذ تعهدات ارزی بمظنهجات رسمی دولت، نامه باین اطاق رسیده و از اینکه تصویبنامه‌های دولتی که در روزنامه شماره ۱۰۴۲ مهر ایران ضمن اخبار داخله طبع و نشر گردیده، بموقع اجرا گذاشته نمیشود اظهار شکایت و تظلم نموده بودند. نامه نامبرده در جلسه اخیر اطاق بازرگانی مطرح، بالاخره باتفاق آراء موافقت گردید که مقامات مربوطه را از سوء جریان امور اقتصادی و مخصوصا قسمت صادرات این استان مطلع نموده باشیم. بعقیده ما اجرای قانون ارز و اخذ تعهدات ارزی و ادامه انحصارات بازرگانی و دخالت دواير دولتی بامورات بازرگانی، تا حال جز فلاکت و بدبختی نتیجه دیگری نداده و در آتیه نیز جزئی فایده‌ای حاصل نخواهد شد. در این مدتیکه انحصارات و تحدیدات ارزی جاری بوده، کشور ایران چه نفعی از آن دیده است؟ جز اختلاسات و استفاده‌های غیرمشروع و حیف و میل‌های بیحد و حصر، نفع خیلی کوچکی هم سراغ نداریم بجامعه و کشور رسیده باشد. در حکم امروز که در مرزهای کشور بازرس و مسئولیتی در بین

نیست، اجرای قانون ارز قدغن نمودن کالاها چه تاثیر خواهد داشت و از طرف دیگر نرخ ارز هرقدر تنزل نموده و کمتر شود در ازدياد صادرات کشور فوق‌العاده تاثیر خواهد کرد. لذا از نظر صلاح اندیشی عرض مینمائیم، تمام انحصارات دولتی و قوانین ارزی بفوریت ملغی گردیده و بازرگانان کاملا آزادی عمل را دارا باشند و بدون قید و شرط کالاهای صادراتی را خریداری و بکشورهای خارجی حمل نمایند. فقط در قسمت واردات و صادرات، ورود کالاهایی که مشابه آنها بقدر کافی در کشور تهیه میشود و هکذا صدور مواد اولی که کالاهای نامبرده از آنها تهیه میگردد، باید بالصراحه قدغن گردد. استدعا داریم مراتب معروضه را سریعا توجه فرموده، موقتا با اجرای تصویبنامه‌های معروضه در فوق، بگمرک تبریز تلگرافی صادر فرمائید. بعدا برای الغای کلیه قوانین ارزی و انحصاری توجه کامل فرموده يك مدتی ولو موقتی و آزمایشی باشد، بازرگانان را از پیچ خم قوانین و گرفتاریهای دواير دولتی خلاص و آسوده فرمائید.

اتاق بازرگانی تبریز - صدقیانی

رونوشت شرح فوق استحضارا بساحت محترم مجلس شورای ملی ارسال و استدعا داریم نسبت بمراتب معروضه در فوق اقدام موثری مبذول فرمایند. رئیس اطاق بازرگانی تبریز - صدقیانی



ویژه‌نامه بیست و هفتمین همایش ملی توسعه صادرات غیرنفتی - آذر ۱۳۹۲
نشریه اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تبریز



معرفی مرکز آنلاین شتاب کسب و کارهای صادراتی

گزارش: الهام سلامی و افشین مهدی زاده

در اقتصاد جهانی امروز، تجارت بین‌المللی نقش اساسی در رشد و توسعه کشورها ایفا می‌کند. برای بسیاری از کشورهای منطقه، صادرات کالا تبدیل به یک عنصر اساسی در استراتژی‌های اقتصادی خرد و کلان تبدیل شده است. در حالی که جهان، تمرکز خود را به سمت فرصت‌های تجارت پایدار و متنوع انتقال داده، نیاز به یک پلتفرم جامع برای حمایت از صادرکنندگان و واردکنندگان در این حوزه بیش از پیش حیاتی است.

در این میان مرکز شتاب آنلاین کسب و کارهای صادراتی تبریز به میدان بازی می‌آید تا در مراحل هدف‌گذاری و برنامه‌ریزی صحیح تجارت، تمامی اعضای اتاق بازرگانی را راهنمایی کرده و سرعت رسیدن به آمار مدنظرشان را افزایش دهد. امروزه نه تنها بحث تجارت مطرح است؛ بلکه تسریع آن نیز الگوی موفقیت را تبیین می‌کند.

این پلتفرم آنلاین جامع به‌عنوان یک مقصد یکپارچه برای تمام ذینفعان درگیر در تجارت طراحی شده و با تعداد زیادی خدمات و منابع از جمله مشاوره، سیستم مدیریت یادگیری (LMS) همراه با جدیدترین متدولوژی‌های تدریس همانند Flipped Learning و بخش‌های متعدد دیگر، تجار را در رسیدن به اهداف صادراتی و وارداتی تقویت کرده و رشد و موفقیت را در این حوزه تسهیل می‌کند.

در این متن، به بررسی ویژگی‌ها و مزایای مختلف مرکز شتاب تجارت آنلاین کسب و کارهای صادراتی تبریز پرداخته و چگونگی تحول در دنیای تجارت را توضیح می‌دهیم.

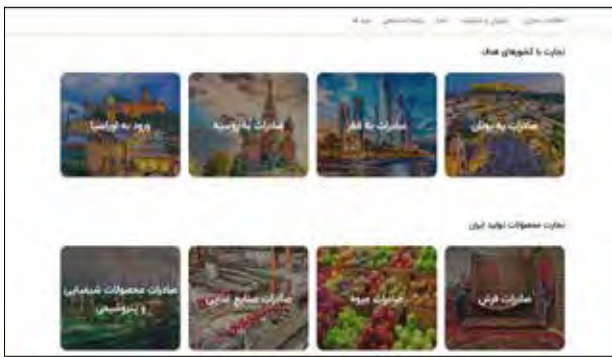
نیاز مبرم به مرکز آنلاین شتاب کسب و کارهای صادراتی در منطقه

صادرات کالا یکی از عوامل مهم رشد اقتصادی برای بسیاری از کشورها است. با این حال نمی‌توان چالش‌های منحصر به فرد این مسیر را انکار کرد. چالش‌هایی متغیر از قبیل تبیین مقررات و لجستیک تجارت بین‌المللی پیچیده تا درک دینامیک بازار و ترجیحات مصرف‌کنندگان در کشورهای خارجی، گاهی مانع تسریع تجارت می‌شود. با توجه به سفرهای کاری زیاد تجار و عدم حضور مداوم آن‌ها در محل فعالیت اصلی و همچنین نبود زمان کافی برای دریافت مشورت یا راهنمایی از قوی‌ترین داوران و مشاوران حقوقی کشور،

منطقه یا حتی عدم دارا بودن فرصت دریافت آموزش کافی و قابل اعتماد، نیاز به کسب راهنمایی تخصصی و منابع مرجع در این زمینه را محسوس تر می‌کند. با مقایسه وضعیت شتاب صادرات ایران با دیگر کشورها، می‌توان به آسانی درک کرد که دیگر نادیده گرفتن عناصر شتاب در تجارت، کسب و کارهای صادراتی را به خطر می‌اندازد.

اطلاعات مرجع کشوری و کالایی

هنگام ورود به سامانه مرکز شتاب تبریز، فرد با انبوهی از اطلاعات، اخبار و مقالات پیرامون شتاب صادراتی بین‌الملل مواجه می‌شود. اطلاعات در رابطه با کشورهای مختلف، ریز



قدرت سیستم مدیریت یادگیری مرکز شتاب تبریز

در جهان تجارت امروز که مدام در حال تغییر است، «دانش» قدرت است. دانش خود یکی از تسهیلگرهای اصلی صادراتی بوده و می‌تواند تجار را در طی کردن سریع‌تر مراحل یاری رساند. سیستم مدیریت یادگیری (LMS) مرکز شتاب تبریز یکی از بنیان‌های تسریع تجارت محسوب می‌شود. این سیستم دارای انبار گسترده‌ای از دوره‌های آنلاین و منابع است که موضوعات مختلفی مرتبط با صادرات را پوشش می‌دهند. صادرکنندگان و واردکنندگان می‌توانند در هر زمان به این مواد دسترسی پیدا کنند، که به آن‌ها امکان می‌دهد دانش و تجربیات خود را افزایش دهند و با آخرین روندهای تجاری در صنعت آشنا بمانند.

در این سامانه، فرد قادر به مشاهده لیست دوره‌های مختلف مرتبط با صادرات بوده و دوره‌های تخصصی در این خصوص همراه با سرفصل‌های متنوع در اختیار وی قرار می‌گیرد. پس از ورود به بخش سرفصل‌های دوره، می‌توان با کلیک روی ریز سرفصل‌ها، زمان برگزاری و استاد دوره را مشاهده و در دوره شرکت کرد. نسبت به نوع دوره کلاس‌های حضوری پس از شرکت در دوره اصلی تعیین شده و سپس آن فرد با شرکت در آزمون مربوطه قادر به دریافت مدرک خود خواهد بود. تمامی آموزش‌های این سامانه بر اساس معیارهای ITC بوده و مطابق با استانداردهای دوره‌های آموزشی تجارت اعضای خود را در مسیر درست فعالیت قرار می‌دهد.

تحقیق، تجزیه و تحلیل بازار

درک بازارهای هدف و دینامیک آن‌ها برای موفقیت در تجارت از ارکان بسیار مهم مرکز شتاب تبریز است. مرکز شتاب کسب‌وکارهای صادراتی تبریز به‌طور مستمر و به‌روز شده تحقیقات و تجزیه و تحلیل بازار را به‌طور دقیق و عمیق فراهم کرده و در اختیار صادرکنندگان و واردکنندگان قرار می‌دهد تا به اخذ تصمیمات سرنوشت‌ساز تجاری یاری رساند. این تحقیقات شامل داده‌های مربوط به ترجیحات مصرف‌کنندگان، روندهای بازار و تمامی ترندهای موجود در مناطق مختلف می‌شود. با دسترسی به این اطلاعات، کسب‌وکارها می‌توانند استراتژی‌های خود را بهبود بخشیده و تصمیم‌گیری‌های



اطلاعات کشوری، ریز اطلاعات صادراتی و وارداتی، مطالب مختلف در مورد آداب و رسوم مذاکره در کشور موردنظر و همچنین دریافت گزارش‌های صادراتی و وارداتی کالا به کالای مختلف است. این اطلاعات به صادرکنندگان و واردکنندگان کمک می‌کند تا کالا و کشور هدف خود را به‌درستی انتخاب کرده و مشاوره صحیح در این راستا دریافت کنند. در این بخش جدیدترین و به‌روزترین اطلاعات لیست کالاهای صادراتی و وارداتی ایران از/به کشور مقصد تهیه‌شده و در اختیار اعضا قرار می‌گیرد. مطالعه اطلاعات متنوع در رابطه با کشور موردنظر پیش از سفر به آن می‌تواند سرعت روند انجام فعالیت‌های صادراتی و وارداتی را افزایش دهد.

نقش مشاوره در مرکز شتاب تبریز

مرکز شتاب آنلاین کسب‌وکارهای صادراتی تبریز اهمیت مشاوره در برابر چالش‌های تجارت را به‌تجاری معرفی می‌کند. با تیمی از متخصصان، مشاوران و داوران تجاری مجرب، این مرکز، خدمات شخصی‌سازی‌شده‌ای را به‌سادگی در اختیار اعضای خود قرار می‌دهد. در این بخش از مرکز تجارت آنلاین، عضو پس از واردکردن نام کاربری و رمز عبور خود قادر به تنظیم وقت مشاوره با مشاور مورد انتخاب در تاریخ و زمان مناسب بوده و اطلاعات پس از انتخاب گزینه‌ها به وی ایمیل می‌شوند. طی جلسه مشاوره که از طریق ویدئو، تماس یا به‌صورت متنی است؛ تمامی سؤالات مطرح در حوزه کسب‌وکار به تاجر موردنظر پاسخ داده‌شده و در تمامی مراحل راهنمایی‌های دقیق در اختیار او قرار می‌گیرد. مسائلی مانند درک سیاست‌های تجاری، دریافت مشاوره داوری، شناسایی بازارهای هدف یا بهینه‌سازی استراتژی‌های صادرات، خدمات مشاوره‌ای این مرکز را در راستای نیازهای منحصر به فرد تجار متمایز کرده است. قابلیت ضبط جلسه مشاوره و مشاهده مجدد آن در آینده، جهت دریافت دوباره اطلاعات پس از گذر زمان، از نقاط قوت این مرکز است. طی نظارت بر روند پاسخگویی به درخواست‌های مشاوره از طرف مدیر مرکز شتاب، این پروسه سؤال و جواب در اسرع وقت و به نحو احسن انجام شده و معضل اتلاف وقت صادرکنندگان را برطرف می‌کند.

مبتنی بر داده را انجام دهند. اطلاعات در خصوص تجزیه و تحلیل بازار نه تنها از طریق پست بلکه از طریق اخبار و مقالات گوناگون تجاری و آکادمیک در اختیار تجار قرار می‌گیرد.

پشتیبانی از امور تجارت و تجارت بین‌المللی

سازمان یافتن امور تجارت بین‌المللی و تهیه اسناد مربوط به صادرات، بخش مهمی از تجارت بین‌المللی است. مرکز شتاب تبریز این پروسه را با ارائه الگوها، راهنمایی و حتی مشاوره جهت تهیه اسناد مورد نیاز صادرکنندگان تسهیل می‌کند. این مرکز اطمینان حاصل می‌کند که صادرکنندگان قادرند به الزامات موردنیاز بدون استرس و پیچیدگی که معمولاً در مرحله تهیه مدارک انجام می‌شود، پاسخ صحیح دهند.

پشتیبانی از تطابق مقررات و مدیریت ریسک

گزینه‌های میانبر پیچیدگی‌های مربوط به مقررات تجارت بین‌الملل می‌تواند بسیار مشکل باشد. مرکز شتاب تبریز پشتیبانی جامع در زمینه تطابق مقررات را ارائه داده و به صادرکنندگان و واردکنندگان کمک می‌کند تا به مقررات مختلف به ترتیب پاسخ صحیح دهند. عملیات بدون مسائل قانونی هزینه‌تر و اطمینان از جریان مرتب گمرکی از اهداف مشاوره‌ای این مرکز محسوب می‌شود.

توسعه استراتژی صادرات

ایجاد یک استراتژی صادرات قوی، کلید موفقیت در تجارت منطقه است. متخصصان ما به تنگناهای پیش‌روی مشتریان نزدیک شده و در توسعه استراتژی‌های صادراتی مطابق با اهداف تجاری صادرکنندگان کمک می‌کنند. برای ورود به بازارهای جدید، تنوع محصولات یا بهینه‌سازی زنجیره تأمین، مرکز شتاب تبریز به ایجاد نقشه‌برداری و برنامه‌ریزی برای رشد پایدار فعالیت‌های صادراتی و وارداتی کمک می‌کند.

فرصت‌های تجاری شبکه‌سازی

ساختن شبکه‌ای از همکاران تجاری قابل اعتماد در حوزه صادرات بسیار حیاتی است. مرکز شتاب کسب‌وکارهای صادراتی، میزبان رویدادهای شبکه‌سازی، وبینارها و نمایشگاه‌های تجاری بوده و فرصت‌هایی برای اتصال صادرکنندگان و واردکنندگان به شرکای تجاری، مشتریان و متخصصان این حوزه ایجاد می‌کند. این رویدادها همکاری را تشویق کرده و درها را برای فرصت‌های تجاری جدید باز می‌کنند.

مدیریت زنجیره تأمین و لجستیک تجارت

مرکز شتاب آنلاین کسب‌وکارهای صادراتی تبریز راهنمایی و بهترین شیوه‌ها برای بهینه‌سازی زنجیره تأمین،

کاهش هزینه‌های حمل‌ونقل و کمینه کردن زمان‌های لجستیک را طی دوره‌های آموزشی و جلسات مشاوره ارائه می‌دهد. این مهارت برای صادرکنندگانی که به بهبود کارایی عملیاتی نیاز دارند، بسیار ارزشمند است.

افزایش رقابت‌پذیری صادرات

با ارائه راهنمایی تخصصی، دانش بازار و استراتژی‌ها، مرکز کسب‌وکار صادراتی رقابت‌پذیری صادرکنندگان در سطح جهانی را افزایش می‌دهد. این امر منجر به افزایش سهم بازار، درآمد بهتر و رشد کسب‌وکارهای منطقه شده و به دنبال آن فرهنگ‌سازی، تغییر استراتژی‌های آموزشی و ارتباطی انجام خواهد گرفت.

دسترسی به بازارهای جدید

از طریق تحقیقات بازار، فرصت‌های تجاری و توسعه استراتژی‌های صادراتی، مرکز شتاب تبریز به کسب‌وکارهای صادراتی کمک می‌کند تا بازارهای جدید را بررسی و وارد فعالیت در این مناطق شوند. این تنوع در مقصدهای صادراتی می‌تواند، ریسک را کاهش داده و دامنه تأثیر کالا را گسترش دهد.

نتیجه‌گیری

مرکز شتاب آنلاین کسب‌وکارهای صادراتی، یک پلتفرم جامع و کارآمد است که به کسب‌وکارهای صادراتی ایرانی کمک می‌کند تا با بهره‌گیری از دانش و تجربیات متخصصان و کارشناسان، مسیر صادرات خود را با موفقیت طی کنند. این مرکز با ارائه خدمات متنوع و کاربردی، از جمله آموزش‌های آنلاین، مشاوره‌های تخصصی، و پشتیبانی فنی، به کسب‌وکارها کمک می‌کند تا از چالش‌های صادرات آگاه شوند و راهکارهای مناسب برای غلبه بر آن‌ها را بیابند.

مرکز شتاب آنلاین کسب‌وکارهای صادراتی، با حمایت اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تبریز، به‌عنوان یک منبع ارزشمند برای کسب‌وکارهای صادراتی محسوب شده و فرصتی بی‌نظیر برای کسب‌وکارها را فراهم می‌آورد تا با بهره‌گیری از دانش و تجربیات متخصصان، دانش و مهارت‌های خود را در زمینه صادرات ارتقا داده و به موفقیت در بازارهای جهانی دست یابند.

در پایان می‌توان گفت که مرکز شتاب آنلاین کسب‌وکارهای صادراتی، یک ابزار ارزشمند برای توسعه صادرات کشور است. این مرکز با ارائه خدمات متنوع و کاربردی، به کسب‌وکارها کمک می‌کند تا از چالش‌های صادرات آگاه شوند و راهکارهای مناسب برای غلبه بر آن‌ها را بیابند.

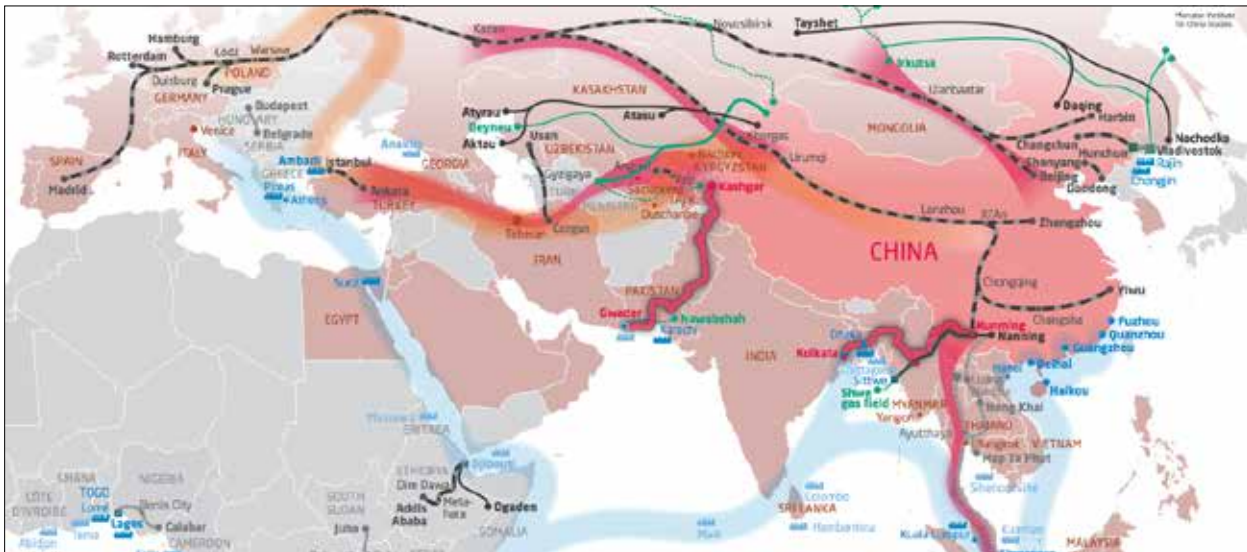
مرکز شتاب آنلاین کسب‌وکارهای صادراتی تبریز در ماه‌های آتی، به‌طور کامل راه‌اندازی خواهد شد.





محمد ابراهیم نوشیروانزاده
کارشناس حمل و نقل و لجستیک

جایگاه ترانزیتی و لجستیکی استان آذربایجان شرقی در سطح ملی و منطقه‌ای



منطقه‌ای خاص در کشورهای همسایه ایران، مقوله ترانزیت و حمل و نقل بین‌الملل را حساس‌تر و در عین حال آسیب‌پذیرتر کرده است. طرح‌های در دست اجرای کشورهای منطقه‌ای بشرح ذیل است:

- احداث جاده ابریشم جدید از چین به روسیه و اروپا با سرمایه‌گذاری‌های کلان در خطوط ریلی و بنادر
 - راه‌اندازی کریدور ترانس-کاسپین و تجهیز بنادر حاشیه شرقی و غربی دریای خزر همچون بندر ترکمان‌باش؛ اکتائو و باکو و احداث خط آهن باکو-تفلیس-کارص ترکیه
 - احداث هاب‌های پرلوسی و کالینگراد بلاروس و روسیه برای تجمع و باز توزیع کالا در قالب کریدورها
 - ایده‌های ترانزیتی ترکیه و آذربایجان برای اتصال ریلی و جاده‌ای آذربایجان به نخجوان و شکل‌دهی به جریان‌های عبوری بار
 - سرمایه‌گذاری ۴۹ درصدی امارات متحده عربی در بندر پوتی گرجستان به‌عنوان مکمل فعالیت‌های گردشگری و لجستیکی دبی به‌نام دبی سیاه
 - احداث بندر گوادر پاکستان توسط چین در کنار دریای عمان با سرمایه‌گذاری بیش از ۵۰ میلیارد دلار
- در این شرایط اگر ما ارزش کالاهای صادراتی و وارداتی را در نظر بگیریم، ارزش کالاهای وارداتی ۳/۵ برابر بیشتر از کالاهای صادراتی است و این امر نشان از خام‌فروشی کالاهای صادراتی است.



جمهوری اسلامی ایران با توجه به قرارگیری در منطقه جنوب غرب آسیا و محل اتصال پنج کریدور بین‌المللی و پنج کریدور منطقه‌ای از جمله نقاط مورد توجه کشورهای تولیدکننده و مصرف‌کننده کالا و شرکت‌های توزیع یا شرکت‌های حمل و نقل بین‌المللی است. ظرفیت بالقوه ایران در عرصه ترانزیت حدود ۵۰ میلیون تن کالا است که اگر برای هر تن فقط در عرصه ترانزیت و لجستیک ۲۰۰ دلار سود در نظر بگیریم، در آمد سالیانه ایران از این محل حدود ۱۰ میلیارد دلار خواهد بود. ولی عدم عنایت مدیران اقتصادی و برنامه‌ریزی کشور به اهمیت لجستیک و حمل و نقل در ایران سبب شده است که شاخص‌های عملکرد لجستیکی کشور از رتبه مناسبی برخوردار نباشد.

این موضوع اصلاً تناسبی با جایگاه ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی ایران در سطح منطقه‌ای و حتی جهانی ندارد. عدم حضور ایران در ترتیبات منطقه‌ای کالا و خدمات و به‌تبع آن، عدم بهره‌مندی ایران از منافع حاصله از این محل سبب شده است که کشورمان قادر به عرضه جایگاه خود در شبکه‌های توانمندسازی تجاری و لجستیکی منطقه‌ای نشده و لحظه به لحظه جایگاه خود را در عرصه‌های لجستیکی در مقابل کشورهای منطقه، در معرض مخاطره قرار دهد. موقعیت ممتاز جمهوری اسلامی ایران در محل اتصال دنیای شرق - غرب و شمال - جنوب و شکل‌گیری ترتیبات

موقعیت استان آذربایجان شرقی

استان آذربایجان شرقی با عنایت به موقعیت ممتاز جغرافیایی و قرارگیری در محل عبور سه کریدور (شمال - جنوب، غرب - شرق و تراسیکا) از پنج کریدور ترانزیتی بین‌المللی در اتصال به اروپا و کشورهای CIS بهترین جایگاه را در عرصه فعالیت‌های ترانزیتی و لجستیکی، خصوصاً راه‌اندازی کریدورهای منطقه‌ای با محوریت تبریز به کشورهای ترکیه، ارمنستان، آذربایجان، گرجستان و روسیه دارد.

این استان قادر است ۱۵ درصد از سهم ترانزیت کشور را به خود اختصاص دهد و در صورت فعال‌سازی کریدور شمال - جنوب و غرب - شرق با محوریت استان این سهم خیلی بیشتر شده و استان محل عبور بیش از ۲۰ میلیون تن بار با ریل و جاده به کشورهای منطقه‌ای خواهد شد. این موضوع با ایجاد تغییرات ژئوپلیتیک منطقه‌ای با صلح آذربایجان - ارمنستان و برنامه‌ریزی برای گشایش خطوط ریلی بیشتر خواهد شد. از طریق جلفا، خط ریلی ایران به قفقاز جنوبی وصل است و گشایش مسیرهای ریلی غرب - شرق از طریق مسیر ریلی نخجوان - ارمنستان و آذربایجان به کریدور ایران - روسیه و ترانس کاسپین و در عین حال کریدور شمال - جنوب از طریق جلفا - نخجوان - ارمنستان به گرجستان و بنادر حاشیه دریای سیاه باعث بروز تحولات عظیم ترانزیتی و اقتصادی در مسیر خصوصاً استان آذربایجان شرقی خواهد شد.

در شرایط حاضر برای بهره‌مندی از تجارت بین‌المللی و منطقه‌ای کشورهای مبدأ و مقصد ترانزیت همانند چین،

این استان قادر است ۱۵ درصد از سهم ترانزیت کشور را به خود اختصاص دهد و در صورت فعال‌سازی کریدور شمال - جنوب و غرب - شرق با محوریت استان این سهم خیلی بیشتر شده و استان محل عبور بیش از ۲۰ میلیون تن بار با ریل و جاده به کشورهای منطقه‌ای خواهد شد.

هند و ...، ایده تبدیل کریدورهای ترانزیتی را به کریدورهای اقتصادی برنامه‌ریزی می‌کنند تا جریانات عبوری کالا و خدمات توأم با پردازش کالا و فعالیت‌های ایجاد ارزش افزوده باشد. شکل‌گیری منطقه آزاد ارس و منطقه ویژه سهلان و فعالیت بیش از هشت هزار بنگاه صنعتی و خدماتی و... در استان آذربایجان شرقی با تمام مزیت‌های قانونی و توانمندی‌های محیطی و انسانی این موضوع را میسر ساخته است که حتی سهم استان در این عرصه بیشتر شود.

طبق مطالعات متخصصان اقتصادی، ایران می‌تواند محل شکل‌گیری ۱۲ پهنه هاب یا پایانه ترکیبی باشد که چهارمین اولویت، هاب استان آذربایجان شرقی است که از ۱۰۵۰ میلیون تن کالای جابجا شده در بین هاب‌ها؛ قادر است ۱۲۰ میلیون تن کالا را از خود عبور دهد و حتی این هاب قادر است محل تمرکز و پردازش کالا و ایجاد ارزش افزوده (بازتوزیع کالا) برای کشورهای منطقه‌ای شده و زمینه شکل‌گیری سه کریدور منطقه‌ای را به موازات کریدورهای غرب - شرق و شمال - جنوب و تراسیکا همانند تبریز - منطقه آزاد ارس - ترابوزان ترکیه و سایر بنادر ترکیه و منطقه آزاد ارس - ارمنستان - گرجستان و روسیه و تبریز - عراق را با محوریت استان آذربایجان شرقی فراهم کند.

این استان با لحاظ و الزام جهت حضور در ترتیبات منطقه‌ای کالا و خدمات، در سه بُعد نگاه ویژه‌ای برای تحقق و اجرایی‌سازی برنامه‌های ترانزیتی و لجستیکی خود بشرح ذیل داشته باشد:





۳- انتخاب استان آذربایجان شرقی به عنوان استان معین برای تعاملات اقتصادی با کشورهای آذربایجان، ارمنستان و گرجستان

نتیجه

قرن حاضر را متخصصان اقتصاد سیاسی؛ قرن جنگ کریدورها نامگذاری کرده اند و بیش از خود انرژی و کالا، مسیرهای جریانات عبوری به عنوان نقطه تلاقی بازیگران منطقه ای شده است. لذا تدوین برنامه های راهبردی توسط چین، آمریکا، روسیه و هند برای حاکمیت بر ساختارها و شاکله های اقتصادی و در عین حال اشراف بر استخوان بندی های مواصلاتی در سطح منطقه ای و بین المللی در سال های اخیر خیلی نمود پیدا کرده است. در این فضای رقابتی سنگین، کشوری برنده خواهد بود که با ایجاد مزیت های نسبی و رقابتی، جایگاه برتر خود را در عرصه برنامه های اقتصادی و ترانزیتی کشورهای فوق خوب ترسیم کرده و نقش خود را به عنوان مهره تأثیرگذار و مهم در پازل زیرساخت های سخت افزاری و نرم افزاری تثبیت کند. به ادعان اقتصاددانان، بزرگترین تحریم ایران در دهه های اخیر، تحریم ترانزیتی ایران بوده است که خوشبختانه در سال های اخیر، همگرایی های اقتصادی منطقه ای و رفع موانع ترانزیتی با کشورهای همسایه و مهمتر از آنها بروز برخی تغییرات منطقه ای همانند جنگ اوکراین و..... سبب ظهور برخی مزیت های جدید در ایران شده است و با تکمیل برخی حلقه های مفقوده در زیرساخت های ریلی از جنوب و جنوب شرق به شمال غرب و شمال شرق کشور، پازل ارتباط منطقه ای تا حدودی تکمیل خواهد شد.

استان آذربایجان شرقی در شمال غرب با مزیت های نسبی و نهادی ممتاز، می تواند در مفصل اتصال کریدورهای ترانزیت و اقتصادی نقش آفرینی کرده و جایگاه دیرینه استان را در تجارت منطقه ای مجددا احیا کند.

ایران می تواند محل شکل گیری ۱۲ پهنه هاب یا پایانه ترکیبی باشد که چهارمین اولویت هاب استان آذربایجان شرقی است که از ۱۵۰ میلیون تن کالا جایجا شده در بین هاب ها؛ قادر است ۱۲۰ میلیون تن کالا را از خود عبور دهد و حتی این هاب قادر است محل تمرکز و پردازش کالا و ایجاد ارزش افزوده (بازتوزیع کالا) برای کشورهای منطقه ای شده و زمینه شکل گیری سه کریدور منطقه ای را فراهم کند.

الف) احداث زیرساخت های ارتباطی و ایجاد خطوط ریلی و جاده های

- ۱- نقش گیری در عرصه اتصال ریلی خود مختاری نخجوان - جمهوری آذربایجان به موازات رودخانه ارس
- ۲- تلاش برای گشایش مسیر ریلی جلفا - نخجوان - ارمنستان - گرجستان و شکل دهی به کریدور شمال - جنوب
- ۳- استانداردسازی جاده مرزی از جلفا به بیله سوار برای تسهیل و تسریع جریانات عبوری بار و مسافر از جمهوری آذربایجان به نخجوان و بالعکس
- ۴- احداث خط آهن جلفا - چشمه ثریا (در خاک ایران)، ترکیه (کارص) به کشورهای CIS و اروپا
- ۵- ایجاد هاب های لجستیکی در پهنه تبریز و منطقه آزاد ارس برای حضور سرمایه گذاران خارجی و داخلی

ب) معرفی و توسعه کریدورهای فعالیتی منطقه ای به موازات کریدور بین المللی با محوریت استان آذربایجان شرقی

- ۱- کریدور تبریز - منطقه آزاد ارس - نخجوان - ترابوزان ترکیه به صورت حمل و نقل ترکیبی ریلی و جاده ای
- ۲- کریدور منطقه آزاد ارس - ارمنستان - گرجستان - روسیه به صورت ریلی و جاده ای
- ۳- رونق دهی به فعالیت خط ترانزیتی جلفا - نوردوز - بیله سوار - جمهوری آذربایجان (کشورهای آذربایجان، گرجستان و ترکیه با اعمال تسهیلات ویژه در خط ترانزیتی آذربایجان - گرجستان - ترکیه، بیش از ۶۰ درصد ترانزیت کالا را از مسیر ایران به آن مسیر انتقال داده اند)

ج) تسهیل امر تجارت و بازرگانی

- ۱- نوسازی ناوگان باری با مزیت منطقه آزاد ارس
- ۲- زمینه سازی جذب شرکت های حقوقی و لجستیکی بین المللی



با اتصال راه آهن جلفا-آغ‌بند رخ می‌دهد؛

تبریز-آذربایجان، مرکز هاب لجستیکی منطقه

مسیر تبریز-جلفا-آغ‌بند، بهترین راهکار عبور مسیر غربی کریدور شمال-جنوب

ساسان نیک‌رفتار خیابانی

مسیر کریدور شمال-جنوب مهم‌ترین حلقه‌ی تجارت بین آسیا و اروپا است. در صورت رونق این مسیر، مسافت ۱۶ هزار کیلومتری حمل بار از طریق کانال سوئز که مسیری طولانی و پرهزینه است، جای خود را به مسیر ۷ هزار کیلومتری می‌دهد و کریدور شمال-جنوب در مقایسه با مسیرهای سنتی از نظر مسافت و زمان تا ۴۰ درصد کوتاه‌تر و از نظر هزینه تا ۳۰ درصد ارزان‌تر است. همچنین مسیر شرقی این راه‌گذر یکی از مسیرهای مهم ترانزیتی در آسیای میانه است و قادر است، چین و آسیای مرکزی را به دریاهای آزاد جنوب خاورمیانه وصل کند. مسیر غربی این کریدور نیز دروازه ورود ایران به اروپاست و می‌تواند کالاهای هند و جنوب‌شرقی آسیا (به عنوان یکی از پرجمعیت‌ترین کانون‌های زیستی جهان) و کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس را به روسیه، اتحادیه اروپا و کشورهای اسکاندیناوی رسانده و متقابل کالاها از مسیر شمالی به مناطق جنوبی منتقل کند.

راه‌اندازی و رونق این کریدور در حوزه‌ی اشتغال و ثروت‌آفرینی تأثیرات بسیار مثبتی برای کشور دارد. حمل هر ۱۰۰ تن بار ۱۰ شغل مستقیم و حدود ۵۰ شغل غیرمستقیم ایجاد می‌کند. این امر موجب کاهش فقر و کاهش مشکلات اجتماعی در کشورهای این مسیر خواهد شد.

کریدور یا راه‌گذر بین‌المللی شمال-جنوب، نام پروژه‌ی بزرگ حمل و نقل است که در پی توافق سه کشور هند، ایران و روسیه در سال ۱۳۷۹ (۲۰۰۰ میلادی)، کلید خورد. کریدور شمال-جنوب به عنوان یک پل ارتباطی مهم بین کشورهای اروپایی، اسکاندیناوی و روسیه با مناطق خلیج فارس، اقیانوس هند و جنوب شرقی آسیا شناخته می‌شود و از مسیرهای راهبردی در نیم‌کره‌ی شرقی جهان است.

ایران در یک موقعیت استراتژیک، ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک قرار گرفته و موقعیت مناسب ریلی و جاده‌ای و دسترسی ایران به سواحل طولانی در خلیج فارس، دریای مکران «عمان» و سواحل دریای «خزر» از گذشته مورد توجه تولیدکنندگان بزرگ اقتصادی جهان بوده است. موقعیت جغرافیایی ویژه ایران و دسترسی راحت به دریا و کشورهای دیگر، این کشور را به یکی از شاهراه‌های تجارت بین‌المللی تبدیل کرده است. ایران از سمت غرب و شمال به قاره اروپا، روسیه و کشورهای حاشیه دریای خزر راه دارد. از جنوب نیز به علت دسترسی به دریای عمان، خلیج فارس، کشورهای حاشیه خلیج فارس و آسیای شرقی از موقعیت خوبی برای تجارت کالا برخوردار است. از کریدورهای بین‌المللی عبوری از ایران می‌توان به کریدور تراسیکا، کریدور شرق به غرب (جاده قدیم ابریشم) کریدور جنوبی آسیا و کریدور آلتید اشاره کرد.

تبریز - جلفا - آغ‌بند به محور کلیدی مسیر غربی کریدور شمال-جنوب تبدیل شود

عدم تکمیل خط آهن رشت - آستارا در شمال ایران حلقه‌ی مفقوده راه‌گذر شمال-جنوب و یکی از علل فعال نشدن این کریدور است. ایران با توجه به کمبود نقدینگی، برای تکمیل خط راه‌آهن مزبور، شروع به جذب سرمایه‌گذاری خارجی برای تکمیل این پروژه کرد. در سال ۲۰۱۷، جمهوری آذربایجان موافقت کرد ۵۰۰ میلیون یورو وام برای این پروژه پول تخصیص دهد که تقریباً نیمی از کل هزینه‌ی مورد نیاز را پوشش می‌داد، اما در سال ۲۰۱۸، پس از خروج ترامپ از برجام و اعمال تحریم‌های جدید علیه تهران، باکو در تصمیمش تجدیدنظر کرد.

در حال حاضر روسیه شدیداً به مسیرهای حمل و نقل جایگزین نیاز دارد، زیرا پس از تهاجم به اوکراین، مسیرهای سنتی غربی قطع شده است. با توجه به تحریم‌هایی که علیه روسیه وضع شده، مسیر حمل و نقل از طریق ایران، امن‌ترین گزینه به نظر می‌رسد. تکمیل این کریدور و بهره‌مندی از آن، در کنار درآمدهای مختلفی که در کشور وجود دارد می‌تواند درآمد خوبی از ترانزیت را نصیب جمهوری اسلامی ایران کند که این موضوع مدنظر تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان است. بنابراین به دلیل موقعیت استراتژیک جغرافیای کشور این فرصت‌ها نباید از دست برود.

متأسفانه با وجود آماده بودن مسیر ریلی تهران-تبریز-جلفا و تهران-تبریز-سلماس-رازی، زیرساخت ارتباط با دو منطقه‌ی قفقاز و کشور ترکیه، به‌عنوان دروازه‌ی ورود به قفقاز و روسیه و اروپا، در سال‌های گذشته مسیر ریلی رشت-آستارا مطرح شده و این مسیر نیز به دلیل مشکلات موجود به سرانجام نرسیده است. به نظر می‌رسد با توجه به حل مناقشه قره‌باغ و بازگشت این سرزمین‌ها به خاک آذربایجان، فرصتی تاریخی برای فعال کردن کریدور شمال-جنوب از مسیر تبریز و آذربایجان فراهم شده است. با توجه به مطرح شدن کریدور زنگنه‌زور، و توافق‌های اخیر صورت گرفته بین ایران و جمهوری آذربایجان، می‌توان از سرمایه‌گذاران خارجی برای راه‌اندازی مسیر ۱۰۰ کیلومتری جلفا-آغ‌بند سود جست تا کریدور شمال-جنوب فعال شود. با راه‌اندازی خط آهن جلفا-آغ‌بند، شاخه‌ی غربی راه‌گذر ریلی شمال-جنوب تکمیل می‌شود.

تبریز و آذربایجان به عنوان هاب لجستیک منطقه

در صورت احداث این قطعه‌ی ریلی (که مسیری کوتاه است) هم‌زمان بازل کریدور شمال-جنوب و کریدور شرق-غرب تکمیل شده و تبریز و آذربایجان به عنوان هاب لجستیک منطقه و در کانون چهارراه کریدورهای شمال-جنوب و شرق-غرب قرار می‌گیرد. با این اتفاق، می‌توان گفت که بندر بمبئی در هند تا هلسینکی فنلاند به طول ۱۳ هزار کیلومتر، با اتصال مستقیم ریلی و با عبور از خاک ایران به یکدیگر متصل خواهند شد. بدین ترتیب حتی مسیر ریلی جلفا-آغ‌بند حتی به راه‌گذر «شرق-غرب» نیز معنا می‌بخشد و قطار کانتینری شانگهای-تهران را می‌توان از مسیر ریلی تهران-تبریز-جلفا-آغ‌بند-تفلیس و یا مسیر ریلی تهران-تبریز-جلفا-نخجوان-قارص یا مسیر ریلی تهران-تبریز-سلماس-رازی-ترکیه یا مسیر جاده‌ای تبریز-بازرگان-ترکیه، راهی اروپا کرد. با ایجاد این مسیر ریلی و جاده‌ای می‌توان شاهد افزایش

تجارت بین‌المللی، منطقه‌ای و ترانزیت کالا و مسافر میان ایران و کشورهای منطقه و حتی فرمانطقه باشیم و کشورهای مثل آذربایجان و روسیه می‌توانند از کوتاه‌ترین مسیر به خلیج فارس و آب‌های آزاد متصل شوند و در هزینه‌های خود نیز صرفه‌جویی کنند. هم‌اکنون از هندوستان و کشورهای اروپایی، میلیون‌ها تن کالا در مدت ۶۰ روز به حوزه‌ی قفقاز ترانزیت می‌شود که با تکمیل راه‌گذر شمال-جنوب این مدت به ۱۰ تا ۱۴ روز کاهش می‌یابد. این کریدور، می‌تواند دیپلماسی سیاسی-اقتصادی ایران در قفقاز را پیش از پیش فعال و نقش‌آفرین کند. تکمیل کریدور شمال-جنوب علاوه بر توسعه‌ی ترانزیت بین‌المللی و استفاده از ظرفیت‌های سرزمینی، یک منبع درآمد پایدار برای ایران است. پیش‌بینی می‌شود با عملیاتی شدن این کریدور، ایران سالانه حدود ۲۰ میلیارد دلار درآمد از این مسیر ترانزیتی کسب کند که می‌تواند تا حدی وابستگی کشور به درآمدهای نفتی را کاهش دهد.

امتیاز بزرگی که می‌توان از این پروژه به دست آورد، برتری ژئوپولیتیک و افزایش قدرت و نفوذ منطقه‌ای ایران است. با راه‌اندازی راه‌گذر و ترانزیت از این مسیر، ایران به کشوری تبدیل خواهد شد که بخش مهمی از جریان ترانزیت جهان را از خود عبور خواهد داد. حفظ و تضمین امنیت تجارت جهانی، منفعتی بسیار مهم‌تر از منفعت مالی راه‌گذر است. در هر حال، زمانی که بتوان قلب تجارت اوراسیا را در دست داشت، خواه ناخواه تولید ثروت شکل خواهد گرفت. بعد از جنگ اوکراین و ناآرامی‌های منطقه شامات و هجوم رژیم اشغالگر قدس به منطقه غزه، اهمیت این راه‌گذر برای ما دوچندان شده است. هر خط ریلی که در ایران ساخته می‌شود، باید به مرز برسد یا به بنادر ختم شود. ریلی که به بن بست برسد، فایده‌ای برای کشور ندارد. نمونه آن را در گسترش خطوط ریلی به کرمانشاه و همدان شاهدیم و باید از ظرفیتهای ریلی منطقه‌ی شمال‌غرب نهایت استفاده را بکنیم و راه‌آهن جلفا را به مسیر ریلی نخجوان و جمهوری آذربایجان وصل کنیم.

مسیر ترانزیتی شمال-جنوب برای انتقال کالا، محوری‌ترین کریدور کشور است که بخش ریلی آن می‌تواند با تکمیل مسیر ۱۰۰ کیلومتری جلفا-آغ‌بند تکمیل شود و دیگر نیازی به تکمیل ۱۶۰ کیلومتر خط آهن از رشت تا آستارا با تمامی مشکلاتش نباشد. با تکمیل این ۴۰ کیلومتر، ریل به‌صورت مستقیم از بندرعباس در جنوب به مرزهای جمهوری آذربایجان متصل می‌شود و با توجه به هزینه‌ی پایین حمل و نقل ریلی و امکان حمل یکسره‌ی کالا از جنوب تا شمال و بالعکس، بخش ریلی کریدور شمال-جنوب اهمیت ویژه‌ای در برنامه‌ی ترانزیتی کشور پیدا می‌کند.

همچنین این کریدور را می‌توان مهم‌ترین حلقه‌ی تجارت بین جنوب، جنوب شرق آسیا و اروپا دانست؛ چرا که امکان حمل انواع کالا را در کم‌ترین زمان و با حداقل هزینه، نسبت به مسیرهای عبوری از سایر کشورها و راه‌گذرها دارد. لذا به نظر می‌رسد با توجه به کوتاه‌تر بودن مسیر ناقص ریلی جلفا-آغ‌بند و وجود زیرساخت‌های مناسب ریلی و جاده‌ای در منطقه‌ی آذربایجان، می‌توان از ظرفیت‌های گمرکی و ترانزیتی تبریز، سهلان و منطقه آزاد ارس استفاده کرد و این منطقه را به هاب لجستیک منطقه و کانون چهارراه کریدورهای شمال-جنوب و شرق-غرب تبدیل کرد.

● ● ●
کریدور شمال-جنوب در مقایسه با مسیرهای سنتی از نظر مسافت و زمان تا ۴۰ درصد کوتاه‌تر و از نظر هزینه تا ۳۰ درصد ارزان‌تر است.



ویژه‌نامه بیست و هفتمین همایش ملی توسعه‌ی صادرات غیرنفتی - آذر ۱۴۰۲
نشریه اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تبریز



کارگو هوایی، پیوند جهانی تجارت

امین قاسم‌زاده
خلبان

هم به شرط تغییر رویکرد عملیاتی، توانستند سود خوبی کسب کنند.

اما تجربه دیگری هم وجود داشت، در میان بازیگران حمل و نقل، حمل و نقل هوایی نقش و جایگاه حیاتی خود را نشان داد. حمل و نقل هوایی نشان داد که می‌تواند کالا را با سرعت و ایمنی بیشتری به دست مشتری برساند و به‌عنوان یک کسب و کار، خود را از بار سنگین زبان دوران کرونا رهایی بخشید. یاتا (انجمن بین‌المللی حمل و نقل هوایی) اعلام کرده بود در سال ۲۰۲۳ صنعت هوانوردی جهان به سودآوری می‌رسد، چرا که شرکت‌های هواپیمایی در سال ۲۰۲۲ همچنان به کاهش ضرر ناشی از همه‌گیری کرونا بر تجارت هوایی ادامه دادند.

این انتظار می‌رفت در سال ۲۰۲۳، شرکت‌های هواپیمایی سود خالصی، به‌میزان ۴.۷ میلیارد دلار (سود خالص ۰.۶ درصد) داشته باشند، در حالیکه میزان سود شرکت‌های هواپیمایی در سال ۲۰۱۹ (پیش از همه‌گیری کرونا) ۲۶.۴ میلیارد دلار (سود خالص ۳.۱ درصد) بود.

اما بعد از کرونا تجارت کالایی و به‌تبع آن سود حاصل از حمل و نقل به طرز شگفت‌انگیزی سرعت گرفت. شرکت‌های هواپیمایی نقش بی‌بدیل خود در حمل و نقل را ایفا کردند و نشان دادند که فارغ از شرایط اقلیمی و جغرافیایی، می‌توانند کالا و مسافر را در مسافت‌های طولانی و در کمترین زمان ممکن به‌صورت ایمن حمل کنند. کشورهای منطقه نه‌تنها پروژه‌های نیمه‌تمام هوانوردی را سرعت بخشیده یا به بهره‌برداری رساندند، بلکه سرمایه‌گذاری‌های جدیدی در حوزه‌های فرودگاهی و زیرساختی آغاز کردند.

سازمان ایمنی ناوبری هوایی اروپا در تاریخ ۲ ژانویه فرودگاه

اهمیت اتصال و تعامل میان کشورها دیگر بر کسی پوشیده نیست. به خوبی می‌دانیم حمل و نقل و لجستیک به عنوان محور اصلی توسعه است؛ از طرفی آمارهای رسمی و اخبار منتشر شده موبد این ادعاست که رقابت بسیار تنگاتنگی بر سر سرعت و امنیت تجارت در جهان وجود دارد. جالبتر آنکه طی دو دهه گذشته این رقابت در بین کشورهای منطقه با آهنگ بسیار بالایی در حال انجام است. کشورهای منطقه به‌خصوص ترکیه و برخی کشورهای عربی، به خوبی مفهوم توسعه را دریافته‌اند و این مفهوم دیگر برایشان یک تئوری نیست، آنها توسعه را باور کرده‌اند، لمس کرده‌اند و به‌خوبی و با چشم‌اندازی بلندمدت در مسیر توسعه گام برداشته‌اند. بر اساس اعلام بانک جهانی در قرن ۲۱ و طی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۱ میلادی کشور قطر بیشترین میزان رشد اقتصادی را به خود اختصاص داده است. سرمایه‌گذاری‌های کلانی که توسط برخی از کشورهای منطقه در حوزه ایجاد کریدورهای حمل و نقل انجام شده است، شاید بخش مهمی از برنامه‌های بلندمدت کشورهای در حال توسعه برای ایجاد پیوند جهانی تجارت است.

تجارت جهانی طی سال‌های ۲۰۱۹-۲۰۲۲ تجربه بسیار متفاوتی به‌نام «کرونا» را ثبت کرد

کرونا با محدودیتی که برای رفت و آمد و ارتباطات جهانی ایجاد کرد، برای بسیاری از کسب و کارها در سطح جهان زانبار بود. اما هم‌زمان برای صنعت حمل و نقل کالا سودده بود. چرا که مردم جهان به‌جای مراجعه حضوری به انبار و فروشگاه‌ها، کالاهای مورد درخواست خود را برای درب منزل سفارش دادند. در این بین، بازیگران حمل و نقل (زمینی، دریایی، هوایی و ریلی)

«استانبول» را پرتددترین فرودگاه این قاره در سال ۲۰۲۲ اعلام کرده بود. هوایمایی باری ترکیه به تبه چهارم جهان صعود کرد. طبق گزارش منتشر شده هوایمایی ترکیش در سال ۲۰۲۲ با جابجایی ۷۱.۸ میلیون مسافر توانست مجموعاً سود خالص ۲.۷ میلیارد دلاری کسب کند که ضریب اشتغال پروازهای آن در مسیرهای داخلی ۸۵.۸٪ و در مسیرهای خارجی ۸۰.۱٪ بود. در بخش کارگو درآمد آن در مقایسه با سال ۲۰۱۹ حدوداً ۱۲۰ درصد افزایش یافت و در سال ۲۰۲۲ میلادی به ۳.۷ میلیارد دلار رسید. یاتا اعلام کرد که کل ترافیک هوایی در سال ۲۰۲۲ به میزان ۶۴ درصد افزایش یافت. طبق اعلام شرکت ترکیش ایرلاینز، قرارداد خرید ۶۰۰ فروند هوایمایی جدید شامل ۴۰۰ فروند هوایمایی باریک‌پیکر و ۲۰۰ فروند هوایمایی پهن‌پیکر می‌باشد و تا سال ۲۰۳۳ تحویل داده خواهند شد. کویت در حال ساخت فرودگاه بین‌المللی معظمی با مشارکت شرکت زوم‌لین است. این فرودگاه در آینده ظرفیت پذیرش ۵۰ میلیون مسافر را خواهد داشت. هند ۵۰۰ ایرباس سفارش داد. در ماه می سال جاری میلادی، عربستان ۲۵۰ فروند ایرباس سفارش داد. گفتنی است، خطوط هوایی امارات از نظر تعداد کشورهایایی که در آن سرویس ارائه می‌دهد، در رتبه پنجم جهانی قرار دارد. در مورد خطوط هوایی قطر، این کشور به عنوان قطب ترافیک هوایی در منطقه شناخته شده است.

استراتژی آغاز شده توسط ولیعهد سعودی هم به دنبال ارتقای کلبه خدمات و وسایل حمل و نقل، تقویت سیستم خدمات لجستیک و موارد حمل و نقل مدرن برای حمایت از روند توسعه جامع در عربستان است. به اعتقاد ولیعهد سعودی این استراتژی به عربستان این امکان را می‌دهد که از موقعیت جغرافیایی خود که میان سه قاره است، برای متنوع‌سازی اقتصاد خود سرمایه‌گذاری کند. در یک کلام، ترکیش و قطر و امارات از موقعیت چهارراه جهان به بهترین شکل درحال استفاده هستند.

آنچه تا کنون مشخص شده است، این است که، بار هوایی می‌تواند، موتور رشد اقتصادی ایرلاین‌ها و فرودگاه‌ها و به‌دنبال آن رشد اقتصادی جوامع محلی (شهرها و استان‌های کشور) و در نگاهی کلان‌تر توسعه اقتصاد ملی شود. لذا لازم است هم شرکت‌های هوایمایی و هم فرودگاه‌ها و هم مقامات استان‌های این کشور پهن‌اور به صورت غیر متمرکز، در این مقطع حساس، هر چه زودتر، همکاری‌ها و مشارکت‌های استراتژیک قوی با یکدیگر داشته باشند تا اکوسیستم باری خود را رهبری و مدیریت کنند و تلاش‌های مشترک را هماهنگ کنند.

اگر زمانی از وجود ظرفیت برای حمل کالای تجاری به صورت هوایی در برخی استان‌های کشور صحبت می‌شد، امروزه به جرأت می‌توان گفت، راه‌اندازی ایرلاین تخصصی کارگو هوایی برای ارائه خدمات به کل کشور یک ضرورت انکارناپذیر است. بر اساس آمارهای موجود، ۹۵٪ از حجم کالاهای صادراتی کشور به صورت زمینی و جاده‌ای حمل می‌شود. این در صورتی است که ناوگان فرسوده حمل و نقل زمینی امکان اتصال تجارت ایران به دوردست‌ها را ندارد و نمی‌تواند به‌تنهایی بار سنگین تجارت کالایی را، سریع و ایمن به دست مشتری برساند.

بعد از دوران کرونا، حجم کالاهای صادراتی روز به روز در حال افزایش است. این در حالی است که به دلیل نبود سیستم حمل و نقل سریع، کشور ایران از حضور موثر در بازارهای بالقوه‌ای مثل آفریقا و روسیه محروم شده است.

آمارهای گمرک نیز موید این ادعاست؛ میزان صادرات در ۱۰ ماهه سال گذشته (۱۴۰۱)، بالغ بر ۱۰۳ میلیون تن و به ارزش ۴۵ میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار بوده است که این میزان صادرات غیر نفتی در مقایسه با مدت مشابه سال ۱۴۰۰، افزایش ۹۳ و ۲ درصدی در وزن و ۱۷ و ۶۶ درصدی در ارزش دلاری داشته است. میزان واردات کشور در این مدت به‌میزان ۳۱ میلیون تن به ارزش ۴۸ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار بوده است که کاهش ۷ و ۶ درصدی در وزن و افزایش ۱۶ و ۸۶ درصدی در ارزش را در مقایسه با مدت مشابه سال قبل نشان می‌دهد. در این مدت متوسط ارزش گمرکی هر تن کالای صادراتی از ۳۸۵ دلار در ۱۰ ماهه سال گذشته به ۴۴۰ دلار در ۱۰ ماهه سال جاری رسیده است، که نشانگر رشد ۱۴ و ۳۱ درصدی است. طبق اعلام سازمان گمرک ایران، متوسط ارزش گمرکی هر تن کالای وارداتی ۱۵۷۱ دلار بوده که نسبت به رقم ۱۲۴۹ دلار در ۱۰ ماهه سال گذشته، ۲۵ و ۷۴ درصد رشد داشته است.

بزرگترین مقاصد صادراتی در این مدت کشورهای چین با ۱۲ میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار، عراق با ۸ میلیارد و ۹۰۰ میلیون دلار، ترکیه با ۶ میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار، امارات متحده عربی با ۴ میلیارد و ۸۰۰ میلیون دلار و هند با یک میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار بوده است.

اقلام اساسی شامل ذرت، برنج، دانه سویا، گندم، روغن آفتابگردان، جو و کنجاله سویا در فهرست عمده کالاهای وارداتی کشور قرار گرفته‌اند و در مجموع از نظر وزنی ۵۷ و ۶ درصد و از نظر ارزشی ۲۱ و ۲۰ درصد از کل واردات کشور را به خود اختصاص داده‌اند.

پنج کشور عمده طرف معامله واردات، کشورهای امارات متحده عربی با ۱۵ میلیارد دلار، چین با ۱۲ میلیارد و ۷۰۰ میلیون دلار، ترکیه با ۵ میلیارد و ۱۰۰ میلیون دلار، هند با ۲ میلیارد و ۴۰۰ میلیون دلار و آلمان با یک میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار بوده است. این پنج کشور در مجموع از نظر وزنی ۶۵ و ۱۹ درصد و از نظر ارزشی ۷۵ و ۶۷ درصد از کل واردات کشور را به خود اختصاص داده‌اند.

ترانزیت خارجی کشور طی ۱۰ ماهه سال جاری نسبت به دوره مشابه سال قبل با رشد ۷ و ۴۳ درصدی بالغ بر ۱۱ میلیون تن بوده است.

مع الوصف، با استناد به آمارهای رسمی موجود و اذعان تولیدکنندگان کالای تجاری در کشور، راه‌اندازی ایرلاین کارگو نفتیها می‌تواند نقش موثری در توسعه صادرات غیرنفتی کشور ایفا کند، بلکه بازارهای جدیدی را برای تولیدکنندگان فراهم خواهد کرد. جای بسی خوشحالی است که آمادگی لازم از لحاظ فنی و مهندسی، عملیاتی و نیروی انسانی موردنیاز برای این امر در کشور وجود دارد. امیدواریم با راهبری اتاق بازرگانی تبریز، ضمن تدوین الگوی مناسب برای تأمین مالی طرح مزبور به‌زودی شاهد راه‌اندازی ایرلاین تخصصی کارگو در کشور باشیم.



گزارش میزهای تجاری استان آذربایجان شرقی

در سال ۱۴۰۲



سپندشهبازی
کارشناس امور بین الملل



در ابتدای سال ۱۴۰۲ توافقی بین معاونت اقتصادی استانداری، اداره کل صنعت، معدن و تجارت استان و اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تبریز مبنی بر استقرار دبیرخانه میزهای تجاری استان در اتاق تبریز حاصل شد. پس از اتخاذ این تصمیم، اتاق تبریز نسبت به اختصاص مکان و تجهیز دبیرخانه مذکور اقدام کرد.

اعضای میز مطرح و پیگیری‌های لازم صورت گرفت و با توجه به اینکه مسائل مطرح شده در جلسه اول میز به نتیجه رسید، لذا جلسه دوم نیز برگزار شد. هم‌اکنون موارد مرتبط با جلسه دوم در حال پیگیری است.

میز تجاری قزاقستان



طبق برنامه، میز قزاقستان به عنوان دومین میز تجاری در اتاق بازرگانی تبریز تشکیل شد. بر اساس اطلاعات دریافتی از گمرک و خود اظهاری اعضای اتاق، تعداد ۴۲ شرکت فعال در زمینه تجارت با قزاقستان شناسایی و جلسه با حضور ۹ شرکت از این شرکت‌ها برگزار شد. مشکلات توسط اعضای میز مطرح و پیگیری‌های لازم صورت گرفت. با توجه به اینکه مسائل مطرح شده در جلسه اول میز به نتیجه رسیده است، لذا جلسه دوم نیز به زودی برگزار خواهد شد.

میز تجاری گرجستان



طبق برنامه، میز گرجستان به عنوان سومین میز تجاری در اتاق بازرگانی تبریز تشکیل شد. بر اساس اطلاعات دریافتی از گمرک و خود اظهاری اعضای اتاق، تعداد ۷۲ شرکت فعال در زمینه تجارت با گرجستان شناسایی و جلسه با حضور ۳۱ شرکت برگزار شد. مشکلات توسط اعضای میز مطرح و پیگیری‌های لازم صورت گرفته که آمادگی برای برگزاری جلسه دوم وجود دارد و در اسرع وقت برگزار خواهد شد.

هدف اصلی این میزها، احصای مشکلات و ارائه پیشنهادات مرتبط در خصوص تجارت با کشور هدف میز است.

مطابق برنامه از پیش تعیین شده، ابتدا کشورهای جمهوری آذربایجان، ارمنستان، گرجستان، ترکیه، عراق، فدراسیون روسیه و قزاقستان، با اولویت کشورهای همسایه و پیرامونی و همچنین حجم تجارت استان، برای تشکیل میزها انتخاب و سپس جلسات میزها برگزار شد.

بر این اساس روند اجرای ذیل برای هر میز به شکل مستقل انجام گرفته است:

- ۱- درخواست کتبی از ناظر کل گمرکات استان در خصوص ارسال لیست فعالان اقتصادی مرتبط با کشور هدف در سال‌های اخیر.
- ۲- اطلاع‌رسانی عمومی از طریق رسانه‌های اتاق تبریز به اعضای اتاق جهت ارائه مدارک و مستندات برای عضویت در میز و حضور در جلسات (صادرات به کشور هدف، واردات از کشور هدف، ثبت شرکت رسمی در کشور هدف، حضور در مناقصات کشور هدف، حمل کالا از/ به کشور هدف برای شرکت‌های حمل و نقل بین‌المللی)
- ۳- جمع‌بندی اطلاعات اخذ شده از بندهای ۱ و ۲، بررسی مدارک، تعیین زمان، دعوت از اعضا و برگزاری جلسه.
- ۴- تهیه صورتجلسه و پیگیری مصوبات جلسات از نهادهای مرتبط.
- ۵- برگزاری جلسه دوم.

تا زمان نگارش این متن، جلسات اول مربوط به میزهای تجاری فدراسیون روسیه، قزاقستان، گرجستان، جمهوری آذربایجان، ارمنستان، عراق و ترکیه تشکیل و جلسه دوم میز فدراسیون روسیه نیز برگزار شده است.

میز تجاری فدراسیون روسیه



طبق برنامه، میز فدراسیون روسیه به عنوان اولین میز تجاری در اتاق بازرگانی تبریز تشکیل شد. بر اساس اطلاعات دریافتی از گمرک و خود اظهاری اعضای اتاق، تعداد ۶۸ شرکت فعال در زمینه تجارت با فدراسیون روسیه شناسایی و جلسه با حضور ۲۵ شرکت برگزار شد. مشکلات توسط

میز تجاری عراق



طبق برنامه، میز عراق به عنوان ششمین میز تجاری در اتاق بازرگانی تبریز تشکیل شد. بر اساس اطلاعات دریافتی از گمرک و خود اظهاری اعضای اتاق، تعداد ۱۳۶ شرکت فعال در زمینه تجارت با عراق شناسایی و جلسه با حضور ۱۹ شرکت برگزار شد. مشکلات توسط اعضای میز مطرح و پیگیری‌های لازم در حال انجام است.

میز تجاری جمهوری آذربایجان



طبق برنامه، میز جمهوری آذربایجان به عنوان چهارمین میز تجاری در اتاق بازرگانی تبریز تشکیل شد. بر اساس اطلاعات دریافتی از گمرک و خود اظهاری اعضای اتاق، تعداد ۱۲۲ شرکت فعال در زمینه تجارت با جمهوری آذربایجان شناسایی و جلسه با حضور ۲۸ شرکت برگزار شد. مشکلات توسط اعضای میز مطرح و پیگیری‌های لازم در حال انجام است.

میز تجاری ترکیه



طبق برنامه، میز ترکیه به عنوان هفتمین میز تجاری در اتاق بازرگانی تبریز تشکیل شد. بر اساس اطلاعات دریافتی از گمرک و خود اظهاری اعضای اتاق، تعداد ۲۶۵ شرکت فعال در زمینه تجارت با ترکیه شناسایی و جلسه با حضور ۲۴ شرکت برگزار شد. مشکلات توسط اعضای میز مطرح و پیگیری‌های لازم در حال انجام است.

میز تجاری ارمنستان



طبق برنامه، میز ارمنستان به عنوان پنجمین میز تجاری در اتاق بازرگانی تبریز تشکیل شد. بر اساس اطلاعات دریافتی از گمرک و خود اظهاری اعضای اتاق، تعداد ۱۲۶ شرکت فعال در زمینه تجارت با ارمنستان شناسایی و جلسه با حضور ۱۹ شرکت برگزار شد. مشکلات توسط اعضای میز مطرح و پیگیری‌های لازم در حال انجام است.



میزهای تجاری اتاق بازرگانی تبریز



تعداد شرکت‌های فعال در هر کشور و تعداد اعضای هر میز

۲۵ شرکت	۶۸ شرکت فعال	فدراسیون روسیه
۹ شرکت	۴۲ شرکت فعال	قزاقستان
۳۱ شرکت	۷۲ شرکت فعال	گرجستان
۲۸ شرکت	۱۲۲ شرکت فعال	جمهوری آذربایجان
۱۹ شرکت	۱۲۶ شرکت فعال	ارمنستان
۱۹ شرکت	۱۳۶ شرکت فعال	عراق
۲۴ شرکت	۲۶۵ شرکت فعال	ترکیه



۲۶ دوره همایش ملی توسعه‌ی صادرات غیرنفتی

ویژه‌نامه بیست و هفتمین همایش ملی توسعه‌ی صادرات غیرنفتی - آذر ۱۴۰۲
نشریه اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تبریز

دومین سمینار صادرات

(اقتصاد بدون نفت)

تبریز - مرداد ماه ۱۳۷۵
استادداری آذربایجان شرقی
اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تبریز

سمینار صادرات

بررسی مشکلات و تدوین نظام صادراتی کشور

تبریز - مرداد ماه ۱۳۷۴

تجربه و تدوین تدوین سمینار
نختر محمد باقر صدیقی

استادداری آذربایجان شرقی
با همکاری اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران

چهارمین همایش توسعه صادرات غیر نفتی کشور

بررسی قوانین و مقررات و آیین نامه های صادراتی

تبریز - ۲۱ و ۲۲ مرداد ۱۳۷۷

مقررات صادرات و واردات
نرخ گذاری
سودآوری
فرهنگ صادرات
اجرای قوانین

استادداری آذربایجان شرقی
اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تبریز
با همکاری دانشگاه تبریز

سومین همایش صادرات کشور

تحلیل سیاست های صادراتی

تبریز - ۲۱ و ۲۲ مرداد ماه ۱۳۷۶

استادداری آذربایجان شرقی
اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تبریز
با همکاری دانشگاه تبریز

سرمایه گذاری، تولید، صادرات

ششمین همایش توسعه صادرات غیر نفتی کشور

The 6th National Conference on Non-Oil Export Promotion & Development

۲۲-۲۳ مرداد ماه ۱۳۸۵

12-13 August 2006 Tabriz - Iran

پنجمین همایش توسعه صادرات غیر نفتی کشور

۲۲-۲۳ مرداد ماه ۱۳۸۴

The 5th National Conference on Non-Oil Export Promotion & Development

۲۲-۲۳ August 2005 Tabriz - Iran

برگزارکنندگان: استانداری آذربایجان شرقی، اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران - تبریز

اتاق بازرگانی، صنایع و معادن تبریز

TABRIZ CHAMBER OF COMMERCE INDUSTRIES AND MINES

هشتمین همایش توسعه صادرات غیر نفتی کشور

برنامه سوم و رقابتی شدن اقتصاد کشور

۲۱-۲۲ مهر ماه ۱۳۸۱

The 8th National Conference on Non-Oil Export Development

12-13 Oct. 2002 IRAN-Tabriz

موضوعات: ۱- بررسی مشکلات و آلودگی تولیدات کشور، ۲- افزایش سهم صادرات کشور، ۳- بررسی توانایی و ظرفیت آسین باغهای صادراتی، ۴- ایجاد بازارهای صادراتی و نقش آن در توسعه صادرات، ۵- سرمایه گذاری - توانایی، ۶- برنامه سوم و رقابتی شدن اقتصاد کشور، ۷- توانایی بازرگانی

هفتمین همایش

توسعه صادرات غیر نفتی

«برنامه سوم و توسعه صادرات»

۲۲-۲۱ مهر ماه ۱۳۸۰

The 7th National Conference on Non-Oil Export Promotion & Development

13-14 October 2001 Tabriz - IRAN

برگزارکنندگان: استانداری آذربایجان شرقی، اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تبریز

ارائه کلیه بازرگانی و صنعت صادرات استان با همکاری دانشگاه تبریز

ویژه نامه بیست و هفتمین همایش ملی توسعه صادرات غیر نفتی - آذر ۱۴۰۲

دهمین همایش ملی توسعه صادرات غیر نفتی
The 10th National Conference on Non-Oil Export Development

موضوعات همایش عبارتند از:

- بررسی مشکلات و پیشنهاد تدوین نظام صادراتی
- توسعه صادرات
- تحلیل سیاست‌های صادراتی
- بررسی قوانین و مقررات و ابزارهای صادراتی
- اصلاح ساختار اقتصادی و نقش آن در توسعه صادرات
- سرمایه‌گذاری، تولید صادراتی
- برنامه‌ریزی و توسعه صادرات
- برنامه‌ریزی و بازاریابی صادراتی
- چالش‌ها و راهکارهای صادرات در بودجه‌های توسعه

۲۲-۲۱ شهریور ۱۳۸۴
تهران - تبریز

نهمین همایش توسعه صادرات غیر نفتی کشور
جایگاه تولید و صادرات در برنامه‌های توسعه

The 9th National Conference on Non-Oil Export Promotion & Development

مجموعه مقالات توسعه صادراتی‌ها

دوازدهمین همایش ملی توسعه صادرات غیر نفتی کشور با محوریت تدوین استراتژی توسعه صادرات

زمان: ۲۱ و ۲۲ مرداد ۸۵

The 12th National Conference on Non - Oil Export Development
12-13 Aug 2006 - TABRIZ - IRAN

موضوعات همایش عبارتند از:

- استراتژی از بین‌دلیل‌سازی
- اناق بازرگانی و صنایع و معادن تبریز
- سازمان بازرگانی استان آذربایجان شرقی
- سازمان صنایع و معادن استان آذربایجان شرقی
- و یا همکاران دانشگاهی تبریز

یازدهمین همایش ملی توسعه صادرات غیر نفتی کشور

The 11th National Conference on Non - Oil Export Development
28 - 29 sep 2005 TABRIZ - IRAN

با محوریت: صادرات در تماشای به برنامه چهارم و چشم انداز بیست ساله

زمان: ۲۸ و ۲۹ مهر ماه ۱۳۸۴

مکان: تبریز - اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تبریز

برای اطلاعات بیشتر: سازمان بازرگانی آذربایجان شرقی، اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تبریز، سازمان صنایع و معادن استان آذربایجان شرقی، و یا همکاران دانشگاهی تبریز

ویژه‌نامه بیست و هفتمین همایش ملی توسعه صادرات غیر نفتی - آذر ۱۳۸۲
نشریه اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تبریز

چهاردهمین همایش ملی توسعه صادرات غیر نفتی کشور
 با محوریت
 تغییر و تحول در ساختارهای اقتصادی و نقش آن در توسعه صادرات غیر نفتی
 زمان: ۲۴ و ۲۵ مهر ۸۷
 The 14th National Conference on Non - Oil Export Development
 15-16 Oct 2008 - TABRIZ - IRAN

برگزار کنندگان:
 • استانداری آذربایجان شرقی
 • اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تبریز
 • سازمان بازرگانی استان آذربایجان شرقی
 • سازمان صنایع و معادن استان آذربایجان شرقی
 و با همکاری دانشکدههای تبریز

پانزدهمین همایش ملی توسعه صادرات غیر نفتی کشور
 The 15th National Conference on Non - Oil Export Development
 زمان: ۱۳ و ۱۴ آبان ماه ۱۳۸۸
 مکان: اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تبریز
 ایران - تبریز
 4 - 5 November 2009 - Tabriz - Iran

شانزدهمین همایش ملی توسعه صادرات غیر نفتی کشور
 زمان: ۲۲ و ۲۳ مهر ماه ۱۳۸۹ - تبریز
 هدیه فصل کردن بارانها و فصل کردن بارانها
 16th National Conference on Non-oil Export Development
 زمان: ۲۲ و ۲۳ مهر ماه ۱۳۸۹ - تبریز

هفدهمین همایش ملی توسعه صادرات غیر نفتی کشور
 زمان: ۱۳ و ۱۴ آبان ماه ۱۳۸۸
 مکان: اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تبریز
 ایران - تبریز
 4 - 5 November 2009 - Tabriz - Iran

ویژه نامه بیست و هفتمین همایش ملی توسعه صادرات غیر نفتی - آذر ۱۴۰۲
 نشریه اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تبریز

هجدهمین همایش ملی
توسعه صادرات غیر نفتی کشور
تبریز - ۱۹ و ۲۰ مهرماه ۱۳۹۱




دولت با مردمی
حملات از مردمی
کار و بار مردمی
توسعه صادرات غیر نفتی

The 18th National Conference on
NON-OIL EXPORT
Development Tabriz-IRAN
10-11 Oct. 2012

برگزارکنندگان:
استادفای آذربایجان شرقی
اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تبریز
سازمان صنعت، معدن و تجارت استان آذربایجان شرقی
منطقه آزاد صنعتی - تجاری ارس
با همکاری دانشگاه های تبریز



غلبه بر همایش ملی
توسعه صادرات غیر نفتی کشور
با محوریت:
جهت اقتصادی و تاثیر آن در صادرات غیر نفتی

زمان و مکان
۱۱-۱۲ آبان ماه ۱۳۹۰
تبریز
2-3 November 2011

برگزارکنندگان
استادفای آذربایجان شرقی
اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تبریز
سازمان بازرگانی استان آذربایجان شرقی
و همکاری دانشگاه های تبریز

The 17th National Conference on
Non-oil Export
Development Tabriz-IRAN

بیستین همایش ملی توسعه صادرات غیر نفتی کشور
تبریز ۲۱ و ۲۲ آبان ماه ۱۳۹۳




با محوریت:
عملیاتی کردن اقتصاد مقاومتی
در سال اقتصاد و فرهنگ در جهت توسعه صادرات غیر نفتی

The 20th National Conference on
NON-OIL EXPORT
Development Tabriz-IRAN
12-13 November 2014

برگزارکنندگان:
• استادفای آذربایجان شرقی
• اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تبریز
• سازمان صنعت، معدن و تجارت استان آذربایجان شرقی
• با همکاری دانشگاه های تبریز

نوزدهمین همایش ملی
توسعه صادرات غیر نفتی کشور
تبریز - ۱۰ و ۱۱ مهرماه ۱۳۹۲



با محوریت:
"حماسه اقتصادی"

The 19th National Conference on
NON-OIL EXPORT
Development Tabriz-IRAN
2-3 October 2013



برگزارکنندگان:
استادفای آذربایجان شرقی
اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تبریز
سازمان صنعت، معدن و تجارت استان آذربایجان شرقی
منطقه آزاد صنعتی-تجاری ارس
با همکاری دانشگاه های تبریز

میت و دین همایش ملی توسعه صادرات غیر نفتی کشور

با محوریت:
حمایت از تولید صادراتی،
بنیان اصلی اقتصاد مقاومتی

تیزر ۱۱ دی ماه ۱۳۹۵

The 22nd National Conference on NON-OIL EXPORT
Development Tabriz- IRAN
31 December 2016

میت یکمین همایش ملی توسعه صادرات غیر نفتی

با محوریت توسعه اقتصادی بعد از تحریم

21st National Conference of Iran's Non-oil Exports Development
Focused on Post Sanctions National Economy Development

تاریخ: ۱۴ آذر ۱۳۹۴
مکان: ایران تیر سال تبریز

میت و چهارمین همایش ملی توسعه صادرات غیر نفتی کشور

تیزر یکم آذر ماه ۱۳۹۷

با محوریت:
نقش دیپلماسی اقتصادی در:
• حمایت از کسب‌وکارهای ایرانی
• حضور در بازارهای جهانی
• توسعه صادرات غیر نفتی

The 24th National Conference on NON-OIL EXPORT
Development Tabriz- IRAN
November 22, 2018

بیست و سومین همایش ملی توسعه صادرات غیر نفتی کشور

با محوریت:
توانمند سازی بنگاه های اقتصادی
صادرات محور و رفع موانع و
چالش های اقتصادی کشور

تیزر ۲۳ آذر ماه ۱۳۹۶

The 23rd National Conference on NON-OIL EXPORT
Development Tabriz- IRAN
14 December 2017

اتحادیه اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تبریز

بیست و ششمین
همایش ملی
توسعه صادرات غیر نفتی

نقشه راه صادرات غیر نفتی
توسط بخش خصوصی
باربع قرن تجربه

۲۶
آبان
۱۴۰۱

مکان: تبریز - آمفی تئاتر پتروشیمی تبریز

سازمان بازرگانی و صنایع و معادن و کشاورزی ایران
اتحادیه اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تبریز
اتحادیه اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی آذربایجان
اتحادیه اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی خراسان
اتحادیه اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی مازندران
اتحادیه اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی گیلان

اتحادیه اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تبریز

بیست و پنجمین
همایش ملی توسعه
صادرات غیر نفتی کشور

با محوریت:

راهکارهای بهبود فضای کسب و کار برای
رونق تولید و توسعه صادرات
حضور در بازارهای جهانی

۲۹ تیر ۱۳۹۸

The 25th
National Conference on
NON-OIL
EXPORT
Development Tabriz- IRAN
November 20, 2019

سازمان بازرگانی و صنایع و معادن و کشاورزی ایران
اتحادیه اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تبریز
اتحادیه اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی آذربایجان
اتحادیه اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی خراسان
اتحادیه اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی مازندران
اتحادیه اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی گیلان





دکتر محمدباقر صدری که بود؟

شد و در آن دوران با درخواست مرحوم تقی توکلی؛ صنعتگر بزرگ آذربایجان و بنیانگذار منطقه صنعتی غرب تبریز، به‌عنوان مدیر بازرگانی گروه ماشین‌سازی تبریز مشغول فعالیت شد و به‌دلیل شایستگی‌هایی که داشت مدتی بعد به سمت مدیرکل بازرگانی آذربایجان شرقی منصوب شد.

موفقیت‌های بی‌در پی او باعث شد سرانجام در ۳۳ سالگی به عنوان جوان‌ترین شهردار کهن‌شهر تبریز انتخاب شود. او با وسعت دید به انجام پروژه‌های مختلف زیرساختی در تبریز روی آورد که هنوز هم منشا اثر خیر هستند.

دکتر محمدباقر صدری پس از شهرداری تبریز به تدریس و نقد سیاست‌های اقتصادی دولت با انتشار مقالات متعدد در روزنامه‌های مهم کشور نظیر اطلاعات و جمهوری اسلامی روی آورد که در ترمیم سیاست‌های اقتصادی دولت در آن زمان موثر بودند. او بابت انتشار مقالات متعدد اقتصادی، تندیس بهترین روزنامه‌نگار را دریافت کرد.

او به اقتصاد بدون نفت اعتقاد داشت و با آرزوی اقتصاد بدون نفت سلسله همایش‌های توسعه صادرات غیر نفتی کشور با همکاری نزدیک استاندار وقت، علی‌ابوالفضل زاده و اتاق بازرگانی، صنایع و معادن تبریز را بنیان نهاد و حدود ۲۰ سال دبیری علمی سلسله همایش‌های توسعه صادرات غیر نفتی ایران در تبریز را بر عهده داشت. قطعنامه‌های صادر شده در این همایش، سالیان گذشته راهگشای توسعه صادرات غیر نفتی کشور شد و به‌عنوان قانون نمود پیدا کرد.

مرحوم محمدباقر صدری متأسفانه پس از طی دوره‌های طولانی بیماری در هشتم آبان سال جاری جان به‌جان آفرین تسلیم کرد.

پیکر آن مرحوم علی‌رغم درخواست‌هایی برای خاکسپاری در تبریز، با تصمیم خانواده در بهشت زهرا تهران به خاک سپرده شد. روحش شاد و راهش پرهرو باد...

دکتر محمدباقر صدری، اندیشمند و نگارنده برجسته اقتصادی ایران به سال ۱۳۲۳ در شهر مهربان شهرستان سراب آذربایجان شرقی به دنیا آمد و پس از طی تحصیلات ابتدایی و متوسطه در دبیرستان فردوسی تبریز، عازم اتریش شد.

وی در ادامه تحصیلات آکادمیک خود در علم اقتصاد وارد دانشگاه گراتز اتریش شد و دوره دکتری را با موفقیت سپری کرد. دکتر صدری در این دانشگاه همکار پروفسور تین برگن برنده نوبل اقتصاد بود.

این دانشمند اقتصادی آذربایجان پس از بازگشت به ایران، نویسندگی در روزنامه اطلاعات را از سر گرفت و سپس با دغدغه قطع وابستگی اقتصاد کشور به نفت، همایش‌های سالانه توسعه صادرات غیرنفتی ایران را در اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تبریز بنیان نهاد. او سال‌ها به‌عنوان دبیر همایش‌های ملی توسعه صادرات غیر نفتی تبریز تلاش کرد و نقش پررنگی در توسعه صادرات و کمک به دولت‌های مختلف برای رفع موانع تولید داشت. دکتر محمدباقر صدری اولین شهردار کلانشهر تبریز پس از انقلاب اسلامی بود و مدیرکل بازرگانی آذربایجان شرقی، عضو هیات نمایندگان اتاق بازرگانی و صنایع تبریز، عضویت در هیات مدیره سازمان توسعه تجارت و... از دیگر سوابق اثربخش دکتر محمدباقر صدری بود.

مرحوم محمد باقر صدری در دو رشته پزشکی و اقتصاد تحصیلات خود را در وین آغاز کرد، اما پس از یکسال حضور در وین به دلیل محبوبیت دانشگاه گراتز در اتریش به دانشگاه آلبرت انیشتین، یعنی دانشگاه پر افتخار گراتز منتقل و در هر دو رشته ادامه تحصیل داد و پس از کسب دکتری در رشته اقتصاد سیاسی به ایران بازگشت تا پدر بیمار خود را عیادت کند، اما به‌دلیل سخت شدن بیماری پدر مرحومش، تحقیق در مورد بیماری‌های عفونی در تبریز را به پایان نرساند و برای دریافت مدرک پزشکی به اتریش بازگشت. وی پس از آن در مدرسه عالی بازرگانی تبریز به تدریس مشغول



قطره‌ای از اندیشه‌های بلند دکتر محمد باقر صدوری برای اعتلای وطن تبریز را داووس ایران خواهیم کرد

سید ضیاء رضوی

اساتید برجسته دانشگاه علامه و تبریز و سپس با توجه به برنامه اول و دوم توسعه که سیاست‌های کلان «تدوین نظام صادراتی کشور» با انتخاب و استقبال گسترده کارشناسان و میهمانان علمی با صدور قطعنامه‌ای در ۲۱ ماده برگزار شد. وقتی قطعنامه اولین همایش به نهادهای مسئول ارائه شد، اندیشه برای برگزاری دومین دوره آن مطرح شد، لذا همایش دوم در سال ۱۳۷۵ با محوریت «اقتصاد بدون نفت» باشکوه‌تر از همایش اول و با مشارکت اساتید دانشگاه‌های کشور به‌ویژه اصفهان، شیراز و تبریز و با حضور ریاست محترم وقت مجلس شورای اسلامی (جناب حجت‌الاسلام والمسلمین ناطق نوری) به‌عنوان سخنران افتتاحیه برگزار شد.

در آن همایش اتاق تبریز به‌عنوان دبیرخانه دائمی این همایش انتخاب شد و مواردی چون تعیین روز ملی صادرات، پرداخت جوایز صادرات، افزایش سرمایه صندوق ضمانت صادرات، اولویت تسهیلات به تولیدات صادرات محور و... به تصویب رسید و نهایتاً از سال ۱۳۷۶ قدرت عملیاتی یافت. یکی از اهداف اولیه ما برای پذیرش مسئولیت همایش ملی توسعه صادرات غیر نفتی این بود که تبریز به‌عنوان قطب مهم تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و صنعتی و به عبارت دیگر ایجاد «داووسی» ایرانی در مهد انقلاب اسلامی تبدیل شود.»

«یکی از اهداف برای برگزاری همایش ملی صادرات غیر نفتی در تبریز ایجاد «داووسی» ایرانی در مهد انقلاب اسلامی بود.»

این کلام را مرحوم دکتر محمد باقر صدوری سال‌ها پیش در خصوص چرایی برگزاری همایش‌های ملی صادرات غیرنفتی گفته بود: «بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و تاسیس کشورهای مستقل به پیشنهاد و دعوت تنی چند از نمایندگان مجلس و کارشناسان که خواستار تحول در فرآیند توسعه کشور و به ویژه استان آذربایجان شرقی بودند، با نگاهی به تجارب کشورهای همچون مالزی، سنگاپور، تایوان در آسیای جنوب شرقی و کشورهای چون برزیل و آرژانتین در آمریکای لاتین، برای رهایی از اقتصاد تک‌محصولی، صادرات غیر نفتی را به‌عنوان محور پیشرفت و توسعه کشور معرفی کرده و به همراه همکاران خود در اتاق بازرگانی تبریز و استانداری آذربایجان شرقی، برگزاری همایش ملی صادرات غیرنفتی را به مسئولان کشوری پیشنهاد کرده و برای اجرای آن، اقدامات لازم را انجام دادیم.»

در ادامه دیدگاه‌های آن مرحوم را به‌عنوان بنیانگذار همایش ملی صادرات غیر نفتی از زبان خودش مطرح می‌شود: «اولین همایش صادرات غیر نفتی در مرداد ماه ۱۳۷۴ برگزار شد و با توجه به این که فرصت برای اعلام فراخوان نبود، برای انتخاب محور همایش با کارشناسان و



به بهانه‌ی درگذشت دیپلمات اقتصادی آذربایجان محصولات کیفی، صادرات و مالیات سکوی توسعه ایران

محمد فرح پور باسنجی

به نیکی می‌ماند. او که از علاقه‌مندان مکتب اقتصادی اتریش، از دانشگاه گراتس در رشته‌ی اقتصاد دکترا گرفته بود، تحت تأثیر شعار جهانی این دانشگاه که در سال ۱۸۱۱ م تاسیس شده قرار داشت. شعار این دانشگاه دانش، فن‌آوری، اشتیاق است. دکتر صدیقی نیز تحت تأثیر همین شعارهای دانشگاه معتبر اروپایی بود. مکتب اقتصادی اتریش یکی از مهمترین مکاتب اقتصادی در جهان است که نظرات و ایده‌ها و دیدگاه‌های اقتصاددانان آن در دانشگاه‌های اقتصاد و بازرگانی اکثر کشورها تدریس می‌شود. نظرات مهمی چون کارآفرینی و نوآوری از اتریش سر زده است. زایش مکتب اقتصادی اتریش، ۱۵۱ سال پیش با انتشار کتابی با عنوان اصول علم اقتصاد از سوی کارل منگر آغاز شد. این مکتب به ارائه‌ی نظرات جدید و ابتکاری در محورهای سرمایه، بهره، پول و اعتبار مشهور است. بعدها با شکل‌گیری مکتب ویرجینیا به اوج خود رسید. جوایز نوبل زیادی بدلیل ارائه نظرات ابتکاری و علمی نصیب دانشمندان اتریشی شده است. خلاصه‌ی مکتب اقتصادی اتریش به قول شاهین کارخانه، پژوهشگر تاریخ اقتصادی این است که یکی از مهم‌ترین آموزه‌های مکتب اتریش، لزوم محدودیت مداخله‌ی دولت در اقتصاد است. اقتصاددانان مکتب اتریشی استدلال می‌کنند که چون سیاستگذاران توانایی پیش‌بینی

دکتر محمد باقر صدیقی ۱۳۲۳ - ۱۴۰۲ ه.ش از پیشگامان توسعه‌ی اقتصادی آذربایجان در سن ۷۹ سالگی دار فانی را وداع گفت و روی در نقاب خاک کشید و دستارانش را در غم و ماتم فرو برد. از او به‌عنوان دیپلمات اقتصادی آذربایجان نام برده می‌شود که هزاران بار بین تهران و تبریز در سفر بود و علاوه بر توسعه‌ی علمی اقتصاد ایران، نگاهی جدید به پیشرفت دیار خود آذربایجان نیز داشت و همکاری‌های نزدیک او با وزرای آذربایجانی در کابینه‌ی دولت‌های گذشته و همچنین با مهندس عبدالعلی‌زاده، دکتر سبحان الهی، مرحوم دکتر جبارزاده و تعدادی دیگر از نمایندگان و استانداران سخت‌کوش برای طرح مسائل توسعه آذربایجان و اخذ اعتبارات ملی، ورد کارشناسان استانداری و اتاق تجار تبریز است. نویسنده‌ی این یادداشت نیز بخشی از این تلاش‌ها را در هفته‌نامه حیدرآباد در دهه‌ی هشتاد آورده است. صدیقی به‌عنوان یک اقتصاددان معاصر که در وهله‌ی اول، منادی توسعه و پیشرفت ایران بزرگ بود با طرح دیدگاه‌های علمی و آموخته‌های خود در مکاتب اقتصادی اروپا، راه نجات ایران را در روی‌آوری به علم، بهره‌گیری از تجارب موفق کشورها، ارتباطات بین‌المللی، کار و تلاش، و حاکمیت دیدگاه‌های توسعه‌ی دانش، بی‌شک او در خاطره‌ها زنده و در تاریخ بزرگان اقتصاد و منادیان توسعه‌ی ایران و آذربایجان نامش

و سازمان‌های ملی تصویب و اجرایی شود. دکتر صدری می‌گفت، راه نجات اقتصاد ایران کار و تلاش، و تولید محصولات کیفی و خدمات مرغوب و راه‌یابی به بازارهای جهانی و کسب درآمدهای ارزی و انتقال فناوری‌ها برای کمک به تولید و اشتغال به داخل کشور است. وی صادرات و مالیات را مثل علمای اقتصاد سکوی توسعه کشور می‌دانست و معتقد بود که تولید و اقتصاد کشور باید توان و قابلیت‌های رقابتی را در بازارهای منطقه‌ای و جهانی داشته باشد و علاوه بر آن زیرساخت‌های لازم نیز در کنار این عوامل ایجاد شود. عاشق توسعه‌ی دیار خود آذربایجان هم بود و در اوایل انقلاب به مدیریت شهرداری تبریز، بازرگانی و اتاق تبریز هم روی آورد ولی نبود اندیشه‌ی توسعه و حاکم نبودن جریان علمی در این نهادها وی را رنج می‌داد و خود را به مراکز علمی و رسانه‌ای سوق می‌داد و یادداشت‌های اقتصادی او در دهه‌ی ۶۰ زینت‌بخش روزنامه اطلاعات می‌شد و دانشجویانش می‌توانند از لابلای این یادداشت‌ها و همچنین سخنرانی‌های او در همایش‌های ملی توسعه صادرات و نشست‌های متعدد اقتصادی با صاحبان اندیشه و تصمیم‌گیرندگان به نوشتن کتابی از دیدگاه‌های این اقتصاددان مردمی که دغدغه مردم، ایران و اقتصادش را داشت مبادرت کنند. مطمئنم در کتب مستندی که اتاق تجار تبریز با عنوان تاریخ صنعت تبریز و بزرگان اقتصادی در دست آماده دارد فصلی مهم به آثار و خدمات مرحوم صدری اختصاص خواهد یافت تا نسل آینده در الگوگیری برای ساختن ایرانی آباد و آزاد و پیشرفته دیدگاه‌های علمی‌اش را ببینند، الگو بگیرند و در عملی کردن آن بکوشند.

عواقب مداخلاتشان را ندارند، اولین مداخله در اقتصاد با نیت خیر و با قصد کمک به افراد جامعه، به رشته‌ای از مداخلات منجر می‌شود که در نهایت وضعیت فرد و جامعه را به مراتب از وضعیت قبیل از مداخله بدتر می‌کند. هایک کتاب «راه بردگی» را برای توضیح همین مسئله در سال ۱۹۴۴ م نوشت. کتابی که به سرعت در بریتانیا و ایالات متحده پرفروش شد. او در سال ۱۹۴۵ م مقاله‌ی مهم استفاده‌ی دانش در جامعه را نوشت و در سال ۱۹۵۰ م از مدرسه‌ی اقتصاد لندن (LSE) به دانشگاه شیکاگو نقل مکان کرد. در آنجا کتاب سه جلدی «قانون، قانون‌گذاری و آزادی» را نوشت و در سال ۱۹۷۴ برنده‌ی جایزه‌ی نوبل اقتصاد شد. در واقع، در نتیجه‌ی این جایزه بود که مکتب اتریش احیا شد.

کشور اتریش که ۹ میلیون نفر جمعیت و ۸۴ هزار کیلومتر وسعت دارد با بهره‌گیری از همین نظرات اقتصادی، چهاردهمین اقتصاد جهان را دارا شده است.

خلاصه دکتر صدری که به زبان‌های آلمانی و انگلیسی نیز مسلط بود دیدگاه‌های مکتب اقتصادی اتریشی را می‌خواست وارد اقتصاد ایران کند. سخنرانی‌ها و مقالات علمی او نیز تاثیر این مکتب را نشان می‌دهد.

در بیش از ده دوره دبیر علمی همایش ملی توسعه صادرات اتاق تجار تبریز بود و سخنرانی‌های آغازین و پایانی و تحلیل‌ها و جمع‌بندی‌ها را در پیش تصمیم‌گیرندگان و بزرگان اقتصادی و بازرگانی ایران انجام می‌داد.

تلاش‌های مرحوم صدری موجب شد که بخشی از قطعنامه‌های همایش‌های ملی توسعه صادرات غیر نفتی تبریز به‌عنوان قوانین صادراتی از سوی وزارتخانه‌ها





ویژه‌نامه بیست و هفتمین همایش ملی توسعه صادرات غیرنفتی - آذر ۱۴۰۲
 نشریه اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تبریز



ویژه نامه بیست و هفتمین همایش ملی توسعه صادرات غیرنفتی - آذر ۱۴۰۲
نشریه اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تبریز



شتاب صادرات از اینجا آغاز می شود

مرکز شتاب تبریز

Tabriz Acceleration Center



+98 41 9100 1050

تبریز، خ بهشتی، نبش مدرس، ساختمان روشن پلاک ۲۱۰

www.ESHTADGROUP.com



گروه صنعتی اشتاد

ESHTAD
Industrial Group

آب | برق | ساختمان | معدن | فولاد
نفت و گاز | بازرگانی | کشت و صنعت



SAYA ESHTAD



PETRO ESHTAD



Sabz Eshtad